

۴-۴۱
سال چهارم
بهمن و اسفند ۱۳۶۹
صفحه ۱۰۸
ریال ۵۰۰



فستیوال تئاتر فجر

سراسری تئاتر فجر تهران - ۳۰ - ۲۴ بهمن ۱۳۶۹

THE 9th. FADJR THEATRE FEST

Ministry of Culture and Islamic Guidance
The Center of Dramatic Arts
(C.D.A)



دیدار هنرمندان تئاتر با
ریاست جمهوری

گفتگو با عکاسان برگزیده

نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
جشنواره جشنواره‌ها

۳۰ - ۲۴ بهمن ۱۳۶۹

سمینار بررسی تئاتر امروز و جلسات نقد و بررسی نمایشها
سالن شماره ۲ تئاتر شهر



نمایش

نشریه ای از: انجمن نمایش - مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نشانی: خیابان حافظ خیابان رفیع - تالار وحدت مجله نمایش
تلفن: ۵-۱۷۵۱۰۱ سردبیری: ۶۷۷۲۶۹



بسم الله الرحمن الرحيم

درفر هنگ انقلاب ، بهمن ییادآوریا شکوهرترین ایام سال است . ماهی است که با حماسه و پیروزی قرین است . با فرارسیدن بهمن و دهه مبارکه فجر ، جشنواره تئاتر فجر نیز از راه می رسد . در این نوشتار کوتاه و بیژ گی های نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را بر می شماریم :

۱- ایجاد انضباط و برنامه ریزی به منظور فراهم آوردن تسهیلات لازم - برای تماشاگران .

۲- حضور هنرمندان حرفه ای تئاتر

۳- تفکیک سه بخش " جشنواره جشنواره ها " ، " ویژه " و " جنبی " و حضور قریب ۵۰۰ هنرمند تئاتر در جشنواره .

۴- حضور دانشجویان تئاتر بعنوان راهنمای فرهنگی - هنری در تالارهای نمایش .

۵- بهره برداری همزمان از ۱۷ سالن نمایش دولتی و غیردولتی

۶- تغییر تاریخ برگزاری جشنواره

۷- حضور فعال کانون منتقدین تئاتر

۸- ایجاد فضای آموزشی مناسب بابرگزاری سمینارها و نمایشگاه های گوناگون

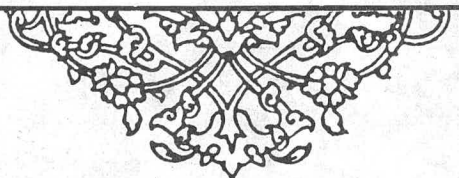
۹- و ...

پیرامون هر یک از ویژگی های فوق در صفحات بعدی گزارش های تکمیلی ، بررسی های لازم و نقد و بررسی آثار به تفصیل مطرح شده است . آنچه برای یادآوری باقی می ماند اشاره ای است به کاستی ها ، که بایده مرور برای آن راه حل پیدا کرد .

گفتنی دیگر این که در جشنواره نهم ، تعالی تئاتر شهرستان قابل رویت بود . اگر چه بعضی ها به عمد و یا به سهو نمی خواهند این پیشرفت را ببینند ، ولی جدای از این فراموشی ، تماشاگران و هنرمندان از جشنواره در مجموع اظهار رضایت می کردند . محتوای آثار ، کیفیت تولیدات و دهها برنامه و اقدام در طول برپایی جشنواره نشان داد که هم شور و شوق زاید الوصفی در صحنه های تئاتر کشور در جریان است و هم برنامه هار و زبه روز مسیر ارتقا ، را طی می کند .

دربایان ایام خجسته فجر و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی رابه همه هنرمندان تئاتر تبریک می گوئیم و از کلیه کسانی که به نحوی بایاری خویش جشنواره نهم را پر بار ساختند سپاسگزاریم و قدردانی می کنیم .

والسلام - علی منتظری



سر مقاله

| | |
|-----|--|
| ۲ | دیدار هنرمندان تئاتر با ریاست جمهوری |
| ۶ | معرفی نمایش های نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر |
| ۱۳ | تئاتر در دهه فجر |
| ۱۴ | نقد نمایش های جشنواره |
| ۳۲ | هنرمندان زن در نهمین جشنواره تئاتر فجر |
| ۳۶ | گفتگو |
| ۴۰ | نویسنده و کارگردان های شهرستانی از تئاتر می گویند |
| ۴۶ | مصاحبه با دبیر جشنواره اوبینیون |
| ۴۸ | سخنرانی آقای هراتی نماینده مجلس شورای اسلامی در جشنواره |
| ۵۲ | گفتگو با مسئولین تالارهای نمایشی |
| ۵۶ | گزارش نمایشگاه عروسک های ژاپنی |
| | متن سخنرانی سرپرست مرکز هنرهای نمایشی در افتتاح نمایشگاه |
| ۵۷ | عروسک های ژاپنی |
| ۵۸ | مسابقه سراسری عکاسی تئاتر |
| ۹۱ | گفتگو با عکاسان برگزیده |
| ۶۶ | گفتگو با داوران مسابقه عکاسی |
| ۷۰ | مراسم اختتامیه جشنواره تئاتر |
| ۷۴ | سمینار مسئولین انجمن های نمایش |
| ۷۶ | جشنواره استانی و منطقه ای تئاتر در یک نگاه |
| ۸۲ | جشنواره و تماشاگران |
| ۸۴ | مطبوعات و تئاتر |
| ۸۸ | رویدادهای تئاتری |
| ۹۱ | تئاتر شهرستان |
| ۹۲ | معرفی مدارس تئاتری جهان |
| ۹۶ | سمینار تئاتر امریکای لاتین قسمت دوم |
| ۹۹ | معرفی مطبوعات تئاتری جهان |
| ۱۰۰ | اولیور گلداسمیت |

سردبیر: علی فتح الله زاده

برگردانی: حسین فرخی

مسئول فنی: منوچهر منو صفاوارا ، طاهره مهرآر

حرکتی: مجله نمایش - استوگرانی: طوس

چاپ و صحافی: سعید نو

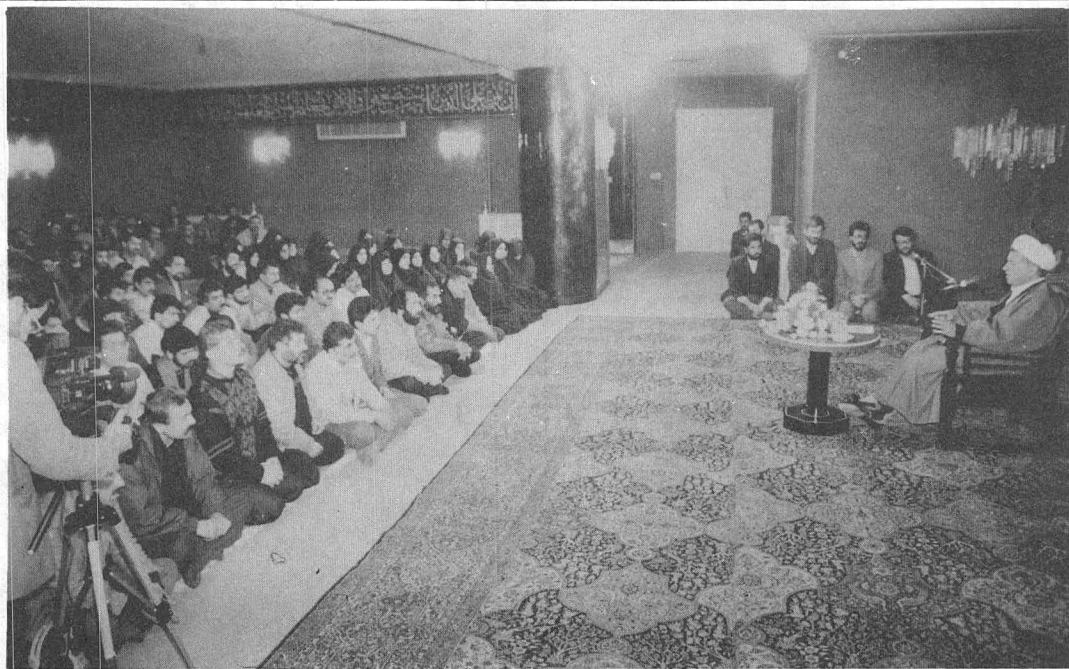
مقالات نشریه از انظار مرکز هنرهای نمایشی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است . نقل مطالب و عکس با ذکر نام خدا آزاد است .

"نمایش" در چاپ و ویرایش مقالات و مطالب وارد و مختار است .

مقالات رسیده به هیچ وجه مسترد نخواهد شد .

دیدار هنرمندان تئاتر با ریاست جمهوری



تئاتر و هنرهای نمایشی بایستی از این فرصت استفاده مناسب ببرند.

رئیس جمهوری با اشاره به شکست مارکسیسم، ادیان الهی، رافطری و عام‌ترین امر بشری خواند و گفت: "هنرمندان باید با استفاده از فطرت الهی خود، در این فضای پاک تنفس کنند و متعهد بشوند بدون شک در چنین حالتی هنر و هنرمند جهت دار قابل ارزش و احترام است."

سیاست جمهوری اسلامی ایران برای این است، از سرمایه‌ای که وجود انسانهای هنرمند برای تعالی بشریت است استفاده کند و علاوه بر این اگر هنرمند قدمدقربیت هم داشته و رضایت خداوند را جلب کند به مردم و آرمانه‌های خود نیز کمک خواهد کرد و مطمئن باشید در این صورت اسلام نظام مردم‌زاد حمایت خواهد کرد و در این فضا در برابر وجدان خود نیز می‌تواند دفاعی باشد."

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی تاکید کرد: "سیاست نظام تقویت حمایت از هنرمندان است و البته مابعد عنوان مسئولان حفظ دستاوردهای انقلاب، پاسدار ارزشها

نمی‌تواند ارزش هنرمندان را نگه‌داری و باید از این هنر در جهت خدمت به توده‌ها استفاده کنیم." رئیس جمهور در ادامه سخنانش افزود: "تعهد برای هنرمندان یک ضرورت است و هنرمندان نباید ارزش وجودی خود را وسیله‌ای برای امرار معاش تلقی کنند زیرا در این صورت با ذوق هنری منافات خواهد داشت و ارواح ظریفه که در وجود آنان اجلال نزول می‌کنند مطابق فطرت و در سطحی بالاتر از سطح زندگی مادی قرار دارد." آقای هاشمی رفسنجانی افزود:

"از ویژگیهای هنرمندان آنکه به مردم است و هنرمندان باید باورها و افکار عمومی و توده‌ها را مدنظر داشته باشد. هنرمند اگر خود را از مردم جدا کند در کار خود توفیقی نخواهد داشت، چرا که قضاوت توده‌ها مطمئن‌ترین مرجع تشخیص خواهد بود. یکی از ویژگی‌های جامع‌ها این است که ادبیات، شعارهای حاکم بر جامعه و مسیری که نظام انقلاب اسلامی طی می‌کند، با فطرت و خواست اکثریت مردم آمیخته است و چنین محیطی برای رشد هنری مکانی بسیار مناسب است و هنرمندان عزیز ما در همه رشته‌ها از جمله

حجت الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور روز یکشنبه ۲۰ بهمن ماه دیدار هنرمندان برگزیده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، حمایت مسئولان کشور از جامعه هنری را مورد تاکید قرار دادند. رئیس جمهور در سخنرانی خود گفت: "هنر و هنرمندان در آگاهی مردم و پیگیری اهداف انقلاب اسلامی می‌توانند نقش بسیار مهمی را ایفا کنند و دیدگاه‌های مسئولان کشور این است که از هنر بعنوان یکی از بهترین وسیله‌های رشد و تربیت مردم بایستی استفاده شود."

رئیس جمهور با اشاره به این که ذوق هنری و دیعه ای الهی است افزود: "شکری این نعمت این است که از ذوق هنری و نعمتی که خداوند به آنان اعطا کرده در جهت اصلاح جامعه و خدمت به همنوعان استفاده شود." آقای هاشمی رفسنجانی خاطر نشان ساخت: "به غیر از معدودی از مراکز قدرت جهانی که از هنر برای اغراض خاص و به زیان بشریت استفاده می‌کنند، هنر و هنرمندان در دنیا مورد توجه هستند زیرا کسی



و اما بعد...

فرصتی بدست نیامده بود تا گپ کوتاهی با هم داشته باشیم. مدام در انتظار رسیدن لحظه ای بودیم که بتوانیم این ارتباط را بوجود آوریم، راستش نمی دانیم از کجا شروع کنیم و با چه کلمه ای، همینقدر که خودمان هم احساس میکردیم نیاز شدیدی به این گفتگو وجود دارد. ویژه نامه مجله نمایش درباره جشنواره سراسری تئاتر فجر، بهانه ای شد که این ارتباط به وجود بیاید و امیدواریم که هر روز نیز بیشتر بشود.

حرف های زیادی برای گفتن داریم، بهمانند تا فرصتی دیگر از شیوه جدید مجله نمایش نحوه انتشار آن، فرم مجله، نوع ارتباط با خوانندگان، توزیع مجله و مسائل بی شمار دیگر.

باتوجه به حجم زیاد ویژه نامه بهمن ماه مجله نمایش فشار شدید کارهای فنی و بالاضحی امور چاپ در این ایام و در نهایت باتوجه به اینکه قرار است از فروردین ماه ۷۰ مجله نمایش را همراه خدمتتان بصورت منظم ارائه دهیم، ناگزیر، شماره های ۴۰ و ۴۱ مجله نمایش (بهمن و اسفند ۶۹) را درهم ادغام کردیم و امیدواریم مورد قبول خوانندگان مجله قرار بگیرد. برنامه های آتی را نیز در شماره فروردین مجله خدمتتان تقدیم می کنیم.

از همکاری شما، از محبت ها و یاری شما عزیزان تشکر کرده و اعلام می داریم که مجله نمایش، متعلق به شماست. شما عزیزان نویسنده، مترجم، پژوهشگر، بازیگر، کارگردان و علاقمندان و دست اندرکاران هنرنمایش.

با آغوش باز خدمتتان را گرمی می داریم و در انتظار نظرات، انتقادات، پیشنهادات و نوشته های شما هستیم. انشاء الله در آینده بیشتر در این مورد سخن خواهیم گفت.

وطی کردن هنر در مسیر صحیح خواهیم بود.
ما از فعالیتها راضی هستیم ولی قانع نیستیم و فکر می کنیم شما هنرمندان تئاتر می توانید هنری متعهد و سالم راه دنیای اسلام عرضه کنید. ما معتقدیم راه اعتلای فرهنگی جامعه از طریق هنر سالم عبور می کند.

پیش از سخنرانی رئیس جمهور، آقای مهندس ابوالقاسم خوشرو معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارشی از تحول در تئاتر کشور و همچنین چگونگی برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را به استحضار رئیس جمهور رساند و از سوی هنرمندان تئاتر کشور آغاز سیزدهمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را به حضور ایشان تبریک گفت.

آقای خوشرو طی گزارش خود گفت: " در حال حاضر بیش از ۵ هزار نفر از هنرمندان حرفه ای و آماتور در سراسر کشور در انجمن های نمایش متشکل شده اند و امیدواریم با تخصیص اعتبار ۸۰۰ میلیون ریالی برای تحول و گسترش تئاتر در سال ۱۳۷۰ این رشته هنری تکامل بیشتری پیدا کند.

در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر ۱۵۰ هنرمند شهرستانی و ۳۸۵ هنرمند تهرانی شرکت دارند و برای صدهزار نفر با ۱۱۸۶ اجرا در ۱۷ تالار نمایشی برنامه اجرا کرده اند.

آقای خوشرو همچنین به موفقیت چندین گروه نمایشی ایران در کشورهای مختلف جهان از جمله فرانسه، آلمان، انگلستان، شوروی، پاکستان، تایوان، لهستان، و ایتالیا اشاره کرد و از ریاست جمهور و دولت و مجلس شورای اسلامی به خاطر توجه به تئاتر کشور سپاسگزاری کرد.

مهندس خوشرو در پایان با اشاره به برگزاری سمینار روسای انجمن نمایش کشور، سمینار بررسی تئاتر امروز، برگزاری نمایشگاه عروسکها ژاپنی، برگزاری نمایشگاه عکس مسابقه عکاسی تئاتر و دهها فعالیت انتشاراتی و ایجاد کانونگا تئاتر، از رئیس جمهور به خاطر عنايت و پذيرايی از میهمانان نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر مجدداً تشکر و سپاسگزاری کرد.

در این دیدار آقای علی منتظری سرپرست مرکز هنرهای نمایشی و دبیر جشنواره تئاتر

فجر حضور داشت.



معرفی نمایش های نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

جشنواره جشنواره ها

ستاد جشنواره تئاتر فجر مشخمت نمایش های
گرفته مناطق ۴ گانه کشور جهت شرکت در -
نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر (جشنواره
جشنواره ها) رایه شرح ذیل اعلام کرد:

پر پرواز

نویسنده: پرویز عرب
کارگردان: " "
برگزیده منطقه یک کشور
بازیگران: عباس آمدی - داود کیوان - کمال میر -
کریمی .
خلاصه نمایش:

آقای خبازی پیرمرد نانوائی است که به دلیل
کهولت و از کار افتادگی در منزل بسر می برد و با تمام
توان سعی در حفظ خاطرات و آثار گذشته دارد ،
پسرش امیر که اینک مغازه پدر را اداره می کند
نقدی ای به خانه می آورد ، نقشه در رابطه با
ماشینی کردن تنور نانوائی است خبازی
مخالفت می کند و بیش از پیش در پیله تنهایی
خود فرو می رود تا جایی که بر اثر سکه قلبی می -
میرد و امیر به اتفاق مادر همگام با مردم به
استقبال آزاده ای از اهالی محل می رود ...



حکایتی ساده

نویسنده و کار: محمد هادی نامور
برگزیده منطقه ۳ کشور از گرگان
کار گروه تئاتر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی گرگان
بازیگران: علیرضا پورمحمد - ایرج گوشت چی -
داود سعیدی - ابوالقاسم جلالی - علیرضا درویش
نژاد - وجیه مصدق - یحیی ایرانی - سوسن
آقارجبی - مهین مسعودی - محمد کاوه .
دستیار کارگردان: الهه قلی نظری
خلاصه نمایش:

آقای یگانه سکه می کند و زمینگیری می شود . پسر
او در کشاکش وظیفه پدر و فرزند و منافع شخصی
سرگردانند . آنان می خواهند خانه پدری را تخریب
کنند و یک پاساژ چند طبقه بسازند ...
نمایش بعد از حوادث کوچک و بزرگ سرانجام
با صدای مهیب بلدوزرها و مرگ پدر تمام می شود .



دلی بای وآهو

نویسنده: عباس معروفی
کارگردان: جواد کبود آهنگی
برگزیده منطقه دو کشور از همدان

بازیگران: اسماعیل عمید - فاطمه پهلوان -
رفیقه رهبر - فاطمه نظیری - مریم خالقی -
محمد رضا قربانی - عباس آذری - کیانوش
بهروز پور - زهره رفیعیان - مرجان میرابیان -
زهرابنی مغر - محمد بهاری - حسین نادری -
رجب حمیدی - کیوان منصور زیادی .
خلاصه نمایش:

مراسم عروسی دلی بای وآهو است . همه منتظر
داماد (دلی بای) هستند . نیامدن داماد
موجب نگرانی می شود . جستجو جهت یافتن
داماد آغاز می شود اشری از او نیست . در پایان
لباس خونین (دلی بای) داماد پیدا شده
و جستجوی مجدد برای علل قتل وی آغاز می شود -
ولی قاتل به خانه پدر مقتول پناهنده شده
است .



شورآساران

نویسنده و کار: هواس پلوتک
کار گروه تئاتر پارسا وابسته به اداره کل فرهنگ
و ارشاد اسلامی باختران
برگزیده منطقه دو کشور
بازیگران: ابراهیم سعدالهی - عبدالحمید



از دست داده است و با چاه از دردهایش سخن می‌گوید. در پایان نمایش سرخوددل آشوب در خجال خانه‌اش پیدامی‌شود و...

نمایش عمق فاجعه بمباران جنگریاییان می‌کند نمایش از عناصر سمبلیک فراوان همچون آئینه و چاه بهره‌گرفته است تا بتواند وضعیت بحرانی روزهای جنگ تحمیلی را به‌مانشان دهد.



بار دیگر باران

نویسنده: فرهاد پاك سرشت
کارگردان: رضامیرمعنوی
برگزیده منطقه چهار از فومن
بازیگران: مهدی آقا جانی - فرهاد پاك سرشت
گوهر محمودی - عدالاء عشق - پیرست، ناهید دادخواه
رضامیرمعنوی - حسن ذره بین - سیداحمد تقوی -
بهروز انشیه - غلام یزدانی - رقیه جاوید - مریم
قلی‌پور - زهرار فیعی



سعدیدرپرور - سروش پرور - راحله رفیعی - اشرف
عطاریان - جواد صوفی - مهدی شهودی - کاظم
حسینی - حسن رضایی - حسن حشمتی - حسن
رمضانی - رضالشگری - برات الله صفاری -
حسین وحدتی
خلامه نمایش:
ماه منیر بهر سم سنتی با سهراب پسرعموی
خود در کودکی نامزد می‌شود. سال‌های گذشت، به
علت عدم علاقه بین هر دو درگیری بین دو خانواده
درمی‌گیرد تا آنجا که ماه منیر ایلانی علیه‌عموی
خود ایتادگی می‌کند و او را با گلوله‌ای از پای در-
می‌آورد. سنت شکنی تم اصلی نمایش شقایق دره
می‌باشد.



دل آشوب

کار گروه تئاتر انجمن نمایش تیریز اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی
برگزیده منطقه یک کشور از تبریز
نویسنده و کار: اسدصادقی
بازیگران: محمود قبه‌زبین - شریا خلیل زاده -
علی واثق ملکی - به‌نوش اخی - پرویز قزوینی -
علی کوهپایه - محمود اخی - سعید ولیزاده - دارا -
علی آبادی - حمید اسماعیلی - محمد خلیل زاده -
مرتضی رفیعی
خلامه نمایش:
نمایش تکرار خاطرات مردی است بنام دل آشوب
در بمباران‌های هوایی دشمن. دل آشوب با
عروسک‌های بی سرخود به گفتگو با چاه دل خوش
می‌دارد. دل آشوب دختر خود را در بمباران دشمن

جلیلیان - هدایت حیدری - فریدون خدادادی
غلامرضا مرادی - ماشاء الله وروائی - فریدین
عبدالمالکی - نیلوفر شایسته - سعدالله طیار
حجت الله مرجانیان - ایرج مرجانیان - عباس
کاظمی - دانش کریمی - عفت بستار - سیروس
سپهری - پروین دکرانی - سالار امید - حبیب
صالحی - باقر شکوهی - محمدی عمیدی - علی
اکبر قنبری - احمد صدرالاسلامی - فریبا امیری -
زهره عباسی - حمید رضا ویسی - بهرام مهدویان -
حمید رضا غفاری
خلامه نمایش:

بلوران پسر بزرگ قبیله برای ایجاد وحدت بین
قبیله خود و قبیله شادانی‌ها که دشمنی دیرینه
دارند دختری از قبیله به زنی می‌گیرد. همزمان
با ورود عروس به قبیله شوهر اقلیت
باغ دار که هجوم اگرملوچ را فتنی برای باغ‌های
خود میداند پیشین‌ها در درگذشته بد قدمی عروس را
عامل هجوم ملخ‌های دانند. سرانجام بلوران با
تنی چند از جوانان قبیله به چشمه آبساران رفته
تا مراسم خاص را اجرا کنند که اشرار از غیبت وی -
استفاده کرده عروس را به قتل می‌رسانند تا به
دشمنی دیرینه بین دو قبیله دامن بزنند و...

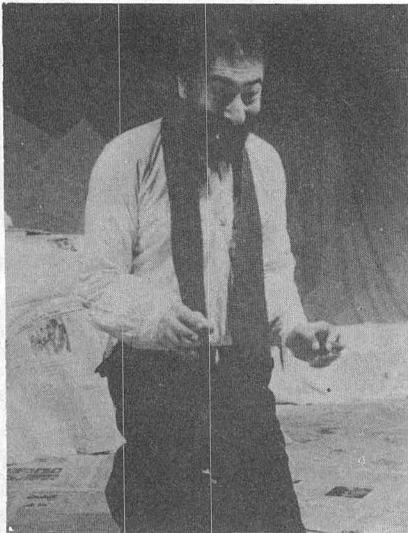


شقایق دره

نویسنده: علی آزادنی
کارگردان: ...
برگزیده منطقه یک کشور از مشهد
بازیگران: خسرو نایی فرد - علیرضا سوزنجی
امیر لشگری - غلامرضا بابیان - سپیده
پرور - فاطمه رضائی علی جوانمرد - محمدرخی
تقی هاجری - غلامحسین نوروزی - رضا سنایی -

بخش ویژه

بایل سرگشته



آن رویاها و واقعیت های تلخ و زشت به زندگی خود ادامه می دهد. ادامه این زندگی با این شکل اکسانس را در آخر به جنون کشانده و روانسسه تیمارستان می کند.

زیباترین گلهای قالی

نویسنده : امیردژاکام
کارگردان : * * *
محل اجرا : سالن اصلی تئاتر شهر



بازیگران : هوشنگ هیباوند - ماهدخت اردلان - سعیدذهنی - آرش سیف زاده - علیرضا حنیفی -



یادداشت های روزانه يك ديوانه

نویسنده : نیکلای گوکول
کارگردان : حسین عاطفی
مترجم : داریوش مودبیان
بازیگران : جمال اجلالی
محل اجرا : خانه نمایش
خلاصه نمایش : نمایش سرگذشت مردی است بنام اکسانس ایوانویچ که کارمند دون پایسه می باشد و روزهایی از زندگی او و مشکلات اجتماعی و غیره که اکسانس با آن درگیر بوده و همچنین رویاهایی که برای زندگی خود متصور می شود و با

قاب بی تصویر

نویسنده و کار : علی نقی رزاقی
کار گروه : آزادشیراز اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

بازیگران : دیدار رزاقی - محمدرضا نیت
خلاصه نمایش : دختر (نگین) در انتظار بزرگش نامزدش (فرهاد) که در اسارت بسر می برد، درگیر ذهنیات و مرور به گذشته های دور و نزدیک است. در آتش اشتیاقی به دوراز - تنبیهات دنیوی زندگی می کند، و در این کشاکش آنچنان تخیل و واقعیت به یکدیگر نزدیک می شوند که ۱۰۰۰ اما با این حال واقعیت به شکلی ملموس خود را می شناساند.



به گزارش ستاد جشنواره در بخش های دیگر جشنواره تئاتر نیز نمایش هایی در دو قسمت جنبی ویژه به روی صحنه خواهد رفت ●



سپیده مظفری - فاطمه جعفری - الیزا اورامی -
امیر دژاکام - نسرین مزدهی نیا - رویا بحیرایی -
ساغر داراب نیا -
خلاصه نمایش : مادری بنام رخسار قمه زندگی
خود را برای پسرش (یوسف) حکایت می کند . از
اینجابه بعد ما وارد زندگی آنها می شویم . وی دوران
 جوانی خود و همسرش (یوسف) را که در یک
کارگاه گذشته است به یاد می آورد .

تراژدی اسفندیار

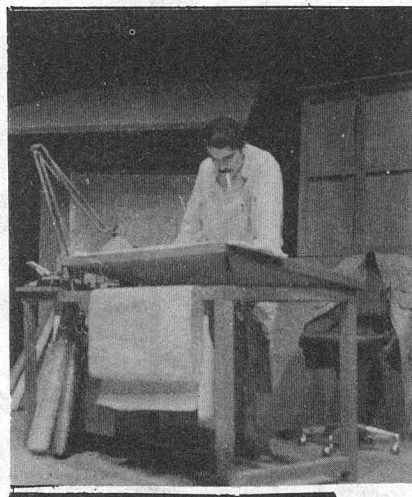
نویسنده : علی چراغی
کارگردان : حسین فرخی
بازیگران : سید بابا - حسین بقال لاله -
حسین رجایی دوست - حمید ارپاشی حسنی -
جعفر کشمیری - علی وطن دوست - مصطفی
سرایبی - غلامحسین رهبر - شیخی - عباس میر
قائد - احمد مومنی - غلامرضا عباسی - کورش
نریمانی - اسماعیل مرسلی - بهروز مرسلی -
مهناز کریمی - زهره عابدی ، شهریار شمس -
محل اجرا : تالار وحدت
خلاصه نمایش : نمایش مربوط به داستان
رستم و اسفندیار برگرفته از شاهنامه فردوسی
است . گشتاسب در پی قدرت طلبی های خود
علاقه شدیده قدرت ، حاضر به کشتن اسفندیار
فرزند خود می شود .



حکایت شهرسنگی

نویسنده : عبدالحی شماسی
کارگردان : پروانه مزده
بازیگران : بهرام ابراهیمی - بهادر ابراهیمی -

مینا صامی - فرهاد شریفی - احمد کاویان - علی
گوهری - مهری مهرنیا -
محل اجرا : سالن چهارسو
خلاصه نمایش :
حکایت شهرسنگی در برابر یاس و حرمان انسان
مضطرب معاشرت که در دام حلقه تکرار و
بیهوده ای گرفتار است .



مجلس تقلید هفت خوان رستم

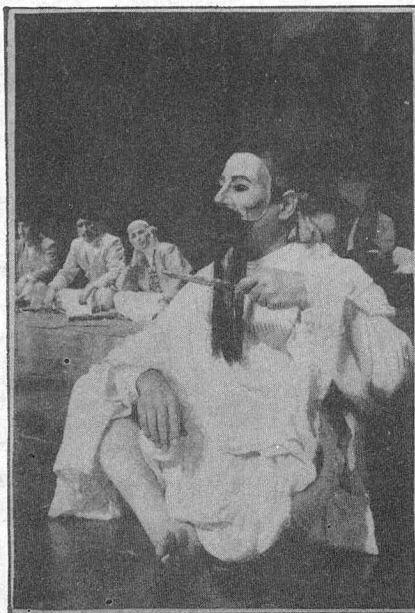
نویسنده : آتیلایسیانی
کارگردان : " " -
بازیگران : قاسم زارع ، حسین عاطفی - فاطمه
نقوی - حسن زارعی - ستاره پسیانی - رضا فیاضی
علی نوتاش - مهدی میامی -



محل اجرا : سالن چهارسو
خلاصه نمایش : گروهی تقلیدچی (بازیگر)
قطعه هفت خوان از شاهنامه حکیم ابوالقاسم
فردوسی را به تصویر می کشند ، خوانهای اول -
جنگاوری رستم را می نمایند و هرچه به پایسان
نزدیک می شود خرد رستم را می طلبد رستم سر -
بلند از پس خوانها بر می آید و به پالودگی می رسد .

سی مرغ ، سیمرغ

نویسنده : قطب الدین مادی
کارگردان : " " -
بازیگران : میکائیل شهرستانی - کریم اکبری
مبارکه - بهروز رضوی - سیاوش چراغی پور -
ناهید مسلمی مریم کاظمی - عباس توفیقی -
جهانبخش لك - هوشمند هنر کار محمد آقامحمدی
رضاعطاران - ژاله شعاری - یوسف حبیبی -
مهرام مدیری - اسماعیل بختیاری -
محل اجرا : سالن اصلی تئاتر شهر
خلاصه نمایش : سی مرغ ، سیمرغ برداشتی است
آزاد از منطق الطیر عطار و حکایت سفر مرغان
جهان است در جستجوی شهریار خود " سیمرغ "
پس از بحث و عذر و گفتگوی بسیار و توافق اکثریت
مرغان به راه می افتند ، سختی هاراپشت سر
گذاشته و عاقبت از هفت وادی می گذرند و سرانجام
به بارگاه سیمرغ می رسند ولی کسی را جز خود
نمی بینند آنان خود را یافته اند و سیمرغ کسی جز
خود آنان نیست .





شعب سيب زمينی

نویسنده و کارگردان : جمشید جهانزاده
بازیگران : حسین سرشار - فرزانه نشاط خواه -
جمشید جهانزاده کامران فیوضات - باقر
کریبپور - مهناز رشیدی - مریم لشکری - داریوش
رضوانی - زهره اسدیگی - مهدی محمودزاده -
رضا هوشیار - کامران بهزادی - حسین عطار -
محل اجرا : تالار وحدت
خلاصه نمایش : يك کارمند بانک شب هنگام
موقع رفتن به خانه متوجه يك گونی سيب زمينی
بی صاحب در کوچه می شود تصمیم می گیرد آن را
بردارد . پیرزنی که آشغال جلوی در می گذارد او
را می بیند . بعد از ماجرای همه کوچه بیرون
می آیند . پای کلانتری و صاحب اصلی به میان
می آید .

اسفندیار

نویسنده و کارگردان : صادق هاتفی
بازیگران : صادق هاتفی ، مصطفی عبدالحی ،
محمد پورحسن ، نصرت طاهری شماع ، مرجان
گلچین ، دلدار گلچین .
داستان نمایش در مورد اسفندیار و حرکت او در
تاریخ در چهار برخورد او با زرتشت ، گشتاسب ،
رستم و مردم است . شکل اجرایی نمایش بر
پرده خوانی ، عروسک بازی ، نقاشی و تعزیه و
سایه بازی استوار است .

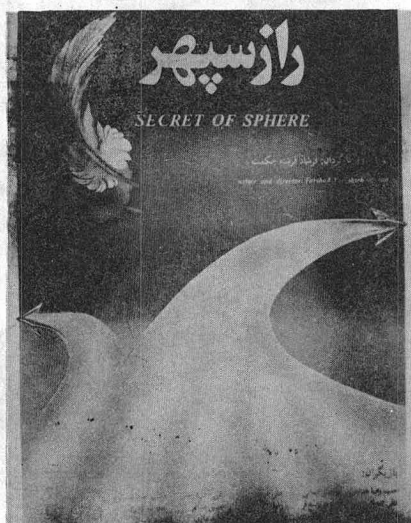
راز سپهر

نویسنده : فرشاد فرشته حکمت
کارگردان : " "

بازیگران : حمیدرضا هدایتی - علی عمرانسی
داوود ، شیخ - حسن رحیمی - تورج عطاری - مرتضی
ایمانی - محمود راسخ - فریدون امراقبی - شیلا
رشیدیان - عزیز محسنی - علی یازرلو - رفا
ایمانی - علیرضا مهدی نیا - مصطفی طالبی -
اصغر اسخی راد - علی اکبر درشتی - حسین
مسافر - مجید نیازی - حسن بخت آزما - حسین

۱۰ نمایش / سال چهارم / شماره ۴ / ۱۴۰

ثابتی - مهدی اصلان - عطاء الله قادری - وحید
فاسخی - احمد جولائی - علی خسروی -
محل اجرا : تالار وحدت
خلاصه نمایش : به زابلیان خبر می رسد خطری -
میری زابل و خاندان زال را دربر گرفته است -
اسفندیار به فرمان پدر به قمد دستیابی به تاج
و تخت برای به بند کشیدن رستم به زابل آمده
است تا اینکه در کشاکش نبرد این روئین تن
با قیل تنی زمینی سیمرغ را زروئین تن را بر رستم
آشکار می کند و اسفندیار به دست رستم کشته
می شود .



باز یاران

نویسنده : محمد حمزه مشیر
کارگردان : علی امیدوار
بازیگران : حسین رضازاده - فریدون امیدوار
محل اجرا : سالن شماره ۲ تئاتر شهر



آهوان و آدمها

نویسنده : هوشنگ اسدی
کارگردان : مریم معترف
بازیگران : حبیب الله دهقان نسب - فریبا
متخصص - سمیرا سینیایی - ندا فخوری - آرش -
ادیب زاده - محمد ابدی -
محل اجرا : سالن اصلی تئاتر شهر
خلاصه نمایش : افسانه ای است ترکمنی در قالب
يك عشق زمینی که در نهایت به عشق معنوی
و عرفانی کشیده می شود . فرهنگ و آداب و رسوم
ترکمنها در این اثر به نمایش در می آید .



کبودان و اسفندیار

نویسنده
کارگردان : سهراب سلیمی
بازیگران : هرمز هدایت - حمید مظفری - حمید
لیقوانی -
محل اجرا : سالن چهارسو
خلاصه نمایش : کبودان پسر روث ، پسر گیت
و همی است که بازش با فتم . او تر دید اسفندیار است
با اینکه در نامه شاعر توس هیچ کجانی از او به
میان نیامده است لیک من سایه اش راهمواره
در کنار پسر گشتاسب یافتم . جادوی سیمرغ مرگ
کبودان بود . پایان تردید شاهزاده روئینه تن

شیر تو شیر

نویسنده: پیر توماس

تنظیم: اصغری زاده - سمسارزاده

کارگردان: حسین قاسمی‌وند

بازیگران:

فاطمه دانش‌زاد - مینا مقدم - محسن قبادی - سروش خلیلی - اصغر سمسارزاده - امیر وطن‌زاد - غلامحسین بهمنیار خلاصه نمایش: آقای صبور و همسرش که تازه به‌دوران رسیده‌اند پس از اینکه به جاه و مقامی می‌رسند، به‌خاطر عقب نماندن از قافله تمدن جهت اینکه همسرش به گاو بازاری علاقمند است در ویلای خود به نگهداری گاو می‌پردازند که باعث دردرس همسایگان و دختر خانه می‌شود، تا جایی که دختر خانه مخفیانه برای فروش گاو در روزنامه آگهی می‌دهند و چند نفر برای خرید گاو مراجعه می‌کنند، از طرف دیگر توسط یکی از اقوام نزدیک خواستگاری برای دخترشان می‌آید که دختر خانه او را بجای مشتری گاو می‌گیرد و این برخوردها ماجراهای طنز گونه بوجود می‌آورد و در پایان زن آقای صبور متوجه می‌شود که ویلای مسکونی جای نگهداری گاو نیست. گاو را می‌فروشد و به خواستگاری دختر خود جواب مثبت می‌دهد که پایان نمایش است.

کا کا سیاه

نویسنده و کارگردان: سعید خاکسار

بازیگران:

اردشیر صالح‌پور - سعید خاکسار - علیرضا شاگردی - امین عنایتی - سوزان عزیزی - سهیلا عزیزی - ژاله صامتی خلاصه نمایش: غلام بیچاره در حال بازی روی صحنه خبر مرگ پدرش را دریافت می‌کند. او از سالن خارج می‌شود تا خود را به پدر برساند، در راه توسط پلیس دستگیر می‌شود و او را دیوانه می‌بندارند، او در بازداشتگاه کلانتری گذشته در دبار خود را می‌رسد می‌کند، او در کودکی توسط پدرش تنبیه شده تا روزی هنرپیشه شود، فی الواقع جای پدرش را پر کند. پدرش سیاه‌بازی بیش نبوده است.

عیالوار

نویسنده و کارگردان: منوچهر پوراحمد

بازیگران:

نعمت‌اله گرجی - سعید محقق - ناصر گیتی‌جاه - نیلوفر نوربخش - حسین رنگی‌وند - منوچهر پوراحمد - محمد ورشوچی خلاصه نمایش: نمایش عیالوار تمثیلی است از حرکت بعضی از تجار محتکر و فرصت‌طلب که در هر شرایط اجتماعی و سیاسی فقط به منافع خود فکر می‌کنند، و سعی دارند از آب گل آلود ماهی بگیرند، که البته هوشیاری مأمورین و مسئولین همیشه باعث از هم‌باشیدگی زندگی کاری این افراد می‌شود. زندگی آقای زردوست که شخصیت اصلی است و

نمایشهای بخش جنبی

حاکم یکشنبه

نویسنده و کارگردان: هادی اسلامی

بازیگران:

اصغر سمعی - سعید نورالهی - محمد یگانه - علی فتحعلی - عباس توفیقی - مجید فروغی - کامران علی فیوضات - محمود صحرایی - نسترن یوساک - همایون بذالی - عیسی رزم‌جو - ملاباشی - اصغر ادیب‌زاده - علی اصغر جعفری خلاصه نمایش: حاکمی در جنگل گم می‌شود نگهبانان طی گشت اشتباهی یک روستایی را بجای حاکم پیدا می‌کنند و به بارگاه می‌آورند، بهادر نمی‌خواهد بپذیرد که حاکم است و اظهار می‌دارد که حاکم نیست ولی کسی زیر بار نمی‌رود. حاکم روستایی در بارگاه تمام قراردادهای تجاری اسارت‌بار را ملغی اعلام می‌کند، در این فاصله حاکم اصلی پیدا می‌شود، و همین امر باعث دوگانگی در جمع درباریان می‌گردد، سرانجام مردم به پیروی از حاکم روستایی راه می‌افتند، سفیر دولت بیگانه را به همراه درباریان خود فروخته دستگیر کرده و به دست عدالت می‌سپارند.

چه عرض کنم؟

نویسنده و کارگردان: حسین عرفانی

بازیگران:

شهلا ناظریان - منوچهر والی‌زاده - کیومرث ملک‌مطیعی - رضا امیری - بهرام رند خلاصه نمایش: جواد پسر شهرستانی که برای کنکور به تهران آمده در منزل عموی خود که فوت کرده‌است می‌کند. - سرپرستی خانواده به عهده علی که با مادر و خواهرش خواستگاری بولداری من به اسم برزو در نظر گرفته که مریم راضی نیست و می‌خواهد با جواد ازدواج کند، جواد هم خیال ازدواج با مریم را دارد ولی چون آدم خجالتی می‌باشد نمی‌تواند این مسئله را با علی در میان بگذارد و به‌خاطر همین موضوع میان جواد و مریم بگرمگو ایجاد می‌شود و جواد تصمیم می‌گیرد به زادگاه خود برگردد، مریم هم که می‌خواهد به ازدواج برزور آید در صندوق جواد پنهان گشته و جواد ندانسته مریم را با خود می‌برد در میان راه جواد با دو نفر به نام رضا و دانی خود که از مهاجرین روستا به شهر می‌باشند برخورد می‌کند، رضا و دانی صندوق او را با خود به تنها مسافر خانه شهر می‌برند به خیال اینکه در صندوق مقدار زیادی پول هست و...

اسفندیار این نمایش به بررسی یک شب پیش از اسارت اسفندیار در گنبدان دژ می‌پردازد.



معرکه در معرکه

نویسنده: سید داود میرباقری

کارگردان: سیاوش طهمورث

بازیگران: سیاوش طهمورث - رضارویگری - سیروس گرجستانی - نادیا گلچین - شهره سلطانی.

محل اجرا: سالن چهارسو

خلاصه نمایش: در نمایش پهلوان و شاگردش - طبق معمول هر روز مشغول معرکه گیری هستند به‌ناگاه زنی وارد می‌شود و پهلوان را به بدنامی متهم می‌کند. پهلوان برای نجات زن از موقعیت فعلی اش در ناباوری شاگردش این مسئله را می‌پذیرد. اورا الوطی رقیب پهلوان فرستاده تا با زارکار اورا کساکند و... نهایتاً نمایش سعی نشان دادن درونیات انسانها دارد.





خرگوش باهوش و دکتر فلاپی.



کاری از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرج
نویسنده و کارگردان: لطفعلی توده فلاح
بازیگران:

عباس بهادری - محمد ده پهلوان - احمد ملکی -
مرجان امیراجمند

خلاصه نمایش: سه تا خرگوش در لانه خودشان به زندگی خوب و خوشی مشغولند که در این میان روباهی مکار تصمیم به شکار آنها می گیرد و در نقش های متفاوتی مثل همسایه، دوست و دکتر می خواهد آنها را به دام بیناندازد. اما با هوشیاری مادر خرگوش ها موفق نمی شود اما با ایجاد اختلاف بین خرگوش ها موفق می شود یکی از آنها را به دام بیناندازد... و بالاخره با دانش مادر، روباه به تله ای که خود برای آنها تدارک دیده است، می افتد.

قصه عمو راستگو
نویسنده و کارگردان: احمد ناطقی
بازیگران:

احمد ناطقی - رضا معطریان - منصور برات - اسماعیل امامی - مجید سعیدی - اصغر راد - محسن کلهری

خلاصه نمایش: فلفلی بچه ایست ضعیف النفس و از روی سادگی به طرق مختلف گول حرفهای شیطان و شاگردش وروجک را می خورد که با راهنمایی عمو راستگو و پدر و برادر و دوستانش و با یاری خدا به اشتباه خودش پی می برد و شیطان را از خودش دور می کند.

گرگ خسته
نویسنده: میرزا آقا عسگری
کارگردان: حسین لطیفی
بازیگران:

محمد خواجوی - مرجان محمدی - مهناز نیری - نغمه لنکرانی - پریسا بخت آور - آزاده انصاری
خلاصه نمایش: بره ای برای سردر آوردن از کارهای دنیا از گله دور می شود که با گرگی روبرو می شود و ...

محور داستان می باشد نمونه ای از این نوع زندگی است. زردوست که همسر اولش بچه دار نمی شود با زن جوانی ازدواج کرده که دارای دو فرزند شده است، محل کار زردوست مجاور منزلش می باشد به همین دلیل مشاجره دوزن همیشه به اصل محل کار او کشیده می شود. ناسازگاری دوزن گرفتاری کاری آقای زردوست توأماً از طنز جالبی برخوردار است.

شیخ صنعان
نویسنده: شیخ عطار
کارگردان: منوچهر یاری
بازیگران:

علالدین قاسمی - اکرم میرمحمدی - جمال قاسمی - احمد ابراهیمی - کاظم برمحمدی - سیدوحید رحیمی مقدم
خلاصه نمایش: شیخ صنعان که از مشایخ صوفیه است، دل به دختر تراسایی می بازد که در خواب بارها به شکل بت بر او ظاهر شده است. پند مریدان در شیخ بی اثر است شیخ به درخواست دختر، تن به خو کبانی و انکار خود می دهد. مریدان شیخ به ناگزیر روی به کعبه می آورند و در آنجا شیخ را متغیر می بینند، شیخ و مریدان عازم کعبه می شوند دختر ترسا که به خود آمده است بدنبال شیخ روان می شود و او مذهب می گیرد و سراجام از شوق وصل جان می بازد.

کمدی عشق
نویسنده و کارگردان: بهاءالدین صفری
بازیگران:



نویسنده و کارگردان: مجید افشار
بازیگران:

مجید افشار - بابک والی - افسانه ذاکری - محمود اوین - حسین گیتی - حبیب اوین - محمد تقی حسینی - عزت الله حمزه لوی
خلاصه نمایش: نمایش شاهین طلایی بازگو کننده ظلم و ستم زمان طاغوت می باشد. در این زمان فردی به نام مرمر مسگر با کلمات طنز گونه مقابل داروغه ایستاده و ...

حسین رضیانی - رضا عارفان - ایرج زحمانی - فرهاد نیکپور - الناز هادی - کامبیز صفری - محمود رضایی - رحیم ارمغان - امیر صالحی - غلامرضا رضیانی
خلاصه نمایش: این نمایش حکایتی است از زندگی عمو صادق نقاش که چگونگی شاگردش را از عشق زمینی به عشق خدایی می راند و در برابر ظلم و ستم سلطان ایستادگی می نماید.

بلورک و چشمه ونوس
نویسنده و کارگردان: حسن عظیمی
بازیگران:

سعدی افشار - حسن بلور - حامد تحصنی - شهین شهریار - حسن عظیمی - محسن افشار - رضا رضامندی - مجید فروغی - احمد محرابی - غلامحسین بابوته
خلاصه نمایش: این نمایش زندگی «خدایتا والس» سلطانیت ستمکار که بر مبنای نظر منجمین و اخترشناسان هر چه دختر خدا به او عنایت می کند فرمان قتل آنان را صادر می کند تا اینکه نوبت به بلورک می رسد و طی ماجراهائی نهایتاً خدیو به دست یک مرد جنگلی کشته می شود و بلورک زنده می ماند.

نوکر حقه باز
بر اساس نمایشنامه نیرنگ های اسکاین (مولیر)



در ایام مبارک دهه فجر مرکز هنرهای نمایشی با يك ابتكار جالب اقدام به اجرای نمایش های کوتاه و بازی های نمایشی در مراکز، کارخانجات و ارگانهای مختلف کرد. برای قدردانی از این اقدامات جدول کامل این اجراها را با هم بررسی می کنیم.

تئاتر در دهه فجر

| | | | | | | | | | | | | | |
|---|--|---|--|--|---|---|---|--|--|---|---|--|---|
| نمایش: عیالوار - کار منوچهر پور احمد - از ۱۳ تا ۲۱ بهمن ماه - سازمان برنامه و بودجه ایران خودرو | نمایش: شاهین طلایی - کار مجید افشار - از ۱۰ تا ۲۱ بهمن ماه - دبیرستان شهید محبوبه دانش - کارخانه بیسکویت گرجی - راهنمایی شهید رجائی - صنایع مس ایران - کارخانه صنایع فلزی ایران - دانشگاه علوم پزشکی شرکت ساسان - تئاتر ولیعصر بدر خواست روزنامه کیهان - تئاتر ولیعصر بدر خواست مرکز آمار - کارخانه هیدروفل - شرکت آبسال - نمایش: بخشش - کار حسن عظیمی - تاریخ ۱۰ بهمن ماه - سازمان برنامه و بودجه | نمایش: شب امتحان - کار کامبیز صفری - از ۱۳ تا ۲۰ بهمن ماه - دبیرستان ایثار "شاهد" هو: نیروز - دماوند - دبیرستان پیام آزادی - ایران ترانسپورت - بیمارستان اکبر آبادی - دبستان شاهد فیروز کوهی - وزارت سپاه | نمایش: عشق - کار کامبیز صفری - از ۲۰ تا ۲۱ بهمن ماه - کارخانه جوراب آسیا - وزارت کشاورزی | نمایش: مهاجرت - کار حسن رضیانی - از ۱۳ تا ۲۲ بهمن ماه - پارک شهر | نمایش: برنامه فکاهی - کار محمد نیک محمدی - از ۱۱ تا ۲۲ بهمن ماه - شهرداری منطقه ۱۵ راه آهن - زندان قصر - پارک شهر | نمایش: برنامه فکاهی و تقلید مدا - کارانصار قلی زاده - از ۱۴ تا ۲۱ بهمن ماه - دبستان ایثار گران - ایران خود رو - جزیره کیش | نمایش: برنامه فکاهی: کار عباس خسروی - تاریخ ۱۷ بهمن ماه - جزیره کیش | نمایش: برنامه فکاهی و تقلید مدا - کار عزت اله هوشمند - تاریخ ۱۶ بهمن ماه - جزیره کیش | نمایش: برنامه فکاهی - کار علی سلیمانی - تاریخ ۱۵ بهمن ماه - صنایع مس ایران | نمایش: بخت و اقبال - کار محمود عبیدی - از ۱۲ تا ۱۷ بهمن ماه - شرکت دوچرخ سازی ایران - شهرستان لوسان - بیمارستان لقمان - حکیم - اداره کل دارائی - دبستان باسکر - نمایش: میرزا عبدالطیف - کار محمود عبیدی | نمایش: شرکت منوچهر پور احمد - از ۱۳ تا ۲۰ بهمن ماه - شرکت صنایع فلزی ایران شرکت دو چرخ سازی ایران - پالایشگاه تهران | خطوط لوله - ساختمان مرکب - پالایشگاه تهران - پژوهش صنعت نمایش: برنامه فکاهی - کار رمضان تاجیک - از ۱۶ تا ۱۸ بهمن ماه - گمرک جمهوری اسلامی ایران - شرکت ایران پویا - وزارت راه و ترابری کارخانه الیاف ایران - کاخ سعد آباد بدر خواست قوه قضائیه - سپاه پاسداران - دانشکده پزشکی نمایش: بازبهای تفریحی - کار محسن آقا کریمی - از ۱۶ تا ۱۸ بهمن ماه - سرای سالمندان کهریزک - اداره کل امور دارایی | نمایش: من که باورم نمیشه - کار احمد مهدی - از ۱۷ تا ۱۸ بهمن ماه - دبستان ایثار - شاهد نمایش: برنامه فکاهی - کار احمد مهدی تاریخ ۱۴ بهمن ماه - بسیج سپاه پاسداران شترق نمایش: برنامه فکاهی - عزت اله فرید - از ۱۵ تا ۱۸ بهمن ماه - ژاندارمری جمهوری اسلامی - سازمان عقیدتی سیاسی شهربانی - شرکت دوچرخه و موتور سیکلت سازی ایران شرکت صنایع فلزی ایران - دبستان نور قائم نمایش: بازبهای نمایشی - کار بهروز کریمی - از ۱۳ تا ۲۰ بهمن ماه - حسینیه ارشداد پشتیبانی وزارت دفاع - وزارت امور دارائی - مدرسه ایثار شاهد - کمیته انقلاب اسلامی پشتیبانی وزارت دفاع - صنایع جنگ افزار اتکا - دبستان حامی - سازمان شیلان - کانون توحید - بنیاد شهید انقلاب اسلامی - شرکت الیاف - وزارت دفاع - وزارت کار - وزارت امور اقتصادی - مدرسه راهنمایی شهید رجائی - ایران پویا - وزارت دفاع - گمرک وزارت دارائی - پرسی گاز - بنیاد جانبازان شهربان - سازمان جغرافیا - شرکت ایرانا - شرکت ساسان - بنیاد مهاجرین جنگی - شیشه و گاز - کارتن ایران هنرستان حدید - دبیرستان شیخ صدوق - روزنامه کیهان - زمین شناسی - مدرسه شیخ بهائی - بانک کشاورزی - دبستان حامی - کارخانه بسته بندی - مدرسه شاهد - ایران ترانسفور - بهداشت ذوب فلزات - بانک کشاورزی - وزارت دارائی |
|---|--|---|--|--|---|---|---|--|--|---|---|--|---|

نگاهی به نمایشهای جشنواره

پدران زرگرما، چه راستین برشکاییشان روح بلند معرفت دمیده‌اند، نقش بست واکنش در میان لحظات خوب زمان ما، بآدیدن چون نشان هاز معشوق، همچون پروانه ای گرفتار در تنیده های عنکبوت، می‌تکنیم بال. مرز خیال به باد رسیده است، معشوق همین جاست برکنار ما، در گوشه ای از اطاقی نمود، به هیبت شمرکنار دوست، باطنین مدای عباس - در مدای خوش نقال، در صداقت لطیف هنر زاهدان، بآبادی و آبی و خاکی و همزمان با آسمانی صاف و کبود.

در ستاد تبلیغات سپاه، بابوی خوش گلپش در هوای معطر شهرامفهان، در کنار خیابانی شلوغ - برکناری تالار و در آن عطر عرق - کار روزانه جمع به هنگامه دیدار جمال - در پهنه صحنه - بکنار - بانگاهی نه غریب، بدنی خسته ز راه - حرکاتی که ضرورت دارد، نفسش راستی حس وجودونه در پندارش، بلکه در کار عملش خلقت طنز - وره آورد گذر برکتش، بادغیب به کناری تلمون.

شب به روز آمد و شب در بر سوئی از چهار نه به پندار که در عین عمل، آنچه گفتم به عمل باز نشاند، در کنار آن مرد، دست بر تنگ نگاه دارنده سو، حلقه‌ای بر بنشاند، تاهر آنچه به وضوح دیده بدید، ثبت کند، که اگر خلط خیال

چه کسان خواهند رسید، آیا خواهیم رسید؟ من از این سفر به منظر شغل تئاتر می‌اندیشم و در ورای منظر خیال وجود او را دیده ام، و لسی نمی‌دانم تا چه اندازه با او فاصله ام را کم کرده باشم؟ کیمیاگر که کار تئاتر نیز نوعی کیمیاگری است، ترجیح می‌دهد تا با عنصر پاک طلاقیت کند تا هنر خود را بنمایاند که اگر برسد، تازه از راه کیمیا به مقابل نمی‌نشیند و زرگران راستین بر شغل خود، به نشانه‌های پدر، چکش بر قلم، براحثی توان زنده و نقش‌های راستین بر پیکر طلاقیت برزینت نهند.

در این دیار، طلا به وفور یافت می‌شود، و زرگران یزد، جای خود به کیمیاگران سپرده‌اند که باید چون این راه چون آن که بود باز پس رساند و از آن سکوی پرفرنه این سوکه روزماست جهید و در میان معرکه زمان، معرکه در معرکه ساخت.

ذهن جوان من، در بهارانی چند پیش معشوق شغلی خود را به پندار، دروازه هـا منقوش می‌نمود و تصویر این عشق، در خیال، مثلث تعزیه، سپاه، و مبارک را، بر بلندای مرز بیلاق و قشلاق‌های منطقه‌ای بر زمین، کـه

معرکه در معرکه

خواننده بودم از بزرگی، که تئاتر، ضرورت حرکت، و ضرورت حس است. دیگری بر تئاتر و همزادش سخن سرمی‌داد و آن دگر، که در میان اینها از نظر زمان می‌زیست، از بیوسکانیک صحبت می‌کرد. گذشتگان خانواده تئاتر، سرمشق یا سپاه مشق تئاتر بر نمایش‌های آئینی می‌دانستند و می‌دانند و دیگری از میان افراد اجدادی متن را ارجح می‌دانست.

زمان از گذشتگان دور یا دور آئین‌های اتصال شده، بابی میلی تئاتر بر تئاتر، خبر می‌دهد و نوآوران عصر جدید، سخن از پیرایش صحن، تئاتر بزبان می‌آورند. از تئاتری چیز تا فضای آزاد شده از آرایش دوران اشرانیت تئاتر، جملگی برای سخن هستند که عمل تئاتر دیدنی و سپس شنیدنی است.

از دور دست زمان که فاصله می‌گیریم و بر میان زمان خود باز می‌گردیم، خاطره شیرین دانش ما، از دیروز و امروز، مارا بر این می‌دارد، تا راوی روایت معشوق باشیم، معشوقی که هنوز، ما عاشقان آن نشده ایم یا. در راه فراآموزی موهبت عشق، ورزیدن، در تردید تردید، در صف آرزوئی دور، پرسه می‌زنیم و فراموش می‌کنیم که: آب در کوزه و ماتشنه لبان می‌گردیم. بیاد آوریم که روزی، راکه بر سفره خود آشامیدنی‌های گونه‌گون بمف نشسته اند و دل هوای آب زلال و بی غش را دارد.

انسان بهر طریق عاشق است و خوشاکسان که معشوق یافته اند و در طی طریق، سیروس لوک می‌کنند و در سوی رسیدن به وصال، از پستی‌ها و دشت، از قلل مرتفع عبور می‌کنند، کی می‌رسند،





سر سودائی داشت ، عکس باور به شهسادت بنشیند و من ساده خیال ، در مقابل معشوق در - نهان سوداگر ، نتوانم به وصال بارم ، دمی از دور به نمایی برسم و نم باور عشق ، خیسش ، خاک شقایق ها را بطراوت بکشد .

لحظه ای در بودن ، که نگاهی به وری ، که به وری ، در میان معرکه بود . عامل معرکه ، از وری شعری ، سخن عشق تنش را برزاند - او در این کار به تقلید ، به باور بنشست ، عاملی چند در این امر خیال ، معرکه در معرکه را برپا کرد و در آن سوی خیال و در این سو باور ، هر دو در تنگاتنگ ، صحنه را پر می کرد .

مرد ، زن ، پیرو جوان ، آموذمی کردند ، گره ها بر فکند و بر رفتند که باز ، دست تقدیر نمایش جفوه ها بر یکشید ، چهره ها بر بنماد ، عاقبت بسوزاند و بنا کرد همان ، بادهی نو و حیاتی پرنور .

از سرشوق ، جمعیت همگی ، نه بسانی که توان بازش گفت ، هیاتی بر ساختند ، جملگی یک تن و جان و هنر معنا شد و مرده هنگام خروج به به زمان پایان تابه فردای دگر در جمعی ، باز از سرشوق ، جمعیت همگی ، نه بسانی که توان بازش گفت ، هیاتی بر ساختند ، جملگی یک تن و جان و هنر معنا شد و مرده هنگام خروج به به زمان پایان تابه فردای دگر در جمعی ، باز بگشاید در ب ، تابه تن های دگر ، جان بخشد ، تن و جانی و یکدل که از آن باور ما بر این شد که در این معرکه ما معرکه گیران بنامی داریم .

دکتر محمود عزیزی

باز باران

" باز باران " نوشته محمد چرمشیر روایتی تکراری از انتظار " گودو " ی دیگر است . دو - کارمند بایگانی دفتر ثبت قبرستان که مسئول طبقه بندی پرونده های مرده ها هستند ، عمرشان را بگونه ای کسالت با رویکناخت در اتاق کارشان و در انتظار آرزوی خیالی تغییر شغل به سر می آورند . در زیر ریش مداوم باران همه چیز و از جمله این دو نفر نیز کم کشیده و پوسیده اند . خسته و پیریشان از این روزمرگی ، عمویی خیالی

را که قول تغییر شغل را به آنها می دهد ، برای خود می آفریند و تن به رویاها ، خاطرات و دلمشغولی های کاذب خویش می دهند . این دو نفر همانند مرده هایی که پرونده هایشان را بایگانی می کنند ، خونی زمرده اند و در اتاق کار کوچک شان (چونان قبری دوفره) مدفون گردیده و ۱۵ ساله را به بطالت ، یکنواختی و خستگی گذرانده اند . با فروپاشی آرزوها و رویاهای کاذب شان ، یکی از آنها چارچوب تنگ روزمرگی را می شکنند ، دریچه ای به بیرون می گشاید و به باران می زند . و دیگری همچنان تماشاچی باقی می ماند و به تماشا ی باران از پشت پنجره و خود گول زند - ادامه می دهد .

نمایشنامه ضعیف چرمشیر با اجرای ضعیف تر امیدوار ، نمایشی خسته کننده و بی جان را اثر می دهد . باران از یک سونمادی بر روزمرگی کسالت بار و پوسیدگی زندگی می شود (ریش ریش مداوم باران) و از سوی دیگر نمادی برای دگرگونی رهایی و شروعی تازه تر (به باران زند) و اما متأسفانه هم نمایشنامه نویسی و هم کارگردان در پرورش این نماد ناموفق اند و در نتیجه درمیخت آشفته گی ناشی از کاربرد دوگانه نماد باران سردر گم باقی می ماند .

صحنه پردازی ، نورپردازی ، موسیقی ، و بازی ها سطحی و ضعیف اند . صحنه نهایی (به باران زند و گریزی که از کارمندان) با شگرد حرکت آهسته در سینما کار شده است که چنگی به دل نمی زند و این تمامی حرفی است که در مورد این نمایشنامه می توان نوشت .

کیودان و اسفندیار

" کیودان و اسفندیار " نوشته آریان امیر - در بر دارنده خلاقیتی در کارکرد نمایشی با مقوله اسطوره است . امید در پرداختن به داستان اسفندیار تنها راوی بیطرف و خنثی باقی نمی ماند ، بلکه نگاه و برداشت ویژه خویش را نیز بر ترازوی اسفندیار در هم می آمیزد و اثری قابل توجه خلق می نماید . او مقطعی از حماسه اسفندیار را می گیرد ، او را در زندان گنبدان دژ و در گیر احساسات ، نگرانی ها ، دلمشغولی ها

و آرزوهای درونی خویش به نمایش می گذارد و بدین سان به کندوکاو در درون اسفندیار و شرایطی پیش از جامعه ای می پردازد که در نهایت قادر به تبیین چرایی و چگونگی شکل گیری یک تراژدی می توانست باشد .

" امید " در این نمایشنامه سعی می نماید تا بر خوردی انسانی ملموس و زمینی با اسطوره اسفندیار داشته باشد . او اسفندیار را از پوشش اسطوره ای و قهرمانی اش محروم می سازد ، او را در زندان با خودش تنها می گذارد و با درون خودش - (پیری و تنهایی) و بیارومی نمایش و بدین سان فرصت امکان رویارویی بی پرده با زندگی درونی او را فراهم می سازد . نمایشنامه نویسی در کوشش برای نمایش بهتر درون اسفندیار ، شخصیتی نوین را که به تمامی زاینده ذهن خودش است خلق می نماید که تبلور و تجلی تردید ، وهم و تزلزل های انسانی اسفندیار است . شخصیت کیودان بازتاب شخصیت درونی اسفندیار می گردد که در آنزوای زندان با او در درون دریده بستان قرار می گیرد .

این شگرد خود به زیبایی امکان خلق نمایشنامه ای بسیار قوی و حتی شاهکاری را فراهم می آورد که متأسفانه تا حدود بسیاری به هرز می رود و " امید " فرصت آن را نمی یابد تا به تمامی از ثمرات و امکانات بالقوه خلاقیت خویش بهره مند گردد . در مثلث " اسفندیار و پوشتن " تغییر مسیر می دهد و زیبایی نمایش شروع به افت می نماید . تنها لحظه هایی از رویاهای مشترک اسفندیار و کیودان برای رهایی از زندان و زندگی درهما و رز زیبایی خویش را حفظ می نمایند (صحنه سربس دامان کیودان گذاشتن اسفندیار و به خواب رفتن او) و حال آنکه در ژرفای رویاروی اسفندیار و کیودان می توانستیم شاهد زایش ها و زیبایی های بسیار باشیم .

نمایش در برقراری پیوندی دراماتیک (نمایشی) مابین زندگی و شخصیت بیرونی اسفندیار (که در رابطه اش با پوشتن نمایش داده می شود) و زندگی و شخصیت درونی اسفندیار (که در رویارویی اش با کیودان بازتاب بیرونی می یابد) موفقیت اندکی بدست می آورد و همین مساله ساختار دراماتیک نمایشنامه را دچار اختلال و ضعف می نماید . بهرحال نمایش در بر دارنده نوآوری و خلاقیتی در کاربرد نمایشی اسطوره ها و قهرمانان تاریخی و حماسی می باشد



شورآبسانان

نویسنده و کارگردان: هواس پلوك
نمایش برگزیده جشنواره تئاتر منطقه ۲ کشور

پلوك، نویسنده باخترانی، این بار هم فولکلور مناطق غرب ایران را دستمایه کار خود قرار داده است. اودراین نمایش اشاره دارد به آفت ملخ که باعث ازبین رفتن دسترنج زحمتکشان و کشاورزان می شود. در فرهنگ غرب آمده که چون ملخ به مزارع حمله کند مردم برای دفع آفت به چشمه سارانی که در کوههاست برای لرستان، بیجار و تابع قزوین است رفته و قدری از آب آن به محل می آورند، و معتقدند که چون آب این چشمه سارها را به محل آفت زده برسانند پرندگانی که به "اگرملوح" معروفند خود را به آنجا رسانده و همه ملخ ها را شکار می کنند، ناگفته نماند که "اگرملوح" چون به محل رسد خود نیز علاوه بر شکار ملخ به باغات میوه حمله کرده و باعث خساراتی می گردد. کسی که می خواهد آب چشمه را به محل آفت زده برساند هیچگاه نباید پشت سر خود رانگاه کند و یا اگر قبلا معیبتی کرده باشد عمل او (آوردن آب) در دفع مشکل فرجی نخواهد داشت. موضوع فی نفسه زیبا است، آفتی که چون به محل خوانده می شود خود به نوعی آفت مبدل می شود، و مسئله انتخاب بین مزارع و باغات که کدام را باید فدای دیگری کرد، و ایمن تحریر در انتخاب می تواند بازتاب تجربه های انسانی و قابل درک باشد، بشرط آنکه نویسنده با طرح موضوعاتی مثل عروس پسر (داران) و خونخواهی یاکینه ورزی بی مورد خانواده عروس و "شاران" و گروهی نوازنده که مرتباً و نه چندان هم به اقتضای جوحاکم بر صحنه سازهای خود را به صدا می آورند، به پرورش و رشد موضوع کمک می کرد. استفاده از موضوعات فرعی اشکال نیست بشرط آنکه موضوع اصلی راتحت الشعاع قرار ندهد و در جهت رشد و بالندگی آن وارد عمل نشود و در نهایت با موضوع اصلی بصورت بافتی منسجم و یکپارچه و یکدست جلوه گر شود.

ولی در نمایش شورآبسانان به هر موضوع تاجایی که امکان داشته بها، داده شده بدون آنکه ضرورت داشته باشد، و این خود به مثابه هر می بازدارنده برگردن کار چنبره زده و مانع نفس کشیدن راحت آن می شود.

در نمایش شورآبسانان توجه به قید مکان و زمان

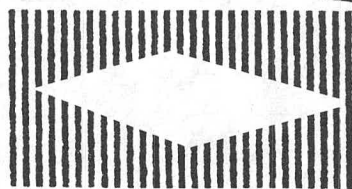
شورآبسانان

«شور آبسانان» نوشته و کار هواس پلوك از استان باختران نمایش ضعیفی است. هیچ نشانی از يك نمایش با ارزش و قابل توجه در شور آبسانان نیست: نه شخصیت پردازی، نه ساختار دراماتیک، نه زبان نمایشی، نه بازیگری، نه کارگردانی و نه هیچگونه طراحی هنری. هر چه هست تکرار، زیاده گویی، هرج و مرج و سرهم بندی کردن است. همه چیز به همه چیز جوش می خورد و هر اتفاقی نیز می افتد بدون آنکه نشانی از اندیشه هنری در کار باشد. تنها در هم جوشی از رقص و موسیقی محلی، لباس های محلی، مقداری اسباب و ابزارهای محلی در صحنه و پرگویی های تو خالی در صحنه به جریان می افتد. رقص و آواز نه در خدمت پیشبرد نمایش که گویا بر عکس است و آنهم رقص و آوازی در سطحی نازل. پلوك هر چیزی که دلش می خواهد می گوید و متأسفانه دلش هم می خواهد زیاد بگوید و کار را آنچنان به خستگی تماشاگران می کشاند که حتی به ضرب رقص و موسیقی محلی نیز راه نجاتی برایش باقی نمی ماند.

نمایش شور آبسانان نه برخوردار از خاستگاهی روستایی است و نه برای روستا و روستاییان کاربرد دارد. حتی با فرهنگ و اوضاع زندگی در روستاهای ما نیز بیگانه است و در مجموع هیچ ارتباطی با تئاتر روستایی و دهقانی نمی تواند داشته باشد. تنها پوششی روستایی را به زور با خود یدک می کشد. مضمون این نمایش چیزی جز ترویج خرافه پرستی نیست.

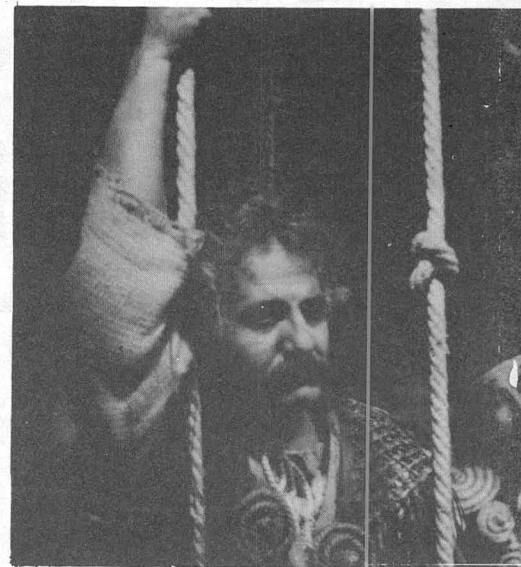
به راستی معیار انتخاب نمایش شور آبسانان برای يك جشنواره ملی تئاتری چیست؟ و آیا حضور این نمایش در جشنواره جای را برای يك نمایش با ارزش دیگر تنگ نکرده است؟

اکبر محمدآبادی



که قابل تحسین است. زبان و ساختار گفتاری نمایشنامه زیبا و روانست و تاحدودی در ادامه زبان زیبای بیضایی در نمایش مرگ یزدگرد قرار می گیرد.

اما کارگردانی سهراب سلیمی نیز قادر به بهترین بهره برداری از این نوآوری نیست و در هماهنگی با آن کم می آورد. بازی هادچهار ضعف هایی هستند و برخلاف ساختار نمایشنامه بیش از آنکه درونی و برخوردار از حس و حال ویژه آن باشند، بیرونی و عادی می باشند. در -



طراحی حرکات و بازی بازیگران، استفاده خلاق از عمق صحنه نمی شود، حال آنکه می توانست عمق صحنه و چگونگی ارتباط بین پیش زمینه و پس زمینه صحنه در رابطه بین اسفندیار و کبود و پشتون به زیبایی مورد استفاده قرار گیرد.

موسیقی (کامران امید)، نورپردازی و بویژه طراحی صحنه و لباس (کیانوش امیری) موفق است و کارگردان توانسته است در خلق شخصیتی نوین از اسفندیار تاحدودی از کلیشه اسطوره ای و حماسی آن دورگشته و به شخصیت پردازی انسانی و ملموس تری نزدیک شود. ویژگی های جسمانی آقای هرمزهدایت (تاحدودی پیری و عدم تنومندی او) در شکستن پیشداوری ها و پیش باور های اسطوره ای و حماسی تماشاگران از شخصیت اسفندیار کاربرد مناسب می یابند.



نمی‌شود و حادثه زمان و مکان مشخصی ندارد ولی ناگهان یکی از شخصیتها از حادثه شهریسور ۲۰ و گرسنگی در آن زمان صحبت به میان می‌کشد و خیلی فوری هم موضوع را در زمی می‌گیرد، که چندان محلی از اعراب ندارد. نویسنده در پرداخت شخصیتها ناموفق است، بطوری که می‌توان گفت هیچ شخصیتی سیرو وندی خاص را در طول نمایش طی نمی‌کند، شخصیتها بدون زمینه جنسی لازم معرفی می‌شوند و بدون آنکه

می‌کند و تلاشش را بی‌اثر می‌کند و زمانی که بلوران توسط شاران و باران کشته می‌شود و از او یک مجسمه افسانه‌ای به شکل تندیس جلوه‌گرمی شود، نویسنده با چنانگی‌های اوراحیات دوباره می‌بخشد تا در رقص و پایکوبی شرکت کند؟

با وجود حضور بیست و هشت بازیگر و چهار نوازنده که در صحنه حضور دارند، صحنه از یک شخصیت ساخته و پرداخته شده تهی است. همه این آدمها



کار پرداخت آنان به پایان رسیده حال خود را می‌شوند. نداشتن انگیزه لازم در محله شخصیت هارارج می‌دهد و دچار نوعی سردرگمی در رفتار می‌سازد. برای مثال هنگامی که درایت نمایش بلوران می‌خواهد برو و عروس را بیاورد، همه از ترس و دلهره ای صحبت می‌کنند که قبلا هیچ زمینه ای به تماشاگر داده نشده و تا انتها کار هم علت ترس داماد و هم ولایتی های اواز - خانواده عروس مخفی می‌ماند.

نویسنده با انتخاب موضوعی که ریشه در باور و نگاه مردم مناطق غرب ایران دارد، تمام تلاشش در بازسازی و احیا سنتهای قومی و بومی است، ولی در همین راستا هم دچار تناقض می‌گردد، آنجایی که شاران (خانواده عروس) با طعمه قراردادادن عروس و کشتن او قتل عروس را مستمسکی برای کشتن داماد (بلوران) قرار می‌دهند، هرچند که شاران در هیئت یک زورگرو و قلدرو معرفی می‌شود، ولی بازم این از خلقت اگر ادبه دور است. در قمار موس کرد نیست که از ناموس خود به عنوان طعمه استفاده کند، و این خودضربه ای مهلك می‌تواند باشد به سنت کرد، حتی اگر عامل آن خان قلدری چون "شاران" باشد. چه همه رشته نویسنده و زحمت او را پنبه

در سطح می‌ماند و تماشاگر حسرت به دل می‌ماند که به عمق وجودی یکی از آنها نفوذ کرده و از لایه های درونی شخصیت با اطلاع شود.

زبان نمایش علی‌رغم ترکیب بندی و ساختاری که دارد و باتوجه به وسواسی که بر روی انتخاب کلمات و جمله بندی ها و در مجموع می‌توان گفت به نوعی از جنبه های استاتیکی برخوردار است ولی کامل نیست، چه جنبه های زیبایی شناختی یکی از وجوه کلام نمایشی است نه همه آن. زنان و مردان در صحنه باتوجه به نوع بافت فرهنگی که برایشان در صحنه در نظر گرفته شده از جنس کلامی غیرمتعارف استفاده می‌کنند و زبان نمایش به مثابه وزنه ای شده که از روند رشد نمایش ممانعت می‌کند، چه جنس کلام و شخصیت شخصیت ها همسوئی و هماهنگی لازم را ندارند.

اداره کردن و هدایت گروه های هنری با تعداد زیاد بازیگر خود هنری است که نمی‌توان در هر کس سراغ گرفت اما همه کارکارگردان هم به این منحصر نمی‌شود که تعداد زیادی بازیگر را در صحنه طوری قرار دهد که فقط همدیگر را ماسک نکنند، بلکه هر بازیگر باید لحظه به لحظه صحنه نمایش را زندگی کند تا بتواند پیام لازم را

به تماشاگر القاء نماید.

هرایست یا حرکتی بر روی صحنه باید دارای - انگیزه و هدف مشخصی باشد، که متاسفانه تماشاگر کمتر شاهد این حرکتها و ایست های حساب شده بود. اکثر مواقع گروه به صورت دو خط مستقیم و قرینه هم یا بصورت نشسته یا ایستاده به ایفای نقش می‌پرداختند. حفظ تعادل در - صحنه و قرینه سازی چنان برای کارگردان دلبستگی شده بود که فرصت پرداختن به سایر امور برایش نمانده بود. و این نگرش تا انتهای کار گریبانگیر نمایش بود.

طبعاً هر اثر نمایشی برای تماشاگر و دریافت پیام از طرف تماشاگر طراحی و تنظیم می‌شود ولی این بدان معنا نیست که تماشاگر را مرتباً آنهم به صورت مستقیم مورد خطاب قرار داد و بجزای ارتباط و درگیری شخصیتها نمایش با هم ورود بدل کردن دیالوگها یکدیگر، چشم در چشم تماشاگر را مورد خطاب قرار دهند.

نکته آخر ارجع به استفاده از گروه های موسیقی در نمایش که دارد باب روز می‌شود، برندی می‌گفت اگر این گروه یک هفته قبل در تهران بود می‌توانست در جشنواره موسیقی هم حضور پیدا کند و حداقل برای گروه می‌توانست کسب تجربه خوبی باشد در آشنایی با انواع سازها و ملودی های مختلف و کاربرد آن در مواقع لزوم.

احمد جولایی

دل آشوب

نویسنده و کارگردان: اسد صادقی، کاری از گروه انجمن نمایش وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی (تبریز). بازیگران: محمود قبه زرين، ثريا خليل زاده، علي واثق ملكي، بهنوش اخي، پرويز قزويني، علي كوهپايه، محمود اخي، سعيد وليزاده، دارا علي آبادي، حميد اسماعيلي، محمد خليل زاده و مرتضی رفیعی.

نمایش «دل آشوب» ابتدا با دست آویز قرار دادن چند اصل مهم اجتماعی و سیاسی، سعی در بیان عقاید نویسنده و کارگردان دارد. اما غافل از این است که وقتی، اصلی مورد نظر قرار می‌گیرد و محوریت داستان را شکل می‌بخشد، تداخل اصل

که اسرافیل «دل آشوب» به طمع پول، واسطه فروش کلیه صالح به يك سرمايه دار می شود! نکاتی را که شمردیم، نه در كوچك شمردن شخصیت های داستان و خود نویسنده و کارگردان است، نه تنها مسائلی بودند که ضرورت گفتن داشتند. هر چند امیدواریم مورد رنجش این عزیزان قرار نگیرد.

باری اگر از متن بگذریم، به مسائل فنی دیگر نمایش می رسیم، بازیهای یکدست و روان اکثر بازیگران و حرکتهای درست آنان در قالب میزانشنهای درست و پرهیز آنها از حرکات تصنعی و کلیشه وار، به دریافت مفهوم نمایش از جانب تماشاگر کمک می کند. بویژه بازی قبه زرین، قزوینی و دارا علی آبادی که هماهنگ با متن داستان حرکت می کنند و در تغییر شخصیت های خود از نقشی به نقش دیگر موفق تر هستند. دکور ساده و گویای نمایش - چهار چهارچوب در چهار نقطه صحنه - نیز نشان از پرهیز کارگردان از تجملات زاید صحنه ای و رعایت درست اصول نمایشی دارد. هر چند به دلیل امکانات کم نور سالن، تلاش نورپرداز چندان کارساز نیست.

«والسلام»

مرتضی موسوی زنوز

نکته بسیار مهم و مبهم نمایش: آوردن دو مترسک «بودن» و «نبودن» یا «زندگی» و «مرگ» است. آنهم به حالت غیرطبیعی.

سمبل «نبودن»: اسکلت سر انسانیت که گویاست. اما سمبل «بودن»: مترسکی به دار کشیده از جانب کارگردان است با چهره ای پنهان! و شاید بودن و نبودن برای نویسنده و کارگردان در این دنیا يك نتیجه و يك مفهوم دارد و آن «زندگی به دار آویخته» است.

سوی این قضایا، شخصیت دادن به بابا عروسکی و ساختن عروسکهای بی سر توسط او - که به یاد کودکان مظلوم فاجعه بمباران شهرها است - با مفهوم خاص نمایشی صورت نمی گیرد و به جای تحت الشعاع قرار دادن ضعف های داستان، چهارچوب و اسکلت نمایش را سست ساخته و بازی خوب «قبه زرین» را زیر سؤال می برد!

به طور کلی متن نمایش «دل آشوب» از يك آشفتگی و از هم گسیختگی و بی نظمی رنج می برد. گاهی به بمباران شهرها می پردازد، سپس فروش کلیه را مطرح می سازد و بعد از آن این دو مسئله متناقض را با سطحی نگری در کنار هم به نمایش می گذارد. «دل آشوب» در حقیقت برای همه کس نوشته نشده است. دل آشوب گاهی موج زد است. گاهی آرام و گاهی مشوش می نماید. او همسایگان خود را می آزارد و از حماقت بشری، بدون اینکه درکی داشته باشد، سخن می راند!

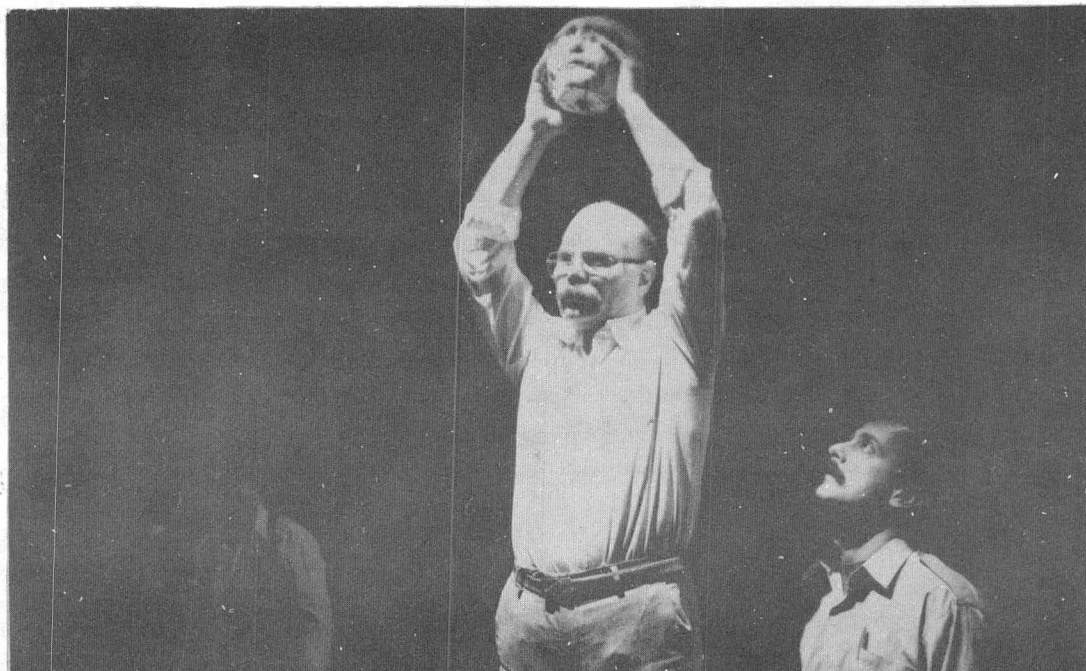
«دل آشوب» نویسنده و کارگردان، شاید مهربان باشد و آگاه، اما «دل آشوب» تماشاگر از خشیونت و مرگ و نیستی می گوید و با منتقد نمایش خویش به مشاجره می پردازد. بالاخص همچون صورت اسرافیل بر شیور خود می دمد و لیکن اسرافیل و اسرافیلیان را همدست جاهلان قرار می دهد. همان

دیگر در کنار اصل اول غیرمنطقی است و کلاف سردرگمی می شود که تماشاگر را می آزارد.

برای پرداخت يك اصل، فرعهای زیادی موجود است که پیرامون آن، می توانند زیبایی خاصی به آن، اصل ببخشند و در نمود اهداف نویسنده و کارگردان، مسیر درستی را طی کنند.

داستان نمایش، با مطرح ساختن بمباران شهرها - از يك طرف - ابتدا با ارائه صحنه خانواده ای زیر تك نور موضعی، قصد دارد، ترس و وحشت را از چهره آنها برای تماشاچی تداعی سازد و از طرف دیگر، بیمی از داستان، اختصاص به فروش کلیه، از جانب صالح، جوان فقیر و بی کاری است که خود اصلی است که باید جدا به آن پرداخته شود. چنانچه در بالا نیز ذکر شد.

در واقع می توان گفت «دل آشوب» نویسنده، علی رغم موجودیت خارجی و حسی و لمسیش، تکمیل یافته ذهنیت نویسنده و کارگردان است و در عین حال با توجه به موج گرفتگی اش، سازگاری با صداقت متن ندارد! آگاه داستان با تکیه بر عواطف انسانی، در حال اوج گرفتن است و آگاه با مطرح نمودن کلیشه ای «فروش کلیه» و آوردن مترسک های «بودن» و «نبودن» به صحنه، بر حضض می نشیند. همچنین ورود مضحکه وار منتقد و بازیبن به صحنه، و اینکه او در بررسی نمایش عاجز است و ناآگاه، نشان از کین نویسنده و کارگردان بر منتقدین جامعه دارد. آنجائیکه «دل آشوب» با پرخاشگری خطاب به منتقد می گوید: «بحث بر سراسر اصول است!» خود نکته ای روشن در جانبداری کارگردان از دل آشوبی است که در حالت عادی و غیرعادی، به يك میزان قضاوت می کند و همین عامل منجر به سرکوب منتقد و بازیبن می شود!





دل آشوب

دل آشوب عروسك ساز و در عین حال نویسنده نمایشنامه ایست که بازسازی زندگی واقعی خودش است. او در رژیم گذشته هنرمندی مبارز و معتقد به تعهد اجتماعی بوده است که کارش به زندان و ساواک کشیده شده است. از سوی دیگر در جریان بمباران های جنگ، خانه اش بمباران و دخترش کشته شده است. او در رویارویی با دو واقعیت تلخ، فقر و جنگ، در ذهنیتی بیمارگونه و واقع گریز غرق می شود و درصدد محاکمه دشمنان بشریت و حفظ مدارك جنایت آنها برمی آید. عمده ترین مدرك او سرچدا شده دخترش در جریان بمباران است که او در اتاقش حفظ کرده است و بدین سان راز شغل او بعنوان عروسك سازی که عروسك های بدون سر می سازد، آشکار می شود.

متن نمایش آشفته است. اسد صادقی نویسنده و کارگردان نمایش می خواهد تمامی حرف هایش را یکباره بزند و در نتیجه نمایش را دچار کثرت موضوع می کند که در پرورش هر موضوع باز می ماند: فقر و بدبختی مردم - مبارزات سیاسی و زندان و بازجویی - جنگ و بمباران - رابطه هر تئاتر با واقعیت و حقیقت - نقد و نقادی و منتقدین تئاتری برادعا و توخالی - کلیه فروشی برای ترس از فقر سوداگری کلیه - جاهل بازی و اعتیاد - روستا و روستاییان - روابط انسانی و خانوادگی و... در جریان پرداخت این همه موضوع، سر رشته کار از دست صادقی در می رود، هم به این می زند و هم به آن و به هیچ موضوعی نیز به تمامی نمی پردازد. پرداخت نمایشی موضوع ها و برقراری پیوندی دراماتیک میان آنها و شخصیت پردازی قوی برایش ناممکن می شود. از هر شخصیت تنها گوشه ای را نشان می دهد و به هر موضوعی تنها اشاره هایی ناچیز دارد.

صادقی از هر باغ گلی می چیند و اما در انتها می ماند که با دامان پرگلش چه می تواند بکند! نه گلدانی با ظرفیت مناسب برای گل ها بوجود آورده و نه قادر است تمامی آنها را در دسته گلی زیبا آرایش دهد. و چنین است که گل ها زیر دست و پا می مانند و پلاسیده می شوند.

چاره جویی صادقی چنین است که با شخصیت محوری خود دل آشوب باعث سر و سرمان دادن به موضوع ه' شود و نمایشش را جمع و جور کند و به انتها برساند. اما کار بر عکس

می شود و شخصیت دل آشوب نیز مابین موضوع های گوناگون تکه تکه می شود و تصویری که در نهایت از او پدید می آید، آشفته و غیر قابل شناخت است. پس چاره دیگری برای صادقی نمی ماند جز شلیک شعار و بمباران شعاری تماشاگر!

نویسنده در عرصه های خاطره، رویا و کابوس، بازی و نمایش، و بالاخره واقعیت نوسان می کند و در نهایت خود و تماشاگران حیران می مانند که به راستی واقعیت کدامست رویا و بازی کدام؟

در غرقاب چنین آشفتگی است که نمایش از ساختار دراماتیک محکم محروم می شود و کار تبدیل می شود به درهم جوشی از احساسات گرایی، واقع گرایی، فرا واقع گرایی (سور رئالیسم) و غیره. زبان نمایش نیز دچار آشفتگی شده و از پرداختی روان و یکدست محروم می شود، گاه زبانی مردمی و روزمره، گاه زبانی ادبی و نمایشی و گاه صرفاً شعاری. و در نتیجه نمایش محتاج آن پایان عجیب و غریب، ناگهانی، انفجاری و شعاری می شود تا تماشاگری را که در جریان نمایش از دست داده است، صاعقه وار جذب نماید و آشفتگی های ذهنی او را بی رنگ نماید. دل آشوب سر از تن جدا شده و خون چکان دخترش را بر بالای سرش می گیرد، بالای منبر می رود تا سند جنایت جنایتکاران و شرم بشریت را به معرض تماشاگر بگذارد و خون از سر و رویش جاری شود!

اجرای نمایش نیز به فراخور متن دچار آشفتگی است. شخصیت پردازی قوی ندارد و در فضا سازی نیز ضعف و پراکندگی مشاهده می شود. نورپردازی خوب و دو بازی محمود قبه زین (دل آشوب) و پرویز قزوینی (جاهل) قوی است. صحنه در آغوش گرفتن عروسك و دختر بچه با هم توسط دل آشوب زیباست. اما افسوس که تمامی عوامل در جهت اجرای نمایشی یکدست، روان و برخورداری از تار و پودی قوی مورد استفاده قرار نمی گیرند.

کاش صادقی این همه انرژی را بر روی يك موضوع متمرکز می کرد که بدون شك نتیجه زیبا می بود.

شقایق دره

شقایق دره، نوشته و کار علی آزادانیا از مشهد به مسئله زندگی ایلیاتی می پردازد. موضوع نمایش

برخوردار از نکته ای دلچسب و قابل توجه است و آن مبارزه جوانان ایل (بوژه ماه منیر، دختر جوان) با سنت های نادرست ایل می باشد. پسرعمو و دخترعمویی را در کودکی به نام هم نام برد می کنند و خان ایل که عموی ماه منیر نیز هست از سنت های کهن بگونه ای خشک، خشن و غیر انسانی دفاع می کند. ماه منیر به مبارزه با این سنت می پردازد و تن به این ازدواج نمی دهد. او باوری به پیشانی نوشت ندارد و بر این اعتقاد است که سرنوشت هر کس را بر پیشانی اش ننوشته اند، بلکه خود او می تواند در تعیین آن نقش داشته باشد. در این رویارویی با سنت های مرده، دست و پاگیر و غیر انسانی، سهراب پسرعمویش که قرار است با او ازدواج کند و برادرش و مادرش به یاری اش می شتابند و طرف او را می گیرند. در پایان نمایش ماه منیر بر فراز چادرهای ایل تفنگ به دست می ایستد و خان عمو را با شلیک گلوله ای می کشد.

برخلاف خرافه پرستی نمایشنامه «شورآب ساران»، موضوع شقایق دره ارزشمند و مثبت است. این موضوع می توانست با پرداختی دراماتیک و شخصیت پردازی دقیق به خلق نمایشنامه ای قابل توجه بیانجامد که متأسفانه چنین نمی شود. ماه منیر از آغاز چهره يك دختر مبارز را بدون ذره ای تردید و یا ضعف دارد. این شخصیت به شدت کلیشه ای است و خوب خوب، هیچ نشانه ای از درگیری های درونی، ضعف و تردید و یا فشار سنت های رایج ایل در او بچشم نمی خورد. سهراب نیز همین گونه است و حتی در مقابل پدرش می ایستد. در جانب منفی قضیه، خان عمو نیز به شدت منفی است و تکه بعدی. ایلیاتی ها نیز که در این میانه بی نقشند و نشانی از چگونگی سمت گیری آنها در این درگیری نیست. در شخصیت مادر رگه هایی از این درگیری درونی میان نو و کهنه بچشم می خورد که متأسفانه کامل نیست. در واقعیت فشار سنت ها و رسوم و آداب قدیمی يك ایل بر ایلیاتی ها، بخصوص افراد پیر و از جمله مادر نیز باید عملکرد داشته باشد و به راحتی توان از زیر تأثیر آن گریخت. در جانب دیگر قضیه عشق به فرزند و درك درستی نظر او می تواند بعنوان نیرو و احساسی پر قدرت در او وجود داشته باشد. تقابل این دو نیرو در درون مادر می توانست منجر به شکل گیری يك برزخ و درگیری درونی قابل لمس و زیبا در شخصیت مادر باشد که با فراز و نشیب های خود در نهایت به



پیروزی يك جنبه و جبهه‌گیری نهایی مادر بیانجامد. تماشاخانه نمایشنامه‌نویس بدین جنبه از موضوع کم پرداخته است و بدین سان قادر به استفاده از امکانات بالقوه موجود در نمایشنامه خویش نشده است و نمایش از پرداخت دراماتیک ضعیبی برخوردار است. آنچه در نمایش جای عمده و اساسی را می‌گیرد، درگیری بیرونی میان دو جبهه مثبت و منفی است.



تأثیر این نحوه رویارویی با موضوع، در خلق شخصیت‌های ضعیف و تک بُعدی خود را نشان می‌دهد. پرداخت نمایشی کشاکش درونی به شدت ضعیف است و بهمین خاطر به راحتی در برابر کشاکش بیرونی کم می‌آورد و جا می‌زند. نتیجه نهایی آنکه در نمایشنامه شاهد يك درگیری میان دو وجه درونی و بیرونی اثر و تأثیر آنها بر یکدیگر نمی‌شویم. نمایش در چند سطح جاری نمی‌شود و بده و بستان‌های دراماتیک میان این سطوح و درگیری‌ها جان نمی‌گیرد.

بازی‌ها نیز بی‌جان، سطحی و سرد می‌شوند (بخصرص بازی خان عمو و سهراب) و تنها بازی مادر است که بخاطر درونمایه و ویژگی‌های نقش‌اش اندکی موفق است.

طراحی صحنه و لباس در مقایسه با دو کار از همین گونه نمایش‌ها، شورآساران و دلی بای و آهو، موفق‌تر است و فضای يك زندگی ایلپاتی تا حدودی بدست می‌آید. رقص و موسیقی دلنشین و بجاست و موسیقی محلی در آن جایی که باید بکار برده می‌شود و نه جا و بی‌جا. طراحی رقص تا حدودی موفق و هماهنگی حرکات قابل مشاهده است.

مجلس تقلید هفت‌خوان رستم

فکر تقلید و شبیه‌گردانی هفت‌خوان رستم، فکر تشنگی است که به زیبایی نیز اجرا و پیاده

می‌گیرد و این یعنی خلاقیت و نوآوری.

صورتک‌ها (کار علی نوتاش) ساده و زیبایی و مفهوم مورد نظر خود را به راحتی در ذهن تماشاگر خلق می‌نمایند. بازی‌ها روان، چابک، پرتوان، صمیمی و زنده‌اند و تماشاگر را به سرعت در چنته می‌گیرند و شیفته می‌سازند.

علاوه بر نوع بازی، صحنه‌آرایی و روایت، شگرد قطع نمایش و گفتگوی مستقیم رستم با تماشاگران نیز در ایجاد ارتباط با تماشاگر و جذب او به شدت کارآ می‌نماید و خنده او را به ارمغان می‌آورد. شبیه‌خوان رستم ریشش را جا می‌گذارد و خنده و تبسم سایر بازیگران و همچنین تماشاگران را باعث می‌شود. علاوه بر آن در وسط خوان چهارم و در پای سفره غذا ناگهان رستم از فضای نمایش بیرون می‌آید و با یکی از تماشاگران شروع به احوال‌پرسی می‌کند. طراحی لباس، حرکات و بازی بازیگران نیز با ساختار نمایش و فضای حاکم بر آن همخوانی دارد و در مجموع کار پسبانی رویکردی خلاقانه و هنرمندانه به داستان هفت‌خوان رستم است که سه ویژگی اساسی آن را می‌توان سادگی، خلاقیت و جهت‌گیری مردمی آن دانست. نمایش شاد، زنده و سرشار از قدرت تأثیرگذاری بجلو می‌تازد و نشان يك طراحی و اندیشه هنری را در لحظه لحظه اجرایش بر تارک خود دارد.

دلی بای و آهو

نمایش «دلی بای و آهو» نوشته عباس معروفی، به کار محمدجواد کیبوردآهنگی از استان همدان، داستان عروسی دو جوان ترکمن است که داماد (که ما هرگز او را نمی‌بینیم و بخاطر ضعف نمایشنامه در برقراری ارتباط به او و شناختش نیز عاجز

می‌شود. داستان هفت‌خوان رستم به سادگی و زیبایی خلاصه شده و روایتی مردمی و جذاب می‌یابد. قصه‌خوان کانال و عوامل ارتباط ما بین داستان، تماشاگران و نمایش می‌شود که کمبودهای کار را از نظر نمایشی - روایتی به خوبی برطرف می‌سازد. شبیه‌خوانان (بازیگران) در نقش‌های گوناگون با ماسک‌هایشان به راحتی جا می‌افتند و علاوه بر آن همکاری مشترک‌شان تجسم بخش مکانها (نیزار، چشمه، زندان و...) و حیوانات (شیر، اژدها، دیو، پرنده) گوناگون نیز می‌شود. صدای صحنه را بازیگران خودشان بوجود می‌آورند: صدای پرنده، صدای جویبار، صدای آب، صدای حیوانات، صدای تاخت اسب، صدای درگیری و نبرد و صدای هلهله شادی و پیروزی. اسباب صحنه و طراحی آن بسیار ساده و خلاقانه است. با چند حصیر و نی، صحنه‌های گوناگون هفت‌خوان آماده می‌شود. چندان ساده به زیبایی جایگزینی قابل قبول برای نیزه، شمشیر، میله زندان، پرچم، درخت و غیره می‌شوند. از دو شاخه نی بهم چسبیده پارچه‌های باریک سبزی آویزان می‌کنند و این می‌شود درخت. بازیگری دستهایش را به گوشه‌های کنده شده‌اش می‌گیرد و سپس دو مشتش را به روی تماشاگران باز می‌کند و از میان هر مشت او نوار پارچه‌ای قرمز رنگ باریکی به پایین سرازیر می‌شود که به زیبایی تجسم خونریزی می‌گردد. برای رستم اسپند دود می‌کنند و دود اسپند فضای دودآلود خوان سوم را بازسازی می‌کند. سه بازیگر روی زمین به حالت خوابیده، نشسته و ایستاده قرار می‌گیرند و پارچه‌ای آبی را بر روی خود از بالا به پایین می‌کشند و تکان می‌دهند و صدای جویبار را در می‌آورند که می‌شود چشمه. و تمامی این شبیه‌سازی‌ها به راحتی به باور تماشاگر راه می‌یابند و بدون ذره‌ای شک مورد پذیرش او قرار

می‌مانیم) در روز عروسی به دست رقیبش به قتل می‌رسد. عروس و پدر داماد انتظاری کشنده را سپری می‌کنند و در آخر عروس که انتظار را به شنیدن خبر تلخ ترجیح می‌دهد به کوه می‌زند و مثلاً عشق‌شان می‌شود افسانه! پدر داماد نیز بر طبق آیین اجدادی به قاتل که به او پناه آورده، امان می‌دهد، اما بعداً او را از چادرش بیرون می‌کند. قاتل نیز به دنبال عروس و در فرار از دست قانون آواره کوه و دشت می‌شود و رنجی جاودانه را بخاطر قتل‌اش متحمل می‌شود.

متن نمایش به شدت ضعیف است. از شخصیت پردازی، فضا سازی و پرداخت نمایشی قوی برخوردار نیست و هیچ رگه‌ای از خلاقت در آن وجود ندارد. گفتار و گفتار زاید است و کش دادن و پُرگویی بیهوده. حرف‌ها دائماً تکرار و تکرار می‌شود و نتیجه چیزی جز خستگی توان فرسای تماشاگر نیست. نویسنده در ترسیم عشق بین دلی بای و آهو، عشق و انتظار پدر (باباندو)، رابطه قاراچوگا (رقیب و قاتل) با دلی بای و فضای زندگی ترکمن‌ها موفق نیست. معروفی تلاش بیهوده و تو خالی را برای تبدیل این عشق به حکایت و افسانه‌ای جاودان نشان می‌دهد که به تمامی به شکست می‌انجامد. او نشان می‌دهد که با موضوع و فضای مورد نظرش بیگانه است. اجرای کبودر آهنگی سرد و مرده است چه در فضا سازی، چه در بازی و چه در پیشبرد داستان ناموفق است. هیچ کنش و حس و حالی در تماشاگران ایجاد نمی‌نماید جز خستگی و بی‌تفاوتی. بازی‌ها بی‌جان و سرد هستند، بجز بازی محمد ابراهیم جعفری بازیگر نقش قاراچوگا. دکور سردستی و سطحی و خالی از بار و مفهوم است و بطور مثال وجود گاری ایستاده به کاری نمی‌آید و در ایجاد فضای مورد نظر نیز نقشی ندارد. گویا تنها برای خالی نبودن عریضه در آنجا قرار گرفته است. رقص‌ها نیز بی‌رنگ و رو و بی‌شور و حال هستند.

حکایتی سادہ

«حکایتی ساده» نوشته و کار محمدهادی نامور از گریان بازگویی حکایتی تکراری از بی توجهی فرزندان به پدری سالمند و مریض است. پسران درگیر مال اندوزی و یا مشکلات زندگی خانوادگی خویش زمان و احساسی برای برقراری ارتباطی انسانی با پدر خود ندارند و تنها به فکر ارث او

هستند. در این میان پسر کوچک اندکی متفاوتست. پدر در کوران تنهایی و پیری اش دل به خاطرات گذشته و یادآوری آنها سپرده است و در دنیایی خفیه زندگی می‌کند.

تنها عامل پیوند او با زندگی و زمان حال رفتگر خوش قلبی (غلامحسن) می‌شود. اما او نیز بخاطر اشتباه و ضعف‌اش قادر به حفظ جایگاه ارزشمند خویش در قلب پیرمرد نیست. تمامی ارتباط پیرمرد با زندگی بریده می‌شود. او می‌میرد و به عزیزان درگذشته‌اش می‌پیوندد و همراه آنها راهی می‌شود. پسران نیز مشغول تخریب خانه و ساختمان باسازی نو می‌شوند.

نمایشنامه برخورد از موضوعی تکراری است که در میان آن خلافتی مشاهده نمی‌شود. تنها ویژگی قابل اشاره، برخورد منفی و غیرانسانی نمایشنامه‌نویس با مسئله «زن» هست. تمام زندهای نمایش نق‌نقو، خودخواه، مزاحم، منفی و در دسرآفرینند و نمایش سمت و سویی ضد زن دارد. تنها زن مثبت نمایش بی‌بی است که او هم نقشی خنثی دارد. بیش از آنکه مردان دارای ضعف‌ها و ویژگی‌های منفی باشند، بیشتر گویا تحت تأثیر زنان‌شان هست که چنین‌اند! این زاویه دید غیرواقعی، یکجانبه و دروغین نسبت به زن و نقش آن در زندگی و خانواده در نهایت به چیزی جز «تنها به قاضی رفتن» نمی‌انجامد و رای نهایی دال بر محکومیت زن صادر می‌شود و در ذهنیت تماشاگر جاری می‌گردد.

زبان نمایش خسته کننده، عادی و سرد است. شخصیت ها بی جان و بی هویت هستند. درتلفیق زمان حال با زمان گذشته و خاطره ها خلافتی مشاهده نمی شود و تنها زمانیکه (غلامحسن) کت پیرمرد را پوشیده و قدم رو راه می رود و بجای پیرمرد، خاطره زنش شروع به فرمان دادن به غلامحسن می کند، اندکی برخورددار از حس و حال است. نمایش برخورددار از پرداخت نمایشی قابل توجهی نیست و ساختار نمایش بی جهت و با ناپختگی دچار اختلال و آشفتگی می شود. حکایت از مسیر سراسر است. خود منحرف می شود و مسئله با با رشید و به کوه زدن، تفنگ و گردنه حاجی آباد و غیره به زور به نمایش وصله می شود. نمی دانم چه اجباری است که بسیاری از نمایشنامه نویسان خود را موظف می بینند تا تمامی حرف هایشان را در يك نمایش بزنند. تلاش شان را بر روی يك موضوع متمرکز نمی کنند تا آن را به روانی و زیبایی جلو ببرند و بیان کنند. نمایش را دچار کثرت موضوع، عدم پیوند ساختاری و مضمونی و

در نهایت پراکندگی و آشفتگی می نمایند.
طراحی صحنه و لباس هیچ چیز قابل توجهی
در خود ندارد و بسیار پیش پا افتاده است و بازی ها
نیز هم چنین.

پیر پرواز

«پر پرواز» نوشته و کار پرویز عرب به مسئله اختلاف و شکاف مابین دو نسل (پدر و پسر)، گذشته گرایی پیرمردی که به تمامی عاشق گذشته است و تنهایی او در رویارویی با زندگی و زمانه که رو به تغییر و نوسازی دارد، می پردازد. پیرمرد حتی پسر خویش را نیز با خودش به شدت بیگانه می یابد، بیگانه و تنها حتی در برابر فرزند! غرق در خود خودش و گذشته هایش است و در تلاشی بی ثمر برای حفظ آن، در گذشته زندگی می کند و از رویارویی با حال و آینده گریزان است و قادر به درک شان نیست. و پسر که با صمیمیت و زیبایی بازتاب آینده است که دارد می آید، به حال تبدیل می شود و گذشته را پس می زند، جای پدر را تنگ می کند و به حکم تاریخ و سرنوشت او را خانه نشین می سازد. پیرمرد تنگ نظر که تنها عاشق يك جنبه و يك شكل از زندگی است (زندگی ای که خودش تجربه کرده است) قادر به درك پیوند بین گذشته و آینده نیست. تداوم زیبایی های گذشته را در آینده نمی بیند و به همین خاطر با آن بیگانه می گردد. پسر نیز شاید بنا بر ضعف های جوانی قادر به برقراری ارتباط نیست. نمی تواند برای پدر، حضور را در خودش ملموس نماید. به باور پیرمرد راهی نمی یابد و می ماند که چه کند. پدر را دوست دارد اما قادر به دستیابی به قلب پدر نیست. پسر در بیان اینکه با تمامی تفاوت هایش، از اوست و با اوست در می ماند. و پدر نیز در درك اینکه در اوست.

پرویز عرب در میان این دو جبهه گیری نمی‌کند. سعی در شناخت و لمس هر دو طرف می‌کند و این موضوعی است زیبا، انسانی و هنرمندانه. بدون آنکه چگونگی را بتواند و یا بخواهد نشان دهد، اما ضرورت درک متقابل و پیوند بین گذشته و آینده را نشان می‌دهد. موضوع نمایشنامه‌اش را به همین مسئله محدود می‌نماید: ضرورت عشق، درک و پیوند. نمایشنامه را دچار زیاده‌گویی، پراکنده‌گویی و کثرت موضوع نمی‌کند و یا شاید خود را در جایگاهی نمی‌بیند که بتواند چگونگی راه حل موضوعی بدین بی‌جدگی



است. و هم چنین صحنه یادآوری خاطرات مشترک گذشته توسط پیرمرد و پیرزن لبریز از عشق و حس و حال است.

قاب بی تصویر

نمایش «قاب بی تصویر» نوشته و کار علی نقی رزاقی از شیراز به دو موضوع قابل توجه می‌پردازد. یکی عشق و انتظار زن عاشق برای مردش و دیگری موضوع اسرای جنگ و ضربه‌های دوران اسارت بر روان و شخصیت آنها. در برخورد با موضوع اول، رزاقی کاوشی در درون شخصیت زن نمایش خویش را آغاز می‌نماید که از کانال آن به دردمندی و مطلوبیت زن در ابعاد تاریخی - اجتماعی‌اش می‌رسد. زنی که به انتظار مرد و عشق می‌ماند، مردی که از او دور می‌شود و به دنبال آرمانهایش می‌رود. زن تنها می‌ماند، زنی که شیفته آنست که به مردش عشق و خوشبختی را ارزانی دارد. اما خواست او در نظر گرفته نمی‌شود و بجایش تصمیم می‌گیرند. کسی به انتخاب او کاری ندارد و در هیچ تابلویی تصویر واقعی او کشیده نمی‌شود.

نویسنده در برخورد با موضوع دوم نیز به زخم‌های ناشی از دوران اسارت می‌پردازد. اسرا در فضایی که نشانی از ترحم و انسانیت و عشق در آن نیست، در انزوا می‌مانند و می‌میرند. پیر می‌شوند و انتظار می‌کشند، انتظار آزادی و عشق را. و در تنهایی اسارت، با دل سپردن به رویای عشق‌های وفادارشان است که تاب می‌آورند و ایمان خود را به پاکی روح زنهایی که منتظرشان هستند حفظ می‌نمایند.

رزاقی این دو موضوع جداگانه را در جریان عشق یک زن و مرد که قرار بوده است ازدواج کنند، اما مرد به جنگ می‌رود و هفت سال اسیر می‌شود به یکدیگر جوش می‌دهد و سپس در بستر مفاهیم انتظار، تنهایی و عشق این دو موضوع را یگانه می‌سازد. انتظار زن در تنهایی و برای عشقش، و انتظار مرد در اسارت و تنهایی و برای آزادی و عشق‌اش. و در نهایت رزاقی نیز راه نجات از تنهایی و زخم‌های ناشی از آن را در عشق می‌بیند، عشق پاک و زیبای این زن و مرد به یکدیگر. زن عاشقانه منتظر می‌ماند و تن به خاطرات و رویاهایش می‌دهد، از جمله رویایی بازگشت مرد از اسارت که شاید رویایی بیش نباشد و یا شاید هم به واقعیتی تبدیل شود. اما به هر

به بهار دیگه... جوانه حالا گل شده... او ادامه تو هست... تو چی می‌خواهی؟... توی سبزه زارهای دلش قدم بزن...

پیرمرد در وجود پسرش چیزی جز ویرانی و نابودی خودش را نمی‌بیند: - خراب نکن پسر. و اما پیرزن ادامه خودشان را در وجود پسرش می‌بیند و از نو شکوفا شدن را، مادر زمان حال و عشق است و نقطه پیوند گذشته با آینده.

متن نمایشنامه زیباست. شخصیت‌ها کاملند و پر مفهوم. هر شخصیت و کل نمایش در بردارنده دو بار و مفهوم است: معنای زیرین و رویی. نویسنده با مهارت پیوند زیبایی بین این دو سطح نمایشنامه قرار داده است که توی ذوق نمی‌زند. تنها نقطه ضعف نمایش و متن در وجود پرده و آمدن اسیر آزاد شده به کوچه در پایان نمایش است. این دیگر می‌شود دوباره گویی و شیرفهم کردن تماشاگر! تمامی متن و شخصیت‌ها به زیبایی و کمال بازگوکننده پیام مورد نظر نویسنده هستند و دیگر احتیاجی به این ترفندها نبوده است. برعکس، این نقطه ضعف به ساختار روان، یکدست و موجز نمایشنامه آسیب وارد کرده است.

و اما اجرای نمایش:

کار پرویز عرب خوب است. او در انتخاب بازیگرانش به جز کیوان (بازیگر نقش پسر) دقت نظر نشان داده است. بازی آمدی (پیرمرد) زیباترین بازی بخش جشنواره جشنواره‌هاست. موسیقی به تمامی با فضای نمایش همخوانی دارد و انتخاب بجایی است، بخصوص ترانه «شد خزان گلشن آشنایی» بدیع زادگان. نمایش دچار افت نمی‌شود و در سراسر زمانش سرشار از حس و حال است. لباس و صحنه در ترسیم فضای مورد نیاز نمایش موفق است و تنها گرم پیرزن نشانی از شتابزدگی برخورد دارد. نور خوب است و نمایش سایه بجا مورد استفاده قرار گرفته است. اولین رویارویی مان با پیرمرد از پشت پرده است که سایه او را در حال غذاخوردن می‌بینیم. او از پشت پرده به ما نشان داده می‌شود، پرده‌ای بین او و دیگران، و شاید که او دیگر سایه‌ای و وهمی بیش نیست. رویای زورخانه و ضرب مرشد و رویای خانه خراب کردن امیر که بازتاب ذهنیت پیرمرد است نیز در پشت پرده و سایه‌وار دیده می‌شود.

صحنه رقص زورخانه‌ای پیرمرد که بگونه‌ای دل آزار ناتوانی، پیری و سرآشوبی مرگ او را در مقابل سرزندگی، جوانی و زورمندی پسر (در حال نرمش) به نمایش می‌گذارد سرشار از زیبایی



را ارائه نماید و یا شاید هم چگونگی و راه حل را در همین عشق و پیوند می‌یابد.

به هر حال زاویه دید و موضع نویسنده همان موضع مادر است. مادری که هر دو را عاشقانه دوست دارد. هم پدر (گذشته) را و هم پسر (آینده) را. به نیت نگران درگیری‌ها و بیگانگی آنهاست و از آن رنج می‌برد. تلاش می‌کند تا نقاط مشترک‌شان و پیوندشان را بیابد و کمک‌شان کند تا به آن توجه کنند. او عاشق است، نه عاشق خود، که عاشق دیگران و عاشق زندگی در تمامی جلوه‌ها و چهره‌های گوناگونش. و عاشق انسان‌هاست با تمامی تفاوت‌هایشان. خودخواه و خودبین نیست. چیزی را برای خودش نمی‌خواهد، تنها عاشق است و از همین عشق لذت می‌برد. همه چیز و همه خوشی را برای همسر و پسرش (برای کسانی که دوستشان دارد) می‌خواهد.

مادر بر راز پیوند عاشقانه و انسانی این دو نفر (و بالاتر از آن گذشته و آینده) دست یافته است و بر آن آگاه است. او می‌داند که خودش و همسرش رفتنی‌اند. اما مانند پیرمرد بخاطر این موضوع به سوگ نمی‌نشیند و تمامی چیزها را نابود شده نمی‌یابد، زیرا که می‌داند در همان حال که رفتنی‌اند در قالب و شکل دیگری (پسرشان) آمدنی‌اند. پس برخلاف پیرمرد مایوس و ضعیف نیست که، امیدوار و خوش بین است. یک نیرو و شادی درونی (نه جسمانی) در او روان است که پشتوانه‌اش چیزی جز عشق و امید نیست. او در همان لحظه که در مرگ پیرمرد سیاهپوش و عزادار است، همراه پسر پرده را آزاد می‌کند و به تماشای کوچه و آینده می‌رود: - همه چیز را نو می‌کنیم. از نو می‌سازیم.

او خطاب به پیرمرد احساسش را چنین بیان می‌کند:

- گل ما امیر هست... بهار ما گذشت، اما حالا



افرادی که به سنت های غلط پابند باشند و یا قصد شکستن آن را داشته باشند.

رسم کهنه و پیوسیده ای انتخاب شوهر برای دختر یازن برای پسر هوزهم در میان بعضی از مردم ما مرسوم است. پدر و مادرها برای فرزندان شان همسر انتخاب می کنند بدون آن که نظر آنها را بپرسند و رضایت شان را جویا شوند. هر جوانی که این سنت را بشکند از خانواده وایل و قبیلۀ طـسـرد بی شود. نکته سبب در اینجاست که بزرگترها نیز می دانند چنین سنتی غلط است و خود زمانی گرفتار آن بوده اند، ولی بدون توجه به عواقب آن زندگی را به فرزندان خود تحمیل می کنند.

نمایش " شقایق دره " در پی شکستن چنین سنتی است و به خوبی از عهده آن بر می آید. مخصوصاً کار خوب " آزادنی " در " شقایق دره " در آن است که نقش سنت شکن را به " ماه منیر " می دهد. " سهراب " نقش کم رنگی در این سنت شکنی دارد. این انتخاب از آن جهت جالب توجه است که در تار و پود سنت های غلط، همیشه زنان بیش از مردان صدمه دیده و تباه شده اند. " شقایق دره " ادای دین است به زنان ایلاتی کشورمان که دیوارنه و با سخت کوشی نقش عمده ای در ایل به عهده دارند، و کمتر در هنرهای نمایشی، خصوصاً تئاتر، به آنها و زندگی شان پرداخته شده است. " آزادنی " در کارگردانی و اجرای صحنه ای نمایش نیز خوب عمل کرده است و اگر چه در صحنه ای که " میرزا " مشغول مداوای " ماه منیر " و دور کردن جن از او است تاحدی انت می کند، اما در مجموع کارگردانی و بازی ها خوب و دلچسب است.

بازی سپیده پرورد نقش " مادر "، " فاطمه رضائی " در نقش " ماه منیر " و " علی سوزنجی " در نقش " عید محمد " از ویژگی های نمایش است و تسلط آنها در کارشان، بازی سایر

بازیگران را تحت الشعاع قرار داده است. دکور نمایش را از دیگر امتیازهای نمایش " شقایق دره " می باشد که ضمن سادگی بیانگر یک زندگی ایلی هم هست.

موسیقی نمایش ورقص چوب کاملاً برگرفته از فرهنگ و هنر خراسان است و این هنرهای بومی را به تماشاگر می شناساند. استفاده محیح و بجا از موسیقی ورقص چوب در نمایش نشاندهنده آن است که گروه مشهد می داند چه نمایشی را اجرا می کند، چه امکاناتی دارد و چگونه باید از آن

تئاتر شهرستانها حرف های زیادی برای گفتن دارد و نمایش های خوبی برای دیدن. تئاتر شهرستانها مثل مرواریدی در اعماق دریاست. استعداد های بالقوه ای که در تئاتر شهرستانها وجود دارد، اگر قدر خود را ندانند هیچگاه از صدف گمنامی خارج نخواهند شد.

جشنواره این امکان را فراهم می آورد تا از نزدیک با تئاتر شهرستانها آشنا شویم و از هنر-نمایی هنرمندان خوب گوشه و کنار کشور لذت ببریم.

امسال هشت نمایش در بخش جشنواره جشنواره حضور داشتند که هفت نمایش از شهرستانها آمده بودند و یک گروه از تهران.

با تمام تلاشی که کردم موفق به تماشای نمایش " بار دیگر باران " کار گروه فومن نشدم زیرا در روز ۲۷ بهمن سه نمایش اجرایی شد و بیشتر از دو نمایش را نمی دیدید. در نوشته حاضر هفت نمایشی را که دیده ام بررسی کرده ام.

شقایق دره

تیر خلاص برای سنتی پیوسیده

نویسنده و کارگردان : علی آزادنی
بازیگران : علی سوزنجی - غلامرضا پایز انمش
سپیده پرور - علی جوانمرد محمد رخی - تقی هاجری - غلامحسین نوروزی - فاطمه رضائی - راحله رضوانی - اشرف عطاریان - سعید پرور - حسین وحدتی - رضا سنایی - سروش پرور - اصغر لشگری - جواد صدقی
طراح و تنظیم کننده حرکات موزون و نوازنده - دهل : خسرو نبی فرد
نوازنده سرنا و قشمه : برات الله صفاری

در یک ایل خراسانی، " ماه منیر " پس از تولد برای " سهراب " پسر عموی نامزد می شود. با گذشت زمان و پس از آن که دختر و پسر به سن عقل می رسند از دواج خودداری می کنند. " عید محمد " بزرگ ایل و پدر " سهراب " و عموی " ماه منیر " برای حفظ آداب و رسوم خواستار انجام ازدواج است. هنگامی که برای بردن " ماه منیر " می آید با مخالفت او روبرو شده و بدست برادرزاده اش کشته می شود.

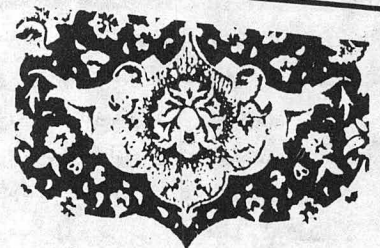
گروه مشهد با هم بادیست پرومضمونی نویسه جشنواره آمد و در پایان نمایش، تماشاگران را بهت زده و در جامیخکوب کرد. " شقایق دره " در عین سادگی یک تراژدی بومی است، سرنوشت

حال امید را در خود دارد. و زنگ تلفن در پایان نمایش بهر حال تبلور امیدی است.

متن نمایشنامه قاب بی تصویر برخوردار از موضوع و زبان زیبایی است و گفتارها پرمفهوم اند. در بیان این دو موضوع و برقراری ارتباط میان آنها هماهنگی و توازنی ظریف رعایت شده است. قاب بی تصویر نمایشی درونی است که از کانال کندوکاو در درون شخصیت زن موفق به ترسیم شخصیت مرد نیز می شود و آرزوها، دلمشغولی ها، دلشوره ها، امیدها و رویارویی آنها را با ایجاز باز می تاباند. کاوش درون شخصیت زن با تسلط انجام می شود و ساختار نمایشی نمایشنامه نسبتاً محکم است. تمامی داستان (اگر داستانی در بین باشد) و در درازنای لحظه ای تعریف می شود که در انتهای آن لحظه زنگ تلفن به صدا در می آید به نشانه...

اجرای قاب بی تصویر نیز موفق است. طراحی صحنه و لباس ها پرمفهوم و مناسب می باشند. صحنه در دو طبقه (عقب - بالا و پایین - جلو) طراحی شده است. تمامی اشیاء صحنه به منظور بازتاب احساسات درونی شخصیت ها به رنگ بنفش هستند در پس زمینه ای سراسر سیاه. تنها لباس زن، لباس عروسی سفید است. کارگردان در استفاده از دو قسمت صحنه به منظور نمایش بهتر درون شخصیت های اصلی و روابط مابین آنها تا حدودی موفق است. در مجموع طراحی صحنه با ساختار درونی نمایش همخوانی دارد و استفاده از نور و موسیقی نیز با آن متناسب است و در خدمت آن قرار می گیرد. بازی ها نیز خوب هستند و بازی دیدار رزاقی شاید بهترین بازی زن در بخش جشنواره جشنواره ها باشد. کارگردانی در ایجاد فضای مناسب متن با کمک تمامی عوامل صحنه در مجموع موفق است.

اکبر محمد آبادی





استفاده کند.

کلوله مشقی که در پایان از تنگد "ماه منیر" شل-یک شد، برای تماشاگران حاضر در سالن غیرمنتظره بود، همانگونه که برای "رشداران" منتهای غلط تیر خلاص بود.

اعضای کانون ملی منتقدان تئاتر با انتخاب نمایش "شقایق دره" بعنوان نمایش برگزیده و "سپیده پرور" بعنوان بهترین بازیگر زن پاسخی شایسته به گروه مشهد داد.

دل آشوب

حدیث نفس تئاتر تبریز

نویسنده و کارگردان: اسد صادقی

بازیگران: محمود قبه زربین - ثریا خلیل زاده - بهنوش اخی - علی واثق - الناز رفیعی - پرویز قزوینی - علی کوهپایه - محمود اخی - سعید ولیزاده - دارا علی آبادی - حمید اسماعیلی - مرتضی رفیعی - محمد خلیل زاده.

هنرمندی بنام "دل آشوب" که اغضای خانواده اش را در اثر بیماران و موشکباران شهر از دست داده، بانگارش نمایشنامه ای زندگی خود را به تصویر می کشد. او در این نمایش آدم های اطرافش را هم وارد داستان می کند. از "گابان" جاهل معتادی که باتشوئیک "صالح" و "ننه صالح" برای فروش کلیه موجب مرگ "صالح" می شود تا "اسرافیل" که از روستا بریده و در شهر به همکاری تن می دهد، و "باز بین" که قرار است متن و اجرای نمایش با تصویرب اوبه روی صحنه بیاید، آدم های نمایش "دل آشوب" هستند.

"دل آشوب" نمایش خوبی است که در آشفتگی ها و چندگانگی موضوع های خودگم شده و فرصت نمی بد تا حتی یکی از مسایلی را که طرح کرده بازیابد. "صادقی" خواسته در طی یک نمایش مدد بقیقه ای از جنگ مهاجرت روستاییان به شهرها، مواد مخدر و اعتیاد، انسان هایی که به دلایل اقتصادی اعضای بدن خود را به فروش می رسانند و کسانی که از ایمن راه کلاهبرداری می کنند و بالاخره چیزی با نام معطل بازیابی در تئاتر برای تماشاگران

سعیدی - ابوالقاسم جلالی - علیرضا دوریش نژاد و جیهه ممدق - یحیی دیوانی - فریبا غفاری - مهین مسعودی - محمد کاوه.

پدری بیمار و ناتوان است و سه پسر او در اندیشه منافع شخصی خود هستند. پدر که فرزند "بابارشید" و "بی بی" زن و شوهر کوه نشین است، پس از مرگ همسرش به شهر آمده و با "ملیحه" ازدواج می کند و اختیار همه چیز را در دست "ملیحه" می گذارد و اکنون پس از مرگ "بابارشید" و "بی بی" و "ملیحه" در انتظار مرگ است. بامرگ او صدای بولدوزر برای تخریب خانه و احداث پاساژ به صدا در می آید.

حکایتی ساده "برخلاف نامش حکایتی مرکب است و حکایت در حکایت و بازگو کننده زندگی سه نسل از یک خانواده، نسل اول در هاله ای از ابهام، نسل دوم در پس غبار و نسل سوم؟ کاملاً منفعت پرست و سودجو و فارغ از روابط عاطفی.

زندگی گذشته این خانواده از بازگشت به گذشته ای پدر خانواده و پسر "بابارشید"



جان می گیرد. ما متوجه می شویم که "بابارشید" و "بی بی" کوه نشین هستند و طبق گفته "بابارشید" اوزمانی در گردنه کلات مبارزه می کرده است. چرا و برای چه؟ معلوم نیست اکنون در شهر و در خانه پسرش، این "ملیحه" است که به او "بی بی" می گوید و چکار کنند و چکار نکنند و این باخوی روستایی پیر مرد و پیر زن ساکار نیست و نهایتاً آنها در اندوه و غربت شهر

سخن بگوید. این تنوع در موضوع، هم در آشفتگی متن و هم در عدم پرداخت مناسب نمایش موثر بوده است. حتی شخصیت های نمایش نیز گرفتار متنی آشفته هستند و این را می توان از ابتدا شاهد بود.

"دل آشوب" شخصیت اصلی نمایش هم در دیگران را خوب می فهمد و هم نامتعادل است. روح و روانی بیمار و قلمی نسبتاً توانا دارد. عروسک ساز است، اما هر چه می سازد بی سراسر بیماران و موشکباران شهرها و ویرانی حاصل از آن برای تماشاگر بی بار ملموس است و "دل آشوب" در این باره چیز تازه ای ارائه نمی دهد و حرف های دربار سند قاتل بودن و جنایتکاری بودن عاملان جنگ و متجاوزان، در حد شعار باقی می ماند.

وارد شدن به عرصه ی تئاتر در صحنه ی تئاتر به گونه ای که در "دل آشوب" دیدیم بیشتر حدیث نفس تئاتر و تئاتر های تبریز است. در این صحنه، نمایش با بهره گیری از تکنیک فاصله گذاری تعزیه به شکل تازه ای از پرداخت نمایشی دست می یابد.

طنز کننده نمایش در صحنه ای است که دو تن از بازیگران به سراغ "باز بین" که کتاب قطوری در دست دارد می روند و می خواهند او را با ممدلی به جای دیگر منتقل کنند، اما نمی توانند. آنها با گرفتن کتاب "باز بین" و کنار نهادن آن به سادگی او را با ممدلی به وسط صحنه می برند و همین طور حرف های "باز بین" درباره نمایش و نظریات او که گفتیم باید تمام این بخش را حدیث نفس تئاتر تبریز حساب آورد. "اسدی" در استفاده از یک بازیگر و عروسک برای القای این حس که عروسک اگر در نظر دیگران بی جان است برای "دل آشوب" زنده و جان دارد موفق عمل نکرده است. و بالاخره با سردست گرفتن سر بریده ای که از آن خون می چکد و همان سرگمشده دختر "دل آشوب" است و سخنرانی شعاری اوبه پایان می رسد و آن که به نتیجه ای برسد.

حکایتی ساده

غیر قابل قبول

نویسنده و کارگردان: محمد هادی ناوور
بازیگران: علیرضا پورمحمد - ایرج قوشچی - داود



می‌میرند.

نسل دوم، پدر خانواده است و "ملیحه" وسه پسر که تحت حاکمیت "ملیحه" به زندگی ادامه می‌دهند. "ملیحه" پسر بزرگش را دوست دارد اما پدر به پسر کوچکش علاقه دارد. "ملیحه" تصمیم گرفته زندگی است و حتی در لباس پوشیدن شوهرش هم دخالت می‌کند. بامرگ "ملیحه" و ازدواج پسر ها پیرمرد اکنون تنه‌است و "غلامحسن" رفتگر محله مونس تنهایی اوست.

هر سه پسر گرفتار زندگی و در پی منافع خود هستند و فقط پسر کوچک مختصر توجهی به پدر دارد. آنها برای توجیه اعمال خود بهانه‌هایی نیز دارند. برادر بزرگ‌ها مله معامله‌وز دینداست و در فکر ساختن پاساژ در محل خانه پدری. برادر وسطی ظاهر ا کارمند منظمی است اما در نفع پرستی چیزی از برادر بزرگ کم ندارد. زنهای برادران نیز با هم اختلاف دارند.

سرنوشت این خانواده مشخص است. بامرگ پدر، خانه ویران می‌شود تا پاساژ احداث شود و معلوم نیست چرا "نامور" این قدر تلخ و سیاه به زندگی نگاه کرده است. او حتی برای "غلامحسن" هم نقطه روشنی باقی نمی‌گذارد و او را دست کج و تحت تاثیر و وسوسه های زنش نشان می‌دهد. این همه تلخی و سیاهی در آدم‌ها نمایش، "حکایتی ساده" رابه حکایتی بی‌هویت و بی‌شناسنامه تبدیل می‌کند. سیرا شمع لال تدبیری "بابارشید" و خانواده و پسرو نوه‌هایش منطقی و قابل قبول نیست. به همین دلیل تماشاگر با عدم پذیرش آنچه که دیده، سالن را ترک می‌کند و این سیاهی راندی پذیرد.

شورآب‌ساران

موضوعی خوب در نمایشی ضعیف و طولانی

نویسنده، طراح و کارگردان: هواس پلوك
بازیگران به ترتیب: هواس پلوك، ابراهیم سعدالهی - محسن آفتاب‌سوار - سالار امیدي - فریدون خدادادی - غلامرضا مرادی - ماشاء الله ورواشی - فردین عبدالمالکی - نیلوفر شایسته - ایرج مرجانیان - عباس کاظمی - علی صادقی - زهره‌نوری - غرناز خسروآبادی - سیروس سپهری - برومند کرانی - هدایت حیدری - حبیب صالحی -

که با فرهنگ و واژه‌ها آشنایی ندارد از ارتباط با آنچه که بر روی صحنه جریان دارد غافل بماند. حدود ۴۰ دقیقه ابتدایی نمایش به هیچ وجه جنبه نمایشی ندارد و نویسنده، با توجه به شناختی که از اوداریم، قادر بود بنحویه‌تری به نگارش متن، طراحی بازی ها و کارگردانی نمایش اقدام کند. "داخداران" و "قلاسان" که در جشنواره های گذشته تئاتر فجر اجرا شده اند دونه نمونه از کارهای جالب توجه "هواس پلوك" است که از فرهنگ بومی منطقه بهره گرفته و در عین حال با تماشاگر هم ارتباط برقرار می‌کند.

تعدد شخصیت‌های نمایش و طولانی بودن مقدمه آن، "پلوك" را از پرداختن به اصل موضوع دور کرده است. ساز زدن های گروه هیچ نکته خاصی را در خود ندارد. سازهای مورد استفاده، سازهای ملی و بومی هستند، اما نشانه هایی که می‌شنویم ملی و بومی نیستند و بطور کل از موسیقی در این نمایش کاربرد صحیحی ارائه نشده است.

"شورآب‌ساران" موضوع خوبی دارد و جنبه نمایشی آن هم قوی است اما نمایشی که در جشنواره اجرا شد خوب نبود. با حذف صحنه‌های اضافی نمایش می‌توان "شورآب‌ساران" را به نمایشی ۶۰ تا ۸۰ دقیقه‌ای اما نمایشی تر و دیدنی تر تبدیل کرد و بدینست که "پلوك" این پیشنهاد را تجربه کند و فرهنگ بومی منطقه اش را به شکل ملموس‌تری برای علاقمندان تئاتر به نمایش بگذارد.

باقر شکوهی - مهدی عمیدی - فریبا امیری - علی اکبر قنبری - حمیدرضا غفاری - اسدالله کبابی - غلامحسین اسدیان - غلامرضا نوروزی - زاده - حجت مرجانیان - نوازندگان: شاهپور کمالی - فرزاد پروانز - ایاز محمدی - فضل الله خامی.

در یکی از ولایات، اهالی دور هم جمع شده و درباره مسائل مختلف ولایت گفتگو می‌کنند. "دوران" یکی از دادران از عروسی پسرش "بلوران" می‌گوید. اهلی . ولایت پیشکش‌هایی به میمنت ازدواج - "بلوران" برای او در نظر گرفته و در جمع هر کس میزان هدیه خود را اعلام می‌کند. "بلوران" که سنت شکنی کرده و برای افزودن بر تعداد فامیل قصد ازدواج با دختری از ولایت دیگر را دارد، بار سفر بسته و خود به تنهایی به ولایت "عروسان" رفته و همسرش را همراه می‌آورد. ورود "عروسان" با حمله ملخ ها به ولایت همزمان می‌شود و گروهی از اهالی که با غدار هستند قدم "عروسان" را شوم می‌دانند. اهالی برای رهایی از آفات ملخ پنج نفر را مأمور آوردن آب "اگر ملوج" می‌کنند که "بلوران" یکی از آنهاست. در غیاب "بلوران" و در روزی که هوا از هجوم ملخ ها تاریک شده، "عروسان" به قتل می‌رسد. "بلوران" با زمی گرد و مانع از درگیری اهلی آبادی ساکنان ولایت می‌شود. "شورآب‌ساران" نمایشی طولانی و خسته کننده است، در حالی که می‌توانست چنین نباشد. از طرف دیگر، استفاده مکرر "هواس پلوك" از فرهنگ و واژه‌های بومی در نمایش باعث شده تماشاگر

دلی بای وآهو

یك نکته مثبت

نوشته : عباس معروفی

کارگردان : محمدجواد کبودرآهنگی

بازیگران : اسماعیل عمید - محمدابراهیم جعفری

فاطمه پهلوانی - زهره رفیعیان - مرفیه رهبر -

مرجان میرابیان - فاطمه نظری - زهرابنی مفر

مریم خالقی - عباس نفری - حسین نادری

منصورزبیدی

رقمندگان : محمدبهاری - رجب - میدی کیوان

عباس آذری

آهنگساز و نوازنده تنبور : مهرداد رشیدی

" آهو " زیباترین دختر قبیله به عقیده

از دواج " دلی بای " چابک سوار بی همتای

قبیله اش درمی آید . " آهو " به هنگام تولد به

نام " قاراجوگا " یکی از جوانان قبیله ناف بر

شده و " مایسا " هم بنام " دلی بای " اما

" دلی بای " و " آهو " با ازدواج خود رسم

قبیله را برهم می زنند . عمر روز عروس

" دلی بای " از نزد " آهو " می رود و بر نمی گردد

زیرا توسط " قاراجوگا " کشته می شود . باقتیل

" دلی بای " که محبوبترین جوان قبیله بود ،

مردم به " قاراجوگا " حمله می کنند و او بی

آلا چیق " بایاندو " پدر " دلی بای " پناه

می برد . " آهو " سربه کوه می گذارد و در حالی

که مردم خواستار مجازات " قاراجوگا " هستند ،

" بایاندو " او را از کلبه اش بیرون می کند تا به

کوه رفته و " آهو " را بدست آورد .

نمایش " دلی بای وآهو " ساختاری

اسطوره گونه دارد . چنین برداشتی با عدم

حضور فیزیکی " دلی بای " و تاکید بر حضور

" روح مادر دلی بای " که همیشه در میان اهل

قبیله حاضر است و اشاره آن دودختر به اینک

" دختران آهو هستند " شدت می گیرد و دواج و

فرود داستان در همین بافت اسطوره گونه ای آن

است .

تماشاگران ابتدا " دلی بای " را نمی بینند

و وصف او را از دیگران می شنود . " دلی بای " -

برای " آهو " مثل ماه است ، هر چند که زبان

کمی می گیرد ، اما از این نقص هم در جهت مثبت

استفاده می شود زیرا دلنشین تر حرف می زند .

نمایش " دلی بای وآهو " که بر اساس باورهای

قومی مردم ترکمن صحرا توسط " عباس معروفی "

نوشته شده با ایل بافت کاملاً نمایشی اش تا

بحال چندبار توسط گروههای مختلف در جشنواره

سراسری تئاتر فجر اجرا شده است و در نهمین

جشنواره دواجهای متفاوت از آن به روی صحنه

آمد . یکی بنام " آهو " و دیگری " به کارگردانی

" مریم مخترف " که در بخش ویژه اجرا شد و

دیگری " دلی بای وآهو " به کارگردانی

" کبودرآهنگی " از همدان که در بخش جشنواره

جشنواره هابه روی صحنه آمد .

گروه همدان ضمن آن که سعی کرده بود به متن

اصلی وفادار بماند در رعین حال شیوه اجرایی

خاص خود را داشت ، و بحث مانیز درباره اجرا

و بازی های نمایش است .

اولین مشکل در اجرا ، صحنه سازی و دکور نمایش

است بنحوی که تماشاگران که در قسمت

غربی سالن نشسته بودند از دیدن تمام صحنه

و بازیها محروم می شدند ، زیرا بخشی از " ابه "

(چادر ترکمنی) " بایاندو " مانع دیدن

تمام صحنه می شد .

نمایش بارقص ترکمنی جوانان قبیله شروع

می شود " بایاندو " پدر " دلی بای " خوشحال

از ازدواج پسرش ، باز نهایی که در حال کمک بر

برگزاری مراسم هستند گفتگو می کند . اما صدای

رقص و پایکوبی رقصندگان بر صدای " بایاندو "

و زنها تاثیر می گذارد و فقط کلماتی نامفهوم از

حرفهای آنهاست که شنیده می شود . دلیل

بروز این ضعف در صحنه ، دکوربندی بدی است

که باعث شده تا کارگردان رقص رقصندگان

و گفتگوی " بایاندو " باز نهادر محسوس

کوچکی به اجرا درآورد حال آن که صحنه سالن

اصلی شهر به اندازه کافی بزرگ است ، و می توان

برای نمایشی مانند " دلی بای وآهو " دکور

مناسب انتخاب کرد . موسیقی نمایش اگر

چه گاه به موسیقی ترکمن صحرانزدیک می شود ،

اما فاقد آهنگ و نغمه های موسیقی بومی این

منطقه است . نعره هایی که بازیگران نقش

" قاراجوگا " می کشد بجای آن که حس لازم را به



جذابیت های دراماتیکی آن موجب می شود تماشاگر احساس خستگی نکرده و نمایش را تا انتها دنبال کند. بازی خوب "محمود پاک نیت" و "دیدار رزاقی" از ویژگی های نمایش است.

پاک نیت از هنرمندان خوب تئاتر ایران است که با دودهی تجربه بازیگری، حرکتش بر روی صحنه ترکیبی از خلاقیت های فردی و برداشت حسّی از شخصیت نمایش است. دیدار رزاقی که به بار اصلی نمایش بردوش اوست با وجود جوانی از تجربیات دیگران مضمون پادشاه، بسیار آموخته و به راحتی با این سوی صحنه ارتباط برقرار می کند و اگر به آموختن ادامه دهد و از مدایش مراقبت کند یکی از هنرمندان خوب آینده تئاتر ایران خواهد بود.

"علی نقی رزاقی" به عنوان نویسنده و کارگردان نمایش "قاب بی تصویر" در پرداخت متن و کارگردانی نمایش خوب عمل کرده است. ایجاز در موندلوگ و همچنین حرکتهای مناسب و خوبی که "رزاقی" برای پرنساز "نرگس" در نظر گرفته، شخصیت نمایش را به تماشاگر نزدیک می کند، و تمایزی شفاف برای قصاب خالی ترسیم می نماید، در عین حال دکور مناسب و رنگ آمیزی خوب آن در انتقال با عاطفی نمایش نیز موثر است.

نمایش "قاب بی تصویر" به دلیل ظرافت های نمایشی موفق شد چهار جایزه کانون ملی منتقدان تئاتر را برای بهترین بازیگر زن و مرد و بهترین متن و کارگردانی از آن بربد.

محمد بهرامی

نمایش به شکل روایت گونه بازگویی شود تماشاگر آنچه را که باید بداند از زبان "نرگس" و بازسازی خاطرات اومی ببیند. "فرهاد" خواستگار "نرگس" فارغ التحصیل رشته روانشناسی با دیدگاهی تازه درباره سنت خواستگاری به همراه خانواده اش به خانه "نرگس" آمده است. بجای "نرگس" این "فرهاد" است که جای "رامی بردو" بله "رامی گویند" و مقدمات پیوند جدید را می ریزد. وظیفه مهمتر "فرهاد" در دفاع از میهن، مراسم ازدواج آن دورا به تاخیر می اندازد و اسارت "فرهاد" شریک تلخ انتظار را به جان خانواده اش می ریزد. "نرگس" هم منتظر می ماند و با لباس سپید عروسی و کفش های سیاه انتظار.

با اعلام خبر ورود ازادگان به کشور، "نرگس" به تجسم "فرهاد" و پرواز مرغ خیالش درباره اومی پردازد. پس از چند سال "فرهاد" چگونه آدمی شده است؟ آنچه "نرگس" در ذهنش یافته است مردی با موهای سپید، چهره ای شکسته، پایی معیوب، اما مضم و با اراده او. "نرگس" را آزادی گذار دتا با فرد دیگری ازدواج کند، اما "نرگس" این هدیه را منتظر نمانده تا چنین پاسخی بشنود، او انتخابش را از قبل کرده و هر چه پیش آمده عا شدت فقری در این انتخاب حاصل نخواهد شد. این روایت های است که زنان منتظر و ازادگان بازگشته داشته و دارند.

"قاب بی تصویر" نمایشی دوفره است اما

تماشاگر منتقل کند، موجب می شود تا تماشاگر از خود بیگانه و دایره فریادهای چيست؟

در مورد بازیگران، احرف گفتنی وجود ندارد و تنها نکته مثبت نمایش "دلی بای و آهلو" بازی "مرجان میرابیان" و "فاطمه نظری" بازیگران نقش "آیتک" و "آی لر" است که در تعدیل لحظات نمایش موفق هستند.

قاب بی تصویر

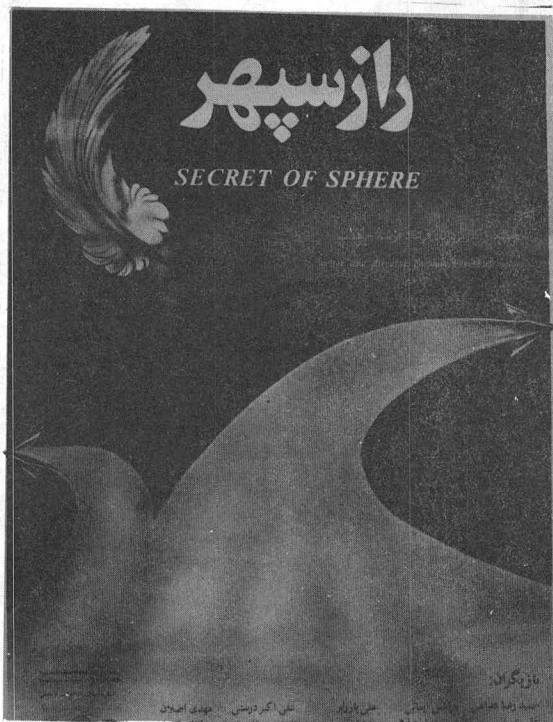
تصویری شفاف

نویسنده و کارگردان: علی نقی رزاقی
بازیگران: دیدار رزاقی - محمود پاک نیت

"نرگس" دختر جوان با روحیه ای شاعر منش در انتظار بازگشت نامزدش "فرهاد" است که در طی جنگ به اسارت دشمن درآمده است. او در خلوت تنهایی خود خاطراتش با فرهاد را مرور می کند. با اعلام آزادی و ورود ازادگان به کشور، "نرگس" بازگشت "فرهاد" را در خیال خود زنده کرده و عینیت می بخشد.

"قاب بی تصویر" اولین نمایشی است که مستقیماً به مسئله ازادگان و خانواده آنها پرداخته است. نویسنده با بهره گیری از واقعیت های موجود و ملموس جامعه و جمع آوری آنها متن خود را به رشته تحریر درآورده است و به آن ساختاری نمایشی داده است.





اسفندیار نامه ها

تراژدی اسفندیار

کار: حسین فرخی

راز سپهر

کار: فرهاد فرشته حکمت

آنچه مسلم است، اسطوره، روایت نمادیک وجه مشترک دارند: "در خانواده ران ازیک اهل وقبيله اند. که در تاریک روشنایی های یاد و خاطره آدمی، زرگار گرفته اند." هنر از طرفی و روانشناسی را کم و بیش از همان طرف که هنر می خواهد، از دیرباز سعی داشته اند. دیاقاری آن ویا تحلیل گرش باشند. هنر اما چیز دیگری است و تاثیر این ابرپدیده حیات بشری، والا ترین کجاءه راهوار این زبان است. شاید قبل از همه این ها که گفته شد، باید از مادر بزرگه می گفتم: "یکی بود، یکی نبود، زیر گنبد کبود..."

اونوقت که ما نبودیم، زمونهای خیلی دور، یه پهلونی بود. رستم - خیلی زور داشت، یه پادشاهی بود که یه پسر داشت، رنعا خوشگل، مژ قرص ماه - اسفندیار - "جادوی مادر بزرگها از همین جاشروع می شود، همه چیز خیلی دور، خیلی خیالی و بسیار مبهم از نظر رنگ و جلا، اما باور کردنی، گویی وقتی قصه را می شنوی و با می بینی توری سفید، حایل میان تو و آدمهای فمه است. از اینجاست که باید توجه داشت، تاثیر اسطوره ای - آن نوعی که مقاله می گوید و اجرا هاسعی بر آن داشتند - راهی جز از این ندارند، مادر بزرگ، تمویرها، تفسیرها و آن تور سفید.

مادر بزرگ در قصه اش اگر چه شاهنامه را خوانده باشند، اما آنچه را که لازم می بیند برای چه هایش می گوید. نزد او شاهنامه فقط برای خواندن بود، نه برای گفتن یا نشان دادن. در تئاتر به این عمل می گویند نگاه مولف و به نوعی می گویند، تاثیر تجربی.

نگارنده منکر شکل های دیگر نیست. مادر بزرگ قصه خودش را می گوید، دیگر به فردوسی کاری ندارد. اتفاقاً "ویکتور هوگو" گفته است، اگر قرار بود "شکسپیر" قصه های تاریخی، ملی و فولکلوریک، از جمله "هملت" را آنطور که وجود داشته یا نقل شده بود، بسراید، "هملت" شاهکار ادبیات نمایشی نمی شد. من می گویم

دیگر تنها مرگ است که رستم را راهایی می بخشد یا اسفندیار را فلاح.

"حکمت" در مقام کارگردان آنگونه که بعنوان نویسنده موفق نشان می دهد توانایی - های خویش را به کار نگرفته است. عدم استفاده از اختلاف سطح منظر نمایش، استفاده از لحظات سما، گونه در صحنه مداوای رستم و چند لحظه دیگر اجرا که هماهنگ و هم جنس با کل اجرا نیست، قطع و وصل بیش از حد صحنه با توسل به قطع و وصل نور صحنه، عدم توجه و یکارگیری امکانات و اکسسوار موجود در صحنه ها که می توانست با اندکی تغییر یا حتی بدون تغییر آنها تمسور مکان های متعدد را جلوه گر سازد. اینها همه نکاتی هستند که کارگردان خوش ذوق "راز سپهر" با توجه به آنها می تواند، در باروری اجرای موفق تر شود. باید پرسید وقتی که در جای جای متن و اجرا، روشن تن بودن اسفندیار آشکار است، باز سازی صحنه چند دقیقه ای روشن تنی اسفندیار، به چه کار اجرای آید؟ گذشتن از این صحنه بسیار - صحیح و سهل است. با اینهمه "حکمت" در ایجاد ریتمی صحیح و مناسب و شروع انفجاری و ناگهانی نمایش، نوید استعداد خوبش را می دهد، و اگر همه بازیگران گروه بازی توانایی و استعداد "علی عمرانی" ایفاگر نقش اسفندیار را داشتند، شاید اجرا موفق تر از اینها می شد.

درست مثل قصه مادر بزرگ ها از "رستم و اسفندیار" اما بعد - راز سپهر نوشته قابل تامل و تحسین برانگیز فرهاد فرشته حکمت در ارتباط با آنچه بالا آمد، تلاش چشمگیری داشته است. هر چند هیچ تفاوتی از نظر ساختمان داستانی با قصه حکیم طوس ندارد. بهتر بود بنا به اقتضای نگره شخصی، به دور از چشم تنگ نظران کم و کاستی های لازم پدیده نمایشی را منظور می کرد. مجموعاً "حکمت" در جملاتی شیوا و با تمهیدات خاص، سخن را به یک سؤال اساسی و همیشگی ختم می کند که: این کدام راز پنهان و نادانسته است و این کدام دنیای ناخواسته پراز رنج و بلاست. اما مشکلاتی گریبان این دوست نویسنده را رهان کرده و آن پیروی از سیر داستان شاهنامه است. بنابه همین پیروی است که صحنه ها و لحظات اضافی، مانع نتیجه گیری قطعی از قصه می شود. مثال می آورم - از صحنه های گشتاسب، مداوای رستم و چند نمونه دیگر که فقط پایبندی نویسنده را به اصل قصه می رساند. مطمئناً مادر بزرگ ما به اینها وقعی نمی گذاشت اگر نگره اش با نویسنده مایکی می بود. اما از موفقیت های نویسنده بعنوان کسی که می خواهد خود سراینده رستم و اسفندیار باشد، تلاش در یکی نشان دادن رستم است با اسفندیار. در یک تعبیر این دو یکی هستند در دو خصوصیت مقابل که در تخصص با یکدیگر قرار می گیرند، اینجا

کارگردانی است - وعده‌ترین مشکل اجرا بود، جلوگیری نماید - صحنه‌پایانی نمایش نیز که نقالان سعی در انتقال قه‌ای تاریخی به دوران معاصر دارند، هرچند به خودی خود، زائیده فکری خلاق است، اما در ارائه ناتوان است، بخصوص که "فرخی" می‌توانست این رویه را از نقالان در هیبتی امروزی بی‌آغاز و تا پایان مقبول‌تر می‌افتاد.

و اما بعد از اینها - مادر بزرگ هادر قسه - هایشان آن تور حایل را، آنطور که گفتم ایجاد می‌کنند و دو کارگردان این دو نوشته بایک تمهید، یعنی استفاده از نقالی و روایت سعی بر آن دارند، اما باید توجه داشت، یکی از تمهیدات برای این منظور، عنایت کارگردان به فشن پنهان سازی عمل‌های صحنه، طوری که بیننده، تماشا بر این مرئی و نامرئی نظاره‌گر باشد - آن‌طور در این اجراها دیده نشد - تقریباً همین و تمام.

والسلام - هوشنگ هیهاوند

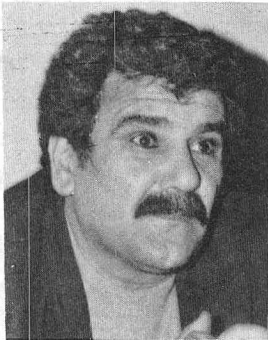
نتیجه‌گیریهای اخلاقی و سیاسی براستعداد "فرخی" صحنه می‌گذارند و درست ایفاگران همین دونقش هستند که بابازی نسبتاً صحیح به آویاری می‌رسانند، وگرنه دیگران رنج صحنه هستند. جادار دابازی خوب این دو "اسماعیل مرسلی" و "حمیرا حسنی ریاضی" قدرانی کرده باشم - به رسم ادب - "فرخی" در ارائه میزانشن هاهم موفقی است، و کمتر حرکت‌های زائد دیده می‌شود، مگر در بازیگری و طراحی حرکت‌های نقالان و گروه حرکت که نبودشان بهتر از حضورشان بود.

کارگردان با توجه به طراحی صحنه استلیزه و چشم نواز و فکر فراز، باید که از آنهمه زرق و برق رمانتیک و ملودرام مآبانه لباس‌ها و موزیک پرهیز می‌نمود - چرا که بیننده را به بیراهه دوخت و قیمت و جلا و جبروت غیر لازم رهنمون می‌کرد - کارگردان می‌توانست از صحنه‌های اضافی مثل اولین ورود اسفندیار بدون هیچ تاثیر دراماتیک و صحنه زیبای - فقط زیبا - روئین تنی اسفندیار صحنه در بند بودن اسفندیار که فقط امکانات نوری آزاد دهنده، کار ویژه یک لحظه نمایشی - تئاتری - را به همراه نداشت - و نیز فرخی می‌توانست با دقت بیشتر از ریتیم یکنواخت و بی‌افت و خیز که - ریتیم از اساسی ترین عنصرهای

و اما بعد از این - "تراژدی اسفندیار" نوشته "علی چراغی" و به کارگردانی "حسین فرخی" دومین اسفندیار نامه این مقاله است که مختصراً به آن خواهیم پرداخت - در این یکی در زمینه متن برخلاف "راز سپهر" کلام نتوانسته آنچنان که باید و شاید از پختگی لازم برخوردار باشد، و نیز "علی چراغی" حتی اندکی سعی ننموده که از ایده‌های فردی سودجوید - فقط نویسنده در این رهگذر، و برخلاف فردوسی اسفندیار را تا حدیک زنجیری و بندی شاه حال به بهانه اشاعه مذهب مزدیسنی افول می‌دهد، اگرچه انگیزه‌های باطنی اسفندیار بررسی نمی‌شود - در همین ارتباط و در یک قیاس اجمالی خوب است گفته باشیم "حکمت" در "راز سپهر" این نقیحه را ندارد، وی توانسته با کنکاش و جستجو در روحیات و بخصوص تنگ کوئی‌های اسفندیار پرده از آرزو و وحیث - نفس این قهرمان مظلوم برگشاید.

اما حسین فرخی علیرغم کاستی‌هایی که بعضابه آنها اشاره خواهد شد، موفق تر از نویسنده "تراژدی اسفندیار" است - وی خواسته و تا حدودی توانسته است حرف خویش را روایت کند - تکیه صحیح و نمایشی کارگردان بر شخصیت "مادر" و در مقابل او "گشتاسب" به منظور





نامور: ما در اجرا سعی کردیم دست به یک تجربه جدید بزنیم، طبعاً "در این تجربه یک سری اشکالات هم موجود است. نمایش: نمایشنامه بر مبنای اصول درام اکسیر-سیونیس نوشته شده است ولی در اجرا گاهی به ناتورا لیم می‌رسد و اصولاً "تداخل سبک وجود دارد."

نامور: من خودم بیشتر به این فکر می‌کنم که سبک‌های مختلف باید در خدمت اجرا باشند. و با آگاهی کامل این شیوه را اجرا کردم. سهر حال تئاتر است و تجربه - با تجربه کردن می‌توان چیزهای جدیدی آموخت. نمایش: بازیگران در لحظاتی و با عمدتاً از، نقش جدا هستند، بعضی هایشان به جای فریاد کشیدن جیغ می‌کشند، چرا؟

اینکه می‌شود از خلاقیت تئاتر شهرستان بهره برد.

نامور: درسته، واقعاً "نمی‌شود منکر خلاقیت"، تئاتر شهرستان شد، من در طراحی صحنه این اشکال را می‌پذیرم، شاید اصلاً "این طراحی مناسب این کار نبود. منتها یک سری اجبارها پیش آمد، ما از شهرستان جمع و جور می‌کنیم و به مرکز می‌آئیم، امکانات، هم محدود است و یک سری گرفتاری‌های دیگر که خودتان بهتر می‌دانید."

نمایش: به امید دیدن اجراهای دیگر از شما و گروه خوب شهرستان گرگان.

نقد حضوری دو نمایش: «حکایتی ساده - شقایق دره»

آنچه که در پی می‌آید چکیده ای است از نقد حضوری دو نمایش حکایتی ساده و شقایق دره که در بخش جشنواره جشنواره ها از دو شهرستان گرگان و مشهد شرکت کرده بودند. با هم می‌خوانیم:

نمایش: آقای نامور بهشتی را می‌شناسید که کار شما رادیویی است تا صحنه‌ای، چرا؟ نامور: یک نمایش از اجزای مختلف تشکیل می‌شود. یک سری فعل و انفعالات در غالب تصاویر، دیالوگ‌ها و ابزار صحنه. من سعی کرده ام از مجموعه استفاده کنم، نمی‌دانم چرا می‌گوئید رادیویی است. نمایش: در متن نمایشنامه بر خلاف اجرا، ساختار منسجم تری می‌بینیم، چرا در اجرا، این طور است؟



نمایش: در اجرا، متن نمایشنامه شما، حرکت جایی ندارد، کشته شدن وجود ندارد و بیشتر بحث است، و عمل نمایش انجام نمی‌گیرد؟

آزادانیا: ما عمل نمایش داریم، مثلاً "دختر در صحنه حرکت دارد، جایی می‌زند زیر چهار عروسی و عمل‌های نمایشی دیگر."

نمایش: برداشت شما اشتباه است. شما بیشتر حرکت بیرونی را مطرح می‌کنید حرکت نیز یکی مطرح است. حرکاتی که در روند سطحی هستند. بحث عدم ازدواج دختر با پسر عمویش در سطح مطرح است و خیلی قضایای دیگر.

آزادانیا: دختر جلوی صحنه به صورت عملی می‌ایستد بحث می‌کند و دلیل می‌آورد.

و مخالفت می‌کند با این سنت غلط نمایش: چرا بازیگر نقش خان، تحت تأثیر

عنايت بخشي و تپ او بازی می‌کند؟

آزادانیا: اینطور نیست، آقای سوزنچی از بازی گران خوب ما هستند و خودشان پیش کسوت تر از بنده هستند. جنس بازی ایشان با آقای بخشی فرق می‌کند.

نمایش: ضمن اینکه از بازی خانم سپیده پرور باید تقدیر بشود، متن را خوب درک کرده بودند و در خدمت اجرا بودند.

آزادانیا: هر کس بضاعتی دارد. من هم از کار ایشان راضی بودم.

نمایش: با تشکر از شما.

است. لحظاتی شیوه پردازی شده و اینها با هم جفت نمی‌شوند. چادر خان هم محل اوست و هم کسان دیگر، در جایی هم خیلی رئالیستی بر خورد می‌کنید. و تیر واقعی در سالن شلیک می‌کنید، چرا؟

آزادانیا: در مورد چادر خان و دیگران، قرار بر این بوده که پرده عوض بشود. اما ما نخواهیم این کار را بکنیم، وقتی که مفهوم برای تماشاچی جا می‌افتد پس دلیلی نداشت که وقت اضافه گرفته شود. با نور هم تا حدودی توانستیم این جا به جایی را حل کنیم.

نمایش: چیزی حدود ۴ دقیقه از نمایش شما را رقص تشکیل می‌دهد، چرا؟

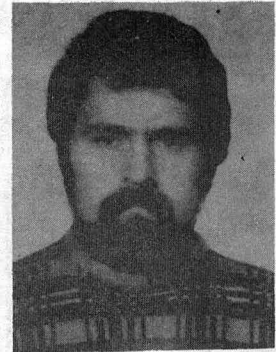
آزادانیا: اولاً "چرا رقص می‌گوئید، این آئین سنتی ما است، حرکات موزون و حماسی در ایلات خراسان است. تمام ایل‌ها بخاطر مبارزات خود از این آمادگی بدنی برخوردار هستند و بعد هم یک سری مراسم عروسی و خنابندان است، بنده اسم این را رقص نمی‌گذارم."

نمایش: بحث بر سر اسم نیست، ضرورت این لحظات، چقدر است؟

آزادانیا: دقیقاً "در خدمت متن نمایش است اگر این کار را نکنیم، چه باید کرد؟

نمایش: همین کار را می‌توانستید، منتهی، در یک دقیقه..."

آزادانیا: من بحث زمانی نمی‌کنم، در اجرا این مراسم لازم بوده و انجام گرفته است.



نمایش: آقای آزادانیا، خسته نباشید... روش کارگردانی شما در اجرای شقایق دره، چگونه بود.

آزادانیا: والله، تجربیات این چند ساله، کلاس‌ها و کارهای این مدت چکیده اش را در اجرا پیاده کردم. بیشتر سعی بر این بود که زندگی طبیعی را روی صحنه پیاده کنیم.

نمایش: استرلیزه کردن طبیعت؟

آزادانیا: دقیقاً، "منتهی با برداشتی که خودمان داریم و در واقع حالت دراماتیکی که به زندگی طبیعی می‌دهیم."

نمایش: در کارگردانی لحظاتی ناتورالیستی





هنرمندان زن در نهمین جشنواره تئاتر فجر

در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر شاهد فعالیت و تلاش بازیگران زن همراه با بازیگران مرد در صحنه های تئاتر شهرستان بودیم. فعالیت زنان هنرمند در صحنه های تئاتر تازگی ندارد اما این مسئله از نظر دور نماند که زنان هنرمند همواره با وجود مشکلات و موانع زیادی در صحنه های تئاتر ظاهر می شوند. به همین دلیل گفتگویی با چند تن از بازیگران زن در گروه های مختلف شهرستانی شرکت کننده در جشنواره ترتیب دادیم تا از نزدیک با مسائل و مشکلات آنها روبه رو شویم.

ابتدادر " هتل فرصت " با گروه شیراز برخورد می کنیم. آنها تازه به تهران رسیده اند و آثار خستگی در چهره هایشان مشخص است. با این وجود ماریا گرمی پذیرا می شوند. " دیدار رزاقی " جوان ترین بازیگر گروه ۲۰ سال دارد و دانشجوی رشته ریاضی است. سه سال است که در صحنه بازی می کند و مشوق اصلی او پدرش - بازیگر و کارگردان تئاتر در شیراز - است. به همین دلیل از نظر خانوادگی مشکلی ندارد و او در این رابطه می گوید:

" بازیگران زن در شیراز کم هستند. تعدادی به خاطر علاقه در کلاس های بازیگری ثبت نام می کنند اما بعد از دلیل مشکلات خانوادگی و یا مخالفت اطرافیان و یا برخورد های غلط کار رانیمه را نمی کنند. مساله دیگر اینکه افرادی با علاقه مجذوب بازیگری می شوند. فکر می کنند انجام آن راحت است اما بعد از مواجه شدن با مشکلات زیادی و روبرو می شوند از جمله اینکه یک بازیگر باید با علم به بازی به راز دوا این باعث سر خوردگی آنها می شود. بازیگری صرفاً کار عملی نیست باید از نظر تئوری نیز بدان توجه شود. "

✱ خانم " پاک نیت " همراه با همسر خود در گروه های تئاتر شیراز به بازیگری مشغولند و او فعالیت خود را در زمینه بازیگری از سال ۵۶ با گروه های حرفه ای آغاز نموده است و در نمایش

" قاب بی تصویر " به عنوان گروه محور حضور دارد. وی می گوید: " هنرجویان خانم از کلاس های تئاتر به خوبی استقبال می کنند. آنها با وجود مشکلات خانوادگی کلاس ها را دنبال می کنند. من خشمناک یامانعی برای کار نداشتم. اما اکثر بازیگران زن با مشکلاتی مثل خانواده، فامیل و اطرافیان روبرو هستند. البته من معتقدم اگر کسی به کار خود افتخار آمیز نگاه کند دیگران نیز باید احترام بای و برخورد می کنند اما خیلی از بچه ها از این مساله فراموش می کنند و باحتی خود را مخفی می کنند که مبادا کسی بفهمد که آنها بازیگر نیستند. خیلی از تماشاگران - حتی آنهایی که مخالف بازی زن در صحنه هستند - بعد از دیدن یک نمایش خوب فراموش می کنند که در این نمایش بازیگران زن - نیز حضور داشته اند. انگار که یک زندگی را با حضور زنان و مردان تماشا کرده اند. البته مشکلاتی در این زمینه داریم. از جمله اینکه تعداد نمایش هایی که در سال به روی صحنه می آید خیلی کم است در صورتیکه هنرمندان داوطلب زیادی برای کار داریم. فکرمی کنم برمی گردد به تمویب کارها که به کندی انجام می شود. این است که خیلی از نیروها به هدر می رود. "

✱ خانم " دینکانی " یکی دیگر از اعضا گروه که به عنوان مجری صدا و منشی صحنه فعالیت

می کند صحبت همکار خود را قطع می کند و می گوید: " کارها صرفاً برای جشنواره است. یعنی در طول سال کار دیگری انجام نمی شود مگر اینکه جشنواره ای در پیش باشد. " وی در دنباله صحبت سایرین در رابطه با برخورد مردم با بازیگران زن در شهرستان می گوید: " خانواده تعصب راجع به این مساله دارند اما خوشبختانه به دلیل سلامت محیط سینما و تئاتر بعد از انقلاب خیلی ها توانسته اند این مساله را بپذیرند. خوشبختانه من توانسته ام با خانواده خود کنار بیایم. "

خانم پاک نیت می خواهد صحبتش را تمام کند، می گوید: " امیدواریم که مسئولین نیز توجهی هر چند کوچک به امکانات شهرستانها بکنند. مثلاً در یک روز بارانی حین اجرا، دگورماخیس شد و سقف چکه می کرد. بازیگر مجبور شد میزها را در صحنه تغییر دهد و در قسمتهای خشک بازی کند. در اتاق صدانیز شاهد چکه های آب بر روی مسئول صدا و دستگاه بودیم. "

خانم " دینکانی " حرف او را قطع می کند (جای گفتن دارد که ایشان در نمایش مسئول مدابودند) و می گوید: " چکه چکه نه بگو شراب می ریخت. "

✱ ✱ ✱

در هتل دریای شمال موفق به دیدار دو گروه



برای مردم جانيفتاده باشد بازی خانم ها هم با مشکل مواجه خواهد شد. متاسفانه مادر اداره تئاتر بازیگر خانم مسن و باتجربه نداریم که بتواند به عنوان الگویی برای ما باشد. خیلی از بازیگران نیز بعد از ازدواج یا بدلیل مشکلات دیگر کار را رها می کنند.

فاطمه رضائی ۲۴ سال دارد اولین کاری است که بازی می کند. اومی گوید: "مشوق اصلی من مادرم است و بزرگترین عامل علاقه خودم است. حتی زمانی که از رشته مترجمی زبان در تهران قبول شدم از رفتن امتناع کردم زیرا فکر می کردم مانعی باشد برای کار بازیگری من."

"راهله رضوانی" بازیگر ۱۸ ساله گروه می گوید: خانواده ام بابازی من بی نهایت مخالفند. بخصوص می گویند که از درس عقب می مانی. ولی من برای اثبات حرفم از جان برای درس و بازی - مایه گذاشتم. و حتی امسال نمراتم از سالهای گذشته به مراتب بهتر شد. دلم می خواهد بازیگری را ادامه دهم و هیچوقت هم بادیتم منع درآمد به آن نگاه نکنم بلکه تفریح روح من است."

"اشرف عطاریان" کلاس دوم دبیرستان است اومی گوید: "پدر و برادر من صدمه جدی با کار من موافقت و ما در صدمه مخالف. به خاطر مسائل که در قدیم در سینمای ایران وجود داشت."

"سپیده" می خواهد که در خاتمه محبتی داشته باشد اومی گوید: "مساله جالب اینکه قرار شد که مدتی به عنوان بازیگر در تربت کار کنم و قرارداد بستم. البته پرسیدم مگر آنجا بازیگر زن ندارید؟ و جواب دادند: مشکل داریم و کسی راضی به بازی نمی شود. بهر جهت ما از کسانی که در گروه ما راباری کردند آقایان آزادنیانایی فرد، لشکری و سایر دوستان تشکر می کنیم."

گفتگوبه دراز می کشد. وقت ناهار فرامی رسد اما گروه گرگان که متوجه حضور ما شده اند ترجیح می دهند بعد از گفتگوبه خوردن ناهار مشغول شوند.

"فریبا غفاری" ۲۱ سال دارد. پنج سال است که بازی می کند و کار خود را با گروه پیام گرگان آغاز نموده است. او با علاقه درباره کارهایش صحبت می کند و می گوید: "مشکلات زیاد است و هنوز حضور بازیگران در صحنه برای مردم جانيفتاده است. وقتی در جمع دوستان

می پذیرند و عده ای دیگر - که اکثریت را دارند - برایشان قابل قبول نیست. به همین دلیل فعالیت خانم هادرتبریز خیلی کم است. این بستگی زیادی نیز به طرز برخورد شخص نیز دارد. مثلاً من به کار خود علاقه دارم و بادیتم مبتی به قضیه نگاه می کنم به همین دلیل به برخوردهای منفی اهمیت نمی دهم. البته اقوام شوهر من هنوز نمی دانند که من روی صحنه بازی می کنم. دلیلی هم نمی دانم که این راه به آنها بگیریم. برای خودم بهتر است و راحت ترمی توانم به فعالیت ادامه دهم. مساله ای که دلم می خواهد شما آنرا احتمالاً بنویسید این است که بعضی از همکاران اداره ما نیز با بازیگران زن برخورد خوبی ندارند و حتی بین بازیگران زن و مرد تبعیض قائل می شوند. در نظرخواهی نیز به ما اعتنایی نمی کنند. اگر ما لایق نیستیم که در کارها مشارکت کنیم پس چرا ما را در انجمن می پذیرند. صرف گفتن اینکه



مادر گروه بازیگر زن داریم فایده ای ندارد. و اگر در محیط به ما اعتنا نکنند از مردم چه توقعی داریم؟

نزدیک ظهر به سراغ گروه های مستقر در هتل ایران شهر می رویم. زیرابترین و مطمئن ترین موقع برای دیدن و گفتگوبه آنهاست. گروه مشهد را به زودی پیدایم کنیم و با بازیگر مشغول صحبت می شویم. "سپیده پرور" ۲۲ ساله حدود سه سال است که در اداره تئاتر ارشاد اسلامی همکاری می کند. اومی گوید: "متاسفانه در استان خراسان هنوز برای مردم تئاتر جای نیفتاده است. سالی یکبار نمایش داریم آنهم برای جشنواره های تئاتر. مسلمان و قتی تئاتر

تبریز و فومن می شویم. بازیگران زن در گروه فومن همگی جوان و تازه نفس هستند." ناهید رادخواه " (۲۰ ساله) می گوید: "فکر می کنم تنه ازنی بودم که بعد از انقلاب بر روی صحنه رفتم. خوشبختانه الان بازیگران دیگری نیز به جمع ما اضافه شده اند. اما برخورد آنهاچندان مثبت نیست. گاهی ما را در خیابان به یکدیگر نشان می دهند و یا حرف های کنایه آمیز می زنند. خانواده من چندان تمایل به ادامه کار نداشتند. خودم نیز هر بار می گفتم: این آخرین کاری است که بازی می کنم." اما باز به خاطر علاقه ای که دارم کار بعدی را شروع می کردم."

"اتیبه جاوید" ۱۶ سال دارد. اولین کاری است که بازی می کند. او آرزو دارد در آینده بازیگر خوبی شود و می گوید: "فومن شهر کوچکی است و هنوز مساله تئاتر برای مردم جانيفتاده. خیلی وقتها که ما بعد از اجرا در بیه خانه می رویم، مردم چندان نگاه خوبی به ما نمی کنند. خانواده من می گویند که با کار تو مخالف نیستیم اما حرف مردم را چه کنیم؟"

"گوهر محمودی" ۱۶ ساله در این رابطه می گوید: "هنر تئاتر چندان شناخته شده نیست دیگر چه رسد به بازی زن در تئاتر. خیلی از خانواده ها هنوز با بینش قدیمی خود به این مساله نگاه می کنند. افراد مستعد زیادی نیز در کلاسهای انجمن نمایش ثبت نام می نمایند اما به دلیل عدم شرایط و مشکلات گوشه نشینی را انتخاب می کنند."

"زهرا فیعی" یکی دیگر از بازیگران گروه در رابطه با فعالیت خود می گوید: "وضعیت من از نظر خانوادگی با دوستانم فرق دارد. زیرا من باتشویق خانواده کار را شروع کردم و به مرور زمان علاقه مند شدم."

بازیگران گروه فومن از کارگردان و گروه بدلیل مساعدت ها و همکاری و تشویق خانواده هایشان تشکر می کنند.

در گروه تبریز یک بازیگر زن شرکت دارد. ثریا خلیل زاده ۲۲ ساله همراه با شوهرش که او نیز یکی از بازیگران گروه است در نمایش "دل آشوب" بازی می کند. او از سال ۶۷ فعالیت خود را آغاز نموده است و می گوید: "نمی توانم گفت که در تبریز بازی خانم ها در صحنه جا افتاده است یا خیر؟ برخورد ها متفاوت است. عده ای این مساله را به راحتی

کلاس برای تربیت افراد تئاتری کافی نیست
بحارف و کلاس نمی‌توان بنیاد یک گروه تئاتری
قوی را گذاشت *

زهره رفیعیان " ۲۷ ساله می‌گوید: " با
بازیگر زن اطرافیان برخورد خوبی ندارند. فکر
می‌کنند بازیگر زن همان خواننده یا هنرپیشه
سینمای قدیم است. خیلی از همکاران مامکن
است خواهانشان را برای بازیگری نیاورند
زیرا هنوز هم برای آنها ساله به خوبی جا
نیفتاده است چه رسد به مردم عامی. "

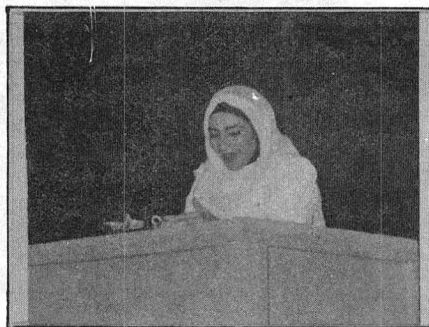
"مرجان رهبر" ۲۶ ساله می‌گوید: " احساس
می‌کنم ساله بازی خانم هانوز در تهران خوب
جانیفتاده است چه رسد به شهرستانهای کوچک
مثلا دریکی از اجراهایی که در جشنواره منطقه‌ای
داشتیم با وجودیکه ما واقعاً حجاب را کاملاً رعایت
کرده بودیم (بخصوص که همه لباسهای محلی
تماشاگران در اختتامیه شروع به انتقاد از وضع
بازیگران زن در صحنه نمایش ما کرد. این خیلی
بدبود. خوشبختانه مسئولین بسیار خوب و به‌جا
برخورد کردند. "

در آخر همه بازیگران از جواد کبودرآهنگی
کارگردان و مربی گروه بخاطر زحماتش تشکر
کردند. *

" شعله شریعتی در گروه نمایش " پر پرواز "
از تهران فعالیت می‌کند. وی دانشجوی تئاتر
در دانشکده هنرهای زیبا است و در حال حاضر
در دو نمایش " توده هیزم " و " سفر " که توسط
مرکز تئاتر تجربی به روی صحنه خواهد رفت ،
فعالیت دارد. وی در رابطه با فعالیت هنری
خود می‌گوید:

" شاید در مورد شخص من مشکلی وجود نداشته
باشد. البته هنوز هم نمی‌توانم این مسأله
را ارزیابی کنم چون بصورت کامل در زمینه
بازیگری فعالیت ندارم و ساله را برای
خود حل نموده‌ام و می‌دانم یک بازیگر زن در -
جامعه با مشکلات زیادی روبرو می‌شود. من با
علم به مشکلات کار خود را آغاز کردم. البته هنوز
برای آینده ام مدبرانه تصمیم نگرفته‌ام که یک
بازیگر شوم اما می‌دانم که دریکی از زمینه‌های آن -
فعالیت خواهم داشت و در خدمت هنر خواهم
بود

بازیگران همدانی اکثر اوقات مندمبه گفتگو هستند
آنها صحبت‌های زیادی برای گفتن دارند. و لسی
متاسفانه فقط با چند نفر از آنها فرصت گفتگو

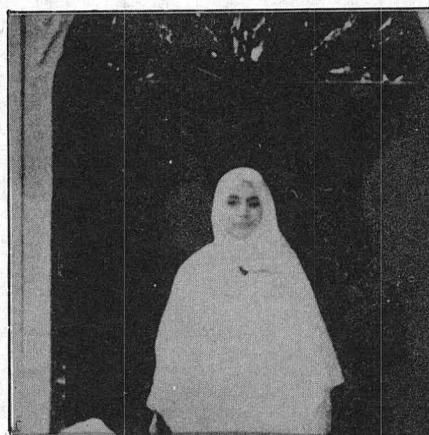


شد.

"مریم خالقی" ۳۱ سال دارد. اولین کار او
در زمینه بازیگری است و می‌گوید: " خانواده‌ام
با کار من موافقت مشکلات زیاد است اما من به
کار علاقه زیادی دارم. "



"زهره پهلوانی" ۱۸ ساله می‌گوید: " در همدان
آنقدر که سینما را قبول دارند تئاتر چندان جا
نیفتاده است. خوب شاید بدلیل آنهم کم بودن



نمایش‌های روی صحنه است. فعالیت‌ها
صرفاً برای جشنواره است. صرف گذاشتن

یا مجلسی مرابه عنوان بازیگر معرفی می‌کنند
چهره مادر هم می‌شود و نگاه‌ها حالت بدی
می‌گیرد. آنها هنوز فیلم‌های ناجور قبل از انقلاب
را در خاطر دارند. البته علاقه و ایمان من به کار
بالین برخورد ها از بین نرفته است ولی امیدوارم
زمانی برسد که شخصیت یک زن بازیگر در مردم
به شکل صحیحی جا بیفتد. "

" وحیده مصدق " ۲۴ ساله ، با دو سال تجربه
کاری می‌گوید: " در جامعه ما از آنجایی که هیچ
چیز از جمله هنر هنوز جانیفتاده ، پذیرفتن
بازیگر زن نیز برایشان مشکل است. بازیگران
مرد در رابطه با مسائل هنری مشکل دارند دیگر
چه رسد به خانمها. به نظر من واقعاً شجاعت
می‌خواهد که خانمی به کار بازیگری بپردازد.
من تقریباً هیچ مشوقی نداشتم خودم سماجت
کردم. فکر می‌کنم که این آخرین کار بازیگری من
است. هر چند هر بار این حرف را زده‌ام. علت
اصلی آنهم برخورد های نادرستی است که با ما
می‌شود. "

"مهین مسعودی" ۲۱ سال دارد. اولین
بازی او در صحنه تئاتر است. وی می‌گوید:
" اطرافیان کار من را جدی نمی‌گیرند و می‌گویند
این مسخره بازی ها چیست. گاهی مواقع آنقدر
با آنها به بحث و گفتگو می‌نشینم و با علاقه از
تئاتر صحبت می‌کنم که می‌گویند حق باتو ست "

گروه همدان و باختران را در تئاتر شهر
می‌بینم. از آقای هواس پلوك می‌خواهیم که
چند لحظه‌ای با بازیگران زن گروه صحبت
کنیم. دونه‌ها از بازیگران " نیلوفر شایسته "
و " فریبا میری " چندان تمایل به گفتگو
ندارند. وقتی به آنها می‌گوئیم که یک کسب
دوستانه است ، فریبا اظهار می‌کند که حال
چندان خوشی ندارد و نیلوفر تاحدودی راضی
می‌شود و می‌گوید: " این اولین کار بازی من
در یک گروه حرفه‌ای است. قبلاً در انجمن -
سینمای جوان بودم. از طریق یکی از اعضای
انجمن نمایش برای بازی معرفی شدم. به
تئاتر علاقه دارم زیرا یکی از برنده‌ترین زبان ها
برای بیان مطالب اساسی است. خانواده‌ام
مدد درمدا کار من مخالفند. در حال حاضر
معلم آموزش و پرورش هستم. "

زمان کمی تا شروع نمایش نمانده است و



مصاحبه با؛

خواهر فریبا ایزدشناس

س: خواهر ایزد شناس ضمن تشکر از اینکه دعوت ما را پذیرفتید، لطفاً دربارهٔ فعالیتهای هنری خودتان برای خوانندگان نمایش صحبت کنید.

ج: بسم الله الرحمن الرحيم. من فعالیتهای هنری را از دوران تحصیل آغاز کردم و در سال ۱۳۵۸ با اجازه و تشویق همسرم بدلیل ارتباط ایشان با فعالیتهای هنری (نمایش)، زمینه فعالیت را گسترده تر کردم. ابتدا آفیش های نمایش را طراحی می کردم و از چند دوره کلاسهای طراحی و نقاشی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز بهره جستیم. همچنین بعلمت علاقه به کار نقاشی آناری را در زمینه رنگ روغن - آبرنگ و مواد رنگی نقاشی کردم که عمده آثارم ساخته ذهن خودم بوده و از واقعیت ها جان می گیرند.

در سال ۱۳۶۴ کار نقاشی با کودکان را آغاز کردم و علاوه بر آن از طریق کلاسهای نمایشنامه نویسی همسرم، به کار ادبیات نمایشی علاقمند شدم. تاکنون ۱۰ نمایشنامه برای کودکان و نوجوانان و دو نمایشنامه برای بزرگسالان نوشته ام.

س: موضوع نمایش های شما چیست؟
ج: موضوع نمایشنامه هایی که برای کودکان و نوجوانان نوشته ام عمدتاً مربوط به مسائل تربیتی است و موضوع نمایشنامه بزرگسالان مربوط به مسائل زن و ارزشهای اوست.

نمایشنامه «آسایشگاه زنان» را که به تازگی نوشته ام با راهنمایی آقای جعفری در حال کارگردانی هستم. این نمایش تک پرده ای که شاهد سرنوشت اسف بار زن در آن هستیم، فریادی از مظلومیت زن در طول تاریخ است.

ما این نمایش را در واحد تئاتر خواهران حوزه هنری کار می کنیم که انشاء الله در روز تولد حضرت فاطمه (س) به اجرا در خواهد آمد.

س: عمده فعالیت های شما در کجاست؟
ج: من کارمند رسمی مرکز هنرهای نمایشی هستم، پست سازمانی من «گریمر» است.

س: از کارتان راضی هستید؟

ج: متأسفانه يك اشکال کلی در محیط هنری وجود دارد و آن این است که بعضی از دوستان تصور می کنند که هنر آنها ارث و میراثی است که فقط به آنها تعلق دارد و هیچکس هم، هیچ حق دیگری ندارد. با این تصور باطل اینها خودشان هم

را بسازیم! اگر چه مورد اذیت و آزار تنگ نظران واقع شویم. اگر چه کسانی که چیزی می دانند، دانستیهای خود را از ما پنهان می کنند. اگر چه بین دوستان ما تفرقه می اندازند! اگر چه در مجلات تلاش همه جانبه ما را بی مقدار جلوه می دهند. و اگر چه...

اما ما باز هم ایستاده ایم و دست از تلاش در رسیدن به مهارتی در خور مقاممان به عنوان انسان بر نخواهیم داشت.

س: وضعیت هنری کشور را چگونه می بینید؟
ج: با توجه به انقلاب اسلامی و با توجه به شرایط فرهنگی و هنری نظام پیشین و با توجه به اینکه ما فعلاً در دوران انتقال هستیم اظهار نظر مشکل است.

چون تاکنون کاری اساسی انجام نشده است و وضع فرهنگی - هنری، متناسب با گذشت ۱۲ سال از انقلاب اسلامی، حرکت و رشد فکری مردم نبوده است.

س: بنظر شما علت چیست؟

ج: این مسئله علت های زیادی میتواند داشته باشد بنظر من عمده ترین آنها تعویض بیش از حد مسئولین آن است.

س: چه انتظاری از مسئولین فعلی هنرهای نمایشی دارید؟

ج: الحمدالله مسئولین فعلی از تمام مسائل و مشکلات مطلع هستند.

بنظر می رسد که برنامه هایی در پیش دارند، من از مسئولین انتظار شخصی ندارم. چرا که مسئولین بهتر است انتظارات مردم را برآورده کنند. درست مثل نقاشی که اثر هنری او باید در به کمال رساندن انسان، مؤثر باشد.

باورشان شده است که هنر همین است و غیر از این نیست، غافل از اینکه هنر فطری است، هنر ودیعه الهی است که به انسان امانت سپرده شده است و این انسان با سعی و کوشش، با علاقه و پشتکارش میتواند از این امکان که یکی از امکانات بالقوه اوست استفاده کند و یا نکند! هر چه بیشتر تلاش کند مهارتش در کار بیشتر و بیشتر می شود و بقولی، استادتر می شود. درک هنری ما متأسفانه بسیار کم است. بعضی از هنرمندان ما علیرغم ادعاهایی که دارند بسیار تنگ نظرند و این مسئله حتی در محیط دانشگاه هم احساس می شود.

س: بنظر شما علت چیست؟

ج: بنظر من علت عمده این تنگ نظری ها را باید در نوع بینش افراد نسبت به جهان هستی جستجو کرد.

شما تصور کنید که يك خانم هنرمند وقتی باور و اعتقادی به هیچ چیز و هیچ جا ندارد و مسئولیتی هم به عهده اش می گذارند چگونه میتوان از او انتظار داشت که نیرویی برای این نظام تربیت نماید. در واقع به کسانی بها می دهد که مثل خودش باشند.

س: گفتید پست سازمانی شما گریمر است. در یکسال گذشته چه فعالیتهایی در این زمینه داشتید؟
ج: در یکسال گذشته ۱۰ نمایش را گریم و بیست نمایش را طراحی گریم کرده ام.

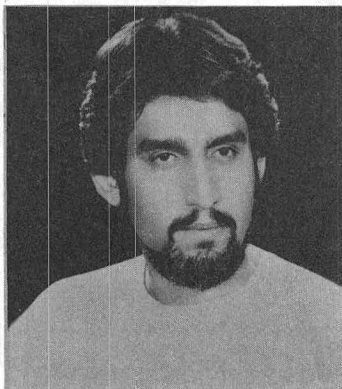
س: برنامه آینده شما بعنوان يك هنرمند زن مسلمان چیست؟

ج: با توجه به فعالیت آموزشی که در دو سال گذشته و بدون توجه به حرفهای دیگران آغاز کرده ایم امیدواریم بتوانیم نوع تئاتر مورد نظرمان



حرفهای و آماتور را نیز شرکت دادند. "که شکل
ویژه و خاصی به جشنواره امسال داد.
چه خوب است که امسال نیز انگیزه شرکت سراسری
سال آینده این گروهها فراهم شود."
برگزار شده است.

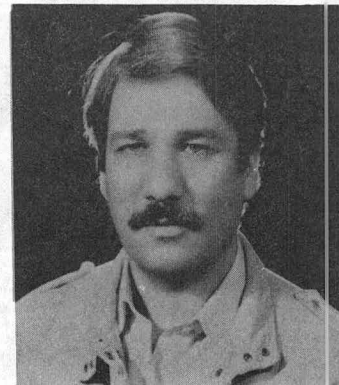
گفتگو



علی امیدوار



آتिला پسیانی



کارگردان نمایش: تقلید هفت خوان

جمشید جهانزاده

کارگردان: شب سبب زمینی

تمرین نمایش "شب سبب زمینی" از اول مهر ماه
شروع شد و ۱۸ آذر ماه تا ۲۰ دیماه به روی صحنه
رفت. البته قرار بود اول آذر ماه اجرا داشته باشد
باشیم که به دلایل مختلفی دو هفته عقب افتاد. در
فصل اجراها نیز با برنامه نای هزاره فردوسی
که در تالار برگزار شد برخورد کردیم و کار به مدت
یک هفته، تعطیل شد و در اولین جشنواره سراسری
تئاتر فجر ۲۴ بهمن ماه در دو سانس مجدداً "به
روی صحنه رفت".
نمایش شب سبب زمینی را پس از اجرای "آژانس
ونوس" کار کردم. به این نوع کار کمیدی علاقمندم.
مایلم که کاراکتر تپ، فرم نمایش سنتی و کلا
آدمها و شخصیتهایی را که در نمایش سنتی ماسمت
با چهارچوب نمایش امروز هماهنگ نمایم.
جمشید جهانزاده در باره برگزاری جشنواره تئاتر
امسال گفت:

"جشنواره امسال خوب و موفق بود. علت اصلی
آن هماهنگی و ارتباط وسیع بین مرکز هنرهای
نمایشی و هنرمندان تئاتر است.

امسال مرکز هنرهای نمایشی به جز گروههای
شهرستانی تعداد زیادی نمایش از گروههای

تقلید هفت خوان را پس از یکماه و نیم تمرین در
دی و بهمن ماه به روی صحنه بردیم. این کار را
به مناسبت هزاره تدوین فردوسی - و با متنی
که به نوعی منسوب به شاهنامه باشد - شروع
کردم که بنده "قرار شد علاوه بر کنگره در ایام
دهه فجر نیز اجرا شود".
این نوع کار - یعنی برخورد با اساطیر - را من
از سال ۶۶ با نمایش آژاکس شروع کردم.
موضوع نمایش در ارتباط با اساطیر یونان بود.
سپس فکر کردم تا اینکه امسال به مناسبت هزاره
تدوین فردوسی این فرصت دست داد.
امیدوارم که این تجربه قسمت سومی هم داشته
باشد.

مساله دیگری که میخواهم عنوان کنم اینک
امیدوارم این سوء تفاهم برای بعضی از دوستان
پیش نیامده باشد که ما قصد اجرای نمایشی
بر اساس شاهنامه یا پرداختن به اسطوره به
شکلی که در ذهن تماشاگر وجود دارد، داشتیم.
تجربه ما یک بازی نمایشی بود که امیدوارم
تماشاگر ما از همین کانال با آن برخورد کرده
باشد.

کار بعدی من به احتمال زیاد "موضوع زمانی" است
اثر کارلوس فونتنس.

از آتिला پسیانی در باره چگونگی برگزاری
جشنواره سراسری تئاتر فجر میپرسیم:

کارگردان نمایش: باز باران
باز باران پس از یکماه تمرین در شهریور ماه به
روی صحنه رفت. کلاً ۱۵ اجرا داشتیم و در
جشنواره سراسری تئاتر فجر - بخش ویژه - نیز
از ۲۴ تا ۳۰ بهمن ماه در دو سانس به روی صحنه
رفت. این دومین کاری است که کارگردانی میکنم
در نمایش باز باران صحبت از دو انسان منتظر
است که برای باز شدن در اتاق لحظه شماری
میکند. آنها امیدوارند کسی دستشان را بگیرد
و به جایی برساند. یکی میخواهد با یک تکه
چوب دوچرخهای بسازد و با آن بیرون برود
و دومی علاقمند به باران است. باران تلنگری
است برای او که بیرون بزند و در نهایت یکی
از آنها میرود.

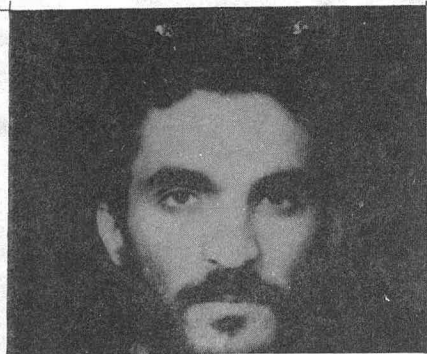
من به تم نمایشنامه خیلی علاقمند بودم و به
همین دلیل آن را کار کردم.
در آینده قصد دارم نمایش "خسب" را که
توسط دکتر فروغی باز نویسی شده به روی صحنه
بیاورم.

علی امیدوار در رابطه با برگزاری نهمین
جشنواره سراسری تئاتر فجر گفت:
در مجموع شکل جشنواره امسال پر رونق تر
از سالهای گذشته بود. هم از نظر محتوایی
و هم تقسیم بندی بخشهای مختلف جشنواره.



تئاتری آنرا کار کردم.

مدت تمرین، بخاطر محدودیتی که در وقت داشتیم و اینکه کنگره باید به موقع اجرا می شد، دو ماه بود. متن را در تابستان سال جاری نوشتم و سه بار بازنویسی کردم و آخرین بازنویسی من بعد از اجرای کنگره بود (از لحاظ متن).



در واقع يك پالایشی بود از لغات عربی به پارسی، که سعی کردم ایجاز بیشتری را رعایت کنم.

✕ نمایش: برگزاری جشنواره ها را چگونه می بینید؟

فرشته حکمت: من خودم دو سال است که با جشنواره رابطه نزدیک نداشتم، ولی تا آنجایی که در ارتباط بودم و لیست برنامه ها را دیدم، حس کردم که پیشرفت بسیاری حاصل شده و این پیشرفت تا حدودی قابل تعجب و خشنود کننده است. به جرات می توان گفت که تئاتر، در ایران جزو مظلوم ترین و جنبی ترین هنرها، قلمداد شده است.

شاید با گرایش پیشکسو تهی تئاتر و عرض اندام آنها در جشنواره که يك گامی در جهت رشد تئاتر است، بتوانیم شاهد رشد تکنیکی و شاید محتوایی هنر تئاتر باشیم.

اقدام مثبت دیگر، برگزاری جشنواره بعد از جشنواره فیلم است که دست اندر کاران سینما با عالم تئاتر رابطه برقرار می کنند و اجرای تئاتر را می بینند.

منتها مهمترین مشکلی که تئاتر ایران دارد، این است که هنر تئاتر در ایران، هنر تجملاتی و خصوصی است. عمدتاً "تماشاچیان ما جز تماشا پیمان عادی جامعه نیستند. یا جز هنرمندان هستند و یا قشر مرفه اجتماع."

در يك کلام بگویم که تئاتر بین مردم عادی و عامی ما هنوز رخنه نکرده است.

نمایش: تئاتر شهرستان و مشکل آنرا چگونه

تمامی تاثیرات را که يك تجربه واقعی میتواند از خود بجای بگذارد، در ذهن داشته باشد. در این جا ما بیشتر حرکت میکنیم به طرف ستونهای اصلی در شاخه های اصلی و به طرف اساس طرح. البته این بحث، بحث وسیعی است و نپخته.

موارد زیادی در این بحث پیش می آید و حتی باید با دیدن و لمس کردن و احساس و تجربه انسان متوجه شود آیا فکرش درست است یا غلط.

امیر دژاکام در رابطه با چگونگی برگزاری جشنواره سراسری تئاتر فجر میگوید:

"بهر حال سال به سال که جلوتر میرویم يك سری مسائل کمیتی بهتر میشود.

کیفیت همیشه در دست خود هنرمندان است. مسئولین فقط میتوانند زمینه ساز رشد هنر باشند و گرنه آنها نمیتوانند در کیفیت آن تاثیر داشته باشند.

به نظر من زیبایی زاده درد است.....
امیر دژاکام در باره رای اختتامیه جشنواره میگوید:

رای را که کانون منتقدین در مورد شقایق - دره اعلام کرده به نظر من صحیح نیست. چرا که باعث میشود سال آینده ما در جشنواره شاهد چنین کارهایی باشیم.

به آئینها و سنتها باید با دید خیلی دقیق - تری نگاه شود. سنت و آئین مواد خام نمایش هستند و حضورشان روی صحنه تابع شرایط و قوانین خاصی است. از جهتی کانون منتقدین الگویی را ارائه میکند. این نوع الگو دادن در دراز مدت برای گروه های تئاتر ایجاد مشکل میکند. هر چند که خود منم یکی از اعضای کانون هستم و نا گفته نماند که این دیدگاه شخصی من است.

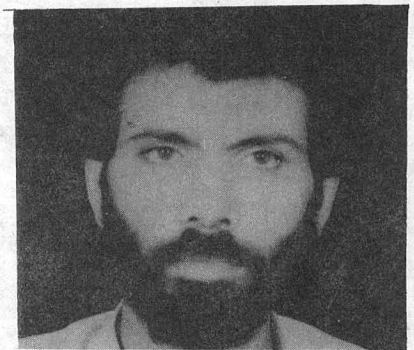
فرشاد فرشته حکمت

کارگردان نمایش: "راز سپهر"

نمایش: کمی از گروه خوبتان صحبت کنید.
فرشته حکمت: گروه "راز سپهر" در واقع يك گروه دانشجویی است و ترکیبی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا و مجتمع دانشگاهی هنر هستند.

"راز سپهر" را به بهانه کنگره بزرگداشت فردوسی نوشتم و به اتفاق همکاران و دوستان،

برنامه نیز به شکل راهنمای خوبی برای تماشاگران و علاقمندان تنظیم شده بود. البته انتقادی راجع به کارتهای کامپیوتری مربوط به اجرای نمایش خود دارم. نمیدانم تقسیم بندی کارتها به چه شکلی بود که مبهمانان سانس دوم اکثراً "نمی آمدند و سالن خالی بود."



امیر دژاکام

کارگردان نمایش: زیباترین

گل های قالی

تمرین نمایش را از شهریور ماه شروع کردیم. به دلایلی اجرای ما در آذر ماه به تاخیر افتاد و در دیماه حدود یکماه اجرا داشتیم. در جشنواره نیز به عنوان بخش ویژه در دو سانس به روی صحنه رفت.

این پنجمین کاری ست که در دوران دانشجویی کارگردانی کرده ام. زیباترین گل های قالی پروژه پایانی کارگردانی من بود.

اصولاً "نمایشهایی را میتوانم کار کنم که ارتباط مد در مد احساسی و منطقی با آن برقرار کنم. این هم یکی از آن نمایشها بسود. بیشتر کارم به شکل تجربی است."

برای تجربه کردن نیاز به آزمایش است تا موارد خطا و صحت را بتوان دید.

آن موقع نتیجه گیری کرد که چه چیزهایی درست و چه چیزهایی غلط بوده، چیه چیزهایی باعث شده که بعضی از صحنه ها درست در نیاید.

لحظه ای که شروع بکار کردم يك پیش فرض برای کارگردانی، بازیگری و کلیت اجرا داشتم و يك ایده آل در دراز مدت.

پیش فرض من در کارگردانی این بود که يك تجربه خیالی برابر است با يك تجربه واقعی برای ذهن. به شرط اینکه تجربه خیالی مسا

ارزیابی می‌کنید؟

فرشته حکمت: به نظر من اصلی ترین و عمده ترین مشکل تئاتر شهرستان، عدم آموزش و نداشتن آشنایی آنها، با تکنیکهای تئاتر است.

نمایش، حذف جایزه و حالت مسابقه از جشنواره جشنواره ها را چگونه دیدید؟

فرشته حکمت: من از اینکه روال جشنواره تغییر یافته و جایزه از آن حذف شده است مخالفم. منم هیچ حسرتی در پی یک سکه و جایزه نیست. منتها مسئله در این است که ما بر حسب حذف جایزه، رقابت سالم را حذف کردیم و در نهایت انگیزه ها را از بین بردیم. این مسئله در جشنواره تئاتر سال قبل و همچنین جشنواره دانشجویی در یکی دو سال اخیر نشان داد که چقدر افت پیدا کرده است. اگر جایزه بد است، چرا به نحو خیلی قوی در سینما مطرح می شود؟

من پیشنهاد میمانه به مسئول محترم مرکز هنرهای نمایشی دارم که، این امکان را فراهم بیاورند تا هنرمندان موفق را (به عنوان جایزه) برای یک مدت کوتاه یک هفته ای یا یک ماهه به کشورهای اعزام کنند که تئاتر در آنجا شکل قوی و گسترده ای دارد. یا از لحاظ تاریخی و ساختمانهای تئاتری پیشگام هستند.

بعنوان مثال، یونان، فرانسه، انگلیس و... این مسئله شاید یک انگیزه مطلوبی را برای رقابت های سالم ایجاد کند.

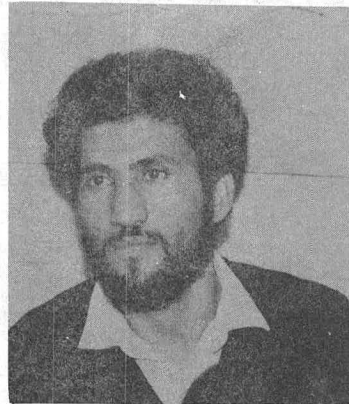
گر چه این کار شاید خرج سنگینی هم داشته باشد. اما به ثمرات و تاثیرات مهمش می ارزد.

نمایش: نظرتان در مورد گسترش تئاتر به شهرستانها چیست؟

فرشته حکمت: یکی از پیشنهادهایی که منم زمینه تئاتر شهرستان دارم، این است که اگر برای "وزارت علوم و آموزش عالی" امکان داشته باشد، در بعضی از مراکز استانها، شعبه هایی از دانشکده تئاتر را باب کند تا داوطلبان پر استعداد و فراوانی که در این زمینه وجود دارند، بتوانند آموزش اصولی را یاد بگیرند.

اگر اساتید نیز مجبور به رفت و آمد شوند و دانشکده ها نیز بصورت آکادمیک برخورد کنند ارتقا، تئاتر حتمی است.

ولی آموزش تئاتر از طریق ماورین به شهرستانها ددی را دوا نخواهد کرد.



حسین فرخی

کارگردان

نمایش: "تراژدی اسفندیار"

در فرصت يك يا دو ماه چیزی رانمی شود. داد و این درمان درد فقر تئاتر شهرستانها تنها نقطه اوج تئاتر شهرستان است.

نمایش: مقداری در مورد نمایش خونتان توضیح دهید.

فرخی: نمایش تراژدی اسفندیار برگرفته از شاهنامه فردوسی، نوشته آقای "علی چراغی" است. این نمایش را به مناسبت کنگره بزرگداشت هزاره فردوسی تمرین و اجرا کردیم.

مدت زمان تمرین ما، چیزی حدود ۲۰ روز بود. بعد از برگزاری کنگره، حدود دوازده اجرا در تالار وحدت داشتیم و در نهمین جشنواره تئاتر فجر نیز در بخش ویژه حضور داشتیم.

در اجرای نمایش "تراژدی اسفندیار" بیشتر سعی داشتم به حماسه رستم و اسفندیار در قالب یک درد انسانی، یک مسئله عاطفی و یک حرف جهان شمول بپردازم.

و آن مسئله قدرت طلبی است. استفاده از فضا و شخصیت های شاهنامه در کار تا حدودی کم رنگ تر است و سعی کرده ام در مجموع نمایش را به زمان حال پیوند دهم.

نمایش: نظرتان در مورد برگزاری جشنواره به شکل فعلی (ادغام گروه های شهرستانی و گروه های حرفه ای تهران در یک جشنواره) چیست؟

فرخی: بسم الله الرحمن الرحيم. جشنواره امسال در واقع مثل سالهای قبل است. اگر دقت کرده باشید، در سال های قبل هم بخش های ویژه و جنبی داشتیم. پس ادغامی صورت نگرفته است. بخش جشنواره ها بود و بخش های دیگر هم همینطور جداگانه اجرا میشدند.

تنها تفاوتی که مثلاً "بخش ویژه امسال داشت، حضور چند کار به اصطلاح حرفه ای بود. البته آنهم به خاطر مسئله جشنواره آوینیون و کارهایی که هم مشتاق اجرا در آوینیون بودند.

نمایش: ارزیابی شما از تئاتر شهرستان چیست؟ به نظر شما چه تاثیری داشت؟

فرخی: تئاتر شهرستان (حداقل نمونه های پیشدر جشنواره جشنواره ها) رشد و حرکت چشمگیری ندارد. همه منتظرند تا در مرکز اتفاقی بیفتد و یا نمایشی در جایی مطرح شود والگو بگیرند.

وقتی با خود بچه های شهرستان صحبت می کنیم اغلب میگویند که تئاتر شهرستان در حال حاضر فقط محدود به جشنواره های استانی و منطقه ای میشود (یکسال برای نمایش) طبیعی است با این تفاسیر نمیتوان از تئاتر شهرستان انتظار

فرخی: رقابت چیز بدی نیست، اصل رقابت خوب است و خود بخود عامل رشد و گسترش تئاتر می شود. آن هم در برگزاری جشنواره.

مسئولین مرکز هنرهای نمایشی در این رابطه عقیده دارند که جایزه دادن مسیر تئاتر را عوض می کند، ایجاد مشکل می کند و دلایلی از این قبیل.

در صورتی که اگر مسئله قضاوت و داوری به نحو خوبی برگزار شود، جایزه دادن در جشنواره

" راهنمای فرهنگی و هنری "

یکی از اقدامات جالب و قابل توجه در طـول برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، وجود " راهنمای فرهنگی و هنری " در سالن های نمایش بود . این راهنمایان فرهنگی و هنری که بیشتر از میزبانان دانشجویان تئاتر مجتمع دانشگاهی هنرانتخاب شده بودند، در طول برگزاری جشنواره در تمام سالن هایی که اجرا بود به چشم می خوردند . در گوشه و کنار سالن پاسخ گوی سئوالات تماشاگران جشنواره بودند . تحرك و پویایی و در عین حال برخورد فرهنگی و سالم آنها با تماشاگران بسیار جذاب و دیدنی بود . دلمان می خواست تمامی آنها را در يك تصویر داشته باشیم . در يك عکس یادگاری ، اما هر چه تلاش کردیم ، امکان آن نبود . بچه ها در گوشه و کنار پراکنده بودند و سخت مشغول کار . ناچار عکس دسته جمعی امانا قص زیر راتهیہ کردیم ، و پیشاپیش به تمامی کسانی که در این عکس حضور ندارند و همینطور تمام راهنماهای فرهنگی و هنری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر خسته نباشید می گوئیم .



يك امر حیاتی و ضروری است و گروه ها با عشق و امید و انگیزه رقابت در جشنواره شرکت می کنند . در نهایت حاکمیت بینیم به تمام گروه های جشنواره جشنواره ها هدیه داده میشود . اگر مشکلی در راستای دادن جایزه است ، باید آن را برطرف کرد . خود جایزه شور و حال خاص به جشنواره می دهد . شما نگاه کنید به مراسم اختتامیه جشنواره که خیلی سرد و بی حال برگزار می شود . چون جایزه ای در کار نیست . در حقیقت انگیزه رقابت نیست .

نمایش : اگر صحبت یا پیشنهادی در زمینه تئاتر کشور دارید ، بفرمائید .

فرخی : تئاتر کشور چه ما صحبت یا پیشنهادی داشته باشیم یا نداشته باشیم ، مسیر را می رود . مهم این است که این مسیر صرفاً " بر اساس آمار و ارقام نباشد .

ما واقعا " نیازی به انواع و اقسام جشنواره های محلی و شهری و استانی و منطقه ای نداریم . جشنواره کودک و نوجوان و پیران و الی آخر ... باید ریشه ها را محکم کرد . آموزش باید حرف اول را بزند ، آن هم آموزش صحیح و اصولی ، نه سلیقه ها . ترویج سلیقه ها نباید در آموزش ، ملاک باشد . یکی از مشکلات عمده ما برمی گردد به ناهماهنگی سیاست فرهنگی هنری در کل کشور که این دامن گیر تئاتر هم میشود .

تلویزیون برای خودش يك جور به تئاتر نگاه می کند . ارگانها و نهاد های دیگر با تئاتر يك جور دیگر برخورد می کنند و مرکز هنرهای نمایشی يك جور دیگر ، هماهنگی نیست و این به ضرر تئاتر کشور است .

مشکلات مالی تئاتر هم خودش يك معضل دیگر است . در چند سال اخیر حرکت هایی در جهت رشد و گسترش تئاتر شده است ، اما تا رسیدن به ایده آل ها خیلی راه مانده است .

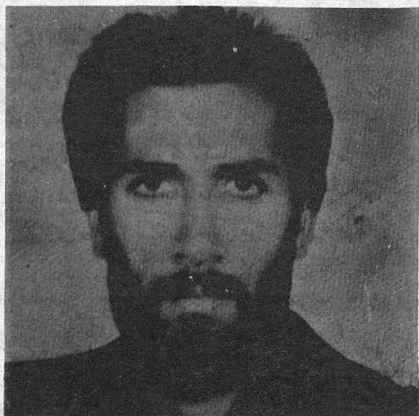


نویسنده و کارگردانهای
شهرستانی ازتئاتر
میگویند:

٤٠ نمائش / سال چهارم / شماره ٤١/٤٠



استان باختران (باختران) هواس پلوك : نویسنده و کارگردان



نمایش - گروه نمایش شماگی شکل گرفته و چند نفر عضو دارد؟

هواس پلوك - گروه ما از سال ۱۳۶۰ به این طرف شکل گرفته است. اما خود من از قبل از انقلاب فعالیت تئاتری دارم. گروه ما الان ۳۰ عضو دارد که گاهی به ۴۰ نفر هم می‌رسد و همگی عضو انجمن نمایش هستند.

نمایش - چگونه به جشنواره جشنواره هاره - یافتید؟

هواس پلوك - بعد از اینکه تاریخ برگزاری جشنواره استانی اعلام شد، ما هم "شورآبسانان" را آماده کردیم. در این جشنواره ۸ گروه بودند که "شورآبسانان" و "راز تولد بوزاسف" کارسازمان تبلیغات اسلامی باختران به جشنواره منطقه‌ای در همدان راه پیدا کردند. در همدان نیز همراه نمایشنامه "دلی بای وآهو" توانستیم به جشنواره سراسری تئاتر فجر راه پیدا کنیم. نمایش - به نظر شما حذف مسابقه و جایزه از جشنواره چه تاثیری در تئاتر شهرستانها دارد؟

هواس پلوك - من خودم به سه شخمه اعتقاد دارم که رقابت اگر به صورت سالم باشد، جایزه ملاک نیست، چون کار برای مردم است و وقتی که مردم آنرا پسندیدند و اگر مفهوم داستان را فهمیدند، این عمل بهترین جایزه برای کارگردان و نویسنده است.

نمایش - عملکرد مرکز هنرها نمایشی را چگونه می‌بینید؟

هواس پلوك - من از مرکز هنرها نمایشی، از بدو تشکیل آن راضی بودم. مخصوصاً زمانی که

ولی زیر نظر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اخیراً انجمن نمایش شهرستان تشکیل شده است و اغلب بچه‌ها نیز عضو آن شده‌اند.

نمایش - همانطور که می‌دانید جشنواره امسال بخشی نیز به حرفه‌ای‌های تهران اختصاص داده است. این اقدام را چگونه ارزیابی می‌کنید با توجه به اینکه همسان با جشنواره جشنواره‌ها تلقی می‌شود؟

میرمعنوی - به دنبال سیاست طرح گسترش تئاتر توسط مرکز هنرها نمایشی، بسط و گسترش تئاتر در شهرستانها نیز صورت می‌گیرد. جشنواره هاهمیشه جاذبه‌های خوبی برای کسب اطلاعات فراوان و ناب دارند. ما با توجه به اینکه از مطالب علمی کمتری بهره می‌بریم، این جشنواره می‌تواند یک نوع کلاس آموزش برای شهرستانها باشد. گروه‌های آماتور از نظر ترکیب کار، قابل قیاس با حرفه‌ای‌های تهران نیستند. اما حضور گروه‌های حرفه‌ای در کنار تئاتر شهرستان، می‌تواند یک کسب تجربه برای جوانهای شهرستانی باشد.

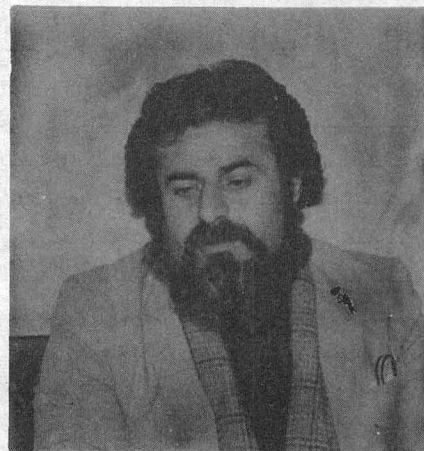
نمایش - حذف جایزه و مسابقه از جشنواره سراسری تئاتر فجر چگونه ارزیابی می‌کنید؟
میرمعنوی - به نظر من حذف جوایز و مسابقه از جشنواره یکی از بهترین متدهایی بود که قبلاً گروه‌ها را به هرز می‌کشاند. خوشبختانه با این کار فهمیدند که ارزش هنرمند بیش از این است و با مادیات سنجیده نمی‌شود.

حجت الاسلام بهارمست : سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی فومن

نمایش - لطفاً بفرمائید برخورد مردم و اجتماع کوچک شهرستانها (بویژه فومن) با بازیگران زن چگونه است و عکس العمل مردم و خانواده‌های آنها با این مسئله چیست؟

حجت الاسلام بهارمست - مهمترین مسئله این که برای مردم مطرح بوده، اعتماد است که ما توانسته ایم باتلاش برادران عزیز، این اعتماد را جلب کنیم. مردم در شهرستان وقتی اجازه کنیز به دخترها و خانم‌های دهند، واقعاً به آن اداره و گروه اعتماد دارند. البته این مشکل در اکثر شهرستانها وجود دارد. ولی می‌شود با اعتماد و ایمان خاص این مشکل را حل کرد. افکار پوچ و غلط را به دور ریخت و اعتماد مردم را نسبت به هنر جلب کرد.

استان گیلان (فومن) رضامیرمعنوی : کارگردان



نمایش - چگونه تشکیل گروه نمایش "ریما" را توضیح دهید.

پاک سرشت - گروه "ریما" در سال ۱۳۴۸ توسط آقای قوبیل و تعدادی از دوستان تشکیل یافته است. اما در حال حاضر، از آن گروه ۵، ۶ نفر مانده ایم که ادامه می‌دهیم. در سال ۱۳۶۷ آقای میرمعنوی آمدند و مجدداً گروه را جمع کرده و شروع به فعالیت جدید کردند.

نمایش - فعالیت نمایشنامه نویسی شما به چه شکلی است؟

پاک سرشت - در حقیقت بعد از تشکیل گروه به صورت حرفه‌ای در سال ۶۷، شروع به نوشتن نمایشنامه کردم و اولین نمایشنامه ام "آما تورا" نام دارد که توسط آقای میرمعنوی، در اولین جشنواره استانی گیلان به روی صحنه رفت. "شب بلند مختار" دومین کارم بود. بار دیگر باران "سومین کارم است که در جشنواره سراسری تئاتر فجر شرکت کرده است.

رضامیرمعنوی : کارگردان

نمایش - در مورد همکاری تان با گروه بگوئید و اینکه چطور شد این نمایشنامه را برای شرکت در جشنواره انتخاب کردید؟

میرمعنوی - بعد از اینکه افتخار پیدا کردم در خدمت گروه باشم، با دوستان نشستیم و مشورت کردیم و به این نتیجه رسیدیم که "بار دیگر باران" را به علت داشتن دو حسن بزرگ کار کنیم. یکی تفکر متنی که تقابل دو فرهنگ شرق و غرب را نشان می‌داد و دوم به دلیل توانایی بازیگری آن.

در حال حاضر گروه "ریما" مستقل عمل می‌کند.

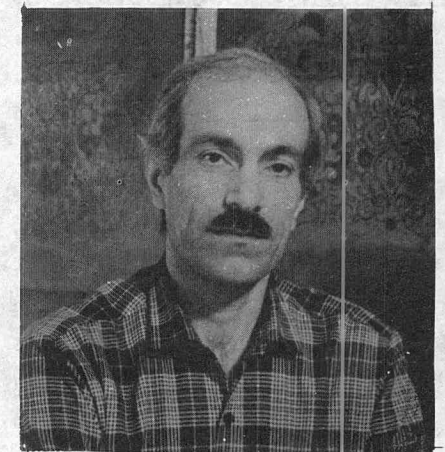


آقای منتظری سرپرستی آنرا به عهده دارند • بودن آقای منتظری نیز باعث شده است که جو بسیار سالمی بوجود آمده و اعتماد بین هنرمندان بسیار شود •

نمایش - تئاتر شهرستان راجکونه می بینید؟
هواس پدیک - باتوجه به اینکه اعتقاد داریم ، تئاتر شهرستان ، پشته و تئاتر ایران است و اینکه ریشه در مسائل بومی ، قومی و یک سری آئین ها و مراسم سنتی دارد ، لذا آموزش و مکانات بیشتری دم می طلبد • شهرستانها ، و سوییژه کرمانشاه ، بعد از انقلاب رشد خوبی داشته اند و با حضور خود در جشنواره هایشان دادند که می توانستند یکی از شهرهایی باشند که نقطه عطف تئاتر بشمار می روند •

استان فارس (شیراز)

علی نقی رزاقی : کارگردان و نویسنده



نمایش - آقای رزاقی ضمن تشکر ، از گروه و فعالیتهای آن برایمان بگوئید •

رزاقی - گروه ما از ۱۴ سال پیش فعالیت خودش را آغاز کرد ، که عمده کارهای آن ، بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفته است • چنانچه فقط پنج نمایش توسط این گروه در خود تهران (سه نمایشنامه در خارج از جشنواره و دو نمایشنامه در جشنواره) اجرا شده است • از جمله " حافظ خلوت نشین پریهاو " و " راه طویل سیمرغ " • **نمایش -** برای نوشتن نمایشنامه " قاب بی تصویر " چه انگیزه ای داشتید ؟

رزاقی - نوشتن این نمایشنامه ، در حقیقت انگیزه ای بود که می خواستم به نحوی از مسائل خاص زنهامحبت کنم • و بهترین نحوی که می شد آنرا مطرح کرد ، مسئله انتظار زن در رابطه با آزادگان بود که داستان نمایش را شکل می بخشد •

در حقیقت برخورد انتظار زن و مسئله آزادگان باعث شد که این نمایش نوشته و اجرا شود •

نمایش - فعالیت انجمن در شیراز چگونه است ؟

رزاقی - انجمن نمایش شیراز چون تازه پاست آن خط موعودی را که باید ، پیدا کرده است و راه درازی پیش رودارد • ولی من از دور و نزدیک شاهد بودم که بچه های انجمن حساسی سرگرم فعالیت هستند و برای راه اندازی تئاتر شیراز تلاش می کنند •

نمایش - برگزاری جشنواره های ویژه جشنواره -

سراسری تئاتر - سر فجر راجکونه تحلیل می کنند ؟

رزاقی - من فکر می کنم که غایت آرزوی هر کسی در هر رشته هنری ، این است که در نهایت نتیجه کار خودش را ببیند • این نتیجه هم ، باید آنچنان باشد که شخصی بتواند تمام کارهای اجرا شده را پیشرفت دهد • اما در چنین مسکن زمینه خاص می توانم بگویم که مناسبانه علی رغم ظرفیت و پذیرش گروه های شهرستانی جهت ارائه کارشان به تماشاچیان ، اجراهای کمتری برایشان در نظر گرفته شده است و گروهها نمی توانند آنطور که باید و شاید خودشان را نشان دهند •

من خوشحال می شوم که در تهران اجرا داشته باشم و خوشحال هستم که علاقه مندان تئاتر در تهران ، از کار من دیدن کنند • ولی دوا اجرا برای نشان دادن کار کافی نیست •

نمایش - برای راهیابی به جشنواره سراسری تئاتر فجر با چه مشکلاتی روبرو بودید ؟

رزاقی - من خودم چون بچه ها را از مغرب سازی دادم و آنها را به صحنه آوردم ، سعی کردم بیشتر مشکلات را خودم حل کنم • چون مشکلات اداری یک مقدار حالت بوروکراسی پیدا می کنند • اما در کل مشکل آن چنانی نداشتم که مانعاً الجمعی برای مخالفت از کارم باشد •

نمایش - برخورد مردم با بازی خانمها در تئاتر شیراز چگونه است ؟

رزاقی - مردم شیراز خوشبختانه با این قضیه برخورد خیلی خوبی دارند • البته در این زمینه نظرخواهی دقیقی نکرده ام • ولی برخورد ها و تشویقهای مردم بیانگر این نکته است •

نمایش - نظرتان در مورد جایزه و برگزینی جشنواره جشنواره هابه صورت مسابقه چیست ؟

رزاقی - اگر جایزه برداشته شود راه همانطور باز باشد ، تحول اساسی تئاتر را خواهیم دید •

ولی اگر یک گروهی بدون هیچ ارزشیابی مطرح و تمام شود ، نهایتاً ایده هاهم یواش رنگ می بازند •

نمایش - نمایشنامه نویسی در ایران را چگونه ارزیابی می کنید ؟

رزاقی - به نظرم مرکز هنرهای نمایشی باید بیشتر از مسائل دیگر به نمایشنامه نویسی بپردازد • برای مثال ، اگر من نمی نوشتم ، شاید موفق نمی شدم به عنوان یک کارگردان حتی ضعیف هم مطرح شوم • چون در شهرستان ها ، آثار خارجی راحت تصویب می کنند و ببینید اگر نمایشنامه ایرانی هم نداشته باشیم ، باید چکار کنیم •

به نظرم باید برای نمایشنامه نویسان خوب کشور اعتبارات خاصی را قائل شوند و یا اینکه تسهیلاتی جهت تحمیلات عالی به آنها مهیا شود • و اگر یک چنین اقداماتی صورت بگیرد ، مسلمانان تئاتر آینه مایر بار تر خواهد شد • البته نمایشنامه نویسهایی هم که هستند و می نویسند ، باید خلایقیت های جدیدی را ارائه بدهند • و شیوه نو ترو جدیدتری را مطرح کنند •

نمایش - تحلیل شما از تئاتر شهرستان چیست ؟

رزاقی - تئاتر شهرستان یک حجم بزرگی است که می خواهد داخل یک استکان جای بگیرد • از یک طرف ، هر دو هم دیگر رانفی می کنند • از طرف دیگر امکانات نیست ، سالن نیست و در عرض استعداد ، هر چه قدر بخواهید •

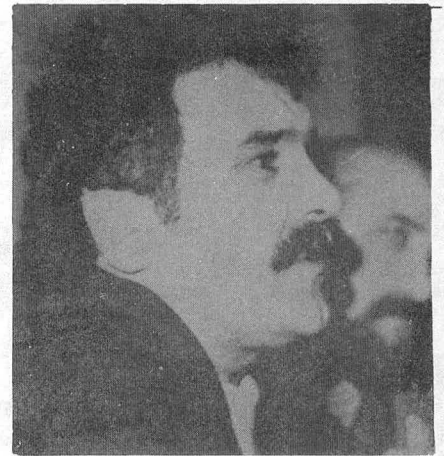
نمایش - در مورد تماشاگران تئاتر چه عقیده ای دارید ؟

رزاقی - من خودم ، همیشه ، در هر مقامی که باشم و هر مقامی را که بدست می آورم ، به عنوان یک تماشاچی به کارم نگاه می کنم و در هر زمان مکانی که بوده ، به تماشاچی احترام خاصی قائل هستم • اگر کاری هم از من مورد تقدیر قرار می گیرد ، در حقیقت تماشاگران هستند که مرا تشویق می کنند و ما را مطرح می کنند • من در مقابل عظمت همه آنها سر تعظیم فرود می آورم •



استان مازندران (گرگان)

محمد مهدی نامور کارگردان و نویسنده



نمایش - لطفاً سابقه تئاتر گرگان و خودتان را شرح دهید.

نامور - سابقه تئاتری گرگان به ۱۳۴۷ برمی گردد یعنی از زمانیکه "مرکز آموزش تئاتر" شکل گرفت و من هم در سال ۱۳۵۰ وارد تئاتر گرگان شدم گروهی که من با آنها کار می‌کنم، یکی از فعالترین گروههای کشور است. چراکه اغلب بازیگران و کارگردانهای این گروه استخدام اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی هستند و در تالار "فخرالدین اسعد گرگانی" فعالیت می‌کنند.

گروه ما تاکنون نمایشهای زیادی را روی صحنه برده است. از جمله "بندآب"، "دیوارها را پاک نکنید"، "غبار آخرش"، "نارآغز"، "ماهگیران" و "حکایتی ساده".

نمایش - عقیده شما درباره تئاتر شهرستانها چیست؟

نامور - وقتی به تئاتر تهران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اغلب هنرمندان تئاتر شهرستانی هستند. حتی سینما که درصد بیشتر هنرمندان آن از شهرستانها جذب شده‌اند. در حقیقت اساس و پایه تئاتر مرکز را اغلب شهرستانی‌ها ریخته‌اند. اکنون امکانات شهرستانها بسیار کم است و اگر تقویت شود، می‌تواند یک ستون و پادستون بسیار قدرتمند برای یک تئاتر پویا و متحرک باشد.

نمایش - نظر شما در مورد حذف جایزه از جشنواره چیست؟

نامور - من معتقدم جایزه را باید با محاسنات و مهابیش بسنجیم. اگر یک بازیگر یا کارگردان شهرستانی روی صحنه تئاتر برتر رفته و انتخاب شد، اگر معرفت گرفتن جایزه را نداشت

دستم رسید. البته این نوشته، تصحیح شده متن دلی بای و آهوبود که قبلاً چاپ شده است. وقتی که درگیر کار شدم، دیدم که نمایش یک نگا زیبایی به مسئله اسطوره عشق و آداب و سنن دارد. با اینکه قبلاً با آداب و رسوم و فضای ترکمن صحرا آشنایی نداشتیم، ولی قبل از شروع کار تحقیقات زیادی را بعمل آوردم.

حال تاچه حد توانسته‌ایم مطلب را ادا کنیم، به عهده تماشاگر است.

نمایش - شما تئاتر شهرستان را چگونه می‌بینید؟

کیوتراهنکی - به نظرم تنها چیزی که تئاتر شهرستان و تئاتر حرفه‌ای تهران را از هم جدا می‌کند، صداقت بچه‌هاست. چرا که در شهرستان، بچه‌ها، بیشتر به علت دوست داشتن و عشق و ایمان به تئاتر به این حرفه روی می‌آورند و چشم داشت مادی هم ندارند. اما این ملاک نمی‌شود که از نظر امکانات، شهرستان را فراموش بکنند.

نمایش - حذف مسابقه و جایزه از جشنواره جشنواره هاجه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

کیوتراهنکی - حذف جایزه قدم بسیار مثبتی بود. اینکه باعث می‌شد گروه‌ها احساس کنند که به مفهوم مطلق رسیده‌اند و بهترین هستند. چرا که پایان کار هر شخص و بویژه هنرمندی، قیاس ارزش او با دیگران است. در حالیکه هنرپایانی ندارد و زیبایی آن به قدری گسترده است که نمی‌توان حدی برایش در نظر گرفت.

نمایش - فعالیت انجمن نمایش همدان چگونه است؟

کیوتراهنکی - انجمن نمایش همدان فقط تشکیل یافته است و پس از آن تنها اعضا هستند که باقی مانده‌اند. عدم فعالیت آنرا نمی‌دانم. ولی یک سری مشکلات به خود مرکز برمی‌گردد که حمایت نمی‌کنند. باید اندیشه‌ای در این زمینه کرد.

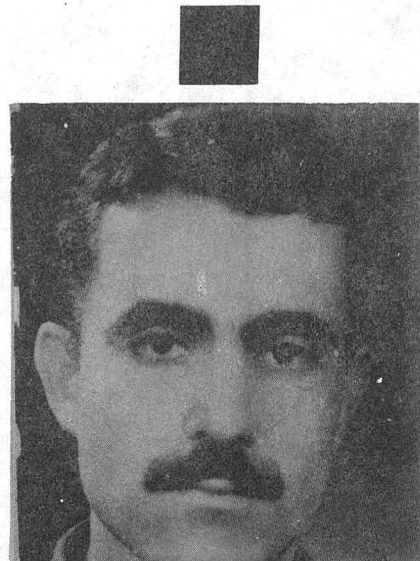
نمایش - به نظر شما مرکز هنرهای نمایشی تا چه حد در کارش موفق بوده است؟

کیوتراهنکی - عملکرد مرکز بسیار خوب است. در مجموع برگزاری جشنواره‌ها، حرکتی بسه هنرمندان تئاتر می‌دهد. مخصوصاً جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای که جنب و جوش در آنها بسیار است. بعد از آن است که به جشنواره بعدی فکر می‌کنیم. البته من زیاد میل ندارم،

فربه مهلکی به تئاتر می‌زند و اگر داشت که دیگر بحثی نیست. حسن آن هم در این است که اگر با کار بر خوردی جدی و منطقی بشود، مثلاً رسانه‌ها و مطبوعات برای تبلیغ و معرفی آن اقدام کنند، و با سفرهایی را برای گروههای برتر شهرستانی ترتیب دهند، بیش از پیش دلگرمی و شور و شوق در بین گروه‌ها بوجود می‌آید.

نمایش - به نظر شما عملکرد مرکز هنرهای نمایشی طی چند سال اخیر چگونه بوده است؟

نامور - از آنجائیکه بودجه مرکز هنرهای نمایشی در مقایسه با فعالیتهای گسترده و عرضه کارش بسیار ناچیز است، لذا نشان می‌دهد که مسئولین آن دلسوزانه و عاقلانه با قضا یا بر خورد می‌کنند. اما مرکز باید برای خود دورنمایی نیز تصویر بکند و آنرا ادامه دهد که انشاء الله نتیجه مثبت آن را بچه‌ها و جوانان آینده خواهند دید.



نمایش - از گروه خودتان بگوئید.

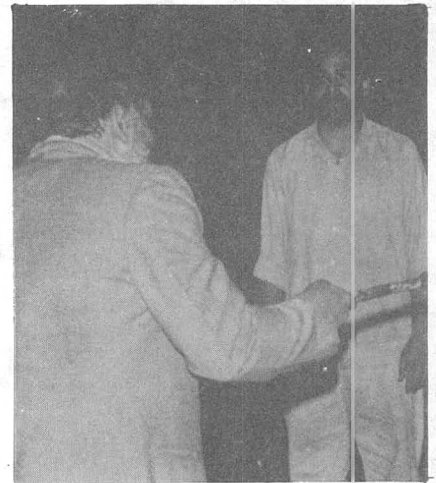
کیوتراهنکی - این گروه با این ترکیب که می‌بینید، تازه شکل گرفته و "دلی بای و آهو" اولین کار این گروه است. اکثر این هنرمندان هنرجویان کلاس آموزش تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همدان هستند و تعدادی نیز از قدیمیهای تئاتر در این کار فعالیت دارند. این نمایش به عنوان یک کار کلاسی بود که یک مقدار جدی گرفته شد و توانست به جشنواره سراسری تئاتر فجر راه پیدا کند.

نمایش - باتوجه به مغایرت فرهنگ و آداب و سنن ترکمن صحرا با منطقه همدان، انگیزه‌تان از به صحنه آوردن این نمایشنامه چه بود؟

کیوتراهنکی - متن توسط یکی از دوستان بسه



تنهایی برای جشنواره کارکنم • ولی ناخواسته به آن تن می‌دهم •



نمایش - ابتدای فعالیت های گروه و چگونگی شکل گیری آنرا بیان کنید •

عرب - کلا گروه ما، به خانم خداآبادیان، از سال ۱۳۵۸ شکل گرفت • اجراهای زیادی داشتیم ولی " پر پرواز " دومین کار جشنواره ای ما محسوب می‌شود و نمایش " تلنکر " که در جشنواره سال ۶۵ شرکت داشت اولین کار جشنواره ای، بشمار می‌آید •

نمایش - جشنواره را چگونه دیدید و نظرتان در مورد پیشرفت تئاتر چیست ؟

عرب - به نظر من جشنواره امسال پربارتر از سال گذشته بود و هفتم ساله پربارتر از سال قبل برگزار می‌شود • تئاتر ما پیشرفت خوبی داشته و باعث خوشحالی و خوشنودی ماست که در کشور نگاه خارجی نیز مطرح می‌شود • اما باید بیشتر از اینها به تئاتر بهاد دهند • چرا که هنرمندان خوب تئاتر به سینما کشیده می‌شوند • در حقیقت باید از جنبه های مادی نیز هنرمندان تشویق شوند •

نمایش - عقیده شما درباره حذف جایزه از جشنواره چیست ؟

عرب - من فکر می‌کنم که کاراگر به همان صورت مسابقه باشد، بهتر است • چرا که رقابت بین گروه ها بیشتر می‌شود • البته برای پیشبرد کار، یک رقابت صحیح و سالم لازم است •

نمایش - در کارتان با چه مشکلاتی مواجه هستید ؟

۴۴ نمایش / سال چهارم / شماره ۱/۴

از فعالترین گروه های نمایشی کشور است • چند بار در جشنواره سراسری شرکت کرده اید و کارهای دیگران را در سطح استانی بیان کنید •

آزادنیایا - در سطح استانی، اجراهای زیبایی داشتیم که اعلام همه آنها مقدور نیست • امادر سال ۶۱ نمایشنامه " خانات " توسط آقای مابری به جشنواره سراسری تئاتر فجر راه یافت • سپس " مظلوم پنجم " و " حدیث رفتن " بود همچنین " تندر " در جشنواره استانی شرکت داشت • سال قبل هم " نقل تلخ " بود و امسال هم " شقایق دره " است که ملاحظه میکنید • نمایش - انگیزه شما از نوشتن و اجرای این نمایشنامه چه بود ؟

آزادنیایا - ابتدا قرار بود نمایش " قمه همیشه قمه است " را برای جشنواره بین المللی نمایش عروسکی کار کنیم • ولی به دلایلی از آن صرف نظر کردیم • بعد اعلام شد که جشنواره استانی در پیش است • ما هم این نوشته را که حاضر بود، با دیگر دوستان مشورت کردیم و بدین طریق آنرا به روی صحنه بردیم •

نمایش - تئاتر شهرستان را در قیاس با تئاتر تهران چگونه می‌بینید ؟

آزادنیایا - به نظر من تئاتر شهرستان دچار فقر آموزشی است • کلاسهای آموزشی در شهرستانها نیست و تنها تجربه است که تئاتر شهرستان را رقم می‌زند • بهر حال باید یک برنامه ریزی و اقداماتی در این جهت صورت بگیرد •

نمایش - در مورد حذف جایزه از جشنواره، شما چگونه می‌اندیشید ؟

آزادنیایا - فکر می‌کنم، اگر جایزه، در روند سالم سازی جشنواره باشد، بسیار خوب است • یعنی یک رقابت سالم و صمیمی باید باشد •

نمایش - عملکرد مرکز هنرهای نمایشی به نظر شما در سالهای اخیر چگونه بوده است ؟

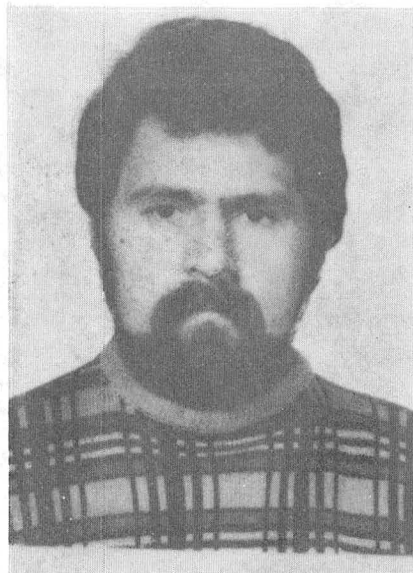
آزادنیایا - مرکز هنرهای نمایشی، اخیرا گام بسیار بزرگی برداشته است و در تبادلات فرهنگی و هنری با سایر کشورها این گام، نتایج مثبتی نیز داشته است • چنانچه شمره آن در این جشنواره هم دیده شد • در حقیقت فکر می‌کنم آینده تئاتر کشور بسیار روشن است •

عرب - اغلب بازیگران گروه، چون کار نمی‌کنند، لذا برای گرفتن مأموریت از اداره، دچار مشکل هستند و امیدواریم مرکز هنرهای نمایشی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این زمینه مساعدت هایی را بعمل بیاورند •

نمایش - عملکرد مرکز هنرهای نمایشی به عقیده شما چگونه است ؟

عرب - من، چون از سالهای پیش با مرکز در تماس هستم، لذا عملکرد آنرا سال به سال بهتر می‌بینم • بخصوص از زمانی که آقای منتظری - سرپرستی آنرا به عهده گرفته اند •

استان خراسان (مشهد) علی آزادنیایا : نویسنده و کارگردان



نمایش - در مورد فعالیت های گروه خودتان توضیح دهید •

آزادنیایا - گروه ما در سال ۵۳ با عنوان " گروه - تئاتر کارگر " در مشهد تشکیل شد • آن زمان اکثر بچه ها کارگر بودند و اولین گروهی بود که در سطح کشور با نام کارگر تشکیل می‌شد • مدتی که گذشت و کارهایی صورت گرفت، به دلیل مشغله کاری بچه ها، گروه از هم پاشید • بنده آقای رخی ماندم و با تلاش فراوان توانستیم گروه فعلی را دور هم جمع کنیم •

نمایش - با توجه به اینکه گروه شما یکی



«آیات» نمایشی که به جشنواره راه نیافت

رفته است، اما آیا او مستوجب چنین عقوبتی است؟!...
 انسان در وادی این دنیا بی کس و تنهاست، (پدر) به سفری گنگ نامعلوم عزیمت کرده و (مادر) به هنگام تولد راحل اقامت گزیده است، و با زادن او جان باخته، پدر در افسانه‌ها همیشه پس از ادای کار ویژه‌اش به سفر گسیل می‌شود، و این اصل (مادر) است که انسان باید به او برگردد... در صحنه زیبایی آخر در قاب والمعصر، (زمان) مادر می‌آید با اناری در دست، که میوه حیات و ثمره زندگی است... من مادر را نمی‌شناسم، چهره او را ندیدم صدایش را نشنیدم، اما می‌دانم که در نخستین دیدار او را خواهم شناخت... نگاه کنید او اینجاست: مادر... ما... د... را اکنون سیرابم از خود، سرشارم از عشق، لبریزم از او...



او در کودکی بی کس و تنها، نقاب زیبایی کودکی‌اش را گم کرده... روزی در کوی و برزنی به چنگ نوازی بر خورده و چنگ را به چنگ آورده... به ترتیب دنیای مثلون و پرنیرنگ از جمیع عوامل چه آنان که بر خر مراد سوارند، و چه جبر و تقدیر و سرنوشت زندگی پیر را به وادی دیگری کشانده تا خود را فراموش کند، جدل واقعی نمایش بر خورد دراماتیک «جوانی و پیری» پیر است که در برخوردی رویارو و متقابل به بحث و مجادله و مکاشفه می‌پردازند و نمایش سیرغبار خود را به نوید نور و برکت رهنمون می‌سازد و پیر با میزانشی زیباشناسانه با چرخشی بر پیکر مرده «جوانی خود» تحول و تحرک و حیات دوباره به رقص می‌نشیند، آیات از تکنیکها و هنجارهای گوناگون نمایش ایرانی در جهت القاء مفاهیم بهره گرفته از تعزیه و سرود خوانی گرفته تا روایت و حکایت، معماری و حال و هوای فرهنگ ایرانی در لحظه لحظه کار موج می‌زند و عرفان شرق با صداقت جاری‌اش رنگ و تأثیری خاص بر موج نمایش دارد زبان نمایش با نثری مسجع و آهنگین و موسیقی کلامی، شیوایی خود را بطور یکدست تحافظ می‌کند و تنها در یک اپیزود است که هماهنگی خویش را از دست می‌دهد و از قوت کار می‌کاهد، نعمت‌اله لاریان از عاشقان و دل‌سوختگان تئاتر جنوب است که چراغ صحنه را با وجود خویش همچنان فروزان نگاه داشته است، و پس از (نامیرا) به نامیرای دیگری دست یافته است.

«آیات» با همه بضاعت نمایش خود و توانمندی‌های دراماتیک و گذر از جشنواره استانی متأسفانه در مقطع (منطقه‌ای) ماند و فیض حضور در جشنواره جشنواره‌ها را نیافت این از ارزش کار نمی‌کاهد، جایشان خالی و یادشان پر...

اردشیر صالح‌پور

به دنیا بیایم» این تعمق درون او را به این نتیجه می‌رساند: در خود کسی را نمی‌بینم، هیچکس، ای ستارگان، ای سرزمین... گوئی از «نتی سرشار است»، این خلاء آغاز گاه نمایش است تا دنیایی را پی افکند که از او ابدیتی بسازد و شوره‌زار پر خس و خاشاک روحش را از زلال بجاری عشق لبریز سازد، و از اینجاست که جریان اعجاز آمیزی در او جوش می‌زند، «آیات» بزم نویسنده و کارگردان کشف شهود است، انسان است که در هاون زمانه لهیده و تحلیل می‌گردد و از دالانهای پریچ و خم وانفاسی حیات می‌گذرد و به تطهیر و پالایش دست می‌یازد، لاریان تمام تجربه‌اش را بکار می‌گیرد تا کاری خوب و مستحکم عرضه دارد و به نتیجه نیز می‌رسد، دنخست پیری رنج‌دیده، عمری برای خلق خدا چنگ بر چنگ نواخته و با دلنشین نغمه‌های شورانگیز زنگار غم ز لوح جان‌ها زوده است، اما اینک در تنهایی محض، در خاموشگاه مردگان، تنها و غریب در مانده است و می‌خواهد برای خط (تخم‌سبز زخم) زند، و آوای مجروح دل را به ملکوت اعلی و گنبد مینائی طنین اندازد، چرا که همه چیز را فناپذیر و از دست رفتنی یافته و اینک در واپسین دم‌های حیات که آفتاب عمرش به لب بام رسیده قصد بازگشتی به خویشتن خویش دارد و زبان‌ها و باختن‌ها را می‌خواهد با «خویشتن‌یابی» و دریافت گوهره اصل بدست آورد و جبران کند،

نمایش بازسازی و بازگوشی و پرورده حیات «پیرچنگی» از کودکی تا پیری است و از نظر ساختار قصه‌ای شکلی گسسته دارد و با شکست زمان، و بازگشت به گذشته ذهنی تبیین می‌یابند، سیر نمایش تصویر بخش روایاها، تخیلات، جسد درون و اکسپرسیونهای ذهنی پیر است که با تکان گهواره‌های رفت و آمد زمان، پیر را در جبری مظلومانه به تحلیل می‌کشاند تا دریابد که بر او چه

«آیات» به معنی نشانه‌هاست و سراسر نمایش هم سرشار از نشانه‌هاست، نمایش برپایه سه اپیزود استوار است اپیزود «والمعصر» «ان الانسان لغی خسر» و «الذین آمنوا عملوا الصالحات» مختصات اصلی نمایش بر حول سوره «والمعصر» است و قسم به زمان که انسان در خسران است مگر آنکه راه صالحان و نیکان را پیش گیرد و به حق بیاویزد و صبر را پیشه خود کند...

این تثلث اگر چه از نظر شکل بی‌شباهت به نمایشهای منظوم مذهبی قرون وسطایی نیست اما ساختارش را بر سوره والمعصر منطبق ساخته تا از آن به (زمان و زندگی انسان) بپردازد. ادبیات نمایشی هم دولیستی در چنین ابعادی اخلاقیات انسان را با تکیه بر مفاهیم مذهبی (عقل و ایمان به صحنه می‌کشاند و انسان و درونیات به جدلی پر تشویش مصاف می‌یابند تا انسان به رستگاری و کمال رهنمون شود و در این گیر و دار به بابستگی‌های لازم تعالی بایند. نمایش «آیات» مهم‌ترین ویژگی‌اش در ترکیب و آمیختگی متن و اجراست، و همین امر سبب می‌گردد تا ادبیات نوشتاری در دل کار به هنجارهای اجرایی گره خورد و درهم آمیزد، این از مزیت نویسنده‌گی و کارگردانی واحد است که کارگردان با تکیه بر ابعاد و نظام صحنه‌ای متن نمایش را رقم می‌زند و خود بر آن اشراف لازم دارد که چگونه با عناصر و عوامل صحنه‌ای نمایش را قوام بخشد.

آیات، مرز میان «بودن و نبودن» است، در گهواره‌های خستگی زمان رنگ‌بازی را آرام آرام می‌نوازد تا بازی دهشتناک درون را آغاز کند، پیر حمانه بر خود و زندگی می‌نوازد آیات قصه گفتن و دیدن است، گفتن از آنچه ناگفتنی و دیدن آنچه نادیدنی است، پرسه در اعماق درون و ژرفای بی‌انتهای انسان که این موج سنگین گذر زمان است که در وی می‌گذرد آفرینش دوباره، تولدی دیگر... «پیر» می‌خواهد



«آلن گرومبک» رئیس فستیوال آوینیون در گفتگو با مجله نمایش: حرکت اصولی تئاتر در ایران آغاز شده

می آید:

● «آقای گرومبک» بفرمائید که آیا تاکنون نمایشی از ایران در جشنواره آوینیون به روی صحنه رفته است یا نه؟
گرومبک: نه، هرگز.

سردبیر: تئاتر امروز ایران را چگونه دیدید. با توجه به اینکه قبلاً شما و آقای پیترو بروک نمایش ایرانی را دیده بودید؟

گرومبک: ما تئاتر ایرانی را در ایران دیده بودیم. اما در فرانسه، بیشتر، موسیقی سنتی و کلاسیک ایران بسیار دیده می شود. رفت و آمدهای موسیقایی در آنجا خیلی زیاد است و شخصیت های موسیقی ایرانی نیز در آنجا زیاد هستند و ما اکثر آنها را می شناسیم.

● در بین ما «پیترو بروک» عاشق تئاتر ایرانی است و علاقه شخصی ما نیز این است که فعالیت تئاتری را بیشتر دنبال کنیم.

● سردبیر: اصولاً نفس و عملکرد جشنواره آوینیون و رسالت آن در برگزاری جشنواره ها چیست؟
گرومبک: آوینیون يك جشنواره بین المللی به آن صورت خاص نیست. کارهایی که قبلاً در آنجا دیده می شد، فقط به زبان فرانسوی بود. اما از چندین سال قبل شروع کرده به باز کردن درهای خود به پذیرش کارهایی که از ماوراء اروپاست. در

در طول برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر هیتی مرکب از مسئولین و دست اندرکاران جشنواره تئاتر آوینیون و مسئولان تئاتر کشور فرانسه، جهت انتخاب نمایش های ایرانی، بنا به دعوت مرکز هنرهای نمایشی در تهران حضور یافتند، اعضای این هیئت عبارت بودند از:

۱- آلن گرومبک - رئیس فستیوال تئاتر آوینیون فرانسه

۲- توماس اردوس - مشاور تئاتر شهر پاریس و مشاور فستیوال آوینیون

۳- ژان پیرژاتو - منتقد و مشاور جشنواره

۴- ژیل آنکه تیل - منتقد و مشاور جشنواره

۵- ژان ساماری - رئیس اداره برنامه نمایشی پاریس

۶- بزنارد دوسل - مشاور جشنواره

هیئت مذکور در تهران علاوه بر دیدار بخشی از نمایش های نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از چند نمایش تعزیه و خیمه شب بازی نیز بازدید نمود. همچنین از دو نمایش (گلریزان) کار جهان بخش سلطانی در اصفهان و (آب، باد، خاک) کار سلدان فارسی صالح زهی در زاهدان دیدن نمود. لازم به توضیح است که جشنواره آوینیون که تابستان آینده در فرانسه برگزار خواهد شد قسمتی از برنامه های سال آینده خود را بنام تئاتر ایران نامگذاری کرده است.

در طول اقامت این هیئت در تهران - نشست در دفتر مجله نمایش با آنان داشتیم که در پی

سال ۱۹۸۵ اهمیت قابل توجهی به هنر «هند» داده شد. در جشنواره سال ۱۹۸۶ آفریقا، و در سال ۱۹۸۷ يك مجموعه بین المللی از تمام موسیقی ها در آنجا اجرا گردید. سال ۱۹۸۸ برنامه های سنتی پاکستان بود. سال ۱۹۸۹ ارزشهای سنتی و آئینی هنر «آنتیل» آفریقا بوده و ۱۹۹۰ برنامه های مرتبط با هنر آسیای جنوب شرقی؛ هند و رامایانا. بالاخره سال ۱۹۹۱ نیز هنر تئاتر ایران و کشورهایی که فرهنگ فارسی دارند در جشنواره آوینیون ارائه خواهد شد.

● نمایش: انتخاب نمایش های ایرانی توسط شما کلاسیک خواهد بود یا سنتی و تعزیه؟ و علت این انتخاب و انگیزه آنرا بفرمایید.

گرومبک: آنچه که مربوط به انتخاب شخص من می شود، باید بگویم که: من سوی نگاهم به تئاتر سنتی است و ترجیح می دهم که تعزیه را بینم تا يك کار کلاسیک ایرانی را. البته چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، به اندازه کافی، تئاتر ایرانی ندیده ام که چیزی در مورد آن بیان کنم. ولی دریافت شخصی من بیشتر به فرم های سنتی است. لازم به توضیح است: آنچه که من دیدم و برخورد کردم، عملاً نشان می دهد که يك فعالیت جانداری در ایران بوجود آمده است و می شود احساس کرد که تحولی در حرکت اصولی تئاتر، در ایران آغاز شده است.

من به عنوان يك مسئول جشنواره، حس می کنم که



ژیل آنکه تیل: منتقد این نقش را هم دارد که نگارنده تاریخ روز تئاتر است. چرا که مجموعه حرکت‌های تئاتری را می‌بیند و می‌نویسد.

منتقد باید بیشتر روی متن نمایشنامه تأکید داشته باشد و تاریخ آنرا مورد بررسی قرار دهد. خود تئاتر میراست. اما متن آن همچون سینما و کتاب نامیراست. در کل چگونگی برخورد منتقد با اثر نمایشی است که نامش را منتقد می‌گویند. در حالیکه او هم يك تماشاگر است اما يك تماشاگر ممتاز.

در پایان «برنارد دوسل» مشاور جشنواره آوینیون اظهار داشت: برای صدور هنر، هر کشوری سنت‌های اصیل خود را ارائه می‌دهد. از لندن صدور شکسپیر را داریم. ژاپن با تمام چیرگی و تحولات اجتماعی و تکنولوژیکش، وقتی صدور هنری دارد، «تئاتر نو» ژاپن و «کابوکی» را می‌برد. چین و سایر کشورها، به عنوان صدور هنر نمایشی خودشان، ارزشهای نمایش سنتی خودشان را مطرح می‌کنند و در این زمینه محبوب هستند و یا اینکه وقتی خود فرانسه می‌خواهد نمایشی صادر کند، آثار مولیر را کار می‌کند. ما هم اگر قرار باشد در حرایات بین‌المللی حضور داشته باشیم با این دستمایه‌ها حرکت می‌کنیم. چرا که دستمایه‌های مدرن، هر جای دنیا، می‌توانند و چه مشترکی داشته باشند.

در پایان باید بگویم که من به عنوان يك تماشاگر، يك پدیده ویژه تئاتری در ایران می‌بینم.

خویش در صحنه‌های جشنواره آوینیون نیز هنرنمایی کند.

نمایش: آقای گرومبک، به نظر شما غنی‌ترین و زیباترین فرم نمایش سنتی که تاکنون دیده‌اید، متعلق به کدام کشور بوده و کدام است؟! گرومبک: شاید گفتن این مسئله مشکل باشد. اما در مجموعه کارهای سنتی که بیشتر علاقه شخصی مرا برانگیخته است، «بون راکو»ی ژاپن، و تئاتر «بالی» است. در کل علاقه من بیشتر به تئاتر شرقی است. همچنین «اپرا»ی پکن نیز یکی از کارهایی است که توسط هنرمندان چینی در فرانسه به روی صحنه می‌رود.

سردبیر: آقای ژاتو، شما به عنوان يك منتقد، نقش و رسالت منتقد را چگونه می‌بینید؟ ژاتو: نگاه يك منتقد در ارتباط با تماشاگران، نگاه ویژه‌ای است. مضاعف بر اینکه می‌تواند ذهنی و فردی باشد و همزمان می‌تواند يك نگاه جمعی هم باشد. نوشته منتقد باید هم 'گنبرسیون'ی از دیده خودش باشد و هم تماشاگران و هم اینکه باید اطلاعاتی نیز از دیده خودش بدهد.

کار مشخص این نیست که تکلیف معین بکند. ولی چون باید تمام کارها را ببیند، می‌تواند يك حرکت کلی تئاتر را رد کند و یا بالعکس. ضمناً می‌تواند تفاوتها را مطرح بکند تا جایگاه تئاتر مشخص شود.

می‌بایستی برای اینکه این تحول رنگ غنی‌تری به خود بگیرد، باید بازگشایی درها بصورت عمیق و مستمر باشد. چرا که شخصیت‌های زیادی علاقه فراوان به تئاتر سنتی ایران دارند و می‌خواهند رفت و آمدشان را زیاد کنند و بیشتر با تئاتر ایرانی آشنا شوند.

سردبیر: چرا تعزیه را بیشتر از کارهای دیگر می‌پسندید؟! آیا تکنیک کار است که در شما تأثیر می‌گذارد، یا همان خمیر مایه و محتوای آن است؟! گرومبک: آنچه که مربوط به محتواست، طبیعی است که نمی‌توانم با آن ارتباط برقرار کنم. تنها شکل و تکنیک خاص است که دوست دارم.

بهر حال آنچه که از نقطه نظر ما مطرح می‌شود، فرم‌های سنتی کشورهای نظیر: ژاپن و ایران است که اگر تئاتر مدرن غربی «تئاتر» شده است، بیشتر از این نوع نمایشها تأثیر پذیرفته است.

من فکر می‌کنم که شما، با چاپ، انتشار و ضبط فرم‌های نمایشی کسانی مثل: سعدی افشار و... که هنرشان جهانی است نه منطقه‌ای - باید به جهان بشناسانید که ره‌آورد اصلی تئاتر آنها هستند. چیزی که ما روی آن، سخت تکیه می‌کنیم.

سردبیر: طبیعی است که مسئولین تئاتر کشور از این هنرمندان حمایت می‌کنند. در حقیقت ایجاد چنین ارتباطاتی که برقرار شده هم، از برای همین است و امیدواریم که آقای سعدی افشار با هنر



سخنرانی آقای هراتی نماینده مجلس شورای اسلامی در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

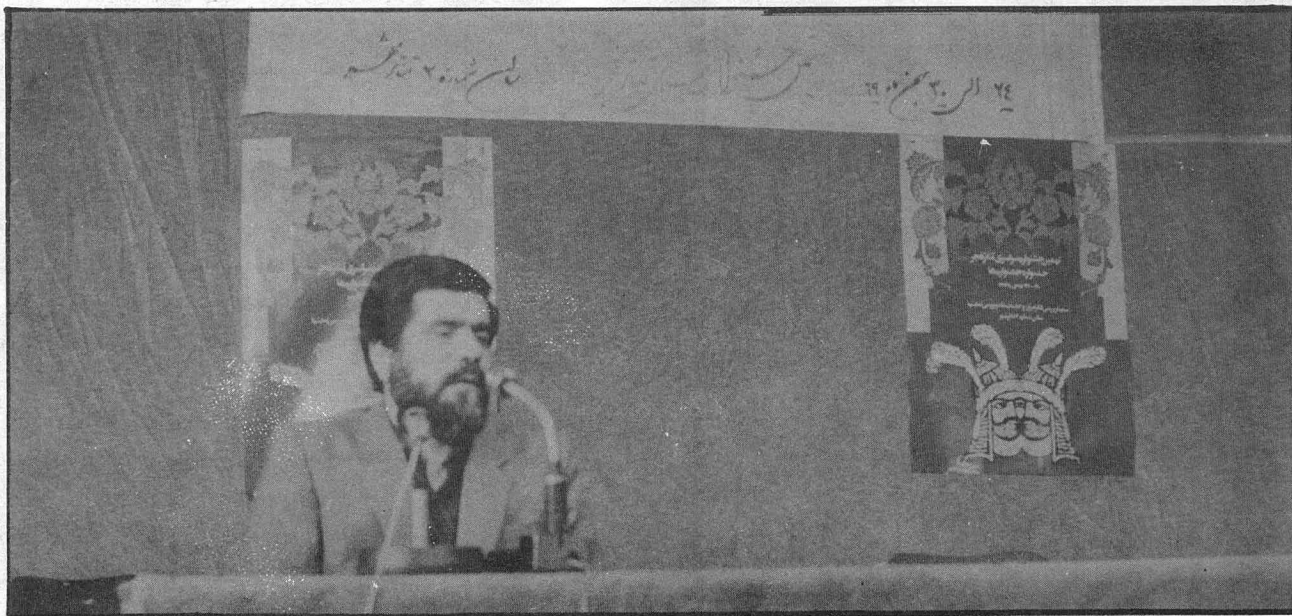
بسم الله الرحمن الرحيم

باسلام و درود به روح پرفتوح امام راحلما
ور هیر عظیم الشان انقلاب اسلامی و ارواح طیبه
شهدا .

بحث را با جمله ای از رهبر هنر دوست و هنر
پرور و هنرمند حضرت آیت الله خامنه ای که
فرمودند : " هیچ تفکری تا زمانی که با هنر
آمیخته نشود، در تاریخ ثبت نمی شود و به اعماق
جامعه نفوذ نمی کند " شروع می کنم ، اصولا -
مساله هنر در ذات هفطرت و نهاد انسانهاست
و زیبا شناسی به عنوان
یکی از ابنا درونی انسان مطرح است و زیبا
شناسی سراز عرفان درمی آورد و خداوند
می فرماید (ولله جمیل و یحب الجمال) . خدا
زیباست و زیبایی را دوست دارد . اصولا پیامبران
الهی در طول تاریخ آمده اند که نهاد، فطرت
و استعداد های درونی و ذاتی انسانها را شکوفا
کنند . این رسالت بزرگی است که پیامبران
الهی برای خویش قائل هستند . و زیباست که
مذهب هم که بعنوان بعد چهارم درون انسان
مطرح است، وقتی با زیبا شناسی و هنر
تجانس بشود، آن هنر متعهد را به جامعه تقدیم می کند .
قرآن هنر چگونه زیستن را به انسانها می آموزد .
در داستانهای قرآن اگر دقت کنید می بینید
می خواهد در قالب هنر، هنری که بشکل داستان
و تمثیل است و نفوذ می کند در نهاد و جان انسان
که به دنبال الكوهست ، سخن بگوید . پیامبر
نیز از هنر استفاده می کند . وقتی با اصحاب خویش
در بیابان قرار می گیرد می فرماید : بروید از این
بیابان مناداری خارج کنید ، عرض می کنند
یا رسول الله در این بیابان خاری نیست . حضرت

می فرماید شما یک مقدار جستجو کنید، خار بدست
می آورید، و بعد از جستجو تلاش ، کوهی از خار
آنجا فراهم می شود . پیامبر از این نکته بسیار
زیبا استفاده می کنند می فرماید : شما
اول می گفتید خاری نیست اما یک مقدار جستجو
و بررسی کردید و تلی از خار در اینجابه وجود آمد .
انسان هم در طول زندگی گناه ها، لغزش ها
و انحرافات دارد ولی به مرور زمان دچار نسیان
و فراموشی می شود و اگر بخواهد اینها را جمع آوری -
کند و درباره آنها اندیشه کند قطعا راه صحیح
را انتخاب خواهد کرد . زندگی ائمه داستانهای
که در ارتباط با آنها وجود دارد، همه هنر است .
وقتی آن مرد در مقابل امام حسن مجتبی (ع) قرار
می گیرد و به حضرت پر خاش می کند، می تازد و -
فحاشی می کند . حضرت با کمال مهر و عطف و
می فرماید اگر تو اینچنانهای نداری ، خانه ما
مسکن و ماوای تو است . اگر گرسنه هستی ما در
خدمت شما هستیم که از شما پذیرایی کنیم و اگر
مشکلی دارید ما دما دما که رفع کنم . این رفتار
امام آنچنان تحول درونی در آن فرد بوجود
می آید که آرزوی کند که ای کاش زمین دهان باز
می کرد و او را می بلعید . و یک مرتبه ، انقلاب
درونی در او بوجود می آید که می گوید : یا این رسول
الله تا امروز من دشمن شما و پدران شما بودم ولی
از هم اکنون جزو دوستان و یاران شما هستم " و
بعد عشق و ارادتش آنقدر اوج می گیرد که در کتاب
امام حسین (ع) شربت شهادت می نوشد .
لذا به تعبیری از دوستان که می گفت امام
یعنی هنر رهبری کردن . شهادت یعنی هنر
چگونه مردن و دیگر مسائلی که هر کدامشان را در

نظربگیریم اگر در قالب هنر مطرح بشود می تواند
ارزشهای خودش را جاودانه و متجلی کند .
البته در طول تاریخ از هنر سوء استفاده
شده . هنر تنها در اختیار اندیشمندان و پیام
آوران الهی نبوده ، دیگران هم سوء استفاده
کردند، در تاریخ اسلام از این نمونه ها زیاد هست
از همان صدر اسلام ، وقتی که پیامبر می خواهد
سندشاهی غدیر را تبدیل به سند کتبی و ابدا
بکنند می بینیم از گوشه ای ، زمزمه ای بلند می شو
که (ان هذا الرجل لیهجل) ، پیغمبر دارد هذیان
می گوید، تب دارد، مسیر تاریخ را منحرف می -
کند . ابوسفیان ، توپ را بدست فرزند
خودش می دهد و می گوید : قدرت را باید مثل این
گوی از هم دیگر بر بایش و نگذارد در اختیار بنی -
هاشم قرار بگیرد . و حتی می بینیم که معاویه بر
اینکه بتواند با علی (ع) مبارزه کند، بره های
کوچکی را به خانه دوستان علی یا دوستان خودش
می فرستد، این بچه ها به بره ها، انس و علاقه
پیدامی کنند و نیمه شب عده ای را اجیر می کنند که
بره ها را بدزدند و روز بعد شایعه می کنند که علی
آمد و بره ها را زد دید . نطفه عداوت و دشمنی
را از همان ابتداء در جان بچه ها می پاشد .
معاویه مکتب خانه ای درست کرده بود . بچه ها
نزدیک ظهیر خسته ، تشنه و گرسنه که می شدند
عده ای افراد خشن و عبوس را تازیانه بدست وارد
می کرد . آنها شروع می کردند به ضربه زدن به
این بچه ها . در پاسخ اعتراض بچه ها، تازیانه
بدستان را فرستاده های امام علی معرفی می کرد
بعد از رفتن آنها عده ای غلامان زیبا، خوش چهره
لبخند بر لب با سینی های مملو از غذا، شربت و -



۴- تئاتر پیام خودش را مستقیم نمی‌دهد، پیام خودش را در قالب یک داستان جالب جالب پیر کشش عرضه می‌کند.

شما کجا این چنین محیطی را در جامعه دارید، توی سینما این وضعیت نیست، بویژه در سینما اگر بازیها هنرمندانه نباشد اصلاً بیننده یک احساس بیگانگی و دوری می‌کند. فکر می‌کنید یک صحنه تصنعی و ساختگی را دارم یا بینا مادر تئاتر اینطور نیست. تماشاگر تئاتر فکر می‌کند توی خانه خودش نشسته، کنار بخاری نشسته، زیر کرسی نشسته، با اعضا خانواده اش نشسته و دارد یک صحنه واقعی را می‌بیند.

رسالت تئاتر چیست؟ به اعتقاد من رسالت تئاتر دو نکته است. یک رسالت در داخل مرزهای کشورمان و یک رسالت در خارج از مملکتان. در داخل باید ارزشهای اسلامی و الهی را در قالب تئاتر به جامعه عرضه کند. اگر این کار را انجام نداد، تئاتر به چهارویژگی که عرض کردم که این چهارویژگی برای هیچ خطیبی وجود ندارد، هنرمند بعد از رسالت خودش را انجام داده است و بعد دومی که مطرح است، صدور انقلاب اسلامی در قالب هنر تئاتر. امروز جامعه ما متحول شده یعنی بزرگترین ره آورد انقلاب اسلامی این هست که ارزشها دگرگون شده. ما اگر انقلاب اسلامی هیچ ارزشی را به جامعه تقدیم نکرده بود، همین اندازه که ارزشهای طاغوتی و انحرافی تبدیل به ارزشهای الهی و انسانی شد کفایتی بود همان دختری که در ماه آذر ۱۳۵۵ در شب زفاف - خودش دست به خودکشی می‌زد و وقتی از او سؤال

خاک. اما اسلام آمد و هنر رانجات داد. به آن ارزش بخشید. خوب در دنیا وقتی می‌آیند بحث هنر را مطرح می‌کنند، می‌گویند سینما بعنوان هنر هفتم است و همه هنرها در درون سیاست و ولی غافل از این هستند که پایه و اساس سینما از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ سرچشمه و مادر سینما کجاست؟

"تئاتر". اگر تئاتر کانونی است که طرف در - آنجا رشد پیدا می‌کند، استعدادهاش متجلی می‌شود و بعد آن تجلی در سینما خودش را ظاهر می‌کند. اکثر قریب به اتفاق هنرمندان باارزشی که در سینما بودند، در تئاتر کار کردند. ما کار نداریم به رژیم گذشته که عده ای فقط بخاطر داشتن یک زیبایی ظاهری و تسلیمشان در برابر همه گونه خواسته های انحرافی کارگردانان خودشان را مطرح می‌کردند. منظره - - - - - آن چهره هایی است که واقعا هنرمند و هنر را بعنوان عشق می‌نگرند. لذات تئاتر را ما به این دید داریم نگاه می‌کنیم. نقشی که تئاتر در جامعه دارد نقش بسیار ارزشمند و باشکوهی است. شما ببینید در سالن تئاتر چهارویژگی خاص وجود دارد که باید از آن نهایت استفاده را کرد:

۱- در یک محیط ساکت و نیمه تاریک. این محیط خیلی ارزشمند است برای اینکه بتواند پیام خودش را برساند.

۲- محیطی وجود دارد و کسی که برای تئاتر آمده. برای چی آمده؟ برای پذیرش آمده. برای اینکه چیزی درک کند. الهام بگیرد.

۳- برای دیدن تئاتر اگر واقعی باشد و در راستای مردم، نیاز به هیچگونه آموزشی ندارد.

میوه وارد می‌کرد و از این طریق بچه را جذب می‌نمود بنی امیه و بویژه بنی عباس اگر ۵۰۰ سال حکومت خدا ساز میشد، توام پیدا می‌کرد و بنام اسلام تیشه به ریشه اسلام می‌زد، بخاطر این - است که از هنر استفاده می‌کند. اما در مسیر انحراف توی همین زمان خودمان، آقای پاپ، رهبر کاتولیک های جهان، در یکی از میادین بسیار بزرگ یکی از کشورها شروع به سخنرانی می‌کند، جمعیت موج می‌زند، بعد می‌گوید عده ای به عنوان رهبران اسلامی در سطح دنیا آمده اند و اسلحه بدست نوجوانان ۱۴ ساله می‌دهند که آدم - بکشند و نامش را می‌گذارند دین. و من بعنوان رهبر کاتولیک های جهان هدیه ای که برای جوانان و نسل جوان دارم چیست؟ "از جیبش یک گل زیبای رز را در می‌آورد" و یک ربع تمام کف زدنهای ممتد. این استفاده از هنر است اما در چه مسیری دارد از آن استفاده می‌شود. بنابراین هنرمند تذلل و وابسته داریم و هنر آزاد و متعهد.

انقلاب اسلامی دو خدمت بزرگ به هنر در سطح نه ایران، بلکه جهان کرده است. اولین خدمت بزرگ و ارزشمندش این بوده که هنر را از جنگال زرو تزیین و زورمداران و قدرتمندان نجات داد. و دوم هنر را آورد و به آن ارزش و بهاداد و آن را در راستای ارزشهای اسلامی و الهی سوق داد. هنر قبل از انقلاب چه هنری بود؟ توجیه گر رژیم ستم شاهی. هنر برای هنر. هنرمند برای پول کار می‌کرد. او دیگر هنرمند نبود خودش و اندیشه اش را می‌فروخت. هنر در راستای ناسیونالیسم و یک سری تعصبات خشک بی‌منطق در محدوده آب و



می‌کنند که هر خواستی خودت را بکشی می‌گوید :
وقتی وارد بجله عروسی شدم ، دیدم اطوی شلوار
شوهرم خراب است . همان دختر دیروز ، امروز
ازدواج می‌آیند با جانبازی که نه دست دارد نه پیا .
همسایه ها واقوام آنچنانی اش تحقیرش می‌کنند .
می‌گویند : نوزبانبودی که بودی . خواستگار
نداشتی ؟ که صف کشیده بودند از یک خانواده
باموقعیت اجتماعی نبودی ؟ که بودی . شغل
ارزنده ای نداشتی ؟ که داشتی . پس چه مرگت
بود با همکسی ازدواج کردی که نه دست دارند نه پا
پاسخ می‌دهد که من در سایه رهبری امام و انقلاب
اسلامی ، ارزشهای خودم را درک کردم . به
شخصیت خودم پی بردم . احساس کردم انسانم
و تصمیم گرفتم این جانی را که تابش گرفته بر اثر
خورشید اسلام تقدیم جانان کنم . حاضر شدم
بروم جبهه ، گفتند نیازی نیست . گفتم پشت
جبهه . گفتند به اندازه کافی نیرو هست . گفتم
پس لا اقل با کسی که در راه این انقلاب ایستاد
کرده ازدواج کنم تا شاید گوشه ای از دین ورست
خودم را انجام داده باشم . آقای دکتر خرازی می-
گفت ما رفته بودیم مسکو ، یک نوجوان ۱۴ ساله
روسی آمد جلوی ما و گفت آقا ، دلار دارید ؟ گفتم
آره . گفت می‌شود خواهش کنم این روبلهای من
را بپذیرید و بجایش دلار بدهی ؟ گفتم برای
چی ؟ گفت ، سؤال نکنید . گفت نه بگو ؟ گفت :
من آرزو دارم در زندگی ام یک دست لباس
" جین " داشته باشم . اما ایناتو " شاپ
دلارا " است . اگر می‌شود این روبلهای منو
بگیرید من خیلی فراوان دارم و ارزانترا زبانکها
برایتان حساب می‌کنم . به من " دلار " بدهید
بروم یک دست لباس " جین " بخرم . آرزوی
یک جوان ۱۴ ساله دست پرورده مکتب
پرطمطراتن سوسیالیسم ، داشتن یک دست
لباس جین آمریکائی است . اما نوجوان شما
یک دستش توی جبهه قطع شده روی تخت
بیمارستان گریه می‌کند ، شما احساساتتان
تحریک می‌شود ، می‌روید نزدیک نزدیکتر ،
می‌خواهید دلداریش بدهید . می‌گوید چرا منو
دلدار می‌دهید . شما دلالتان برای من می‌سوزد ؟
نه ، گریه من برای این است که چرا افتخار شهادت
نمیبم نندولا اقل اگر شهید نشدم چرا عباس گونه
هر دودستم را از دست ندادم تا سرود ابوالفضل
العباس را در صحرای کربلا طنین انداز کنم . این
ارزش هادر جامعه متحول شده ما بوجود آمده
این ارزش ها بوسیله هنر و در قالب هنر و در شکل

دقیقه مانده به اخبار پخش می‌کنید بجای آن ،
بیائید ارزش های اسلامی را در قالب هنر ، توی
این ۵ دقیقه بیان کنید . مسائل اخلاقی اسلامی
اقتصادی را بگوئید . چرا ایدمان رفته ؟ چرا
نباید این ارزش ها زنده و متجلی شود ؟ بدون شك
تداوم و پیروزیهای انقلاب اسلامی در گرو این
است که این ارزش ها در جامعه متجلی بشود .
نویسندگان عزیز مادر تئاتر باید در مسیر این
ارزش ها تلاش کنند . باید این ارزش ها را همانند
آغاز انقلاب محکم ، استوار ، و با صلابت در جامعه
مطرح کنند . باید زندگی توده مردم و بویژه
اقتشار مستضعف و محروم جامعه را به صحنه تئاتر
بیاورند . شما هیچ می‌دانید اگر زندگی یک
مستضعف ، یک دردمند را در قالب یک پیس در-
تئاتر پیاده کردید ، این چقدر می‌تواند در جامعه
تحول بوجود بیاورد . چقدر افرادی که زندگی
محرومان و مستضعفان را دیده و بعد آمده همه
سرمایه زندگی اش را به بهبود زندگی آنها کرده .
هنرمند باید زندگی درمندان و محرومان را به
صحنه تئاتر بیاورد . نباید از مسائل زندگی افراد
هم غافل بشویم . چرا تئاتر باید محروم از این
مسئله باشد ؟ خوشبختانه الان شاهد این هستیم

هنر ، رسالت هنرمندان است که در جامعه
عرضه بشود و کجاست ؟ یک روز به شهر دار تهران
می‌گفتم آقا جان همانطور که به فکر زیبایی
تهران هستی یه مقدار هم ارزش های اسلامی
را توی جامعه احیا کنید . چرا آن ارزش ها
را احیا نمی‌کنید ؟ بنده در سال ۶۳ بعنوان عضو
عالی شورای نمایشی در فستیوال مسکو شرکت
کرده بودم . هر خیابان ، هر کوچه ای توی مسکو
می‌رفتیم ، پیام داشت برای ما ، اینجا فلان
دانش آموز شهید شده ، اینجا فلان زن شهید شده
اینجا فلان معلم شهید شده . اصلا مادر محاصره
تبلیغات مارکسیستی بودیم . شما توی دانشگاه
تهران آن همه دانش آموز شهید شدند حداقل
نیامدنند قسمتی از آنجا را با بیست یاسی تا
شصتدانی قرمز اختصاص بدهند و بیادشدهای
دانش آموز آنجا به وجود بیاورند . اصلا یک ذره
از آثار انقلاب را شما نمی‌بینید . قطعاً هنرمندان
مادر قبال جامعه و در ارتباط با اینکه باید
ارزش های اسلامی را زنده و متجلی کنند
مسئولند و امروز این رسالت شماست . به آقای
هاشمی مدیر عامل تلویزیون گفتم : آقا این
تصویرهای آن چنانی و آهنگهای خاصی که ۵



به چیزهایی که براساس اصول و محورهای اساسی کارما هست .

شما هنرمندان تنها به بودجه های تصویری مجلس اکتفا نکنید، شما می توانید در سایه ارتباطی که با مسئولان اجرایی برقرار میکنید و ردیف ها و امکاناتی که در اختیار مسئولین وجود دارد، از - بودجه آنها استفاده کنید، قطعاً آنها وقتی ببینند نقش هنر را، رسالت هنر را و کار هنر را - مسلماً از آن بودجه ها و ردیف هایی که در اختیارشان هست به شما کمک خواهند کرد . ثابتاً و ثابتاً آن امکاناتی که برای شما لازم است فراهم کنند . دوم در ارتباط با مجلس هم سعی کنید، ارتباط خود را با نمایندگان نزدیک کنید . من نمی دانم این اجرای برنامه هایی که در طول دهه فجر در شهرستانها داشته اید، چند نفر تا نرفته اید سراغ نمایندگان مجلس و از آنها خواهش کرده اید

که ببینید این نمایش را ببینند و بعد مسائل و مشکلات شمارا بشنوند . این جور نباشد که فرضا بنده ، امثال بنده وقتی توی محن مجلس قیام می کنیم ، می گوئیم آقا برای تئاتر کشور، فرضا برای سینمای کشور یا برای سایر مسائل یک مرتبه احساس کنیم که باید عده بیگانه با هنر مواجه هستیم ، البته بخاطر مسائل ، مشکلات و تنگناهایی که نماینده دارند باید از آنها انتظار داشت که توی مسائل هنری آنچنان آگاه باشند و به مسائل آشنا ولی این رسالت شماست که دعوت کردن از آنها، بیان مشکلاتتان ، دیدن نمایشنامه و حتی در بعضی موارد از آنها بخواهید که با مردم سروکار دارند، با مسائل مردم آشنا هستند، حتی به شما هم بعضی از موارد را الهام بدهند که یک سری نمایشنامه هایی را که در راستای مشکلات مردم است تهیه کنید . حتی ممکن است رگه هایی از هنر هم در آنها باشد و شما هم از آنها هر نمودی بگیرید . بنابراین در این دومی سر حرکت کنید ، یکی ارتباط تنگاتنگ با مسئولین اجرایی با صمیمیت بیشتر تا آنها بیشتر با شما آشنا بشوند . و دیگر اینکه با نمایندگان مجلس که تمویب کننده آن مسائل هستند ، در هر صورت تشکر می کنم از فرمتی که در اختیار اینجانب گذاشته شد تا خدمت شما برادران و خواهران - هنرمند برسم و با آرزوی اینکه در راستای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی و امام راحل خَلَف صالح و شایسته ایشان رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی ، رهبر هنرمند، هنر دوست و رهبر هنر پرور در راستای او و آرمانها و اهداف گام برداریم ●

به همه دنیا رسانده . شاید جالب باشد برای شما بگویم که سرخ پوستان آمریکادر زیر سلطه و حکومت آمریکا ، نامه نوشته بودند برای امام ، اما ، ما مستضعفان سرخ پوست داریم زیر چکمه های جلادان خون آشام کاخ سفید و شکنجه جان می دهیم شمار هبیری هستیکه هم از مسلمانان دفاع میکنند و هم از مستضعفان و محرومان .

حکومت ۸ ساله ننگین ریگان ۴۰ هزار نفر از ما سرخ پوستان را به جرم اینکه حاضر نشدیم زیر سلطه ددمشانه آنها تسلیم بشویم ، به رگبار مسلسل بسته و کشته است و حالا شما استمداد می طلبیم . بیخ گوش رهبران آمریکا ، سرخ پوستان - دست نیازشان به شماست و شما هستی - که پیام انقلاب را در بعد تئاتر به دنیا بدهید و در جهان بیداری بوجود بیاورید ، خفتگان را بیدار کنید ، بیدار شده ها را به قیام وادار کنید و قیام کنندگان را تا آخرین نفرو قطره خون و نفس به مبارزه بر علیه استکبار جهانی و قدرتهای جهانی فراخوانید .

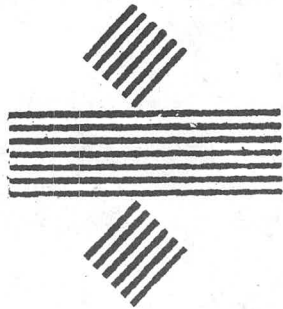
من در پایان عرایضم تشکر می کنم از آقای عید - خدایی که آغازگر تئاتر در صحنه انقلاب اسلامی بودند . و اما عزیزان جناب آقای منتظری را بعنوان احیاء گرتئاتر در انقلاب اسلامی . ان شاء الله ایشان زحمات و تلاشهای فوق العاده ای کرده اند . بودجه تئاتری که اندک و ناچیز بود و شایسته شمار نبود بر اساس تلاشهای دوسه ساله ایشان حدود ۲۰ درصد برای سال جاری افزایش پیدا کرد . و ان شاء الله شدت تئاتر و ایشان روی همان عشق و علاقه ای که داشتند و واقعا من شاهد بودم ، بعضی اوقات سه شیفت کار می کردند که بتوانند با برگزاری اینگونه جشنواره ها و رسیدگی به مسائل هنرمندان زمینه احیاء این استعدادها در تهران فراوان است اما در شهرستانها این شما هستیکه باید غواصی کنید و آن گوهرها را بگیرید . شما وقتی می بینید رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی شخم می آیند و نمایش " اسب چوبی " را می بینند و تجلیل می کنند و این در این نقطه محروم دور افتاده ای در خیزشگاه سربداران ، شهرستان سبزوار ، متجلی می شود . این نشان می دهد که اگر این استعدادها را کشف کنیم و آنها را پرورش بدهیم می توانند در همه صحنه ها متجلی بشوند . نکته دوم اینکه یک مقداری از سلیقه گرایشی در انتخاب نمایش ها خودداری بشود . سلیقه های شخصی را یک مقداری بگذاریم کنار ، بپردازیم

دیگر از متن های خارجی در حداقل و انگشت شمار داریم استفاده می کنیم و بیشتر نوشته هایی است که نویسندگان ارزشمند خودمان دارند این کار را انجام می دهند ولی بدون تردید رسالت مادر مسیر ارزش ها و نشان دادن زندگی محرومان و مستضعفان و ارزش های انقلاب و در مسیر مسائلی که مردم با آنها درگیرند می باشد . هنر - وقتی ارزشمند است که در مسیر ارزش های انسانی اسلامی و الهی باشد . این مسئولیت شماست که محیط را پاک نگه دارید ، اجازه نفوذ ندهید و نگذارید فساد اهلان و نامحرمان صحنه تئاتر را در این ارتباط صحنه تاخت و تاز خودشان قرار بدهند .

یعنی شما که در صحنه تئاتر ظاهر می شوید ، عنوان یک الگو برای جامعه دارید . بنابراین در بیرون مردم به همان چشم به شما نگاه می کنند . به همان چشم پاک ، بی آلیش انسانی و همان طوری که در صحنه ظاهر شدید ، اما اگر در صحنه جامعه و حتی اگر در زندگی خصوصی شما غیر از این چیزی را دیدند ، باید بداند یک آنوقت شما نمی توانید معلم اخلاق و الگو برای جامعه باشید . این رسالت شماست که پیوسته خودتان را صفت و پاک نگه دارید . و بگذارید دامن تنای بی آلیش بماند . گرچه در طول تاریخ زندگی هنرمندان با فقر و مشکلات و تنگناها عجین بوده اما هنر این فقر و مشکلات را به جان می خریده و لیخندش را از جامعه دور نمی کرده است . بعد دومی که رسالت هنر شماست صدور پیام انقلاب اسلامی است . ما اگر بخواهیم به دنیا انقلاب بمان را صادر کنیم ، سخنران نمی توانیم بفرستیم ، شاید کتاب هم نتوانیم بفرستیم شاید بوسیله بعضی نیروها هم نتوانیم این کارها را انجام بدهیم . از چیزی که برای ما مقدور است در قالب هنر باشد . اصولاً هر انقلابی که در درون مرزهای جغرافیایی خودش بماند آن انقلاب محکوم به فنا و نابودی است .

شما اگر به الجزایر که یک میلیون نفر شهید داده بروید ، فقط احساس می کنید که سربازهای فرانسوی از الجزایر بیرون رفته اند و الا فرهنگ فرانسوی در کوچه ، خیابان ، مغازه در صحنه های آموزش و پرورش و در همه جا زنده و متجلی است . چرا ؟ چون انقلابشان در مرزهای خودش ماند . دشمن توطئه کرد . اما اگر انقلاب از مرزهای خودش فر رفت که انقلاب اسلامی مافوقه ، پیامش راهم

گفتگو با مسئولین تالارهای نمایشی



در طول برگزاری جشنواره سراسری تئاتر فجر سالن های تئاتری در جنب وجوش خاصی بودند، اجرای نمایش ها در چند نوبت، کنار طاقت فرسای عوامل فنی ومسئولین سالن ها باعث شد که جشنواره با مشکل خاصی در این مورد مواجه نباشد. به همین مناسبت با چهار تن از مسئولین تالارهای نمایشی تهران گفتگویی داریم که توجه شما را به خواندن آن جلب می کنیم:



- در جشنواره امسال روزانه شش نوبت اجرا نمایش "من که باورم نمیشه"، سه نوبت نمایش "عموراستگو" و دو نوبت هم "خرگوش باهوش" در تالار هنر برگزار شد. در روزهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه هم، سمینار روای انجمن های نمایش سراسر کشور را داشتیم که در اینجایباید یک گلهای از مجله نمایش بکنم که متأسفانه دوستان برای تهیه خبر به تالار هنر نیامدند. باین وجود تالارهای سخنرانی وکل جلسات موجود است که در اختیار گذاشته خواهد شد.

- به نظر شما جشنواره امسال چه فرقی با جشنواره های قبل داشت ؟

- به زعم ما هیچ تفاوتی وجود ندارد. تماشاگر همان تماشاگر عزیز و محترم همیشگی است که در طی سال برای دیدن نمایش به تالار هنر می آید و هنرمند ما هم در طی سال در خدمتشان هستیم.

اما فضا و جو جشنواره که به نوعی خود ما را هم جذب می کند، صرفاً به دلیل یک اتفاق فرهنگی و هنری مطرح در سطح جامعه و حتی خارج از ایران باعث می شود که ما اگر در اوقات عادی حدود دو ساعت مانده به اجراء در سالن حاضر باشیم. در ایام جشنواره، خدما را ناگزیر می بینیم که از اول روز در محل باشیم.

ضمن اینکه جشنواره سراسری، عنوان مبارک دهه فجر را نیز با خودش همراه دارد.

- آیا مشکلاتی نیز با گروه های متقاضی اجرا در تالار هنر داشتید ؟

- عرض کنم که قبل از اجرا، در مورد امکانات

گذاری بین صندلی ها و ۱۰۰۰ لازم است. - چند سال است که این مسئولیت را به عهده گرفته اید و چرا سیستم اینجاکامل نمی شود؟ - کسانی که قبل از بنده مسئولیت این سالن را به عهده داشتند، یک مقداری از این کارها را انجام داده اند. معذالک یک بخش عمده آن باقی مانده و انجام نشده است. علی رغم تلاش من و همکارانم در طی سه سال و آنقدری که با کمک مرکز هنرهای نمایشی صورت گرفته است، هنوز یک سیستم کامل در این تالار جایگزین نشده است. البته بدیهی است که بخشی از این مشکل مربوط به بودجه است که باید تا مین شود و بخشی هم، نیروی تخصصی و دستگاه های جدیدی طلبد.

با همه این تفامیل، تالار هنر با ۳۱۰ نفر ظرفیت تماشاگر، هیچ وقت تعطیل نشده و به فعالیت خود ادامه داده است.

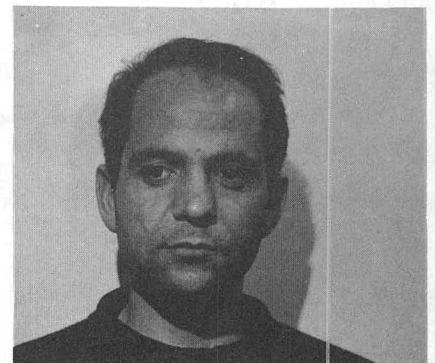
فعالیت عمده تالار و برنامه های ویژه آن جهت اجرا چیست ؟

- کار اصلی این تالار اجرای نمایش کودکان و نوجوانان است که سعی شده به غیر از آثار کودکان، آثار دیگری در این تالار اجرا نشود. باید بگویم که تالار هنر در این فاصله، یکی از پرکارترین تالارهای مرکز بود، با توجه به اینکه

بسیاری از مراسم و اجراهای فوق العاده نیز در این تالار برگزار شده و خوشبختانه همکاران تالار و مسئولین مرکز، همکاری خوبی با ما داشتند.

- نمایش های جشنواره امسال چطور ؟

- بهرام ابراهیمی سرپرست تالار هنر



نمایش - آقای ابراهیمی ضمن تشکر، ابدا در مورد خصوصیات و ویژگیهای تالار هنر توضیح دهید.

ابراهیمی - تالار هنر سالنی است که قبل از انقلاب برای مدرسه باله طراحی شده بود و زمانی که تحویل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد نیمه کاره بود. به همین دلیل، اولاً عمق صحنه کافی نداشت. پیش بینی سیستم کامل صوت و نور برایش نشده بود و در واقع بیشتر از هر چیزی شبیه به یک سالن سخنرانی بود.

در حالیکه برای یک تالار نمایشی، امکاناتی مثل سیستم کامل، صوت، نور، حداقل یک گالری در صحنه، میله های متحرک در صحنه، رینه داخل سالن نمایش، سیستم اکوستیک، فاصله



جشنواره، تاجه حد مشکلات شمارابرطرف

ساخت؟

طبیعی است که در هر کاری مشکلاتی نیز هست. اما ما سعی کردیم این مشکلات را به حداقل برسانیم.

در رابطه با مشکلات سالن که سالهای قبل با آن مواجه بودیم، امسال به همت سرپرست مرکز هنرهای نمایشی، دانشجویانی از دانشکده هنر راهنمایی و هدایت مردم را در سالن ها به عهده گرفتند و مشکل عمده ما را برطرف کردند. اما اگر بعد از جشنواره هانیز این عمل تداوم پیدا کند، قدر مسلم، هانیز در ارائه خدمات و امکانات رفاهی به تماشاگران عزیز و محترم، موفق تر عمل می کنیم.

آیا از نظرفنی، تالار وحدت مشکلی داشت یا نه؟

مشکلات فنی در جشنواره های دیگر، کمی به نظر می آمد. ولی امسال خود آقای مهندس زعیمی معاونت فنی مرکز، مستقیماً همت کردند و کلی از مشکلات ما راحل نمودند.

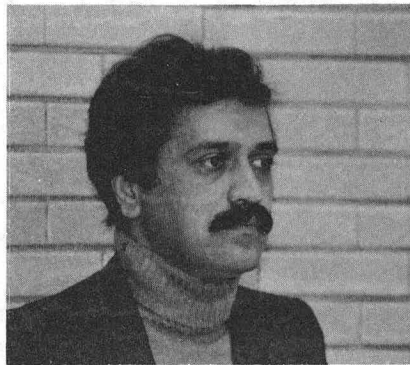
برپایی نمایشگاههای مختلف در سالنهای انتظار تالارها چه تاثیری داشت؟

اتفاقاً خوب هم هست. وقت آزاد مردم ما بین برنامه ها و اجراها، بیخودی تلف نمی شود. همچنین عده ای هم که زودتر می آیند، می توانند حداکثر استفاده را از وقت خود ببرند. نمایشگاه مسابقه سراسری عکاسی تئاتر و نمایشگاه عروسک های ژاپن که از اول جشنواره تا آخر آن در سالن ها انتظار تالار وحدت برپا بودند، تاثیرات مثبتی داشتند و توانستند خیلی خوب در ارائه خدمات فرهنگی - هنری بیشتری به تماشاگران عمل کنند.

در پایان اگر صحبتی در مورد گروه های نمایشی دارید بفرمائید.

باتوجه به اینکه بنده مسئولیت پشتیبانی مرکز را هم به عهده دارم با همکاری دوستان، سعی کردیم در خدمت گروه ها باشیم. تمرینات آنها را میسر ساختیم و سالنهای مختلف تالار را در اختیار گروه های شهرستانی قرار دادیم تا بتوانند خود را هماهنگ سازند.

در خاتمه از تمامی همکاران خودم در قسمت فنی خدمات و حراست که چندین شبانه روز، دو جشنواره سروود تئاتر فجر را همراهی کردند و از هیچ کمک و تلاشی دریغ نوزیدند، تشکر و سپاسگزاری می کنم.



نیز هستم.

تالار وحدت با توجه به وسعت زیادش، چقدر ظرفیت تماشاچی دارد؟

گنجایش تالار وحدت چیزی در حدود ۸۰۰ نفر است که ۵۲۱ نفر طبقه هم کف و حدود ۲۸۰ نفر سه طبقه بعدی گنجایش دارند.

به طوری که پیداست، تالار وحدت علاوه بر کارهای نمایشی، سمینارهایی نیز برگزار می کند این مسئله چه مشکلاتی به بار می آورد؟

تالار وحدت چون تنها سالن تهران است که نسبت به سالنهای دیگر تماشاچی بیشتری می گیرد و از نظر ساختمانی نیز جالب توجه است، لذا وزارتخانه ها و ارگانها، تمایل بیشتری دارند تا سمینارها و مراسم خود را در این سالن برگزار کنند و همین عامل باعث شده است تا در اجرای تئاتر رکورد ایجاد شود. چنانچه اکثر سمینارهای مملکتی و افتتاحیه ها و اختتامیه جشنواره های مختلف در اینجا برگزار می شود.

استقبال مردم در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از برنامه های تالار وحدت چگونه بود؟

امسال استقبال مردم بسیار خوب بود. باتوجه به اینکه برقراری نظم نیز نسبت به سالهای قبل فرق اساسی داشت. صندلی ها شماره گذاری شده بود هر کس بر طبق شماره صندلی می نشست. باتوجه به محدودیت به طریق کمپیوتری چگونه جوابگوی افرادی بلیط می شدید؟

ما به دلیل استقبال مردم و اینکه هیچ کس در سرمای زمستان پشت درها منتظر نماند و همچنین به دلیل احترام به بلیط مادر شده و اینکه معمولاً عده ای نمی آیند، در بعضی از برنامه ها از یک ربع مانده به اجرای نمایش، اقدام به فروش بلیط می کردیم.

استفاده از راهنمایان دانشجوی در طول برگزاری

نوری و فنی دیگر توضیح کافی به همه عزیزان داده می شود. البته به این معنی نیست که ما تمام توان را بکار نگیریم. حتی اگر شده با قرض وامانت گرفتن وسایل و امکانات از تالارهای دیگر (با حمایت و کمک فکری آقای مهندس زعیمی) کار اجرایی گروه ها را راه می اندازیم. با این وجود تالار هنر، نیاز به امکانات نوری و صوتی بیشتری دارد. به عنوان نمونه اگر چه تالار بسیار جوانی است اما با تبلیغات و لطف مطبوعات، این تالار می تواند به عنوان یکی از سالن های مطرح تهران عنوان شود. اگر چه تالار هنر ظرف این مدت، تماشاگر خاص خودش

را پیدا کرده و اکثر تماشاگران ما حداقل به دیدن اکثر نمایشهای اجرا شده آمده اند. اما این هم کافی نیست.

برخورد تماشاگران در رعایت مسائل هنری و حاشیه های آن چگونه است؟

مخاطبین ما معمولاً کودکان و بوالدین هستند. ما سعی کردیم که در این مدت مسائلی را که دون شان یک تماشاگر فرهیخته است، به تماشاگران خودمان منتقل کنیم. اما این صدمه میسر نشده، ولی انشاء الله باتوجه به علاقه مندی تماشاگران به تئاتر، این معضل راحل خواهیم کرد. و البته پیگیری این مورد با ماست. چرا که زمانی در همه سالنها یکشیدن سیگار و یا مسائلی از این دست، عادی به نظر می آمد. ولی در حال حاضر این جور نیست.

ضمن تشکر از شما، اگر در پایان صحبت یا پیشنهادی دارید، بفرمائید.

در پایان، خودم را موظف می دانم که از کلیه همکاران خوب در تالار هنر، و معاونت تالار به خاطر همکاری خوب، و صمیمانه شان قدر دانی کنم.

جواد افشین نژاد سرپرست

تالار وحدت

نمایش - از چه سالی مسئولیت تالار وحدت به عهده شما گذاشته شد؟ و قبل از آن چه سمتهایی داشتید؟

افشین نژاد تقریباً بعد از انقلاب، ابتدا معاون تالار وحدت، سپس قائم مقام تئاتر شهرواز سال ۶۵ به جعبه نیز سرپرستی تالار وحدت را به عهده دارم. در کنار اینها مسئول پشتیبانی مرکز و عضو برگزار کننده برنامه های دهه فجر



مجید جعفری سرپرست تئاتر شهر



■ مجید جعفری - متولد ۱۳۳۰ شیراز - شروع کار تئاتر: ۱۳۴۴. بازی در نمایشنامه‌های: افعی طلائی، چوب بدستهای ورزیل، نابغه، پنجمین ضربه، دریاروندگان، آژدها، مستاجر، حقیقت و مرد دانا، کورنزاچیو، آنتیگون، کارگردانی نمایش‌های: سیم حوت، سقوط، کابوس خسرو پرویز، الموت، عنکبوت، تراژدی کسری، شکستن و رستن، جنبش تنباکو، هالو نباش ژنرال، تخت و خنجر، اگر غم لشکرانگیزد، خسیس، ایگو، الکتر، کریولانوس، امپراطور جونز، بکت، پر و مته در زنجیر، خاطره دو دوشنبه، الماس، آنتیگون، دایره گچی، عقابی با دو سر، و... کارهای تلویزیونی: تراژدی کسری، سیم حوت، سقوط، سریال مرغ حق، کابوس خسرو پرویز. بازی در سینما: پرواز پنجم ژوئن، همه یک ملت، فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا و مدیریت فرهنگی دانشگاه فارابی

نمایش: کمی در مورد وضعیت فعلی تئاتر شهر بگویید؟

جعفری: تئاتر شهر یک مجموعه فرهنگی هنری است، زیرا چهار سالن تئاتر را در خود دارد سالن اصلی با گنجایش ۵۷۱ نفر. بعنوان حرفه‌ای‌ترین سالن تئاتر کشور، سالن چهارسو با ظرفیت ۱۵۰ تا ۲۰۰ تماشاچی در دو سانس (دو نمایش مختلف) جمعاً با ظرفیت ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر، سالن قشقانی با پذیرش حدود یکصد نفر تماشاچی و در دو سانس جمعاً ۲۰۰ نفر و سالن شماره ۲ اغلب در دو سانس و ظرفیت جمعاً ۲۰۰ نفر، مجموعه تئاتر شهر اغلب روزهای سال با هفت اجرای نمایشی. پذیرای حدوداً ۱۲۰۰ نفر تماشاچی می‌باشد و در اغلب روزهای تعطیل، تئاتر، برنامه‌های فرهنگی هنری و سمینارهای مختلف در این مجموعه اجرا

نمایش: برای برگزاری بهتر جشنواره چه نظری دارید؟

جعفری: در سالهای بعد از انقلاب به دلیل اشکالاتی که بهر صورت سر راه تئاتر بوجود آمده بود، از حذف بودجه گرفته تا مدیریت‌های نامناسب سیستگرا ریهای شتابزده و سوء تفاهات عجیب و غریب و غیر واقعی، تئاتر، تقریباً "با تعطیل مواجه گردیده بود."

در چهار سال گذشته بعد از بررسی اشکالات گذشته برای رفع معضلات تلاشهای بی وقفه ای صورت گرفت. و از سال گذشته تقریباً "نتایج آن تلاشها عینیت یافت و جذب مجدد هنرمندان، تئاتر گواه این مدعی می‌باشد."

و اکنون که هنرمندان واقعی تئاتر به کار رغبت پیدا کرده اند قطعاً "باید برنامه ریزیهای جدیدی بشود تا از نیروی حرفه ای تئاتر بیشتر استفاده بیشتری شده و در نتیجه رشد تئاتر را باعث گردد." که بدون تردید باید از رده‌بندی، سالن‌های تئاتر و رعایت اولویت‌های حرفه ای آغاز شود. تا هم تکلیف هنرمندان معلوم شود هم تکلیف تماشاچیان. با رعایت این‌الویت‌ها تماشاچی میتواند تئاترهای متناسب با سلیقه خود را انتخاب کند.

در اینصورت جشنواره نیز خود بخود رشد میکند یعنی رشد تئاتر رشد جشنواره تئاتر را نیز در پی دارد و اگر برنامه‌های نمایش جشنواره تئاتر از رشد کافی برخوردار شود در آن صورت میتوان از کشورهای دیگر نیز دعوت بعمل آورد تا در رقابتی گسترده تر را باعث شود و رشد تئاتر را شاهد باشیم.

چنانچه متوجه اهمیت موضوع باشیم باید فعالیت مستمر و پی گیری داشته باشیم تا عقب ماندگیهای ناشی از غفلتها را جبران کنیم در این راستا میتوان اقدامات زیر را انجام داد:

- ۱- هماهنگی ارگانهای مختلف با مرکز هنرهای نمایشی و توجیه آنها برای کمک رسانی به تئاتر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.
- ۲- یک کاسه کردن امکانات تئاتری برای هرز-نرفتن آن امکانات بسیار موثر است.
- ۳- ایجاد امکانات جدید ضرورت فوری دارد ساختن سالنهای مجهز و ...
- ۴- رسیدگی به وضعیت زندگی هنرمندان و کارکنان تئاتر اولویت است.
- ۵- توجیه منتقدین تئاتر و تفهیم اهمیت تئاتر

می‌شود.

نمایش: برگزاری جشنواره در تئاتر شهر مشکلی پیش نمی‌آورد؟

جعفری: نخیر، و با توجه به اینکه کادر فعال و ورزیده ای در تئاتر شهر از نظر فنی و هنری داریم، طبیعی است که تئاتر شهر مرکز اصلی اجرای جشنواره‌های تئاتر باشد. تئاتر شهر گذشته از اجرای جشنواره‌های سنتی، عروسکی، فجر، کارگری و... امیدوار است با برنامه‌ریزی‌هایی که در آینده از طرف مرکز هنرهای نمایشی صورت می‌گیرد بتواند به برنامه‌های باشکوه هنری از قبیل اجرای جشنواره‌های بین‌المللی، و رپرتوار تئاتری برگزیده نیز دست زند.

نمایش: چه تفاوتی بین جشنواره امسال و سالهای قبل می‌بینید؟

جعفری: در سالهای گذشته جشنواره تئاتر مصادف با اجرای جشنواره فیلم و موسیقی بود اما استقبال قابل توجه تماشاچیان تئاتر از جشنواره، بی‌نظمی‌هایی را در اجرای برنامه‌های ما بوجود آورده بود و جمعیت بقدری زیاد بود که اغلب مجبور بودیم یک سانس اضافه اجرا کنیم و این بسیار مشکل بود زیرا تئاتر با نیروی انسانی زنده سر و کار دارد. گروهی که دو سانس نمایش اجرا کرده است دیگر انرژی اجرای سانس بعدی را ندارد. از طرفی تماشاچیان صف کشیده در پشت گیشه‌ها را باید راضی می‌کردیم، تماشاچی انتظار دارد و انتظارش بی‌مورد نیست. از طرفی تصمیم گرفته شد که جشنواره تئاتر بعد از جشنواره فیلم و سرود اجرا شود زیرا، افتتاحیه‌ها و اختتامیه‌های جشنواره‌های دیگر و جشنواره سرود نیز در سالن‌های تئاتر اجرا می‌شود در نتیجه امکان کمتری برای هر یک از هنرها در اختیار تماشاچی قرار می‌گیرد. پس می‌بایست در زمان طولانی‌تری این جشنواره‌ها اجرا می‌شدند بهمین جهت تئاتر از ۲۴ بهمن اجرا گردید. به این ترتیب بخشی از تماشاچیان جشنواره سینما و سرود نیز به جمع تماشاچیان تئاتر اضافه می‌شدند و این باعث می‌شد که مشکلات ما بیشتر شود بهمین جهت تمهیداتی صورت گرفت و از طریق توزیع بموقع کارت و فروش بموقع بلیط توانستیم از هجوم تماشاچی پیشگیری کنیم اما این تمهید کل مشکل را حل ننمود و تماشاچیان که بموقع مطلع نشده بودند و یا موفق به خرید بلیط و یا دریافت کارت نشده بودند همچنان پشت گیشه به انتظار خرید بلیط تئاتر بودند اما امیدواریم با افزایش روزهای جشنواره در سال آینده بتوانیم این مشکل را حل کنیم.



به آنها و حرکت دادن دستجمعی آنها برای ایجاد فضائی سالم و سازنده و آموزش زبان هنر نمایش به خوانندگان و جلب تماشاچی بیشتر و فهم تر به تئاتر و تربیت منتقد جدید اهمیت ویژه دارد.

۶ - تربیت نیروهای جدید در زمینه های مختلف (کارگردانی، بازیگری، طراحی، و ...)

۷ - فرستادن تئاتر های نمونه به دیگر کشورهای دنیا و دعوت گروه های تئاتر پیشرفته به مملکت.

۸ - ایجاد امنیت شغلی برای هنرمندان.

۹ - گرفتن اطلاعات در سطح کشور و انتقال این اطلاعات صحیح به مسئولین رده بالای مملکت و گرفتن امکانات جدید برای رشد تئاتر زیر اطلاعات غلط و آمارهای آنچنانی بسودر مسئولین کشور ما نمی خورد اگر به مسئول رده، بالائی که اظهار میدارد "من کمک به رشد تئاتر را يك وظیفه میدانم" اطلاعات غلط دادیم خیالش راحت می شود و اگر اطلاعات واقعی دادیم و گفتیم چقدر خراب است، بی تردید در صد ترمیم و رفع نقص و خرابی بر می آید.

در پایان لازم میدانم از شهردار محترم تهران و شهردار محترم منطقه ۱۱ و همکاران محترمشان که در امر بازسازی و زیبا سازی تئاتر شهر ما را یاری دادند نهایت تشکر و قدردانی را بنمایم.

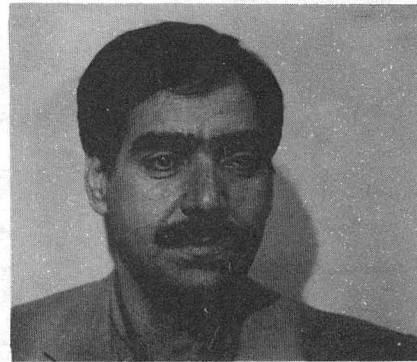
نمایش: برای اینکه بتوانیم صاحب يك تئاتر پیشرفته باشیم چه باید بکنیم؟

جعفری: من امسال در چروپای ایتالیا متوجه يك نکته شدم دولت ایتالیا با داشتن يك کشور قدیمی تاریخی که از صنعت توریسم نهایت استفاده را میبرد برای اینکه بتواند بیش از این توریست جذب کند با علم به اینکه، شهرهای قدیمی رم، میلان، ونیز دیگر شهرهای قدیمی ظرفیت بیش از این را ندارد، دست به تأسیس چند شهر ساحلی زده است. «چروپا» شهری است، جدید که اطراف چند انبار ساحلی بنا شده است. برای اینکه بتواند در این شهر توریست جمع آوری کند جشنواره تئاتر عروسکی در آن براه انداخته و سر و صدای مفصلی پیا کرده است و با اینکه شهری تازه تولد یافته است هر ساله هزاران نفر توریست را به خود جلب می کند و شهرتی جهانی یافته است و این تازه حداقل استفاده از تئاتر است و تأثیر فرعی آن، نسبت به تأثیرات اصلی تئاتر. آنچه مسلم است ضرورت وجود يك تئاتر خوب در مملکت است، که باید باعث رشد فرهنگ و آگاهی های جامعه شود

مفسده را از میان ببرد و فضیلت را جایگزین شرارت کند.

محمد صدیقی نژاد

سرپرست تالار سنگلج



نمایش - از چه زمانی مسئولیت تالار سنگلج رابه عهده گرفته اید؟

صدیقی نژاد: اوایل سال ۱۳۶۲ بود که به عنوان سرپرست به این تالار آمدم و در خدمت هنر و دوستان هنرمند قرار گرفتم. وان زمانی بود که تالار سنگلج به لحاظ مشکلات ساختمانی تعطیل بود. به نظر شما استقبال از جشنواره سراسری تئاتر فجر امسال چگونه بود؟

- خوشبختانه در طول برگزاری جشنواره استقبال بی نظیری را شاهد بودیم و نمونه آن را - شمانیز مشاهده کردید. مانیز سعی کردیم با بینشی که شخص سرپرست محترم مرکز هنرهای نمایشی نسبت به تحول و گسترش تئاتر دارند، به گونه ای عمل کنیم که رضایت کلیه هنرمندان تئاتر و تماشاگران فهیم و صمیمی نمایش جلب شود.

- فعالیت های تالار سنگلج در سال ۶۹ را توضیح دهید.

- در بخش فعالیت های صحنه ای در سال ۶۹، این تالار علاوه بر اجرای ۵۱ نمایش که تقریباً نیمی از آن متعلق به اداره برنامه های نمایش و مابقی آن به گروه های تجربی بود به برگزاری ۸ جشنواره سراسری تئاتر فجر، جشنواره استان تهران جشنواره سنتی و کارگری با مجموع ۴۸ نمایش اقدام نموده است. اما وج فعالیت های صحنه ای تالار سنگلج در سال جاری بود که علاوه بر ۱۰ اجرای نمایش تا پایان سال جاری، برگزار کننده جشنواره سنتی با ۱۴ اجرا، جشنواره کارگری با ۴ اجرا، جشنواره استان تهران با ۵ اجرا، و جشنواره سراسری تئاتر فجر با ۳ اجرا بود. ضمن اینکه برگزاری جشنواره فرهنگی هنری کمیته

امداد امام خمینی را عهده دار بود. در واقع می توان گفت علت پذیرایی این همه جشنواره ها و اجراها، آمادگی کامل تالار، پس از تعمیرات اساسی بوده است.

- باتوجه به مشکلات ساختمانی که تالار آن رنج می برد، اقدامات اساسی که در این مورد انجام شده چیست؟

- از همان ابتدای امر با صدها نوع مشکل چهار لخت فنی و تاسیساتی روبرو بودیم. اما به همت مرکز هنرهای نمایشی و دیگر دوستان عمده مشکلات ما برطرف شده است.

مشکلات ساختمانی به حدی بود که بان نشست پی های ضلع شرقی و شمالی و شکاف های عمیق ایجاد شده در قسمت های مورد اشاره و شکسته شدن سقف تالار و انسداد کامل مسیرهای فاضلاب وضع به گونه ای بود که آب برف و باران نیز هیچ راهی جز عبور از سقف به داخل تالار و نفوذ در پی های آسیب دیده نداشت. از لحاظ تاسیساتی، فاقد تاسیسات شوفاژ و تهویه، تاسیسات صحنه و اتاق های فرمان، نور و صدا در محل استاندارد تئاتر نبود و ملزومات فنی تقریباً اسقاطی و از رده خارج شده بود. و عقیده بسیاری در آن زمان بر این بود که این تالار از رده خارج است. لذا بر خود فرض می دیدیم که هرگونه تلاشی را که لازم است، بعمل آوریم. به همین منظور با تهیه عکس های رنگی از کلیه نقاط آسیب دیده و مراجعات مکرر به وزارت برنامه و بودجه، از کارشناسان مربوطه دعوت کردیم تا از تالار دیدن کنند و آنها نیز دعوت ما را اجابت کرده و با مشاهده وضع تالار، دلائل توجیهی را قبول و اعتباری حدود ۳ میلیون تومان جهت رفع نواقص مذکور در اختیار اداره -

کل تدارکات و خدمات قرار دادند که پس از اخذ مجوزهای لازم از شهرداری، عملیات ساختمانی آغاز شد. از جمله کارهای ساختمانی انجام شده، تعویض کامل شیروانی و موزائیک سقف و اکوستیک های سالن تماشاچی، ساختمان موتورخانه، توالت و حمام پشت صحنه، سنگ کاری و نماچینی سالن انتظار و جلوتالار، حفر دو حلقه چاه و تعبیه کانال، جهت انتقال لوله های شوفاژ و تهویه و فاضلاب می باشد.

در حال حاضر همانگونه که مشاهده می فرمائید تالار سنگلج هیچگونه مشکلی ندارد.



طی مراسمی در تالار وحدت تهران اولین نمایشگاه عروسکهای ژاپنی افتتاح شد

همزمان با برپائی نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، نمایشگاه عروسکهای ژاپنی با همکاری «مرکز هنرهای نمایشی» و مرکز فرهنگی و اطلاعات سفارت ژاپن در تالار وحدت افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح این نمایشگاه آقایان «سایتو» سفير ژاپن و «علی منتظری» سرپرست مرکز هنرهای نمایشی سخنانی ایراد کردند.

ابتدا آقای «سایتو» ضمن خوش آمدگویی به حاضرین، به تاریخچه عروسک در ژاپن اشاره کرد و گفت: «تاریخچه عروسک در ژاپن به حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می رسد و به جرأت می توان گفت که هیچ کشوری، تنوع

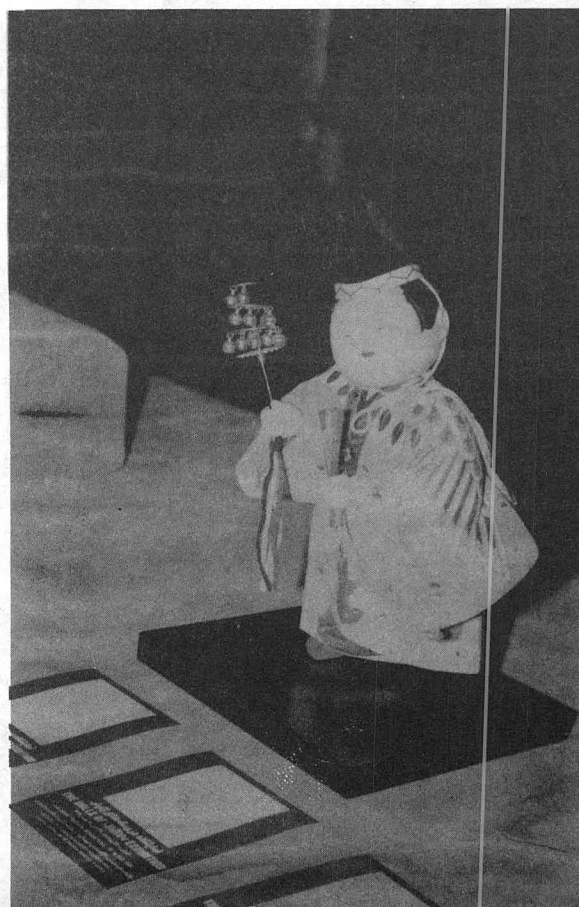


خوبی به شما نشان می دهد.»

پس از سخنان آقایان «سایتو» و «علی منتظری» نمایشگاه عروسکی ژاپنی بوسیله آقای «سایتو» سفير ژاپن و مهندس «خوشرو» معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی افتتاح گرد. شایان ذکر است که عروسکهای ژاپنی از چ کاغذ، پارچه و خاک رس ساخته شده اند و در از تکنیکهای بسیاری جهت آفریدن زیبایی چهره و رنگ آمیزی استفاده شده است. از این عروسکها: «عروسکهای دو قلوی ایشیما» «بچه ای با صورتک شیر»، «جنگجوی کورودا»، «شوجو حیوان افسانه ای»، «کینتارو قدرتمند»، «امپراتور جینمو»، «عروسک اشراق» «سبدگل» هستند که ریشه سنتی داشته و هر بعنوان يك سمبل در ژاپن شناخته می شوند. نمایشگاه مذکور قریب یکصد عروسک ژاپنی معرض تماشا گذاشته بود و از روز ۲۴ بهمن لغایت ۳۰ بهمن ماه (صبحها ساعت ۱۰ تا ۲ بعدازظهرها ۲ تا ۴) برای بازدید علاقه منفتح بود.

عروسکهایش به اندازه ژاپن نمی باشد.» سپس آقای «منتظری» ضمن تبریک جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی اظهار داشت: «برگزاری نمایشگاهی که امروز افتتاح خواهد شد، حاصل يك همکاری صمیمانه و دو جانبه بین کارگاه نمایش عروسکی مرکز ما و مرکز فرهنگی و اطلاعات سفارت کبرای ژاپن است.»

وی افزود: «از فرصت استفاده می کنم و به مناسبت برپایی این نمایشگاه به اطلاع می رسانم که نمایش عروسکی در ایران نیز قدمتی دیرینه دارد که با نام خیمه شب بازی شناخته می شود.» آقای «منتظری» با اشاره به سفر گروههای نمایش عروسکی به کشورها و فستیوالهای بین المللی، خطاب به سفير ژاپن گفت: «ما در همینجا از شما نیز دعوت می کنیم، ضمن هماهنگی با مرکز ما از طریق وزارت امور خارجه و معاونت بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در ایجاد چنین روابطی در چارچوب موازین و سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای متبوع خویش گام بردارید. نمایشگاه حاضر آمادگی ما را به





متن سخنرانی سرپرست مرکز هنرهای نمایشی درافتتاح نمایشگاه عروسکهای ژاپنی



خانمها و آقایان

با کسب اجازه، افتخار دارم بعنوان سرپرست مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همزمان با جشن های پیروزی انقلاب اسلامی فضای عطرآگین شب رستاخیز پیامبر خاتم و همزمان با آغاز نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از سوی جناب آقای مهندس خوشرو معاون - محترم امور هنری مقام عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شما خوشامد بگویم .

برگزاری نمایشگاهی که امروز افتتاح خواهد شد، حاصل یک همکاری صمیمانه و دو جانبه بین کارگاه نمایش عروسکی مرکز ما و مرکز فرهنگی و اطلاعات سفارت کبرای ژاپن است .

از فرصت استفاده می‌کنم و به مناسبت برپایی این نمایشگاه به اطلاع می‌رسانم که نمایش عروسکی در ایران نیز قدمتی دیرینه دارد، که با نام خیمه شب بازی شناخته می‌شود . امیدواریم در آینده ما نیز بتوانیم نمایشگاهی از عروسکهای نمایشی ایران را در معرض دید پژوهشگران ، هنرمندان ، علاقمندان و مردم ژاپن قرار دهیم . جای بسی مسرت است که ایران اسلامی توانسته است با حضور فرهنگی خویش در مجامع

بین المللی در عرضه فرهنگ غنی و پر بار ملت ایران بکوشد از جمله در زمینه نمایش عروسکی ما در فستیوالهای گوناگون در سال ۹۰ شرکت داشته و گروههای هنری خود را به کشورهای یوگسلاوی ، (فستیوال زاگرب) ، هلند (فستیوال آرنم) ، لهستان (فستیوال بیالسکویالا) ، ایتالیا (فستیوال چروپیاو فستیوال ناپل) ، تایوان (فستیوال تایپه) اعزام کرده ایم و خود نیز در پی برگزاری دودوره فستیوال بین المللی نمایش عروسکی در تهران در سپتامبر ۹۱ سومین دوره آن را برگزار خواهیم کرد . مادر همینجا از شما دعوت می‌کنیم ضمن هماهنگی با مرکز ما از طریق وزارت امور خارجه و معاونت بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، در ایجاد چنین روابطی و در چارچوب موازین و سیاستهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای متنوع خویش گام بردارید . نمایشگاه حاضر آمادگی مارابه خوبی به شما نشان خواهد داد . یک بار دیگر از سوی خود و همکارانم و از سوی معاون محترم امور هنری وزیر به شما خوشامد می‌گویم و از سفارت ژاپن به پاس این اقدام فرهنگی تشکر و قدردانی می‌نمایم .

بسیار خوشحالم که در مراسم امروز ما آقای آلن گرومیک، رئیس فستیوال آوینیون فرانسه و هیات همراه نیز حضور دارند .

در پایان از جناب آقای سایتوسفیر محترم دولت ژاپن در جمهوری اسلامی ایران و کلیه همکاران ایشان بویژه آقای آریوشی دبیر اول وابسته فرهنگی سفارت ژاپن نیز سپاسگزار می‌کنم و از جناب آقای مهندس خوشرو مقام محترم معاونت امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جناب آقای سفیر تقاضای کنم به نمایندگی از سوی دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ژاپن و به نشانه آغاز یک روابط جدید فرهنگی و به عنوان سمبل دوستی دولت بزرگ ایران و ژاپن و ارج نهادن به فرهنگ امیلملتها، این نمایشگاه را افتتاح فرمایند .

متشکرم

علی منتظری

سرپرست مرکز هنرهای نمایشی



مسابقه سراسری عکاسی تئاتر

اولین دوره مسابقه سراسری عکاسی تئاتر به همت مجله نمایش در راستای تشویق و ترغیب هنرمندان عکاسی برگزار گردید.

عکاسی تئاتر تاکنون به صورت يك مقوله جدی مورد توجه قرار نگرفته است و این حرکت شروع مناسبی است برای پرداختن هنرمندان عکاس به تئاتر که امیدواریم بتواند در جهت رشد و گسترش تئاتر و عکاسی مثمرتر باشد.

استقبال خوبی که عکاسان کشور از شهرهای دور و نزدیک از این مسابقه به عمل آوردند نشانگر اهمیت هنر عکاسی تئاتر و بهادادن به آن می باشد.

حدود ۷۰۰ عکس از ۳۲ عکاس تهرانی و ۳۱ عکاس شهرستانی به دفتر مجله نمایش ارسال گردید. هیأت انتخاب از میان عکس های رسیده ۱۳۰ عکس را برای شرکت در بخش مسابقه انتخاب و در نمایشگاهی که همزمان با برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از ۲۴ بهمن ماه در تالار وحدت برگزاری گردید در معرض دیدار عموم قرار داد.

پس از بررسی و تبادل نظرهای فراوان هیأت گزینش و داوری اولین دوره مسابقه سراسری عکاسی تئاتر مرکب از آقایان: حسین نصری، مجتبی آقایی، محمدرضا شرف الدین، احمد ناطقی و حسین فرخی، آراء خود را به شرح زیر اعلام می نمایند:

علیرغم وجود عکس های نسبتاً برجسته در میان آثار ارائه شده، هیأت داوران هیچ عکسی را به عنوان عکس برگزیده اول انتخاب نکرد.

هیأت داوران جایزه دوم خود را به شرح زیر اهدا می نماید. دیپلم افتخار - دو سکه بهار آزادی، سری کامل کتابهای انتشارات نمایش و اشتراك مجلات نمایش، فیلم و عکس به آقای امیر خادم الحسینی از شهرستان بیرجند به خاطر عکس از نمایش "شقایق دره" - رتبه دوم.

دیپلم افتخار - دو سکه بهار آزادی، سری کامل انتشارات نمایش، اشتراك مجلات نمایش، فیلم و عکس به آقای مسعود مراد سلیمی از تهران به خاطر عکس از نمایش "بازگشت لکوموتیوران" - رتبه دوم.

دیپلم افتخار - سکه بهار آزادی - سری کامل کتابهای انتشارات نمایش، اشتراك مجلات - نمایش، فیلم و عکس به آقای مجید خمسه بخاطر مجموعه عکس از نمایش های "آنجان سوئ کلام"، "کوهولین"، "و" متوری - رتبه سوم.

هیأت داوران، دیپلم افتخار، سری کامل کتابهای انتشارات نمایش، اشتراك یکسال مجله نمایش را به نفرات چهارم تا دهم به شرح زیر اهدا می نماید.

نفر چهارم - آقای محمد اسماعیل عفت رخ به خاطر مجموعه عکس از نمایش "افسانه اندوهی دلخراش از تقدیری شوم".

نفر پنجم - آقای صادق تیرافکن به خاطر مجموعه عکس از نمایش "آنتیگونه".

نفر ششم - آقای سیامک زمردی مطلق بخاطر عکس از نمایش "سی مرغ، سی مرغ".

و آقای مسعود امامی بخاطر عکس از نمایش "ابراهیم توپچی".

نفر هفتم - آقای ناصر عرفانیان بخاطر عکس از نمایش "تراژدی اسفندیار".

نفر هشتم - آقای حمید جبلی بخاطر عکس از نمایش "هفت خوان رستم" و آقای حشمت پناهی بخاطر عکس از جشنواره تئاتر فجر.

نفر نهم - آقای صالح صفوی بخاطر عکس از نمایش "باغ وحش شیشه ای".

نفر دهم - آقای مرتضی اکبری بخاطر عکس از نمایش "کمندجهل" از اصفهان.

همچنین هیأت داوران از عکاسان زیر به خاطر ارائه عکس های شایسته تقدیر بعمل آورده و لوح تقدیر اهدا می نماید.

خانم فاطمه ابراهیم پور از مشهد

آقای کمال الدین شاهرخ " تهران

" سعید نیک نژاد " "

خانم فاطمه بختیاری " "

آقای مهدی رضایی نجار " "

خانم امید علیزاده سبزواری " "

آقای محمود رئیس المحدثین " "

مجله نمایش



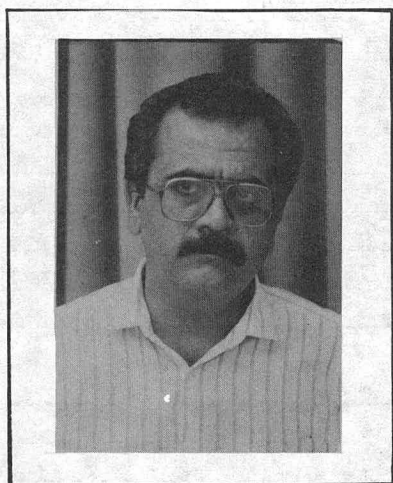
عکسهای برگزیده در نمایشگاه عکاسی تئاتر

| | | |
|---|--|--|
| <p>نمایش "مکبـرد"</p> <p>نوشته: یارباراگارسن</p> <p>کاری از: تاجبخش فنائیان</p> <p>تالار وحدت</p> <p>عکاس: محمداحمدی</p> | <p>نمایش "حکایت شهرسنگی"</p> <p>نوشته: عبدالحی شماسی</p> <p>کار: پروانه مژده</p> <p>آذر ۶۹ چهارسو</p> <p>عکاس: امیدعلیزاده سبزواری</p> | <p>نمایش "تخت طاووس"</p> <p>نوشته: سیامک تقی پور</p> <p>کار: احمدشرافیان</p> <p>دی ۶۷ اصفهان</p> <p>عکاس: مصیب نجفی</p> |
| <p>نمایش "بازگشت لوکوموتیوران"</p> <p>نوشته: عبدالحی شماسی</p> <p>کار: تورج عطاری</p> <p>آبان ۶۹ مولوی، تهران</p> <p>عکاس: محمداختیارالدین مسعودمرادسلیمی</p> | <p>نمایش "کمندجهل"</p> <p>نوشته: فریدون خسروی</p> <p>کار: جهانبخش سلطانی</p> <p>اصفهان</p> <p>عکاس: مرتضی اکبری</p> | <p>نمایش "مده آ"</p> <p>نوشته: ژان آنوی</p> <p>کار: دکترصادقی</p> <p>۶۸ چهارسو</p> <p>عکاس: سورنامحمدی</p> |
| <p>نمایش "سفر و صل"</p> <p>کاری از: محمدرضا خجسته</p> <p>شهریور ۶۸، تالار سنگلج، تهران</p> <p>عکاس: حشمت پناهی</p> | <p>نمایش "قوهای وحشی"</p> <p>نوشته: عنایت الله هوشمند</p> <p>کار: احمد سپاسدار</p> <p>شهریور ۶۸ چهارسو</p> <p>عکاس: حشمت پناهی</p> | <p>نمایش "سیاه بازی"</p> <p>کار: کامبیز صفری</p> <p>تئاتر نصر، تهران</p> <p>عکس از: محمد اسماعیل عفت رخ</p> |
| <p>نمایش "آنها زنده اند"</p> <p>نوشته: فوگارد</p> <p>کارگردان: محمدرضا قطبی</p> <p>اسفند ۶۷، قشقایی، تهران</p> <p>عکاس: حشمت پناهی</p> | <p>نمایش "در تارکین روشنای صحنه"</p> <p>نوشته: چخوف</p> <p>کار: رویا افشار</p> <p>شهریور ۶۸ قشقایی</p> <p>عکاس: حشمت پناهی</p> | <p>نمایش "چپو"</p> <p>کار: داوود جلالی</p> <p>تبریز</p> <p>عکاس: خانعلی میامی</p> |
| <p>نمایش "سناتور استخوانی"</p> <p>نوشته: غلامرضا سالم</p> <p>کار: علیرضا لطف خدائی</p> <p>آذر ۶۹ تبریز</p> <p>عکاس: عباس آل یاسین</p> | <p>نمایش: "کاروان نینوا"</p> <p>کار: علی عرب</p> <p>۶۵ بهار چمن</p> <p>عکاس: امیر خادم الحسینی</p> | <p>نمایش "حقه باز"</p> <p>نوشته: مولیر</p> <p>ترجمه: محمدقاسمی</p> <p>کار: دارا علی آبادی</p> <p>تبریز</p> <p>عکاس: خانعلی میامی</p> |
| <p>نمایش "آوازه خوان طبقه بیستم"</p> <p>نوشته: ممدی لطفی</p> <p>کار: حمیدرضا اردلان</p> <p>آذر ۶۹</p> <p>عکاس: مرتضی لطفعلی</p> | <p>نمایش "ارکستر زنان آشوبتس"</p> <p>کار: آتیلا پسایانی</p> <p>آذر ۶۸، خانه نمایش</p> <p>عکاس: حمیدجلیلی</p> | <p>نمایش "سلام، خدا حافظ"</p> <p>نوشته: آتول فوگارد</p> <p>ترجمه: محمود کیانوش</p> <p>کار: افسانه محمدی</p> <p>آذر ۶۹، سالن تجربی دانشکده هنرهای زیبا</p> <p>عکاس: سعید نیک نژاد</p> |
| <p>نمایش "ایستگاهی بنام انتظار"</p> <p>نوشته: مهرداد امال عزیزی</p> <p>کارگروهی</p> <p>آذر ۶۹ تبریز</p> <p>عکاس: عباس آل یاسین</p> | <p>نمایش "راز سپهر"</p> <p>کار: فرشاد فرشته حکمت</p> <p>دی ۶۹ مولوی</p> <p>عکاس: مهدی رضائی نجار</p> | <p>نمایش "ماه طـلا"</p> <p>کار: عبادالله کریمی</p> <p>شهریور ۶۸، خانه نمایش</p> <p>عکاس: حشمت پناهی</p> |
| | <p>نمایش "نار آغز"</p> <p>کار: علیرضا درویش نژاد</p> <p>فروردین ۶۷ گرگان</p> <p>عکاس: مسعود امامی</p> | |



نمایش : گدایا سگ مرده
 نوشته : برتولت برشت
 ترجمه : محمود حسینی نژاد
 کار : کامبیز اخوان صفا
 دی ماه ۶۷ ، تالار مولوی
 عکس از : محمد اختیارالدین

مصاحبه با عکاسان برگزیده



نمایش - ضمن معرفی خود کمی در مورد کار هنری تان بگوئید؟

احمد خادم الحسینی - کارمند اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان - مشهد، از انقلا ب شکوهمند اسلامی تا کنون مربی عکاسی و فیلمسازی و از بدو تا سیس انجمن سینمای جوانان مشهد در سمت مربی عکاسی و فیلمسازی مشغول به فعالیت هستم .
 در سال ۱۳۶۷ برنده جایزه تکنیک جشنواره - سراسری انجمن سینمای جوانان ایران شدم .
 دارای عکس سه جشنواره عکس و فیلم در سال ۶۶ - ۶۷ - ۶۸ در استان خراسان نیز به عهده اینجانب بوده است .
 و در این مدت تمام وقتم صرف آموزش و مطالعه بود و کمتر فرصت بدست می دانه کار کنم .
 به نظر شما عکاسی تئاتر چیست و یا به

نمایش " جزیره "
 نوشته : آثول فوگارد
 ترجمه : محمد حجازی
 کارگردان : محمود قبه زریں
 اسفند ۶۶ - تبریز
 عکاس : عباس آل یاسین

نمایش " آنجا آنسوی کلام "
 کاری از : مجید سرسنگی
 تیرماه ۶۹ - تالار مولوی
 عکاس : مجید خمسه

نمایش " مکارخان "
 کاری از : داوود سعیدی
 آبان ۶۸ گرگان
 عکاس : مسعود امامی

نمایش " باغ وحش شیشه ای "
 نوشته : تنسی ویلیامز
 ترجمه : مهدی فروغ
 کارگردان : خسرو شجاع زاده
 آذر ۶۹ - تالار وحدت تهران
 عکاس : صالح صفوی

نمایش " آنتیگونه "
 نوشته : ژان آنوی
 ترجمه : حسن جوادی
 کارگردان : شهره لرستانی
 آبان ۶۸ - سالن مولوی
 عکاس : مجید خمسه
 صادق تیرافکن

نمایش " آنتیگون "
 نوشته : سوفوکل
 ترجمه : سعید نفیسی
 کارگردان : مجید جعفری
 ۶۷ - چهارسو
 عکاس : صادق تیرافکن

نمایش " خوشه های خاکستری "
 نوشته : عبدالحی شماسی
 کارگردان : عباس رنجبر
 آبان ۶۵ - تالار مولوی تهران
 عکاس : کمال الدین شاهرخ

نمایش " اطاق ۱۳ "
 نوشته : مسعود سمیعی
 کار : مصطفی عبداللہی
 سالن شماره ۲ ، تیر ۶۸
 عکس از : حشمت پناهی

نمایش " یادداشت های روزانه یک دیوانه "
 نوشته : نیکلای گوگول
 ترجمه : داریوش مودبیان
 کار : حسین عاطفی
 خانه نمایش ، شهریور ۶۹
 عکس از : حمید جبلی

نمایش : " ابراهیم توپچی "
 نوشته : منوچهر رادین
 کار : داوود سعیدی
 گرگان ، دی ۶۸
 عکس از : مسعود امامی

نمایش " بلیشو "
 نوشته : کارل فالنتین
 ترجمه : داریوش مودبیان
 کارگردان : محمد حسین پور
 آذر ۶۹ ، سالن قشقائی
 عکس از : سعید نیک نژاد

نمایش " مجلس تقلید هفت خوان "
 نوشته و کار : آتیلا پسیانی
 دی ماه ۶۹ - سالن چهارسو
 عکاس : حمید جبلی

نمایش " تولد "
 نوشته : آرمان گاتی
 ترجمه : سید حسینی
 کارگردان : رکن الدین خسروی
 اسفند ماه ۶۷ - موزه آزادی
 عکاس : حشمت پناهی
 فاطمه بختیاری

نمایش " اسب "
 نوشته : محمد چرمشیر
 کارگردان : بهرام عظیم پور
 تیرماه ۶۹ - مولوی تهران
 عکاس : کامبیز مستغنی

۶۲ نمایش / سال چهارم / شماره ۴۰ / ۴۱

عکاسی متمرکز کردم.

- به نظر شما عکاسی تئاتر چیست و یابه عبارتی یک عکاس تئاتر چه نکاتی را در این زمینه باید مدنظر قرار دهد؟

- عکاسی تئاتر القاء حس و هوای نمایش از طریق تصویر برای تماشاگر نمایش است و همچنین ثبت لحظات نمایشی با توجه به تم و سبک نمایش است و یک عکاس تئاتر باید ضمن شناخت هنر تئاتر و همچنین آشنائی دقیق با متنی که قرار است کار شود، باید با گروه نمایش ارتباطی مستمر داشته باشد و یاددهای نویسنده و کارگردان آشنایی کامل پیدا کند. یک عکاس تئاتر باید مثل بقیه گروه، در طول تمرین ها حضور یابد و در جریان تجزیه و تحلیل نمایش قرار گیرد. متأسفانه فعلاً در این زمینه کارگردان ها علاقه زیادی به این مسئله نشان نمی دهند و این مقوله از نمایش راجدی نمی گیرند و عکاسی تئاتر را در حد چند عکس یادگاری برای آلبوم می دانند. به همین دلیل عکس هایی که از تئاتر های مختلف گرفته می شود بدون ارتباط قبلی عکاس با متن و گروه و در حد چند عکس خبری و روزنامه ای است. من خودم چون این امکان را کمتر پیدا کردم تا آن ارتباطی که لازمه کار یک عکاس تئاتر است داشته باشم اغلب کارهایی که انجام داده ام صرفاً برای خودم بوده تا گروه نمایش، گاهی به ناچار میزبانان هابی که خودم به بازگرمی دهم عکاسی می کنم.

- در مورد برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر و نمایشگاه برگزار شده، چمنظری دارید و اگر پیشنهادی در زمینه برگزاری نمایشگاه در سال آتی دارید مطرح نمایید؟

- امیدوارم این نمایشگاه هر ساله ادامه پیدا کند و باعث شود که گروه های نمایشی و کارگردانها بیشتر به این مسئله اهمیت بدهند. همین نمایشگاه امسال تأثیر مثبت زیادی در آیین زمینه داشت و باعث خوشحالی گروه هابی بود که عکس هایشان در این نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شده بود. بهر حال بهتر است سال بعد نمایشگاه یک مقدار منسجم تر برگزار شود و عکسهای هر عکاس در یک مجموعه قرار گیرد و پراکنده نشود.

- علت گرایش شما به عکاسی تئاتر چیست؟

- علاقه من به کار عکاسی تئاتر بخاطر علاقه ای است که از قبل به کار تئاتر و هنر نمایش

داشته ام. من کار عکاسی تئاتر را بیشتر بعنوان یک تجربه شروع کرده ام و تصمیم دارم که ادامه بدهم ولی بیشترین علاقه من در زمینه عکاسی خبری است که شاید عکاسی تئاتر هم یک بخش از آن باشد.



نمایش: ضمن معرفی خود کمی در مورد کارنامه هنری تان بگوئید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. من محمد اسماعیل عفت رخ فارغ التحصیل رشته عکاسی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. سال ۱۳۶۱ با ورود به مرکز اسلامی آموزش فیلم سازی ضمن سینما با عکاسی نیز آشنا شده و سپس از سال ۶۳ با ورود به دانشگاه رسماً "عکاسی را بعنوان حرفه ام انتخاب کردم و هم اکنون نیز به اینکار مشغول هستم.

به نظر شما عکاسی تئاتر چیست و یا به عبارتی یک عکاس تئاتر چه نکاتی را در این زمینه باید مدنظر قرار دهد؟

عکاسی تئاتر در اصل به تصویر کشیدن نمایش است، یعنی اینکه بوسیله عکس بتوان نمایش را بصورت خلاصه بیان کرد و بیننده را در حال هوای نمایش قرار داد و فضای صحنه را القاء کرد. از این رو عکاس تئاتر باید اولاً "فضای نمایش را کاملاً" درک کند.

ثانیاً "صحنه های کلیدی هر نمایش را بشناسد ثالثاً "ایجاز و مختصر گوئی را رعایت کند، در نتیجه نه تنها عکاس تئاتر باید نمایشنامه مربوطه را قبل از اجرا خوانده بلکه در هنگام اجرا، نیز چندین بار آن را ببیند.

نمایش: در مورد برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر و نمایشگاه برگزار شده، چه نظری دارید و اگر پیشنهادی در زمینه برگزاری نمایشگاه هنری تان بگوئید؟

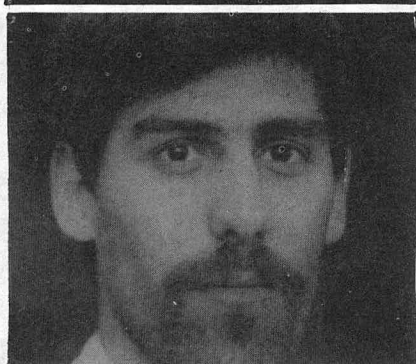
در سال آتی دارید مطرح نمایید؟

برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر و نمایشگاه مربوطه را حرکتی بسیار خوب میدانم و امید به تکرار آن در سالهای آینده دارم. عکسهای ارائه شده در نمایشگاه بسیار خوب بودند و بسیاری از عکسها از نظر حرفه ای قابل مطرح کردن بودند. اما در مورد مسابقه بدین شکل بهیچوجه موافق نیستم. یعنی اینکه نمیتوان تعیین کرد که چه کسی اول و چه کسی آخر است. زیرا معیار خاصی برای نمره دادن وجود ندارد زیرا هر کدام از عکسها در استاندارد خاصی و معیارهای خاص سنجیده و ارزیابی میشوند.

از این رو پیشنهاد من این است که برای سالهای آتی یا استاندارد گزینش و ارزیابی "داوری" مشخص شود و یا اینکه کلاً آن تعداد عکس که قرار است جایزه بگیرند (مثلاً مانند امسال ده عکس) با هم به عنوان عکس های برتر انتخاب شوند.

نمایش: علت گرایش شما به عکاسی تئاتر چیست؟

من حدود ۲ سال برای تئاتر نصر، عکسهای ویتترین آن را تهیه کردم و در ضمن کار برای خودم نیز عکسهایی از صحنه و پشت صحنه نمایش ها تهیه کردم تا اینکه بفکر افتادم که برای پروژه لیسانس خود این کار را ادامه دهم به همین علت شروع به عکاسی از نمایشنامه های مختلفی که در تئاتر شهر و تئاترهای دیگر بر روی صحنه می آمد کردم و به مرور چنان به اینکار انس پیدا کردم که همین الان نیز در جوار کارهای دیگر عکاسی به این کار نیز مشغول هستم.



نمایش: ضمن معرفی خود کمی در مورد کارنامه هنری تان بگوئید؟

اینجانب ناصر عرفانیان، متولد ۱۳۳۹ تهران در عکاسی تئاتر ما بیش از هر چیز با نور - موفق باشند. یکی از کارهای بسیار خوب نمایش - می‌باشم. کار هنری را با تئاتر شروع کردم، پردازی سرو کار داریم که برای القای فکر و ایده نگاه بر پایی سالنی بود که تماشاگر حرفه‌ای بازی در چند نمایشنامه و کارگردانی نمایش کارگردان به کار رفته. عکاس می‌بایست تئاتر آن را بازدید می‌کردند. البته اگر این کوی آفاق انجاست که در سالن اصلی تئاتر شهر استفاده بسیار خوبی از این مقوله بکند. نمایشگاه در چند سالن بر پا میشد شاید حدود يك ماه روی صحنه رفت.

درسینما را در مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی با توجه به مفهوم آن بدانند. کادری که يك عکاس تئاتر انتخاب می‌کند می‌بایست تماشاگر را با انتخاب عکس کمی عجولانه به نظر میرسد "باغ فردوس" که زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی و باغ خوانده ام و بالطبع عکاسی را از همان کلیت صحنه آشنا کند، در مورد انتخاب زاویه نوع چیدن عکسهای رنگی و سیاه و سفید گاهی موقع شروع کردم البته جسته و گریخته. در کنار هم و یا دور از هم باعث تشتت ذهنی بازی در چند فیلم سینمایی و دستکاری کارگردان فیلم و عکاسی فیلم، "انفجار در اتاق عمل" که آخرین کار هنری بنده می‌باشد. هر چه بهتر نشان دادن دید کارگردان بهتر قرار گرفته بود، چرا که عکسهای رنگی از دور، نمایش: به نظر شما عکاسی تئاتر چیست و یا توی چشم میزد و بیشتر به شکل يك عکس قشنگ است از روبرو عکاسی کند.

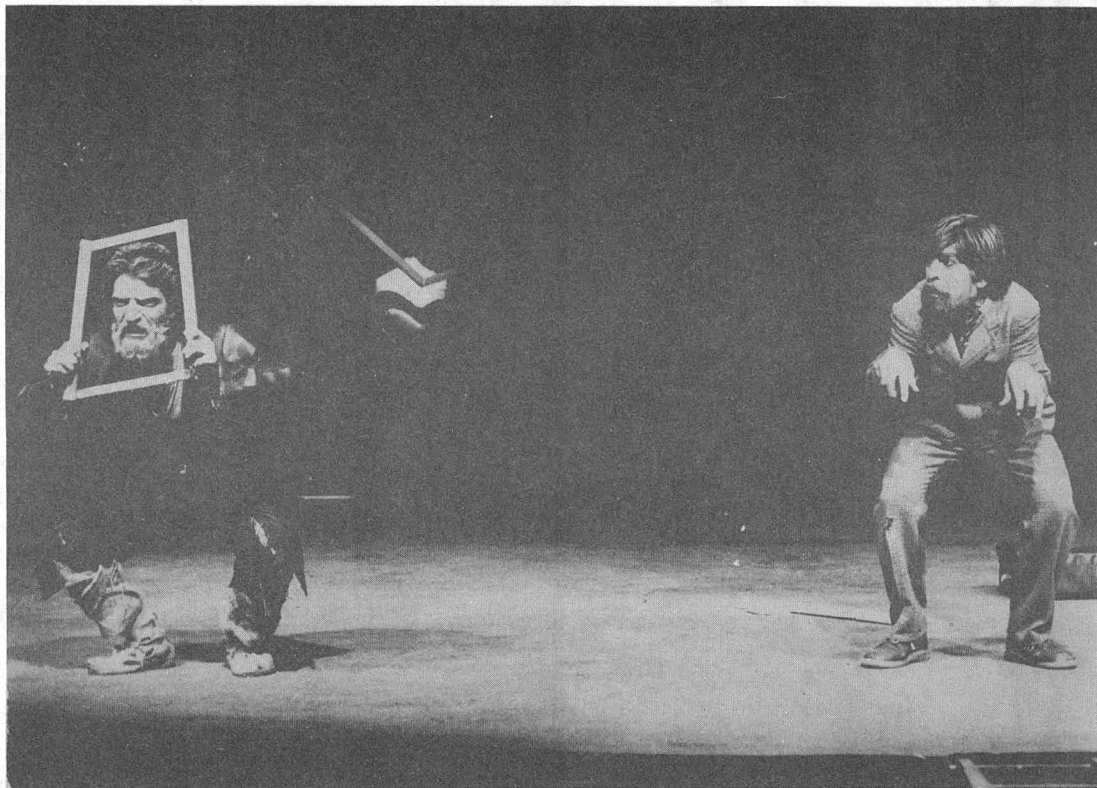
نمایش: در مورد برگزاری مسابقه عکاسی خود نمایی می‌کرد. نمایش: علت گرایش شما به عکاسی تئاتر چیست؟ نمایشگاه برگزار شده، چه نظری دارید و اگر پیشنهادی در زمینه برگزاری نمایشگاه در سال آتی دارید مطرح نمائید؟

من عکاسی را دوست دارم حال می‌خواهد عکاسی از مردم، فیلم و یا تئاتر باشد بنابراین گرایش خاصی به عکاسی تئاتر به عنوان يك شغل یا تخیلی ندارم. به نظر بنده عکاس تئاتر يك مقوله تخیلی می‌باشد که احتیاج به شناخت هنر نمایش دارد. يك عکاس تئاتر باید با نگرش کارگسودان و چگونگی برخورد او با کاراکترها و همینطور درک درست از متن نمایش آگاه باشد.

نمایش شقایق دره - عکس برگزیده دوم - عکاس احمد خادم؛ الحسینی

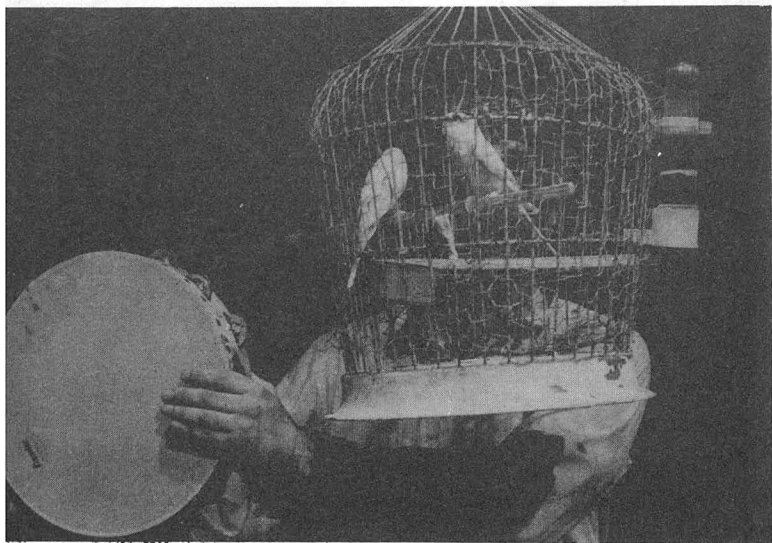


نمایش بازگشت لکوموتیوران / عکس برگزیده دوم / عکاس مسعود مرادسلیمی



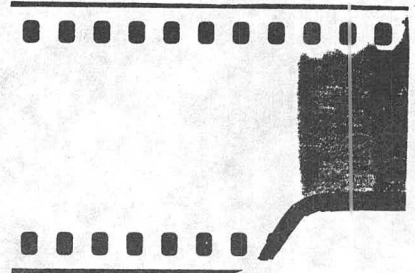
نمایش متوری عکاس مجید خمه

نمایش آنجا آنسوی کلام عکس برگزیده سوم / عکاس مجید خمه



مصاحبه با

هیئت انتخاب و داوری مسابقه عکاسی تئاتر



حسین فرخی

- حسین فرخی متولد ۱۳۴۸.

- فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا در رشته کارگردانی تئاتر
- دانشجوی سال آخر دوره فوق لیسانس بازیگری و کارگردانی دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس
- فعالیت در زمینه بازیگری، نویسندگی و کارگردانی تئاتر و سینما و تلویزیون.

□ نظراتان در مورد عکاسی تئاتر چیست؟

■ عکاسی تئاتر هم مثل سایر مقوله‌های هنری، در واقع حرکتی است که می‌تواند در خدمت تئاتر باشد و هم در خدمت عکاسی. رشد و گسترش تکنیک عکاسی در راستای خدمت به تئاتر، و عامل تبلیغی بودن عکاسی برای تئاتر و شناساندن هنر تئاتر هم از مواردی است که در عکاسی تئاتر مطرح است. همینطور سندی که یک عکس، تئاتری ارائه می‌دهد تنها مدرکی است که از تئاتر به جز متن باقی می‌ماند. تئاتر زنده بودنش در حال اجرای آن است و با پایان یک اجرا، اگر ضبط تلویزیونی نشود، پرونده‌اش بسته می‌شود. عکاسی تئاتر آرشیو تئاتر یک مملکت است به صورت تصویر.

□ معیار انتخاب عکس‌های خوب در عکاسی

تئاتر چیست؟

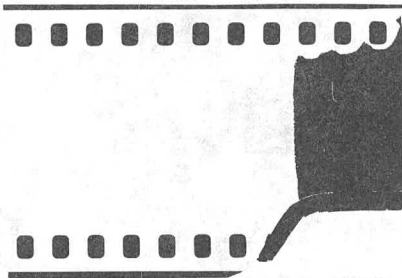
■ عکس‌هایی که جدا از دارا بودن جنبه‌های فنی عکاسی و رعایت اصول اولیه آن، براحتی در خدمت مفهوم نمایش و تئاتر باشند. نوآوری در این انتقال از نظر من بسیار اهمیت دارد.

□ داوری عکس‌ها به چه صورت انجام گرفت؟

■ عکس‌های رسیده، به صورت مجزا توسط

□ در رابطه با بهتر شدن مسابقه عکاسی تئاتر چه نظری دارید؟

■ این حرکت برای اولین بار است که برگزار می‌شود، طبعاً کاستی‌هایی داشته است که در سال‌های بعد انشاءالله مرتفع خواهد شد. بها دادن به این حرکت می‌تواند در گسترش و پیشرفت آن کمک کند، رقابت سالم هم مزید بر علت خواهد شد. تقسیم‌بندی عکس‌ها و موضوعات مختلف در حول و حوش تئاتر نیز به گسترش عکاسی تئاتر کمک خواهد کرد. اگر بشود در نمایشگاه سالانه عکس هم مقوله عکاسی تئاتر را جا بیندازیم و مطرح شود، خود بخود به مطلوب‌های عکاسی تئاتر خواهیم رسید. ■



محمدرضا شرف الدین

- محمدرضا شرف الدین متولد سال ۱۳۳۷ اصفهان - شروع به عکاسی از سال ۱۳۵۳. بعد از انقلاب با شروع جنگ تحمیلی ادامه کار عکاسی - برگزاری چند نمایشگاه عکس در شهرهای آلمان، انگلستان، فرانسه، پاکستان و هند و در سال ۱۳۶۳ ورود به دانشگاه - رشته عکاسی - فارغ التحصیل سال ۱۳۶۸ - فعالیت در چندین فیلم سینمایی

○○○

□ نظراتان در مورد عکاسی تئاتر چیست؟

■ عکاسی از ابتدای پیدایش سرعت جای خود را در زمینه‌های مختلف باز کرد. چه در دل هنرهای دیگر و چه بعنوان یک هنر مستقل و چه در صنعت و حرفه‌های گوناگون. هر وقت صحبت از

هر کدام از اعضای هیئت گزینش بررسی گردید، هر کدام عکس‌های مناسب را انتخاب و عکس‌های اوتی را کنار گذاشتند، در جمع‌بندی کلی نیز عکس‌هایی که مناسب و یا نامناسب برای نمایشگاه تشخیص داده می‌شد، اعلام شد. و در نهایت داوری نهایی انجام گرفت که کار بسیار سخت و طاقت‌فرسایی بود. ساعت‌ها بحث و تردید و نگرانی در انتخاب عکس‌ها، نشان از نزدیک بودن کیفیت عکس‌های برتر بود.

□ برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر تا چه حد در جهت معرفی تئاتر مفید است؟

■ تئاتر واقعاً در این دیار مظلوم است. نمونه بسیار بارزش را بارها و بارها خودمان دیده ایم. آنقدر که به هنرهای دیگر مثل، سینما، موسیقی و غیره اهمیت می‌دهند به تئاتر بها داده نمی‌شود. من خودم اجرایی در تالار وحدت داشتم. یکروز قبل به من خبر دادند که فردا فلان برنامه موسیقی است و شما باید اجرا را یکساعت زودتر شروع کنی، از آنها پرسیدم، من دعوت‌نامه داده‌ام تماشاچی می‌داند که اجرا فلان ساعت است، قبول نکردند. باید برای سالن خالی اجرا کنی. چرا؟

چون تئاتر تئوسری خور است. موسیقی مهم‌تر است یا فلان جلسه کدایی، بگذریم. بهر حال تئاتر مظلوم است، هم در مسایل مادی هنرمندان تئاتر و هم در کم بها داده شدن به آن از سوی مسئولین. حداقل برگزاری مسابقات عکاسی تئاتر این امکان را می‌دهد که عکاسی بتواند در جهت ماندگار بودن این هنر مثرر ثمر باشد. عکس تئاتر می‌تواند به عنوان یک تبلیغ در خدمت تئاتر باشد.

باید مسئولین سالن‌های تئاتر، جلوی گیشه، یا در قسمتی که در دید تماشاچی‌ها فضایی ایجاد کنند که از هر نمایش چند عکس نصب شود. خود این می‌تواند جلب تماشاچی کند.

چه اشکال دارد که مسئولین تئاتر، یک عکاس را جزو گروه تئاتری قرار دهند تا همراه گروه باشد، از تمرین‌ها عکس بگیرد و همینطور از اجرا، کاری که در سینما هم می‌شود.

در مجموع عکاسی می‌تواند خدمت شایانی به معرفی تئاتر کند، در ابعاد مختلف آن.

زیبا - دانشگاه تهران - عضو هیئت تحریریه
مجله عکس عضو هیئت عملی جهاد دانشگاهی *

□ نظرتان در مورد عکاسی تئاتر چیست؟

آلای - البته اگر حقیقتش را بخواید بنده تجربه زیادی در مورد عکاسی تئاتر ندارم ، اما توجه به عکسهایی که از عکاسان موفق داخلی و خارجی دیده‌ام و تعریف اولیه‌ای که از عکاسی در دست داریم به نظرم می‌رسد بهتر است این مساله را از دو جنبه نگریست ، ابتدا اینکه تئاتر به معنای متعارف آن دارای سه مشخصه مهم حرکت ، بازیگری ، نکور و صوت است که در برخی حالات به تناسب موضوع و ایفای نقش بازیگر ، لحظه‌ای در بیان آن حالتها به وجود می‌آید . باید در نظر گرفت که در تئاتر تمامی صحنه در مقابل نگاه تماشاگر قرار می‌گیرد . از طرف دیگر عکاس شخصی است که توانایی دیدن صحنه ها و انتخاب زوایای مختلف و دریایی کلی تر گزینش صحیح لحظات و صحنه های ناب را از و رای واسطه هایی که در اختیار دارد دارا است .

این واسطه‌ها چیزی جز فیلم ، دوربین و ملحقات آن نیست ، و انتقال سه بعد صحنه را بر روی دو بعد کاغذ (عکس) و تاثیر عوامل مختلف را بر این ساله درک کرده است و به این نکته علم دارد که در عکس صوت نیست . با احتساب تمامی این شرایط صحنه‌ای را عکسبرداری می‌کند که علاوه بر دارا بودن زاویه دید مناسب و جذاب گویای اوج حرکت و یادداشتان تاثیر باشد . البته مسلم است که در اینجا عکاس نمی‌تواند بدون در نظر داشتن داستان و حال و هوای تاثیر عکاسی کند، یعنی تاثیر را به گونه‌ای عکاسی کند که عکسها ارتباطی با صحنه (از لحاظ مفهومی) برقرار سازند، به اعتباری دیگر عکاسی تاثیر می‌تواند چنین معنا شود، گزینش لحظات ناب و اوج داستانی تاثیر تحت زوایا و نوع برخورد که دیگران کمتر آنرا کشف می‌کنند . اما در مجموع عکاس چیزی جدای از محتوای تاثیر در نظر نگرفته است و برای نیل به این مقصود عکاس ناچار است حال که صوت را در اثرش ندارد، دوشخصه دیگر تاثیر را هر چه قوی تر مطرح کند .

البته نکراین نکته ضروری است که عکاس باید تکلیف خود را روشن سازد که آیا قصد عکاسی از تئاتر را در شرایط و انتخاب زاویه دیدی که بینندگان تئاتر می بینند دارد؟ یا کاری به بیننده نداشته بلکه از نگاه و دیدم اجرای تئاتر عکسبرداری خود را انجام می دهد؟ که بهر حال

٦٧ نماش، / سال چهارم / شماره ٤٠ / ٤١

عکسها انتخاب خواهد شد.

□ آیا این حرکت را در جهت معرفی تئاتر مفید می‌دانند؟

■ امروزه عکاس علاوه بر هنر صرف، نوعی معرفي را خود دارد. از معرفي يك كالاى مصرفي تا معرفي يك اندیشه. ضمناً وقتی در رأس وسایل ارتباط جمعی و ارتباطات، مقوله تصوير را می بینیم لذا به نظر می رسد که تئاتر بعنوان يك هنر و يك وسیله ارائه اندیشه بی نیاز از تصوير نباشد. حداقل کارآئی عکس برای تئاتر را می توان مانند تابلو آفیش عکس فیلم در سینما برای معرفي يك نمایش در حال اجرا در نظر گرفت. هر چند موارد مهمتری را می توان برای آن فرض نمود. مثلاً در نظر بگیرید وقتی يك تئاتر توسط يك گروه اجرا می شود، بجز متن ممکن است اثر دیگری در آینده از آن نتوان بدست آورد. اما عکس می تواند آن اجرا را زنده نگه دارد. بطور کلی عکس در تبلیغ يك اثر نمایش بسیار مؤثر است.

□ در رابطه با بهتر شدن نمایشگاه عکاسی تئاتر و بشیرد آن چه نظری دارید؟

■ نفس انجام مسابقه برای هر کاری بخصوص در زمینه هنر باعث پیشرفت و تعالی در آن خواهد بود. زیرا سرانجام مسابقه تشویق برتر است. اما باید به عکاسان تئاتر آموزش داد تا کیفیت عکسها و لاجرم کیفیت نمایشگاه ارتقاء یابد. شما می‌توانید این امر را بوسیله يك یا چند مقاله مسلسل در مجله نمایش ارائه دهید.

و یا عکسهای برتر هر دوره مسابقه را بصورت يك مجموعه عکس چاپ کنید که هم ارائه تکنیکهای عکاسی تئاتر برای عکاسان دیگر است و هم تشویقی برای صاحبان عکسهای برتر. ضمناً برای نمایشگاههای عکس تئاتر در آینده سوژه‌های متفاوتی که در کنار يك اجرا واقع می‌شود اعلام کنید مانند رابطه تماشاگران با صحنه، پشت صحنه تئاتر، تئاترهای عامیانه و غیره ●

تثاثر، تثاثرهای عامیانه و غیره ●

عكاسی پیش می‌آید، ذهن متوجه تصویر خواهد شد، تصویری مانند يك تابلو. لاکن با ضوابط و مشخصه‌های خودش که از طریق چشم با مخاطب خود ارتباط برقرار می‌کند. عكاسی تئاتر از این نقطه نظر حائز اهمیت است که برای ارتباط با مخاطب خود شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. عكاس علاوه بر تسلط بر فن و تکنیک عكاسی باید از ظرافتها و تکنیکهای تئاتر نیز مطلع باشد. يك وقت صحبت از عكاسی سینماست، مقوله سینما بسیار نزدیک به عكاسی است و اساساً هر لحظه از فیلم يك کادر عكاسی است و عكاسی حداقل می‌تواند یکی از آن لحظات را انتخاب کند، اما در تئاتر با مقوله‌ای سر و کار داریم که اساساً برای تصویر بفهم عكاسی ساخته نشده عكاسی باید با انتخاب و تکنیک خود از آن عكسی استخراج کند که علاوه بر حفظ ضوابط عكاسی، مفهوم صحنه و یا پيس را داشته باشد. البته ما در ایران در ابتدای راه هستیم و باید با روشهای صحیح راه را برای تأثیر متقابل این دو هنر بر همدیگر و پیشرفت عكاسی تئاتر هموار سازیم.

□ معیار انتخاب عکس‌های خوب و برگزیده از نظر شما چیست؟

■ موضوع برای ما روشن است، عکاسی تئاتر. لذا عکاسی انتخاب خواهد شد که علاوه بر دارا بودن ضوابط عکاسی، بیانگر تئاتری بودن موضوع عکس نیز باشد. باید بگویم که معمولاً موفق خواهد بود که از يك تئاتر موفق عکاسی کرده باشد، زیرا وقتی در يك تئاتر، نور خوب نباشد، بازی فاقد کیفیت باشد، دکور مناسب نباشد، قطعاً عکاسی نیز معجزه نمی تواند بکند. من از مطالعه عکسهای ارسالی برای مسابقه به این نتیجه قاطع رسیدم که متن، کارگردانی، بازی و تقریباً کلیه عوامل تئاتر برای تهیه يك عکس خوب، البته برای يك عکاس فهمیده بسیار مؤثر است. لازم است یادآور شوم عکسهایی بودند که از نظر موضوع مطلوب بودند و معلوم بود عوامل تئاتر زحمت کشیده اند ولی عکاس ابتدائی ترین مسئله را در مورد عکس رعایت نکرده و آن يك چاپ خوب و تمیز است.

□ نحوه داورى عكسها به چه صورت بود؟

همانطور که قبلاً ذکر شد بر اساس موضوع عکاسی از تئاتر خواهد بود. با انتخاب عکسها، مرحله به مرحله، با دقت و وسواس خاص که انشاء الله حق کسی ضایع نشود، به مرحله نهائی رسیدیم و نهایتاً با تبادل نظر و دفاع از هر عکس،

• مجتبی آقایی ، متولد سال ۱۳۴۲، باختران •
فارغ التحصیل رشته عکاسی دانشکده هنرهای



تئاتری مختص به خود عکاس نیز مدنظر اینجانب خواهد بود.

- برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر چه تأثیری در رشد عکاسی تئاتر دارد؟

- همین امر که مسئولین نیاز رشد عکاسی تئاتر را تشخیص داده و اقدامات لازم را بعمل آورده اند، گامی برحق و پربهرکت می‌دانم. پاسخ هنرمندان عکاس به برگزاری این مسابقه نیز جنبشی سالم بود و رقابتی سودمند و امیدوارم هرچگونه اثری از تئاتر در کشورمان مشاهده می‌شود، عکاسی در آنجا باشد تئاتری و آینده‌نگر چراکه دیری نخواهد پاید که شاهد رشد روزافزون عکاسی تئاتر و ناظر شمره پرباران نیز خواهیم بود.

- در مورد داوری مسابقه چه نظری دارید؟

- در مرحله نهائی داوری، از میان عکسهای برگزیده نمایشگاه نفر اول تا دهم مسابقه می‌بایست انتخاب می‌شد. این بخش از کار ساعت هاپول کشید، مخصوصاً برای انتخاب نفر اول که در نهایت این امر میسر نشد. بعضی از عکسها از نظر تکنیک عکاسی قوی، اما محتوای تئاتری آنها ضعیف می‌نمودند. عکسها از سویی میزان توان عکاسی تئاتر را در حال حاضر مشخص می‌کردند و از سویی دیگر نیاز به رشد و تقویت و توجه خاص به آن تابیه سرحد بلوغ را محسوس می‌ساختند.

"سکوی نفر اول خالی است."

- تأثیرات و کاربرد عکاسی تئاتر را چگونه می‌بینید؟

- عکاسی تئاتر می‌تواند و باید جلوه‌های درخشانی چکیده مطلب های آثار نمایشی را بعنوان تاریخی تصویرگونه و وثیقه‌ای گرانبها برای نسل فعل و نسل های آینده تثبیت نماید.

- نظرتان در مورد برگزاری نمایشگاه چیست و برای آینده آن چه پیشنهادی دارید؟

- نمایشگاه وسیله ایست ارتباطی مابین عالم تئاتر و عالم بیننده که در عین حال نوعی دعوت و دادوستد و طرفه است. از این رو معتقدم که برگزاری نمایشگاه نه تنها برای تمام افراد در سطح کشورمان ضروریست، بلکه خارج از مرزها با تمام عوالم بشری نیز می‌تواند ارتباط برقرار کند.

آن بیننده یعنی کاری شبیه فیلم و سینما. آیا این مسئله نمی‌تواند تبلیغ مناسبی نیز باشد؟ آقایی - چون نمایشگاه امسال اولین دوره و در واقع اولین تجربه ارزشمندی بود که به وقوع پیوست بالطبع نقایص و کاستیهایی را داشت. اما بهر حال امیدواریم که علاوه بر رفع این کاستیها سال آینده شاهد برگزاری این نمایشگاه با حضور فعالانه تر عکاسان از یک سو و اعلام موضوعهای مختلفی از قبیل رابطه تماشاگر و نمایش، نقش دکور و نمایش پشت صحنه ها و غیره از سوی دیگر باشیم. و امیدواریم که همانگونه که اعلام شده است به زودی کتاب حاوی عکسهای این نمایشگاه، در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

دعای خیر ما بدرقه راه کلیه دلسوختگان فرهنگ و هنر این مرز و بوم.

حسین نصری

نمایش - نظرتان در مورد عکاسی تئاتر چیست؟ نصری - اگرچه هنرمندان عکاس ماتم و پرجالبی از لحظه های نمایشی را به تمویز کشانیده اند، اما این جدا از عالم تئاتر و فعل و انفعالات مختص آن بوده است. اجرای یک نمایشنامه حاصل پیوند خلاقیت های هنرمندانی است شیفته و بی قرار که برق آسا به سوی هدفی مشخص و از پیش تعیین شده در حرکت است. یک هنرمند عکاس - هر چند هم که زبردست باشد - شناخت کافی به متن، تحلیل کارگردان، لحن های اوج نمایش، خلاقیت های فردی در گروه، دکور، نور، صحنه و آکسوارنداشته باشد محال است که در این جریان سوز و سبیل های خویش را دریابد. مهم کار تنها پوست نیست که طی نمایش خود نمایی می‌کند، بلکه این مغز است که تماشاچی را به سیر در عالمی می‌برد که نویسنده در نظر داشته و دیگران با کار و کوشش بسیار بدان جان بخشیده اند. هرچه شناخت عکاس تئاتری به عمق کار بیشتر، منابع الهام بخش و خلاقیت او نیز بیشتر خواهد بود.

- معیارهای انتخاب شما در مورد عکس خوب تئاتر چه می‌باشد؟

- فکر، هدف، سوز، سبیل، فضا، روح و بیان عکس از سویی، نشان دادن در صدد از خلاقیت های دیگر هنرمندان دست اندر کار نمایش و شخصیت

زوایای دید و مواد و ابزار انتخابی او نمی‌تواند بی تأثیر از این مقولات باشد.

آقایی - البته در لابلای جواب سؤال اول به گوشه هایی از معیار انتخاب عکسها اشاره شد، اما مسئله ای که لازم است اضافه کنم آن است که عکس خوب تئاتر فقط حاصل تلاش عکاس نیست اگر عکاس مهارت کافی را داشته باشد اما دکور، نور و بازی هنرپیشه و نحوه ترکیب آنها در صحنه مناسب نباشد، نمی‌توان توقع یک عکس موفق را داشت. با توجه به این مسایل است که عکاس با مدد تجربه خود و گزینشی که به عمل می‌آورد - موفق می‌شود.

آقایی - به نظر بنده منصفانه ترین نوع داوری در مسابقات عکاسی، قیاس عکسها با هم دیگر است، بلکه ممکن است عکسهای موفق وجود داشته و یا می‌تواند وجود داشته باشد، اما فعلا که حضور ندارند، پس نمی‌توان دائما عکس های موجود در نمایشگاه را با عکس های دیگری که حضور ندارند مقایسه کرد. اگر سطح هنر نمایشگاهی در حد مطلوب نیست، لازم است فکر ریشه ای تری بشود و نگریستن به عکاسی را به عنوان تهیه کننده مقطعی آثار نمایشگاهی به فراموشی سپرد و امکانات را در اختیار عکاسان قرار داد تا بتوانند کار یک حد اقل انگیزه کار را در آنها تقویت کرد، آنوقت است که می‌توان سطح توقع را ارتقا داد.

آقای - بی تردید هر حرکت عکاسی در این مورد می‌تواند نقش ارزشمندی را بازی کند، بویژه در مورد عکاسی تئاتر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- تئاتر برخلاف فیلم برای مدت محدودی قابل رویت است و پس از آن جمع می‌شود و اگر به صورت تصویر ثبت نشود سابقه جذابی که بتوان به مدد آنها اطلاعات دقیقتری را کسب کرد به جای نمی‌ماند. عکاس می‌تواند این جنبه را به ثبت برساند.

۲- چنین حرکتیهایی می‌تواند کاربرد های عکاسی و تواناییهای آن را پیش از پیش آشکار سازد.

۳- توجه و علاقه عکاسان را به این سو که کمتر مورد توجه عکاسان و چه هنرمندان و تهیه کنندگان تئاتر کشورمان قرار گرفته سوق دهد و شاید این نمایشگاه حرکتی باشد برای اینکه هر گروه تئاتری یک عکاس مخصوص داشته باشند.

چه اشکالی دارد که علاقمندان به تماشا - ای برنامه های تئاتری قبل از دیدن نمایش عکسهای خوبی را از صحنه های مختلف

نمایش : نارآغز - عکس از مسعود امامی



نمایش : سی مرغ ، سیمرغ - عکس از سیامک زمردی مطلق



نمایش : آخربازی - عکس از محمود رئیس المحدثین



_____ مباحثه با _____ عکاسان _____ برگزیده

مسعود امامی نفر ششم مسابقه عکاسی تئاتر

نمایش - ضمن معرفی خوبی‌های درموردکارنامه هنری تان بگوئید؟

مسعود امامی- اینجانب مسعود امامی-فارس- التحصیل رشته سینما از مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی هستم و مدت ده سال است که کار عکاسی می‌کنم .

- به نظر شما عکاسی تئاتر چیست و بابه عبارتی يك عکاس تئاتر چه نکاتی را در این زمینه باید مدنظر قرار دهد؟

- عکاسی تئاتر در واقع ثبت لحظه‌ای خاص از فضای دراماتیک نمایشی است که در این خصوص عوامل مهمی چون نور، فضا و بازی دخالت دارند .
- درمورد برگزاری مسابقه عکاسی تئاتر و نمایشگاه برگزار شده ، چه نظری دارید و اگر پیشنهادی در زمینه برگزاری نمایشگاه در سال آتی دارید مطرح نمائید؟

- به نظر من برگزاری مسابقه عکاسی در حین برگزاری جشنواره تئاتر فکر بسیار ایده آلی بود و امیدوارم که این حرکت در سال های آینده نیز تداوم داشته باشد .

- علت گرایش شما به عکاسی تئاتر چیست ؟

- من چون در تالار فخرالدین اسعد گرگانی- شهرستان گرگان مشغول به کار هستم و از آنجایی که این تالار محل برگزاری جشنواره های تئاتر استانی و منطقه ای و نمایش های اجرا شده در - گرگان می باشد، لذا نزدیکی با هنرمندان این مقوله باعث شد که علیرغم فعالیت در رشته های دیگر عکاسی در این رشته هم تجربیاتی داشته باشم .



مراسم اختتامیه نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

مراسم رأس ساعت ۵/۱۰ دقیقه عصر روز سه شنبه ۶۹/۱۱/۳۰ در تالار وحدت با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر خاتمی و دیگر مسئولین با سرود جمهوری اسلامی آغاز گردید سپس تلاوت آیات قرآن کریم و در ساعت ۵/۱۵ دقیقه سرپرست مرکز هنرهای نمایشی برادر علی منتظری گزارشی از جشنواره و برنامه‌های مرکز هنرهای نمایشی در سال ۷۰ را به استحضار حضار

رسانید سپس آقای عطار گزارشی از نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را به همراه بیانیه ستاد برگزاری قرائت نمود. پس از این مراسم توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و سرپرست مرکز هنرهای نمایشی و آقای خوشرو هدایایی به هنرمندان شرکت کننده اهداء گردید. پس از این قرائت رأی داوران مسابقه عکاسی توسط آقای حسین فرخی مدیر داخلی

مجله نمایش عنوان گردید. سپس خانم کلهری از طرف کانون منتقدان ملی تئاتر رأی کانون را مبنی بر منتخبین جشنواره قرائت نمود. پس از آن میان پرده (سیاه بازی) بلورک اجرا گردید. پس از پذیرائی و اعلام تنفس نمایش «تراژدی اسفندیار» کار حسین فرخی اجرا گردید ●

سخنرانی علی منتظری سرپرست مرکز هنرهای نمایشی

بسم الله الرحمن الرحيم

با تبریک آغاز سیزدهمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و میلاد مسعود سرور شهیدان حضرت امام حسین (ع) و میلاد سردار کربلا و با درود به ارواح مطهر شهدا و بزرگداشت یاد و نام معمار فقید انقلاب اسلامی، حضرت امام رضوان الله تعالی علیه و درود به رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران و با کسب اجازه از مقام عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حضار گرامی، میهمانان عزیز، هنرمندان و مدعوین ارجمند، برگ پایانی دفتر نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را ورق می‌زنیم و با استعانت از درگاه باری تعالی با دلی سرشار از امید به آینده روشن و پربار تئاتر کشور، با تقدیم گزارش مختصری از فعالیتهای انجام شده در طول جشنهای پیروزی و جشنواره را به استحضار میرسانم.

اول - تئاتر در دهه فجر - در این بخش از برنامه که از ۱۲ لغایت ۲۲ بهمن ادامه داشت مرکز هنرهای نمایشی به منظور اجرای برنامه‌های متنوع بر روی کودکان و نوجوانان و بزرگسالان در ۲۰۲ مهدکودک، دبستان، دبیرستان، دانشگاه، کارخانه، سازمان، وزارتخانه و نهادهای انقلاب اسلامی مجموعاً ۲۶۱ اجرا تدارک دیده و بطور متوسط

حدود ۵۲۲۰۰ تماشاگر از این برنامه‌ها دیدن کرده‌اند.

دوم - برنامه‌های نهمین جشنواره - در این قسمت که از ۲۴ لغایت ۲۹ بهمن ادامه داشت، جشنواره با سه بخش شکل گرفت:

بخش جشنواره جشنواره‌ها - که با حضور ۸ گروه از استانهای تهران، همدان، خراسان، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، باختران و فارس برگزار شد. قابل یادآوری است که این ۸ گروه پس از کسب موفقیت در جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای به نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر راه یافته‌اند. در سال ۶۹ طی برگزاری ۲۴ جشنواره استانی و ۴ جشنواره منطقه‌ای، پس از اعلام آمادگی ۳۸۶ گروه، تعداد ۱۷۱ نمایش جشنواره‌های استانی را گرمی بخشیده که به جا است در همنجا از همه دبیران جشنواره‌های استانی و منطقه‌ای و ادارات کل و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، که با حوصله و تلاش در این امر مهم به یاری ما شتافتند و از همه هنرمندان عزیزی که در این جشنواره‌ها علیرغم مشکلات، حضوری بامعنا داشته‌اند به سهم خویش تشکر و قدردانی نمایم.

بخش دوم جشنواره امسال ما - با نام بخش ویژه آوردگاه هنرمندان حرفه‌ای و تجربی تئاتر بود. در این بخش ۱۴ نمایشنامه به صحنه آمد که ویژگیهای حرفه‌ای و آموزشی این آثار بدون شک می‌تواند در معرفی وضعیت هنرهای نمایشی بسیار روشن کننده باشد.

بخش سوم نهمین جشنواره فجر، بخش جنبی بود که با حضور هنرمندان حرفه‌ای و همچنین هنرمندان نمایشهای سنتی و ۴ نمایش ویژه کودکان و در مجموع با ۱۴ نمایش، شکل گرفت. در این سه بخش، ۱۸۳ اجرا فراهم آمده بود که ۵۶۰۳۱ تماشاگر از آنها بازدید کردند.

بدین ترتیب مرکز هنرهای نمایشی همزمان با جشن پیروزی انقلاب و نهمین جشنواره فجر مجموعاً برای ۱۰۸۲۳۱ تماشاگر برنامه تدارک دید که از اقبال اقشار مختلف مردم به هنرهای نمایشی خبر می‌دهد. به پاس قدردانسی از چنین استقبالی و رعایت شئون تماشاگران فهیم هنرهای نمایشی، امسال ستاد جشنواره انضباط خاصی را برای سالنها طراحی و به اجرا درآورد.

حضور دانشجویان تئاتر در سالنهای نمایش بعنوان راهنمای فرهنگی - هنری، صدور بلیط بر اساس



یک نظم ویژه، پیش بینی تسهیلات لازم برای تماشاگران و بهره برداری از ۱۷ نمایش دولتی و غیردولتی در اکثر نقاط تهران، از جمله آغاز فعالیت سالن تئاتر لاله های سرخ در نازی آباد، از مهمترین اقدامات پیش بینی شده بود که امیدواریم نتایج مثبت آنرا در روند حرکت تئاتر کشور ببینیم و از دستاوردهای فرهنگی آن بهره لازم را کسب کنیم.

در این جشنواره: ۱۵۱ هنرمند تئاتر از شهرستانها در بخش جشنواره جشنواره ها و ۲۰۵ هنرمند تئاتر در بخش ویژه و ۱۳۸ هنرمند تئاتر در بخش جنبی و مجموعاً ۴۹۴ هنرمند فرهیخته پدید آورنده آثار نمایش بودند. این هنرمندان عزیز در کنار مدیران، سرپرستان و کارکنان فنی تالارها در یک هفته پرتلاش چنان درخشیدند که حقیقتاً با هیچ زبانی نمی توان ارزش آنرا تعیین کرد.

در کنار این حرکات وسیع، اشاره ای به سایر فعالیتها بی فایده نیست. اهم این فعالیتها عبارتست از:

- برگزاری نمایشگاه عروسکهای ژاپنی توسط کارگاه نمایش عروسکی مرکز هنرهای نمایشی و مرکز فرهنگی و اطلاعات سفارت ژاپن.
- برگزاری نمایشگاه عکس جشنواره های استانی و منطقه ای توسط دبیرخانه دائمی جشنواره ها
- برگزاری نمایشگاه عکس مسابقه عکاسی تئاتر توسط مجله نمایش
- برگزاری جلسات نقد و بررسی نمایشهای بخش جشنواره جشنواره ها
- برگزاری سمینار بررسی تئاتر امروز پیرامون تئاتر حرفه ای، تجربی و آماتور با حضور اساتید و کارشناسان تئاتر

- برگزاری سمینار دو روزه روسای انجمن های نمایش سراسر کشور

- انتشار ۵ پوستر، یک تراکت، برنامه های جشنواره و بولتن ویژه و یادمان جشنواره های استانی و منطقه ای

- میزبانی دو هیات از کشورهای فرانسه و پاکستان. هیات فرانسوی را آقای آلن گرومبک رئیس فستیوال آوینیون فرانسه رهبری می کرد. وی و همکارانش به منظور برنامه ریزی فستیوال آوینیون در ژوئیه ۹۱ و اختصاص بخشی به تئاتر ایران همراه ما بودند.

- اجرای نقالی در فاصله برگزاری جشنواره و دهها اقدام دیگر که به خاطر جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن خودداری می نمایم.

اکنون با ارائه این گزارش با کسب اجازه از حضار گرامی، میهمانان عزیز و هنرمندان ارجمند، شمه ای از برنامه ها و سیاستهای آتی هنرهای نمایشی را بازگو می کنم. باشد که به یمن این ایام خجسته، در انجام آنها توفیق کامل پیدا کنیم.

نگاهی به جشنواره امسال و وضعیت صحنه های نمایش در تهران و شهرستانها ایجاب می کند یک بار دیگر به تذکر نکات زیر به عنوان اصول و سیاستهای خدشه ناپذیر آینده تئاتر کشور اشاره کنیم:

- ۱- پیروی از احکام تعالی بخش اسلام و وفاداری به قانون اسلامی جمهوری اسلامی ایران
- ۲- حمایت ویژه از نویسندگان متون نمایش ایرانی و گروههای نمایشی که در به صحنه کشیدن این آثار کمر همت می بندند.
- ۳- مرزبندی میزان حمایت از گروههای حرفه ای، تجربی و آماتور

۴- تاکید بر استفاده صحیح از مراسم، آئین ها، و فرهنگ دینی و ملی. به خوبی روشن است که انتقال این جوهرهای بکر به صحنه های نمایش می بایست تابع قوانین فن درام باشد. بر هنرمندان عزیز پوشیده نیست که لطمه به کارگیری غلط از فرهنگ عامه در کارهای نمایشی جبران ناپذیر خواهد بود. این عمل هم به آئین ها لطمه می زند و هم به نمایش.

۵- اعتقاد و باور به دستاوردها و ارزش های آفریده شده در طول ۸ سال دفاع مقدس و بازتاب آن در صحنه های نمایش و آثار مکتوب نمایشی

۶- پیگیری و استمرار گسترش و توسعه انجمن های نمایش به مثابه یک پایگاه و تشکل تئاتر در کشور که تحت حمایت و زیر نظر ادارات کل و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می نماید.

۷- توجه به باورها و افکار عمومی و عنایت به طرح مسائل و مشکلات جامعه و ارائه راه حل پیرامون آنان.

۸- توجه به جوهر نمایش و اصل قرار ندادن امکانات صحنه ای.

۹- حرکت به سمت تعیین جایگاه تئاتر و سیاستهای مدون و قانونی در چارچوب سیاستهای مذهبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

در مورد برنامه های سال ۷۰ در تهران و شهرستانها انشاءالله اهم اقدامات زیر دنبال می شود:

- برگزاری جشنواره های تئاتر استانی و منطقه ای
- برگزاری جشنواره نمایشهای مذهبی و سنتی همزمان با عید سعید فطر
- برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در همدان توسط اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی



استان همدان

- برگزاری جشنواره تئاتر گروههای منتخب انجمن نمایش در اصفهان به همت شهرداری اصفهان و همیاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان

- برگزاری سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی تهران

- برگزاری دهمین جشنواره فجر با تغییراتی در جهت حرکت به سمت يك جشنواره بین المللی و دعوت از گروههای تئاتر کشورهای اسلامی

- برگزاری جشنواره تئاتر جوان برای جوانان سنین ۱۸ تا ۲۵ سال به همت مرکز گسترش هنر تجربی جوانان

- تداوم حرکت بین المللی تئاتر کشور و حضور شایسته در عرصه های بین المللی و معرفی فرهنگ و هنر میهن اسلامی

- تقویت و همکاری با کمیته ملی تئاتر ایران، مبارک یونما و دیگر تشکلهای تئاتری

- تداوم حرکت به سمت تعیین جایگاه شایسته تئاتر شهرستان، اجرای برنامه های آموزشی به ویژه از طریق سیستم ویدیویی و انتشار کتب پایه و

نمایشنامه به خوبی روشن است که در این راه هنرمندان عزیز شهرستانی نیز باید با خواندن و یادگیری آشتی کنند.

در پایان عرایضم اجازه می خواهم با زبان قاصر والکن ابتدا از کلیه همکاران سخت کوش خویش تشکر و قدردانی کنم. همکارانی که بار سنگین جشنواره بدوش آنها بود و بصورت شبانه روزی به ویژه در حوزه فنی همراه با هنرمندان عزیز به صحنه ها جان بخشیدند و دنیایی از ایثار و همت را به نمایش گذاشتند و به جاست بار دیگر از هنرمندان عزیز شهرستانی که رنج سفر بر خود هموار نمودند و کلیه هنرمندان گرمی در بخش ویژه و بخش جنبی، و مدیران و کارکنان سالنهای غیردولتی که پذیرای میهمانان ما بودند و همچنین راهنمایان فرهنگی - هنری که با حرکت فوق العاده زیبای خویش به جشنواره ما فضایی خاص بخشیده بودند تشکر و قدردانی کنم و امیدوارم که خداوند سبحان پاداش این همکاری را که برای سرور مردم و شکوه جشهای انقلاب شکل گرفته بود به نحو احسن عطا نماید.

تمایل دارم در همینجا از کلیه نهادها و سازمانهای

همکار در امور انتشاراتی، منتقدین تئاتر، مطبوعات، صدا و سیما و همه کسانی که بی نام و نشان در صحنه و پشت صحنه با وسعت بیکران روح پاک خویش دست ما را به یاری گرفتند سپاسگزاری نمایم و بعنوان آخرین کلام ضمن تشکر از رئیس جمهور محبوب که هنرمندان نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر را به حضور پذیرفتند از دولت، سازمان برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی به خاطر توجه به تئاتر کشور و همچنین حمایت های ویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین خاتمی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی به خصوص حضور مفتنم ایشان در این مراسم و همراهی و همیاری برادر عزیز و ارجمند جناب آقای مهندس ابوالقاسم خوشرو معاونت محترم امور هنری به پاس همه زحماتیکه در این مدت برای ایشان داشته ایم، تشکر و قدردانی می کنم و به نمایندگی از سوی هنرمندان تئاتر کشور برای آنان و شما سروران، میهمانان عزیز آرزوی توفیق الهی مسئلت می کنم.

متن بیانیه کانون ملی منتقدان تئاتر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با تبریک دوازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر این توفیق نصیب جمعی از منتقدان تئاتر کشور شد تا برای اولین بار در تاریخ تئاتر ایران با تشکیل و برپایی کانون ملی منتقدان تئاتر کشور در دفاع از حقوق صنفی و حرفه ای نقدنویسان، خبرنگاران، عکاسان، مترجمان، نویسندگان و پژوهشگران تئاتر کشور گام بردارند. سعی و تلاش کانون ملی منتقدان تئاتر بر آن است تا زمینه هایی برای تشریک مساعی تعاطی اندیشه ها، احترام به اصل تنوع و تفاوت نگرشها و هموار کردن راه برقراری ارتباط متقابل تئوریک میان منتقدان با منتقدان، منتقدان با هنرمندان تئاتر و منتقدان با تماشاگران تئاتر و... فراهم آورد.

حضور و شرکت فعال در صحنه بررسی و داوری کیفیت، آثار نمایشی و جشنواره های مختلف

تئاتری از دیگر وظایف مبرم کانون ملی منتقدان تئاتر به شمار میرود. نفرات برتر کانون ملی منتقدان تئاتر ایران در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر به شرح زیر اعلام میشود.

بهترین بازیگر زن خانم ها: «دیدار رزاقی»

بازیگر نمایش «قاب بی تصویر»، «سپیده پرور»

بازیگر نمایش «شقایق دره»

بهترین بازیگر مرد آقای: محمود پاک نیت بازیگر نمایش «قاب تصویر»

بهترین متن نمایشی منتخب کانون ملی منتقدان تئاتر: نمایشنامه «قاب بی تصویر» بدلیل ساختار منسجم دراماتیکی، نوشته آقای علینقی رزاقی از شیراز

بهترین کارگردانی: آقای علینقی رزاقی برای کارگردانی نمایش «قاب بی تصویر» از شیراز

کانون ملی منتقدان تئاتر ایران هیچ نمایشی را به

عنوان مفهوم مطلق شایسته انتخاب ندانست اما نمایش «شقایق دره» را به دلیل نگرش مثبت و قابل ستایش به موقعیت زنان در جامعه سنتی و بهره گیری مناسب و زیبا از سنن بومی در قالب موسیقی و حرکات موزون به عنوان نمایش برگزیده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر معرفی می کند.

کانون ملی منتقدان ضمن تقدیر از کلیه گروههای شرکت کننده در بخش ویژه، نمایش معرکه در معرکه کار آقای سیاوش طهمورث را به دلیل برداشتن گامی موفق در جهت اعتلای نمایش اصیل ایرانی مورد تقدیر و قدردانی قرار داد.

به امید موفقیت برای هنرمندان تئاتر کشور هیات مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران



بیانیه ستاد برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر

با سلام

ضمن عرض تبریک جشن انقلاب و گرامیداشت ایام شعبان و خیر مقدم بر شما میهمانان و هنرمندان متعهد تئاتر کشور، رؤسای انجمنهای نمایش سروران گرامی و میهمانان خارجی شرکتکننده در نهمین جشنواره، ستاد برگزاری با تأکید به رهنمودهای مقام عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کلیه هنرمندان تئاتر کشور توصیه می‌نماید، به منظور حفظ و اعتلاء هنر نمایش نکات زیر را همواره، مد نظر داشته و بکار گیرند.

- ۱- استفاده صحیح و مناسب از ارکان يك نمایش زبان - ریتم - حرکت - نور و صدا و غیره در خدمت يك اثر نمایشی
- ۲- استفاده از فرهنگ غنی اسلامی در ادبیات نمایشی ایران
- ۳- تحقیق و پژوهش و مطالعه آثار نمایشی دیگر هنرمندان به منظور دستیابی به تکنیک ساختارهای نمایشی
- ۴- پرهیز از هرگونه رقابت ناسالم و ایجاد جو نامناسب به منظور رسیدن به اهداف غیر متعالی
- ۵- شرکت فعال در جشنواره‌های تئاتر استانی و منطقه‌ای و سنتی و نمایشهای عروسکی انجمن‌های نمایش که بصورت يك حرکت مبتد درآمده است
- ۶- فعالیت مستمر هنری در طول سال

ستاد برگزاری نهمین جشنواره سراسری تئاتر هدایای خود را به هنرمندان شرکت‌کننده به شرح ذیل اعلام میدارد:

- ۱- اهداء لوح زرین - دیپلم افتخار - و یکمعد سکه بهار آزادی به کارگردانهای نمایش شرکت‌کننده در بخش جشنواره جشنواره‌ها
- ۲- اهداء لوح تقدیر به کلیه هنرمندان شرکت‌کننده در دومین جشنواره سراسری تئاتر
- ۳- اهداء جام گل به ستاد برگزاری جشنواره تئاتر استانی ۸ گروه منتخب جشنواره جشنواره‌ها

- ۱- آقای علینقی رزاقی نویسنده و کارگردان نمایش قاب بی‌تصویر از شیراز
- ۲- آقای علی آزادنی نویسنده و کارگردان نمایش شقایق‌دره از مشهد (استان خراسان)
- ۳- آقای محمد هادی نامور نویسنده و کارگردان نمایش حکایتی ساده از گرگان (استان مازندران)

- ۴- آقای رضا میرمعنوی - کارگردان نمایش بار دیگر باران از فومن (استان گیلان)
- ۵- آقای پرویز عرب نویسنده و کارگردان نمایش پر پرواز از تهران (استان تهران)
- ۶- آقای اسد صادقی نویسنده و کارگردان نمایش دل آشوب از تبریز (استان آذربایجان شرقی)
- ۷- آقای هواس پلوك نویسنده و کارگردان نمایش شور آبساران از باختران (استان باختران)
- ۸- آقای محمدجواد کبوترآهنگی - کارگردان نمایش دلی بای و آهو از همدان (استان همدان)

هدایای دبیرخانه دائمی جشنواره‌ها و امور تئاتر شهرستانها

واحد امور تئاتر شهرستانها به منظور ارج نهادن بر حضور هنرمندان شهرستانهای شرکت‌کننده در جشنواره جشنواره‌ها هدایای خود را به این هنرمندان تقدیم می‌کند لطفاً جهت دریافت هدایا به دبیرخانه جشنواره مراجعه نمایند.

- ۱- اهداء ۱۰ عنوان منابع نمایشی همراه يك عدد دفترچه پس‌انداز بانک رفاه کارگران به خانمها دیدار رزاقی - ناهید دادخواه - وجیهه مصدق به خاطر ایفای نقش در نمایش‌های شرکت‌کننده.
- ۲- اهداء ۱۰ عنوان منابع نمایشی همراه یکمعد دفترچه پس‌انداز بانک رفاه کارگران به آقایان محمود قبه‌زرین - ایرج قوشچی - و فرهاد پاک‌سرشت به خاطر ایفای نقش در نمایشهای شرکت‌کننده در جشنواره جشنواره‌ها
- ۳- اهداء ۳۰ عنوان کتب نمایشی به گروههای نمایش

- ۱- نمایش قاب بی‌تصویر ۲- نمایش حکایتی ساده ۳- بار دیگر باران ۴- نمایش پر پرواز ۵- نمایش دل آشوب ۶- شور آبساران ۷- شقایق‌دره ۸- دلی بای و آهو

در پایان ستاد برگزاری از حمایت‌های مادی و معنوی مقام عالی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیران جشنواره تئاتر استانی و منطقه‌ای کشور کارشناسان امور هنری و کلیه هنرمندان و دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره‌ها تشکر و قدردانی بعمل می‌آورد.



دومین سمینار مسئولین

انجمنهای نمایش سراسر

کشور

این سمینار طی دو روز و در سه جلسه فشرده در تاریخهای ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه در تالار هنر با حضور مسئولین انجمن نمایش سراسر کشور برگزار گردید.

در «و» جلسه اول که با حضور هیئت رئیسه و هیئت امنای انجمن نمایش مرکز انجام گردید ضمن بررسی مشکلات انجمنهای نمایش شهرستانها، مسئولین انجمنهای نمایش پیشنهادات و نظرات خود را پیرامون عملکرد سال جدید فعالیت انجمنها ابراز داشته و مشکلات خاص مناطق خود را اعلام داشتند. در ادامه به طرح پرسشهایی پیرامون عملکرد انجمنها و مسائل حول و حوش آن پرداختند که جوابهای لازم از سوی مسئولین ذیربط عنوان گردید. در آخرین جلسه این سمینار با استفاده از نظرات و پیشنهادات شرکت کنندگان قطعنامه ای در ۱۷ ماده تدوین گردید که به تصویب مسئولین انجمنهای نمایش رسید. چکیده این قطعنامه را با هم می خوانیم:

دومین سمینار سراسری مسئولین انجمنهای نمایش سراسر کشور همزمان با برپایی نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر در تهران برگزار گردید، در حالیکه هنوز وجودمان مست از عطر دل انگیز سیزدهمین بهار آزادی است و رنگ خورشید این بهار جاودانه نه تنها بر این کشور عزیز بلکه بر آسمان پهناور تمامی انسانهای آزاد، جلوه ای سرشار از عشق و امید، هدیه آورده است. پس اجازه دهید قبل از هر سخن مبارک باد گوئیم این فرخنده ایام را به تمامی شما که هنر انقلاب را به رسالت خوش، حافظید و مبلغ.

و اما آنچه که امسال از برپایی سمینار سراسری مسئولین انجمنهای نمایش سراسر کشور طی دو روز و جلساتی فشرده، قابل فهم است، نویدی است، شادی بخش و حرکت آفرین و پر بیراه نخواهد بود اگر سال آینده را برای انجمنهای نمایش سال امید و تلاش نام گذاری نمایم.

اعلام برگزاری جشنواره سراسری گروههای تئاتر وابسته به انجمنهای نمایش، جدی تلقی شدن مسئله آموزش علمی تئاتر در شهرستانها و تاکید مسئولین انجمن و تمایل ایشان به برپایی چنین برنامه هایی، رخداد مهم تجمع سالانه کلیه اعضای انجمنهای نمایش سراسر کشور، حل نسبی

معضلات و مشکلاتی که در اوان کار حجم وسیعی از فعالیتهای نیروهای مستعد انجمنها را به خود معطوف داشته بودند، همه و همه حاکی از این است که تئاتر شهرستان به سمت مسیر حقیقی خود گام بر می دارد.

طی دو روز برگزاری این سمینار مباحث و مسائل مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که ماحصل این تبادل نظر بصورت قطعنامه ای از سوی مسئولین انجمنهای نمایش سراسر کشور تقدیم حضور مسئولین ذیربط، هنرمندان تئاتر و خصوصاً هنرمندان تئاتر شهرستانها می گردد:

۱- با توجه به اهمیت هویت تئاتری مستقل برای یک کشور، پیشنهاد میگردد بر اساس طرح بازبانی تئاتر هویت و تئاتر ایرانی در این زمینه تلاش بی وقفه صورت گرفته و از دربرگیری سنتهای نمایشی که با فرهنگ اسلامی ما هم سویی ندارند دوری جسته شود.

۲- ایجاد امکانات لازم اعزام گروههای تئاتری برتر ایران به شهرستانهای مختلف جهت اجرای نمایش و برخورد نزدیک هنرمندان شهرستانی با نمایشهای قابل طرح با در نظرگیری شرایط ویژه اقلیمی هر منطقه.

۳- ارائه پیشنهاد تهیه برنامه هایی مخصوص فعالیتهای نمایشی شهرستانها و بخش آنها از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

۴- مقرر می شود که انجمنهای نمایش در شهرستانهای مختلف هماهنگی کامل با ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و به عنوان یدی واحد در راستای اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی قدم بردارند.

۵- پیشنهاد میگردد ترتیبی اتخاذ شود تا هویت و نظام تشکیلاتی انجمن، برای مسئولین ادارات کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر سازمانها و نهادهایی که به نوعی با این انجمن در ارتباط خواهند بود، به عنوان بازوی اجرایی وزارتخانه مربوطه در زمینه هنرهای نمایشی، هر چه بیشتر مشخص گردد.

۶- توجه انجمنهای نمایش به کمکهای مردمی و تلاش در جهت جلب همکاری مسئولین محلی برای حل معضلات مادی و امکاناتی.

۷- افزایش تعداد جلسات هماهنگی مسئولین انجمنهای نمایش در طول سال

۸- تشکیل کلاسهای آموزش تئاتر برای هنرمندان شهرستانی در زمینه های مختلف هنر نمایش و در سطوح مقدماتی، متوسطه و عالی و نیز در صورت امکان اعطای گواهینامه پایان این دوره ها به هنرجویان شرکت کننده در آموزش.

۹- ایجاد تسهیلات لازم جهت راه یابی علاقمندان مستعد این رشته به مدارس عالی و دانشکده های هنری برای بالا بردن بنیه علمی هنرمندان شهرستانی.

۱۰- توجه به امر آموزش در شهرستانها و اعزام کارشناسان خبره در طول سال به منظور تبادل آخرین متدهای نمایشی در سطح ایران و ایجاد هماهنگی های علمی و خبری بین هنرمندان تئاتر سراسر کشور.

۱۱- بازدید مسئولین انجمن نمایش مرکز از انجمنهای نمایش سراسر کشور به منظور آشنایی هر چه بیشتر با این انجمنها و لمس از نزدیک مشکلات و معضلات منطقه ای این انجمنها.

۱۲- بوجود آوردن امکان ارتباط مستقیم انجمنهای نمایش کشور با یکدیگر جهت تبادل تجارب و آشنایی هر چه بیشتر با آئینها و سنتهای نمایشی هر منطقه.

۱۳- توجه کافی به نویسندگان مرتبط با انجمنهای نمایش از طریق چاپ متون برگزیده ایشان.

۱۴- ایجاد امکان شرکت هنرمندان برگزیده شهرستانی که موفق به دریافت مجوز شرکت در جشنواره های عالی تر نگشته اند جهت کسب تجارب علمی و عملی.

۱۵- آماده سازی نقشه جامع و مفید یک سالن نمایشی توسط مرکز هنرهای نمایشی و ارسال آن به شهرستانها و شروع ساخت چنین مکانهایی در صورت وجود امکانات لازم در هر شهرستان.

۱۶- به دلیل تاکید فراوان و نیاز به ارتقاء سطح کیفی اجراهای نمایشی در سراسر کشور، پیشنهاد میگردد که در ترکیب شوراهای نظارت بر نمایش ادارات ارشاد اسلامی تعدادی از افراد باصلاحیت هر انجمن نمایش نیز حضور داشته باشند.

۱۷- در مورد امور مالی پیشنهاد میگردد که بودجه ای به عنوان اعتبار ثابت برای هر انجمن در نظر گرفته شود و علاوه بر آن بودجه ای نیز برای انجمنهایی که فعالیت چشمگیر و ویژه ای دارند منظور گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



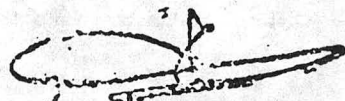
جمهوری اسلامی ایران
وزارت ارشاد اسلامی

شماره
تاریخ
پوست

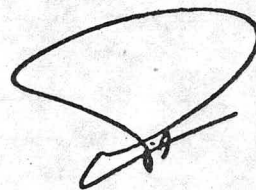
برادر گرامی آقای علی منتظری
رئیس مرکز هنرهای نمایشی

با سلام

بدینوسیله از زحمات جنابعالی و کلیه دست اندرکاران برگزاری
مراسم نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر سپاسگزاری نموده و
توفیق روزافزون جنابعالی و سایر همکاران محترمان را درجهست
تحقق اهداف عالیه انقلاب اسلامی از خداوند متعال خواستارم.


سید محمد خاتمی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



رونوشت: معاونت امور هنری.

جناب آقای منتظری
بابت تئاتر فجر ۹۱
سید محمد خاتمی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۳۹۱/۵/۹
۹۱۰۵

۱۳۹۱/۵/۹
۹۹/۱۲/۲۰

①
استاد علی منتظری
رئیس مرکز هنرهای نمایشی



جشنواره های استانی و منطقه ای تئاتر سال ۱۳۶۹، در يك نگاه

پس از برگزاری مراحل متعدد و جشنواره های استانی و منطقه ای، در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، در بخش جشنواره جشنواره ها، هشت نمایش برتر مناطق و استانهای کشور را نظاره گر بودیم. برای آگاهی خوانندگان عزیز مروری داریم به مراحل مختلف جشنواره های استانی و منطقه ای سال ۶۹-

جشنواره تئاتر استان سمنان

از تاریخ ۶۹/۷/۱ لغایت ۶۹/۷/۵ در محل سالن هلال احمر شهرود، و با سورتربیتی با شرکت گروههایی از شهرستانهای گرمسار، سمنان، شاهرود، دامغان برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|--------------------------------|-------------------|--------------------|
| ۱- سرنوشت فانتس محمود اسماعیلی | محمود اسماعیلی | محمود اسماعیلی |
| ۲- زنگ سیاه | محمود اسماعیلی | محمود اسماعیلی |
| ۳- باز نشسته | مجید مولایی | حسین بیطرف |
| ۴- آهنگ ۲ | منوچهر شفیعی | منوچهر شفیعی |
| ۵- بند | تاجبخش فنائیان | مروى |
| ۶- جرس | مجتبی شریعت پناهی | مجتبی شریعت پناهی |
| ۷- کوروا فلیج | دارما سناپاتیواجا | خسرو به آئین |
| ۸- سهراب و سازو | حکیم رابط | علیرضاهراتی |
| ۹- هتل نیمکت | ابراهیم مکی | علی وثوقی |
| ۱۰- دنیا چقدر می ارزه | ابراهیم مکی | علی اصغر خطیب زاده |

در پایان نمایشنامه "جرس" از سمنان جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه يك برگزیده شد.

جشنواره تئاتر استان آذربایجان شرقی

از تاریخ ۶۹/۷/۱ لغایت ۶۹/۷/۵ در محل سالن تربیت شهید مدنی تبریز با شرکت گروههایی از شهرستانهای تبریز، اردبیل، و جلفا برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|-------------------|--------------------|--------------------|
| ۱- دل آشوب | اسدصادقی | اسدصادقی |
| ۲- چپو | داود جلایی | داود جلایی |
| ۳- ابریشم بها | روح الله حبیب زاده | روح الله حبیب زاده |
| ۴- آغازی در پایان | بهزاد نظری | بهزاد نظری |

جشنواره تئاتر استان خراسان

از تاریخ ۶۹/۷/۱ لغایت ۶۹/۷/۵ در محل سالن هلال احمر مشهد با شرکت گروههایی از شهرستانهای گناباد، بیرجند، کاشمر، تربت حیدریه، بجنورد و شیروان و مشهد برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|---------------------|-------------------|--------------------------|
| ۱- دام | آلفرد فرج | محمد ناصری |
| ۲- مار زنگی | زهرانوری | مسعود برکچی |
| ۳- تاج خروس | علیرضا بوندیان | احمد رضائیان |
| ۴- کیسه بوکس | علی موذنی | رضاحسینی |
| ۵- شقایق دره | علی آزادنی | علی آزادنی |
| ۶- زنگار | غلامرضا یوسفی | غلامرضا یوسفی |
| ۷- توره | علیرضا صمدی شادلو | علیرضا صمدی |
| ۸- يك پنجره دوپرواز | علیرضا بوندیان | محمد الهی، شاهپور ترکمنی |

سرایی

۹- ملوونه دراز

علی بهروز

سعید تشکری

در پایان دو نمایشنامه "شقایق دره" از مشهد و "کیسه بوکس" از تربت حیدریه جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه يك انتخاب شدند.

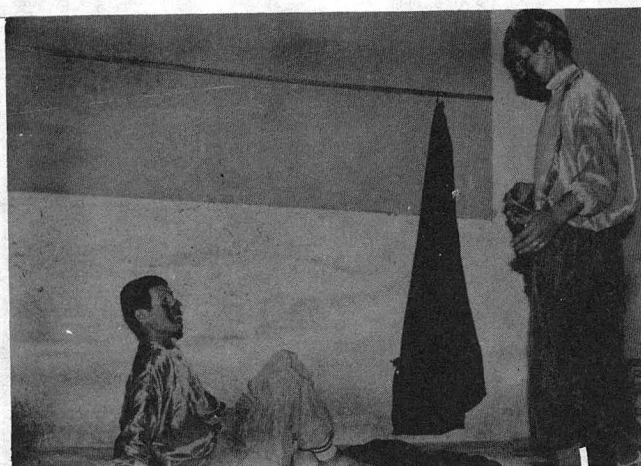


| نمایش | نوشته | کار |
|--|-----------------|-------------------|
| ۱- ماه به نظاره | جعفر جامه بزرگ | احمد لباسی |
| ۲- دلی بای و آهو | عباس معروفی | محمد جواد اکسبورد |
| ۳- گورزاد | رحمت الله ملکی | آهنگی |
| ۴- حسنک کجایی | احمد خمسه لویی | رحمت الله ملکی |
| ۵- بامرگ زندگی | حمید رضا قاسملو | مجید نمیری |
| دو نمایشنامه "دلی بای و آهو" از همدان و "گورزاد" از توپسرکان جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه ۲ انتخاب گردیدند. | | |

جشنواره تئاتر استان ایلام

از تاریخ ۶۹/۷/۸ تا ۶۹/۷/۱۵ در محل سالن کتابخانه عمومی - شماره ۲ و سالن امور تربیتی ایلام با شرکت گروههایی از شهرستان های ایوان و ایلام برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|-------------------|---------------------|------------------|
| ۱- دلکها | محمد رحمانیان | سید وحید میرمینی |
| ۲- عقوبت | مرتضی هواسی | مرتضی هواسی |
| ۳- ضمیر پاک روستا | مرتضی هواسی | عباس خبری ستار |
| ۴- انتظار | علی اصغر پور قهرمان | حسن کریمی |
| ۵- دخمه | مجید اشتیاقی | سعید صالحی |
| ۶- کلاغ سخن چین | مرتضی یوسفی | حمید رضا حیدریان |



۷- بهشت گمشده عباس معروفی
دو نمایشنامه "دلکها" از ایلام و "ضمیر پاک روستا" از ایوان جهت شرکت در جشنواره منطقه ۲ انتخاب شدند.

جشنواره تئاتر استان باختران

از تاریخ ۶۹/۷/۸ لغایت ۶۹/۷/۱۵ در محل آمفی تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی باختران، با شرکت گروههایی از شهرستانهای مهنه، اسلام آباد غرب و باختران برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|------------|----------------|----------------|
| انخل سوخته | سید حجاب الدین | سید حجاب الدین |
| الهامی | الهامی | الهامی |

۵- حکایت اول عظیم اسدی
روایت دوم شفیق خلیل زاده
در پایان دو نمایشنامه "دل آشوب" از تبریز و "چپو" از اردبیل جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه یک برگزیده شدند.

جشنواره تئاتر استان کردستان

از تاریخ ۶۹/۷/۱ تا ۶۹/۷/۵ در محل تالار فرهنگ سنندج با شرکت گروههایی از شهرستانهای سنندج، بیجار، قروه و سقز برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|-------------------------------------|-----------------|-----------------------|
| ۱- پرده برداری و بند تاجبخش فناثیان | اکبر منصوری | اکبر منصوری |
| ۲- آتبر | محمود مهدیان | غلامعلی محمدی |
| ۳- اعتیاد | احمد اصفهانی | احمد اصفهانی |
| ۴- سفر به ... | علیرضا حنیفی | علیرضا حنیفی |
| ۵- گرگ پرنده کوچک م د باج | امین مرادی فر | امین مرادی فر |
| ۶- محاکمه عقل و دل | علی اشرف فرشاد | علیرضا اسماعیلی |
| ۷- بیریشه | خالد خاکی | خالد خاکی |
| ۸- امیر بهاری | صالح رحیمی | بهمن شیخ الاسلام زاده |
| ۹- زالو | محمد کاسبی | اسماعیل پاشایی |
| ۱۰- خدا حافظ شهر جعفر ولدخانی | علی اکبر نوربخش | علی اکبر نوربخش |

گدایان

۱۱- ادم امینی
۱۲- جزیره آثول فوگارد امینی
دو نمایشنامه "امیر بهاری" از سنندج و "خدا حافظ شهر گدایان" از بیجار جهت شرکت در جشنواره منطقه ۲ انتخاب گردیدند.

جشنواره تئاتر استان زنجان

از تاریخ ۶۹/۷/۱ لغایت ۶۹/۷/۵ در محل آمفی تئاتر کتابخانه سهروردی زنجان با شرکت گروههایی از شهرستانهای زنجان، تاکستان و قیدار برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نوشته | کار |
|-----------------|-----------------|-----------------|
| ۱- اسب های وحشی | علیرضا طاهرخانی | علیرضا طاهرخانی |
| ۲- مرگ قو | حسن معجولی | حسن معجولی |
| ۳- غریبه | فرهاد عندلویی | محمود رشیدی |
| ۴- خنجر | عباس طاهرخانی | بهنام قزلباش |
| ۵- باران نشست | علی آقا جانلو | علی آقا جانلو |
| ۶- پیشکش | ذکریا هاشمی | یعقوب حسینی |

دو نمایشنامه "اسب های وحشی" از تاکستان و "مرگ قو" از زنجان جهت شرکت در جشنواره منطقه ۲ انتخاب گردیدند.

جشنواره تئاتر استان همدان

از تاریخ ۶۹/۷/۱ تا ۶۹/۷/۵ در محل تالار فجر با شرکت ۶ گروه - نمایشی از شهرستانهای نهاوند، توپسرکان، ملایر، بهار و همدان برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:



خرم آباد با شرکت گروههایی از شهرستانهای خرم آباد، الیگودرز،
دورود وازنا برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت -
سود نداد :

| | | |
|-------------------|--------------------|-------------------|
| نوشته | حایش | کار |
| اشرف السادات | ۱- زوخ | محمدرضا لطفی |
| اشرف نژاد | | |
| ۲- توطئه | | اسفندیار ملایریان |
| ۳- محرمانه | نصرت الله قادری | صحب الله خادم فر |
| ۴- سیاهگوش | محمدرضا سگوند | محمدرضا سگوند |
| ۵- کیوترها | احسان خسروانی | خسروانی- فیروزی |
| ۶- بهشت گمشده | عباس اسماعیلی | سیدحسین حسینی |
| ۷- سالن انتظار | محمدرضا بروزبهرانی | گروهی |
| ۸- رهایی | سیامک موسوی | سیامک موسوی |
| ۹- گلی گم | حسن لطفی | حسن لطفی |
| کرده ام | | |
| ۱۰- راز درخت مقدس | داودکیانیان | حجت الله خادم |

درایسین جشنواره کاری جهت شرکت در جشنواره منطقه
۲ انتخاب نگردید.

جشنواره تئاتر استان فارس

از تاریخ ۶۹/۸/۱ لغایت ۶۹/۸/۷ در محل تالار ابوریحان و سازمان
آب شیراز با شرکت گروههایی از شهرستانهای لارستان، شیراز و کازرون
برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از :

| | | |
|-----------------|-------------------|-----------------|
| نمایش | نوشته | کار |
| ۱- قاب بی تصویر | علی نقی رزاقی | علی نقی رزاقی |
| ۲- پلکان | اکبر رادی | نادر شهسواری |
| ۳- لحظه مات | فرشاد فرشته حکمت | محمد هاشم دهقان |
| ۴- پیر جنگی | محسن خسروی | ناظم عسگرزاده |
| ۵- فانوس دریایی | عنایت الله هوشمند | اسد زارعی |

دو نمایشنامه " قاب بی تصویر " و " فانوس دریایی " از شیراز جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه ۳ برگزیده شدند.

جشنواره تئاتر استان بوشهر

از تاریخ ۶۹/۸/۱ لغایت ۶۹/۸/۷ در محل سالن جهاد سازندگی بوشهر این جشنواره با شرکت گروههایی از شهرستانهای بوشهر، برازجان و گناوه برگزار گردید.
نمایشهای شرکت کننده عبارت بودند از :

| | | |
|----------------|----------------|-----------------|
| نمایش | نوشته | کار |
| ۱- آخرین شماره | سیدحسن هاشمی | سیدحسن هاشمی |
| ۲- گرگ دریا | غلامحسین | غلامحسین رجبعلی |
| ۳- هزار پرنده | رجبعلی زاده | زاده |
| | وحیده رفعت نیا | وحیده رفعت نیا |

| | | |
|-----------------------|---------------|----------------|
| ۲- پایان بازی | امیرکرم | امیرکرم |
| ۳- خورشده های خاکستری | عبدالحی شماسی | نصرت الله سپهر |
| ۴- سکوت یک نگاه | حمیدرضا نظری | حمیدرضا نظری |
| ۵- راز تولد بوذاسف | امیرکرم | امیرکرم |
| ۶- شیرآب ساران | هواس پلوك | هواس پلوك |
| ۷- افسانه سروکشمیر | بهمن مرتضوی | خسرو آرش |

دو نمایشنامه " بوذاسف " از باختران و " شورآب ساران " از باختران جهت شرکت در جشنواره منطقه ای ۲ انتخاب گردیدند.

جشنواره تئاتر استان آذربایجان غربی

از تاریخ ۶۹/۷/۸ لغایت ۶۹/۷/۱۵ در محل آمفی تئاتر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خانه فرهنگ ارومیه با شرکت گروههایی از شهرستانهای ارومیه، خوی، میاندوآب و بوکان برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از :

| | | |
|----------------|------------------|------------------|
| نمایش | نوشته | کار |
| ۱- زیستن | غلامرضا عیززی | غلامرضا عیززی |
| ۲- نایبگاه | سعیدشاپوری | خالد حیدری |
| ۳- بیگانه درون | سعیدشاپوری | سعیدشاپوری |
| ۴- عزرائیل | کریمی | جعفر رحیمی |
| ۵- سبب ساز | حسن بدریفر | حسن بدریفر |
| ۶- بازگشت | میرهادی مهدیزاده | میرهادی مهدیزاده |



| | | |
|--------------------|-------------------|-------------------|
| ۷- زور و جنگ | بهمن مرتضوی | بهمن مرتضوی |
| ۸- زالو | محمدکاسبی | امامعلی ارثی نژاد |
| ۹- عشق در سایه آتش | محمدباقر جعفرزاده | محمدباقر جعفرزاده |

دو نمایشنامه " زیستن " و " عزرائیل " جهت شرکت در جشنواره منطقه یک برگزیده شدند.
جشنواره تئاتر استان لرستان
از تاریخ ۶۹/۷/۸ لغایت ۶۹/۷/۱۵ در محل سالن هلال احمر



ازبندرعباس جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه ۳ انتخاب
کردیدند *

جشنواره تئاتر استان کرمان

از تاریخ ۶۹/۸/۱۵ لغایت ۶۹/۸/۲۲ در محل سالن اتحادیه
انجمنهای اسلامی با شرکت گروههایی از کرمان و سیرجان برگزار
گردید. نمایشهای شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نویسنده | کار |
|--|----------------|----------------|
| ۱- راهی بسوی | منوچهرهماوندی | مسعودابوسعیدی |
| نور | | |
| ۲- زوخ | اشرف السادات | محمودستوده نیا |
| | اشرف نژاد | |
| ۳- مرگدرپائیز | اکبررادی | کرامت رودساز |
| ۴- آسفندیار | یارعلی پورمقدم | محمدقدس ولی |
| مغموم | | |
| ۵- گل فروش | منصورستاری | دادخداقاسمی |
| ۶- شاه بازی، | مهدی ثانی | مهدی ثانی |
| خیال بازی | | |
| دو نمایشنامه "آه اسفندیارمغموم" از کرمان و "گل فروش" | | |
| از سیرجان جهت شرکت در جشنواره منطقه ۳ برگزیده شدند * | | |

جشنواره تئاتر استان سیستان و بلوچستان

از تاریخ ۶۹/۸/۲۴ لغایت ۶۹/۸/۲۷ در محل تالار تربیت معلم
زاهدان، این جشنواره با شرکت گروههایی از زاهدان و ایرانشهر
برگزار گردید:

نمایشهای شرکت کننده عبارت بودند از:

| نمایش | نویسنده | کار |
|---|------------------|------------------|
| ۱- اثری تاثیر | جعفر طیار | احمد شریعتمداری |
| ۲- اسم شب | محمدعلی اصغری | محمدعلی اصغری |
| ۳- یک شاخه گل | محسن کیخا | محسن کیخا |
| ۴- عشق زادگان | اسماعیل شاه بیگی | رضا خدا داد بیگی |
| ۵- حاج آقا سگته | غلامرضا قنبری | غلامرضا قنبری |
| می کند | | |
| ۶- گاری جی | قادر بخش آبسالان | گروهی |
| ۷- توطئه | محمد رضا انصاری | اسماعیل شاه بیگی |
| در این جشنواره نمایشی جهت شرکت در جشنواره منطقه | | |
| برگزیده نشد * | | |

جشنواره تئاتر استان اصفهان

از تاریخ ۶۹/۹/۱ تا ۶۹/۹/۷ در محل تالار اندیشه اصفهان با
شرکت گروههایی از شهرستانهای کاشان، داران، شاهین شهر
و اصفهان برگزار گردید که در نهایت نمایش "تخته قاپو" نوشته و
کارملک شاه ابدالی از اصفهان جهت شرکت در جشنواره منطقه ۴
برگزیده شد *

۴- حنا بندون
۵- کلن جبار
۶- زیر بیرق
بیگانه

۷- فیز یک بدن
۸- کبوتر خونی
دو نمایشنامه "آخرین شماره" و "هزار پرده" از بوشهر جهت
شرکت در جشنواره تئاتر منطقه ۳ برگزیده شدند *

جشنواره تئاتر استان خوزستان

از تاریخ ۶۹/۸/۷ لغایت ۶۹/۸/۱۵ در محل مجتمع فرهنگی و
هنری رشاد با شرکت گروههایی از شهرستانهای دزفول، آغا جباری
اهواز و مسجد سلیمان برگزار گردید *

نمایش
۱- شب آتش
۲- دل آزاد
۳- آیات
۴- تلوا سه
۵- زیر نگین ماه
دو نمایشنامه "آیات" از اهواز و "زیر نگین ماه" از دزفول
جهت شرکت در جشنواره تئاتر منطقه ۳ برگزیده شدند *

جشنواره تئاتر استان هرمزگان

از تاریخ ۶۹/۸/۷ لغایت ۶۹/۸/۱۵ در محل تالار اداره کل
فرهنگ و ارشاد اسلامی با شرکت گروههایی از شهرستانهای
بندرعباس و میناب برگزار گردید:

نمایش
۱- محاکمه
۲- سیزه پری



۳- دو چهره از
یک کارفرما

۴- باشومه سر
دو نمایشنامه "باشومه سر" از بندرعباس و "سیزه پری"

حسنواره تئاتر استان گیلان

نمایندگهای شرکت کننده عبارت بودند از:

حسنوارہ تئاترستان تہران

نمایشهای شرکت کننده عبارت بودند از:

١- موضوع الدراسة

دو نمایش "پر پرواز" و "گرگ و میش" جهت شرکت در جشنواره منطقه ۴ کشور مرکز اصفهان انتخاب گردیدند.

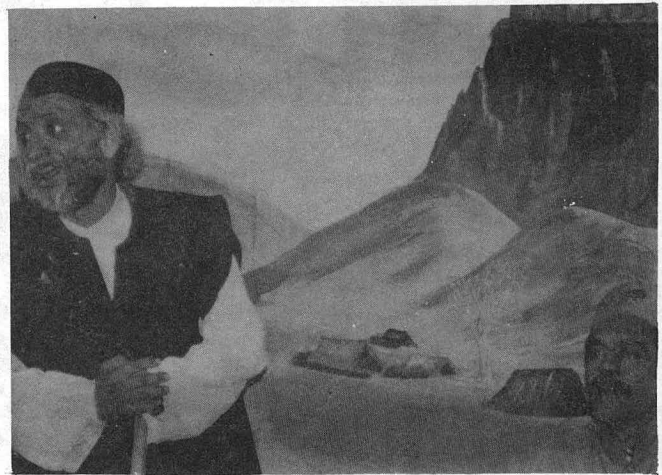
حسنواره تئاتراستان که کیلویه وبویر احمد

جشنواره تئاتر منطقه ۱

آتش

- ۲- "زیرنگین ماه" نوشته و کارمرتضی داریوندنژاد از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دزفول
- ۳- "آخرین شماره" نوشته و کارسیدحسن هاشمی از صداوسیما مرکز بوشهر
- ۴- "گل فروش" نوشته منصورستاری، کارداد خداقاسمی از اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سیرجان
- ۵- "زمزمه رفتن" نوشته و کاررحمت الله محرابی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیمازندان

- ۶- "هزارپرند" نوشته و کاروحیده رفعت نیاز از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر
- ۷- "سبزه پری" نوشته و کارابراهیم زارعی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان
- ۸- "باشومه سر" نوشته ناصر سلیمانی و کارمنصورامامی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی هرمزگان



- ۵- شقایق دره " " " مشهد
- ۶- کیسه بوکس " " " تربت حیدریه
- ۷- جرس " " " سمنان
- در پایان دوماهنامه "شقایق دره" و "دل آشوب" جهت شرکت در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر انتخاب گردیدند.
- جشنواره تئاتر منطقه ۲**

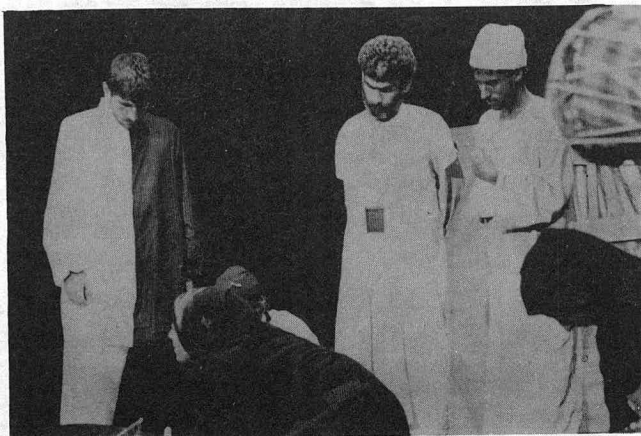
- از تاریخ ۶۹/۷/۲۰ لغایت ۶۹/۷/۳۰ در مرکز همدان با شرکت گروههایی از ایلام، باختران، زنجان، کردستان و همدان برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:
- ۱- دلقکها از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی ایلام
- ۲- ضمیر پاک روستا " " "
- ۳- راز تولد سازمان تبلیغات اسلامی باختران
- یوناسف

- ۴- شورآبسان از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی باختران
- ۵- سیبهای وحشی " " زنجان
- ۶- مرگ قو " " "
- ۷- امیر بهاری " " کردستان
- ۸- خدا حافظ شهر " " "
- گدایان
- ۹- دلی بای و آهو " " همدان
- ۱۰- گورزاد " " تویسرکان

در نهایت نمایشنامه های "دلی بای و آهو" از همدان و "شورآبسان" از باختران جهت شرکت در نهمین جشنواره تئاتر فجر انتخاب گردیدند.

جشنواره تئاتر منطقه ۳

- از تاریخ ۶۹/۹/۱ به مدت ۱۰ روز در تالار ابوریحان اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس و دستگاه آب شیراز با شرکت ۱۲ گروه نمایشی برگزار گردید. نمایشنامه های شرکت کننده عبارت بودند از:
- ۱- فانوس دریایی نوشته عنایت هوشمندکار اسد زارعی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس



- ۹- "آه اسفندیار منموم" نوشته یار علی پور مقدم و کار محمد رضا قدس ولی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گرگان
- ۱۰- "قاب بی تصویر" نوشته و کار علی نقی رزاقی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس
- ۱۱- "حکایتی ساده" نوشته و کار محمد هادی نامور از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گرگان
- ۱۲- "آیات" نوشته و کار نعمت الله لاریان از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان
- در پایان نمایشنامه های "قاب بی تصویر" و "حکایتی ساده" جهت شرکت در نهمین جشنواره تئاتر فجر انتخاب گردیدند.

جشنواره تئاتر منطقه ۴

- از تاریخ ۶۹/۱۰/۱ لغایت ۶۹/۱۰/۱۰ به مدت ده روز در تالارهای اندیشه باشگاه کارگران و سالن احمر امصهان با شرکت ۱۲ گروه نمایشی در بخش مسابقه و یک گروه درب - خش میهمان برگزار گردید. نمایشهای شرکت کننده عبارت بودند از:



جشنواره و تماشاگران

است به مانند يك می شود. مرضیه بروجردي معلم است و به گفته خردش به کار هنری علاقه زیادی دارد. او می گوید:

نمایش "بهترین گل های قالی" را در سالن اول سالن اصلی تئاتر شهیدیم. سوزه خوب بود و من خوشم آمد اما می توان گفت موسیقی بیشتر بر صحنه حاکم بود تا بازی و متن.

روز جمعه (سومین روز از جشنواره) استقبال مردم به قدری بود که بعضی از آنها موفق به خرید بلیط نمایش هایی که ظرفیت سالن آن تکمیل شده بودند نشدند. از زن و مردی با دو کودک خود در صف بلیط ایستادند سوال می کنم که برای دیدن چه نمایشی آمده اند. می گویند:

"ما گگاهی در روزهای تعطیل برای دیدن تئاتر به اینجا می آئیم و الان قصد داریم که نمایش "حکایتی ساده" را تماشا کنیم. بعضی می گویند نمایش جالبی است."

مجتبی محمدی دانشجوی مهندسی عمران دانشگاه اراک که برای شرکت در جشنواره به تهران آمده است می گوید:

"بخش جنبی و ویژه بیشتر مورد علاقه من بود مثلاً نمایش "باز باران" سوزه جالبی داشت. متن قوی بود ولی کارگردانی و بازیگری ضعیف به نظرم رسید. من از متن بیشتر خوشم آمد."

روز شنبه چهارمین روز از نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر با نمایش های شقایق دره، پر پرواز و باز باران در تئاتر شهر ادامه یافت.

از تماشاگری درباره نمایش شقایق دره می پرسیم: نهمین شهیندلیان سنای صناعی دستی و علاقه مند به تئاتر می گوید:

"شقایق دره بیشتر از آنکه یک نمایش بامتنی دقیق و حساب شده باشد یک نوع نمایش رقص سنتی و محلی بود. آنچه بیشتر باعث شد من تا آخر نمایش بمانم موسیقی محلی و سنتی و

جشنواره سراسری تئاتر فجر امسال از ۲۴ آلی

۳۰ بهمن ماه برگزار گردید. تغییر تاریخی جشنواره باعث شد تا تماشاگران و علاقه مندان زیادی بتوانند با فراغت و بدون تداخل برنامه های دیگری که به مناسبت ایام دهه فجر برگزار می شود، تئاترهای مورد علاقه خود را تماشا نمایند. جشنواره امسال نیز در چند بخش مجزا مشخص شده از سوی مرکز هنرهای نمایشی کار خود را در روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه در ۱۷ سالن نمایشی آغاز نمود. در روزهای مختلف جشنواره به سراغ تماشاگران رفته ایم تا از نظرات آنها درباره نمایش ها جویا شویم. با هم می خوانم:

روز اول جشنواره با وجود هوای سرد و برفی تماشاگران زیادی برای دیدن نمایش در محوطه تئاتر شهر حضور داشتند. در این روز "زیباترین گل های قالی"، "تقلید هفت خوان" و "باز باران" برنامه سالن های تئاتر شهر بودند. بروشور تقلید هفت خوان نظر تماشاگران را به خود جلب کرده بود. از تماشاگری به نام "زهره شکری" دانشجوی ریاضی که بروشور را به دست داشت می پرسیم:

"نمایش هفت خوان را دیده اید؟"

پاسخ می دهد: "نه ندیدم اما بروشور آن مطلبی که در بروشور خواندم نظر مرا جلب کرد تا دیدن این نمایش بروم."

چند نمایش تا الان دیده اید؟

اهل باختران هستم و برای دیدن نمایش "شور آبساران" کار همشهریانم در سالن اول به تالار وحدت رفتم. نمایش با استقبال خوبی رو برو شد. الان نیز برای دیدن نمایشی به اینجا آمدم که بروشور "تقلید هفت خوان" توجه مرا جلب کرد.

هنگام گفتگو تماشاگر دیگری که در صف نمایش



۱- «آرزوهای حکیم» نوشته و کار ناصر حافظی مقدم از استان یزد

۲- «نیلوفرهای آبی» نوشته و کار پرویز عرب از استان تهران

۳- «خانواده یک سرباز» بر اساس منظومه یوشیچ و کار یوسف عاشوری از استان گیلان

۴- «گرگ و میش» نوشته و کار حسین پرستار از تهران

۵- «بند» نوشته تاجبخش فناپان کار میرو دایی در بخش میهمان از استان اصفهان

۶- «سوخته ها» نوشته و کار قربانعلی موسوی از استان کهگیلویه و بویراحمد

۷- «نادر» نوشته خلیلی کار محمدرضا ابوالحسنی از استان یزد

۸- «بار دیگر باران» نوشته فرهاد پاک سرشت کار رضا میر معنی از استان گیلان (شهرستان فومن)

۹- «پر پرواز» نوشته و کار پرویز عرب از استان تهران

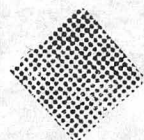
۱۰- «گلریزان» نوشته منصور خلیج کار عزیز موسویان از استان چهارمحال و بختیاری

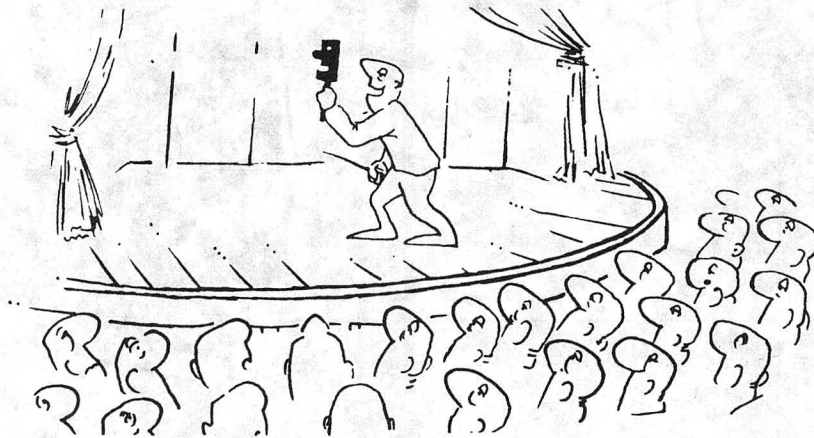
۱۱- «تخت قاپو» نوشته و کار ملکشا ابدالی از استان اصفهان

۱۲- «تندیس» نوشته و کار ابراهیم ابراهیمی از استان کهگیلویه و بویراحمد

۱۳- «آدمها و سیم های خاردار» نوشته و کار مصطفی توفیقی از استان چهارمحال و بختیاری

در پایان دو نمایشنامه «پر پرواز» و «بار دیگر باران» جهت شرکت در نهمین جشنواره تئاتر فجر برگزیده شدند.





"کلا در مقایسه با جشنواره پارسال از نظر کمی و کیفی سطح بالایی داشت و مسئولین توجه بیشتری کرده بودند و استقبال مردم نیز از برنامه ها خوب بود. ولی باز فکرمی‌کنم نمی‌توان این را چندانایی در نظر گرفت. چون نمی‌توان برای تئاتر و کار هنری حدی مطلوب را تعیین کرد."

متأسفانه موفق به دیدن کارهای زیادی نشدم. باتوجه به چند نمایشی که دیدم از "قاب بی - تصویر" کار گروه شیراز خوش آمد. "سیماق‌ریشی دیپلمه و علاقمند به هنرمی‌گوید: "امسال به دلیل شرکت گروه‌های آماتور و حرفه‌ای در جشنواره برنامه ها از تنوع زیادی برخوردار بود و کلاً نظم و ترتیب از سالهای پیش بهتر بود و کمتر تماشاگری ناراضی از تئاتر شهر بیرون می‌رفت. البته باز امیدواریم که در سال های آینده بهتر از این هم بشود و شاهد کارهای بهتر و باکیفیت بالاتری باشیم."

گفتگو: سهیلا احمدی فرد

از ستانسی هادری که دیگر تداخل پیدا کردند. مثلاً امروز نمایش "قاب بی تصویر" در سه ستانسی اجرا داشت در صورتیکه در برنامه دو ستانسی قید شده بود و ما اگر می‌دانستیم سه ستانسی است برنامه هایمان را طوری تنظیم می‌کردیم تا شاید در سالنهای دیگر غیر از تئاتر شهر نیز نمایشها را ببینیم."

آقای عباسی دانشجوی کامپیوتر می‌گوید: "من چندان آشنایی نسبت به نمایش هانداشتم. تنهامرج من تبلیغات تلویزیون بود. البته به دلیل آشنایی بانویسنده "دلی بای و آهو" به دیدن این نمایش رفتم. به جز دلی بای و آهو، "حکایت شهر سگی" را دیدم. بدن بود ولی کارگردان خود را به متن تحمیل کرده بود. همه باز گروه به متن."

دوشنبه روز آخر جشنواره حال و هوای خاصی داشت. نمایش "معز که در معرکه" با استقبال خوبی روبرو شد و تماشاگران زیادی در پشت در بسته سالن ماندند. شعله شریعتی دانشجوی تئاتر در دانشکده هنرهای زیبا در رابطه با چگونگی برگزاری جشنواره امسال می‌گوید:

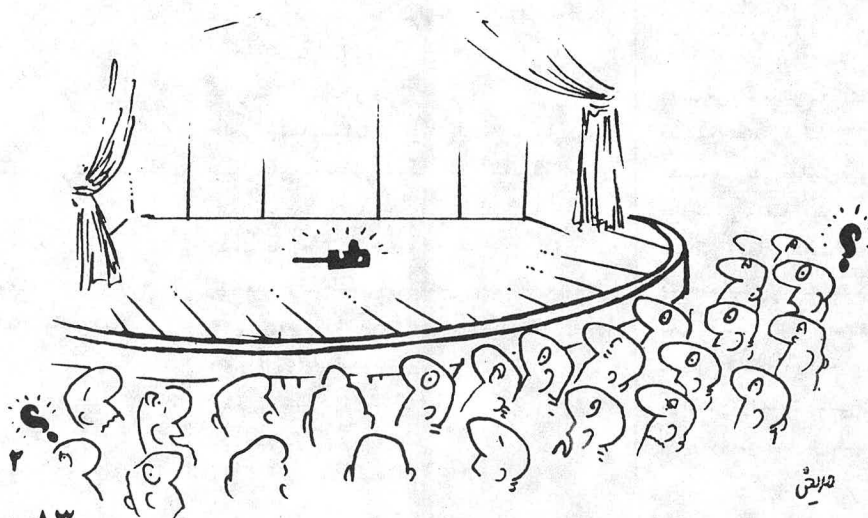
حرکات موزون بازیگران بود. اما متن نمایش و کلا شخصیت "شقایق دره" غلو شده و غیر قابل ملموس بود."

خانم "محمدی" خانه دارد و باره نمایش می‌گوید: "من خیلی خوشم آمد. نمایش شادی بود هم موضوع و هم بازیگران خوب بازی کردند. خوب از این چیزها در جامعه زیاد است."

از دختر خانم محمدی سؤال می‌کنم اومی‌گوید: نمایش قشنگ بود. من خوشم آمد اما فکرمی‌کنم در یک ایل دختری بتواند به این شکل جلوی بزرگتر از خود بلند شود. یک دختر مشهدی هم این کار را با احتیاط و ترس می‌کند چه رسد به یک ایلیاتی."

۲۸ بهمن ماه - روزهای آخر جشنواره - استقبال تماشاگران خوب به نظر می‌رسد. خیلی از چهره ها آشناست. مجتبی محمدی به طرفم می‌آید و می‌گوید: "نمایش "قاب بی - تصویر" را دیدم سوزه جالب و جدید بود." وی در رابطه با چگونگی برگزاری جشنواره می‌گوید:

"در اویل خوب بود اما بعد کمی سرد گرم برگزار شد. البته به این خاطر می‌گویم که بعضی





• چه کسی گفته است من ناامیدم؟
امید، شماره ۲- ۶۹/۱۰/۲
به بهانه اولین سالروز مرگ بکت، نمایشنامه-
نویس و شاعر بزرگ ایرلندی •
• نخستین جشنواره تئاتر سوره استان بوشهر به
کارخودپایان داد •
رسالت، شماره ۱۴۳۶- ۶۹/۱۰/۳

• همزمان با بزرگداشت حکیم فردوسی نمایشنامه
هفت خوان به روی صحنه آمد، اجرای نمایش
عروسی "هفت خوان رستم" در تالار سنگلج •
اطلاعات، شماره ۱۹۲۲۲- ۶۹/۱۰/۴

• از کنگره ...
فضیلت، شماره ۴۱- ۶۹/۱۰/۵
گزارشی از نمایشهایی در متن کنگره جهانی
بزرگداشت فردوسی و تراژدی اسفندیار در تالار -
وحدت •
• اجرای نمایش عروسی هفت خوان در تالار -
سنگلج •
ایرار، شماره ۶۲۳- ۶۹/۱۰/۵

• هزاره هزاره ها "در تئاتر چهارسو"
ایرار، شماره ۶۲۳- ۶۹/۱۰/۵

• سی مرغ، سیمرغ •
کیهان، شماره ۱۴۰۸۳- ۶۹/۱۰/۵
نقد و بررسی نمایش سی مرغ، سیمرغ •
• موسیقی رزمی و تئاتر حماسی در تالارهای نمایشی
تهران، تقلید هفت خوان، هفت خوان رستم،
گروه نمایشی خیمه شب بازی در جشنواره جهانی
ناپل، شب سیب زمینی •
کیهان، شماره ۱۴۰۸۳- ۶۹/۱۰/۵
گزارشی از نمایشهایی به مناسبت هزاره فردوسی
نقد و بررسی نمایش شب سیب زمینی •

• اولین جشنواره تئاتر "سوره استان آذربایجان
شرقی در تبریز آغاز به کار کرد •
اطلاعات، شماره ۱۴۰۷۶- ۶۹/۹/۲۶

• جنگ ادبی - هنری آزادگان در اهواز •
جوانان، شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶

• "نگار و تئاتر کودک"
قدس - خراسان، شماره ۸۶۶- ۶۹/۹/۲۸
نقد و بررسی نمایش "نگار" ویژه کودکان و
نوجوانان •
• نخستین جشنواره تئاتر سوره استان فارس
نمایشهای برتر خود را برگزید، اجرای چند نمایش
به مناسبت هزاره تدوین شاهنامه در تهران •
اطلاعات، شماره ۱۹۲۱۹- ۶۹/۱۰/۱

• تئاتر در بزرگداشت فردوسی •
ایرار، شماره ۶۲۹- ۶۹/۱۰/۲
• همزمان با بزرگداشت حکیم فردوسی نمایش
"هفت خوان" به روی صحنه آمد •
کار و کارگر، شماره ۵۳۱- ۶۹/۱۰/۲

• نگاهی به دومین جشنواره تئاتر گیلان •
آرمان، شماره ۸۹- ۶۹/۱۰/۲
گزارشی از جشنواره

• اجرای نمایشنامه ای از "وله سوئیکا" در
انگلستان، کوشش بزرگ برای جلب نوجوانان
به تئاتر •

امید، شماره ۲- ۶۹/۱۰/۲
گزارشی از فعالیتهای تئاتری در انگلیس •
• مهری مهرنیا: ۶۰ سال دنبال هنر دویده ام
و هنرزان را پیدا نکردم •
آرمان، شماره ۸۹- ۶۹/۱۰/۲
مصاحبه با مهری مهرنیا •

• رئیس جمهور:
امید است تئاتر به عنوان موثرترین
قالب هنری علاقه همه ملت را برانگیزد •
ایرار، شماره ۶۱۶- ۶۹/۹/۲۶
خلاصه ای از پیام ریاست جمهوری در نخستین
جشنواره تئاتر سوره •
• نمایش "نیلوفرهای آبی" از استان مرکزی به
جشنواره منطقه ای اصفهان راه یافت •
کار و کارگر، شماره ۴۹- ۶۹/۹/۲۶

• دکتر صادقی: بعضی وقت ها بین دوغ و دوشاب
فرق نمی گذارند •
آینه، شماره ۵۲- ۶۹/۹/۲۶
گفتگو با قطب الدین صادقی به انگیزه کار اخیر
"سی مرغ، سیمرغ" •
• "هلوغ" در هندیجان به صحنه رفت •
جوانان، شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶
خبری از اجرای نمایش "هلوغ" •
• عزت الله انتظامی و بازگشت به تئاتر •
جوانان - شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶
• تاریخ نمایش در گیلان •
جوانان، شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶

• سالن نمایش باشگاه فرهنگی - ورزشی ایرانی
دوبی افتتاح شد •
جوانان، شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶
خبری از اجرای نمایش کاکاسیاه در دوبی •
• آلبرت فینی در اولین اجرای "وقتی دیگر"
ایفای نقش خواهد کرد •
جوانان، شماره ۱۲۱۵- ۶۹/۹/۲۶
اخبار خارجی تئاتر

• نمایشنامه " سنتور استخوانی " به جشنواره - منطقه ای ارومیه راه یافت
• رسالت، شماره ۱۴۳۸ - ۵/۶۹/۱۰

• خبرهایی از واحدهما هنگی مرکز هنرهای نمایشی (شامل : مدیران کل چهار استان ، مورد تقدیر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفتند، هشت نمایش برتر معرفی شده به جشنواره جشنواره ها سی و ششمین شماره مجله نمایش منتشر شد، اولین جشنواره قطعات نمایشی در شیراز برگزار شد، انجمنهای نمایش سراسر کشور و نخستین جشنواره نمایش " کامو " به روی صحنه رفت ، " ماجرای باغ وحش " در سالن قشقایی .
• جوانان ، شماره ۱۲۱۸ - ۱۷/۶۹/۱۰

• بادی در درختان بید " در تئاتر ملی انگلیس توفان کرد
• جوانان ، شماره ۱۲۱۸ - ۱۷/۶۹/۱۰
• گزارشی از نمایش " بادی در درختان بید " در - انگلیس .

• چگونگی شرکت در جشنواره تئاتر عروسکی - ایتالیا تشریح شد
• جوانان ، شماره ۱۲۱۸ - ۱۷/۶۹/۱۰
• گزارشی از سفر گروه خیمه شب بازی به ایتالیا .

• قدردانی دکتر خاتمی از مدیران کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استانهای فارس ، همدان ، آذربایجان شرقی و اصفهان .
• اطلاعات ، شماره ۱۹۲۲۸ - ۱۱/۶۹/۱۰
• قدردانی به پاس برگزاری دومین جشنواره استانی و منطقه ای .

• سلام ، خدا حافظ .
• جوانان شماره ۱۲۱۷ - ۱۱/۶۹/۱۰
• خبر نمایش سلام خدا حافظ .

• نمایش منظوم رستم و اسفندیار " نشانه نظم اصالتها .
• جوانان ، شماره ۱۲۱۷ - ۱۱/۶۹/۱۰
• نقد و بررسی نمایش رستم و اسفندیار .

• بودن یا نبودن مسئله این است " .
• کار و کارگر ، شماره ۶۱ - ۱۱/۶۹/۱۰
• نگاهی به " هملت " شکسپیر ، نگاهی به - " هملت " کوزنتسوف .

• کانون ملی منتقدین تئاتر ایران تشکیل شد .
• بشیر ، شماره ۴۲ - ۱۲/۱۰/۶۹

• نگاهی کهنه بر منطق الطیر عطار .
• فضیلت ، شماره ۴۲ - ۱۲/۱۰/۶۹
• نقد و بررسی نمایش سی مرغ ، سیمرغ .

• برگزیدگان تئاترهای استانی سوره در تئاتر کا منطقه ای شرکت می کنند ستاد فستیوال بین - المللی نمایش عروسکی تشکیل شد ، هشت نمایشنامه در شهرستانها به روی صحنه رفت .
• " دیار دوست در ملایریه روی صحنه رفت .
• انتخاب سه نمایشنامه از اردکان .

• کیهان شهرستان ، شماره ۱۴۰۹۰ - ۱۳/۱۰/۶۹
• نقدی بر دو نمایش .
• اطلاعات ، شماره ۱۹۲۲۳ - ۵/۶۹/۱۰
• نقد و بررسی دو نمایش حکایت شهرسنگی و سی مرغ (سیمرغ) .

• مرغ باغ ملکوت نیم از عالم خاک .
• اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۵۰۹ - ۵/۶۹/۱۰
• نقد و بررسی نمایش سی مرغ ، سیمرغ .

• دفتر جدید انجمن نمایش شهرستان آمل افتتاح شد .
• اطلاعات هفتگی ، شماره ۲۵۰۹ - ۵/۶۹/۱۰
• گزارشی از افتتاحیه دفتر انجمن نمایش آمل .

• استقبال میهمانان کنگره فردوسی از نمایش " تراژدی اسفندیار " .
• اطلاعات ، شماره ۱۹۲۲۴ - ۶/۱۰/۶۹

• انتخاب دو کار برگزیده در اولین جشنواره تئاتر استانی سوره در شاهرود .
• کیهان شهرستان ، شماره ۱۴۰۸۴ - ۶/۱۰/۶۹

• استاد خمسهای و مبارک در ایتالیا برای ایران - افتخار آفرینند .
• ابرار ، شماره ۶۳۲ - ۱۶/۱۰/۶۹
• گزارشی از سفر گروه خیمه شب بازی به ایتالیا .

• پاسخ نویسنده نمایشنامه " راهی به سوی نور " به انتقادات مطرح شده در مورد این نمایشنامه .
• اطلاعات شهرستانها ، شماره ۱۹۲۲۷ - ۱۰/۱۰/۶۹
• پاسخ به نقد .

• انتشار آثاری در زمینه نمایش عروسکی .
• ابرار ، شماره ۶۳۳ - ۱۷/۱۰/۶۹

• نقش نمایش در تعلیم و تربیت .
• امید ، شماره ۴ - ۱۶/۱۰/۶۹
• معرفی کتاب

• مرکز کارآموزی ، ویژه حرفه های مربوط به تئاتر ، جوانان ، شماره ۱۲۱۸ - ۱۷/۱۰/۶۹
• گزارشی کوتاه از تئاتر ملی اسلواک .

• تئاتر اهواز هم مانده کارون ، لایروبی می خواهد جوانان ، شماره ۱۲۱۸ - ۱۷/۱۰/۶۹
• مصاحبه با نویسنده و کارگردان نمایش یک قدم تا عشق .

• نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر ابرار ، شماره ۶۴۹ ، ۶/۱۱/۶۹

• کانون ملی منتقدین تئاتر فعالیت خود را آغاز کرد .
• کار و کارگر ، شماره ۸۳ ، ۷/۱۱/۶۹

• به استقبال جشنواره تئاتر فجر برویم ، ۱۹ نمایش در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر .
• هجرت ، شماره ۱ ، ۷/۱۱/۶۹
• گزارشی از جشنواره تئاتر فجر

• در جستجوی رابطه های انسانی آینه ، شماره ۵۸ ، ۸/۱۱/۶۹

• گفتگو با سهراب سلیمی کارگردان " کبودان و اسفندیار "

• اجرا نمایشنامه " راز درخت مقدس " در حضور مسئولین شهر .
• رسالت ، شماره ۱۴۷۱ ، ۱۶/۱۱/۶۹

• اجرای نمایشنامه های گوناگون در شهرستانها کیهان شهرستان ، شماره ۱۴۱۱۸ ، ۱۸/۱۱/۶۹

■ **فصلنامه تئاتر ویژه پژوهش های تئاتری**
اطلاعات هفتگی، شماره ۲۵۱۵، ۶۹/۱۱/۱۷
معرفی فصلنامه تئاتر.

■ **اهداف و برنامه های جشنواره سراسری تئاتر فجر**
کیهان، شماره ۱۴۱۱۷، ۶۹/۱۱/۱۷
اعلام اهداف و برنامه های جشنواره از سوی سرپرست مرکز هنرهای نمایشی

■ **دعوت کانون ملی منتقدین تئاتر از نویسندگان و پژوهشگران**
کیهان، شماره ۱۴۱۱۷، ۶۹/۱۱/۱۷

■ **نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر از ۲۴ تا ۳۰ بهمن در تهران برگزار می شود.**
اطلاعات، شماره ۱۹۲۵۸، ۶۹/۱۱/۱۷
گزارشی از برگزاری جشنواره

■ **مضامونی رنگ باخته، شکلی چشم نواز**
فضیلت، شماره ۴۷، ۶۹/۱۱/۱۷
نقد و بررسی نمایش "مجلس هفت خوان رستم" به کارگردانی آتیلا پسیانی

■ **۲۵ نمایش در ۱۷ سالن**
کیهان، شماره ۱۴۱۱۷، ۶۹/۱۱/۱۷

■ **کوهولین**
بازار روز، شماره ۵۰۷، ۶۹/۱۱/۱۸
نقد و بررسی نمایش "کوهولین" کارگروه تئاتر دانشجویان دانشکده هنر به سرپرستی رکن الدین خسروی.

■ **برنامه های نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، آشنایی با سالنهای تئاتر در ایام جشنواره**
مصادحه مطبوعاتی دبیر جشنواره سراسری تئاتر فجر.

رسالت، شماره ۱۴۷۳، ۶۹/۱۱/۱۸
گزارشی از برنامه های جشنواره

■ **۲۵ نمایش در نهمین جشنواره تئاتر فجر به اجرا درمی آیند.**
ابرار، شماره ۶۶۰، ۶۹/۱۱/۲۰

■ **تاکید رئیس جمهور بر رسالت و تعهد هنرمندان**

رسالت، شماره ۱۴۷۸، ۶۹/۱۱/۲۹
در دیدار ریاست جمهوری با هنرمندان برگزیده تئاتر فجر.

■ **جشنواره تئاتر کودک و نوجوان در همدان**
بازار روز، شماره ۵۰۸، ۶۹/۱۱/۳۰
گزارش

■ **تعهد برای هنرمندیک ضرورت است و نباید ارزش وجودی خود را وسیله ای برای امرار معاش تلقی کند، شقایق دره.**

کاروکارگر، شماره ۹۷، ۶۹/۱۱/۳۰
گزارشی از دیدار هنرمندان برگزیده نهمین جشنواره تئاتر فجر با ریاست جمهوری، نقد و بررسی نمایش "شقایق دره" نمایش منتخب جشنواره

■ **شب سیب زمینی: تصویری پریده رنگ از طنزی اجتماعی نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر**
تهران - ۳۰ - ۲۴ بهمن ۱۳۶۹
ابرار، شماره ۶۶۳، ۶۹/۱۱/۲۸
نقد و بررسی نمایش شب سیب زمینی.

■ **تئاتری های واقعی و تئاتری های غاصب**
آینه، شماره ۶۱، ۶۹/۱۱/۲۹
گفت و گویی با بهروز غریب پور، نویسنده و کارگردان تئاتر.

■ **جلسات نقد و بررسی سمینار تئاتر امروز**
آینه، شماره ۶۱، ۶۹/۱۱/۲۹

■ **رئیس جمهوری بر حمایت مسئولان نظام از جامعه هنری کشور تاکید کرد.**
اطلاعات، شماره ۱۹۲۶۴، ۶۹/۱۱/۲۹
دیدار ریاست جمهوری با هنرمندان برگزیده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر

■ **رئیس جمهور: ارزش هنر در خدمت به مردم و تحکیم انقلاب نهفته است.**

کیهان، شماره ۱۴۱۲۳، ۶۹/۱۱/۲۹
دیدار ریاست جمهوری با هنرمندان برگزیده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.

■ **برنامه های امروز نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.**

ابرار، شماره ۶۶۴، ۶۹/۱۱/۲۹

■ **باید از هنر در جهت تقویت و تحکیم انقلاب و خدمت به توده های مردم استفاده کنیم.**
ابرار، شماره ۶۶۴، ۶۹/۱۱/۲۹
دیدار ریاست جمهوری با هنرمندان تئاتر (در نهمین جشنواره تئاتر فجر)

■ **باید از هنر به عنوان یکی از بهترین وسیله رشد و تربیت مردم استفاده شود.**
جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۹۵، ۶۹/۱۱/۲۹
دیدار ریاست جمهوری با هنرمندان تئاتر در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.

■ **جشنواره جشنواره ها**
کیهان، شماره ۱۴۱۲۵، ۶۹/۱۲/۱
گزارشی از ۱۸۶ اجرای صحنه ای در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.

■ **اختتامیه نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر**
رسالت، شماره ۱۴۸۰، ۶۹/۱۲/۱

■ **اعضای هیات امنای انجمن نمایش شهرضا انتخاب شدند، اجرای برنامه های هنری در رامهرمز و روستاهای تابعه، تشکیل مجمع عمومی انجمن نمایش در ماسال شاندرمن، اعضای انجمن نمایش شاهین شهر انتخاب شدند.**
کیهان شهرستان، شماره ۱۴۱۲۶، ۶۹/۱۲/۲

■ **به بهانه نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر**
بشیر، شماره ۱۶۳، ۶۹/۱۲/۲
نگاهی به کارنامه تئاتر ۶۹.

■ **کار غافلگیرکننده دیگری از تئاتر برررسی شتابزده نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.**
بشیر، شماره ۱۶۴، ۶۹/۱۲/۹
نقد و بررسی نمایش کوهولین.

■ **هنرمندان مسلمان دانشگاهی باید توجه به موضوعات جامعه اسلامی را سرلوحه کارهای خود قرار دهند.**
اطلاعات، شماره ۱۹۲۷۵، ۶۹/۱۲/۱۳

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به ششمین جشنواره تئاتر دانشجویان.

■ **امیدهایی که نباید ناامید شوند.**
بشیر، شماره ۱۶۳، ۶۹/۱۲/۲
نگاهی گذرا به نمایشهای شهرستانی جشنواره تئاتر فجر.

■ **نمایشنامه "بار دیگر باران" از فومن به نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر راه یافت**
اطلاعات شهرستانها، شماره ۱۹۲۶۹

مسابقه نمایشنامه نویسی یوم‌الله ۱۲ فروردین

دفتر تهیه و تدوین و تولید متون نمایشی به یمن فرارسیدن سالروز جمهوری اسلامی مسابقه نمایشنامه نویسی یوم‌الله ۱۲ فروردین را برگزار می‌کند.

نمایشنامه نویسان گرانقدر برای شرکت در این مسابقه بزرگ می‌توانند آثار خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۶۹/۱۲/۲۵ به دفتر تهیه و تدوین ارسال دارند. این دفتر علاوه بر چاپ آثار برتر به پنج نمایشنامه برگزیده هیئت داوران در جشنی به مناسبت روز جهانی تئاتر جوایز زیر را اعطا می‌کند.

| | |
|-----------|------------------|
| نفر اول | ۵ سکه بهار آزادی |
| نفر دوم | ۴ سکه بهار آزادی |
| نفر سوم | ۳ سکه بهار آزادی |
| نفر چهارم | ۲ سکه بهار آزادی |
| نفر پنجم | ۱ سکه بهار آزادی |

توضیح:

الف - متون ارسالی تایپ شده یا خوانا بر یک روی کاغذ نوشته شده باشد

ب - آثار ارسالی عودت داده نمی‌شود

ج - متون ارسالی حداقل در سه نسخه فرستاده شود

د - نشانی: تهران - خیابان حافظ - خیابان ارفع - تالار وحدت - دفتر تهیه و تدوین.

دفتر تهیه و تدوین و تولید متون نمایشی
مرکز هنرهای نمایشی

*عروسکهای ژاپنی: تجسم ظریف، هماهنگی در ساخت و پرداخت.
آینه، شماره ۶۳، ۱۳/۱۲/۶۹.

*شرکت هنرمندان ایرانی در فستیوال تابستانی تئاتر در آوینیون.
ابرار، شماره ۶۷۵، ۱۳/۱۲/۶۹.

*در گذر از بخش جشنواره جشنواره‌ها، گذراز - نمایشهای بخش ویژه و جنبی به روایت موضوع، زن روز، شماره ۱۳۰۵، ۱۳/۱۲/۶۹.

نقد و بررسی نمایشهای بخش جشنواره جشنواره

*موفقیت نمایش بلبل سرگشته در تالار سنگلج، بازار روز، شماره ۵۱۰، ۱۴/۱۲/۶۹.
نقد و بررسی نمایش بلبل سرگشته

*نمایشنامه "شیطان در تابستان" در شاهین شهر به روی صحنه رفت.
اطلاعات شهرستانها، شماره ۱۹۲۷۵، ۱۳/۱۲/۶۹.

*مراسم اختتامیه نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، ششمین جشنواره تئاتر دانشجویان پهلوان، شماره ۱۰۴، ۱۴/۱۲/۶۹.

*قطعنامه دومین سمینار سراسری مسئولین انجمنهای نمایش کشور - بهمن ماه ۱۳۶۹، اطلاعات شماره ۱۹۲۸۲، ۲۲/۱۲/۶۹.

متن کامل قطعنامه دومین سمینار سراسری مسئولین انجمنهای نمایش کشور

*گزارشی از ششمین جشنواره سراسری تئاتر دانشجویان کشور
رسالت، شماره ۱۴۹۸، ۲۳/۱۲/۶۹.

گزارشی از جشنواره دانشجویی همراه با محاسبه ساینده نغز از دانشجویان شرکت کننده در جشنواره و مهندس سمیع آذر

*دعوت مرکز هنرهای نمایشی از گروههای نمایشی سنتی عروسی
ادبستان، شماره ۱۵، ۲۵/۱۲/۶۹.

خبری کوتاه از سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسی تهران

*آراء منتقدین تئاتر مسابقه عکاسی تئاتر ابرار، شماره ۶۶۷، ۲/۱۱/۶۹.
اعلام آراء کانون ملی منتقدان تئاتر و خبر اولین دوره مسابقه عکاسی در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.

*گزارش کامل نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر بازار روز، شماره ۵۰۹، ۶/۱۲/۶۹.

*هیچکس به ماندن نمی‌اندیشد همه به گذران فکر می‌کنند.
آدینه، شماره ۶۲، ۶/۱۱/۶۹.

گفتگوی با پرویز غریب پور نویسنده و کارگردان تئاتر

*چهارمین دوره مسابقه قصه و نمایشنامه نویسی از سوی جهاد دانشگاهی برگزار می‌شود.
رسالت، شماره ۱۴۸۴، ۶/۱۲/۶۹.

*پایان نامه نهمین جشنواره تئاتر "قالب بی تصویر"
پهلوان، شماره ۱۰۳، ۷/۱۲/۶۹.
نقد و بررسی نمایش قالب بی تصویر

*ششمین جشنواره تئاتر دانشجویان کشور در کاشان برگزار می‌شود.
رسالت، شماره ۱۴۸۵، ۷/۱۲/۶۹.

*پایان کار پنجمین جشنواره تئاتر در مردند جمهوری اسلامی، شماره ۳۴۰۲، ۷/۱۲/۶۹.

*نمایشهای جشنواره جشنواره هادریک نگاه.
اطلاعات هفتگی، شماره ۸۰۲۵۱۷، ۸/۱۲/۶۹.
گزارشی کامل از نمایشهای شرکت کننده در نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر.

*گزارشی از جشنواره‌های تئاتر، فیلم و شبهای شعر در شهرستانها - برگزیدگان ششمین جشنواره تئاتر دانش آموزان کردستان معرفی شدند.
کیهان شهرستانها، شماره ۱۴۱۳۲، ۹/۱۲/۶۹.

*شرکت هنرمندان ایرانی در فستیوال تابستانی تئاتر در آوینیون.
رسالت، شماره ۱۴۸۸، ۱۲/۱۲/۶۹.

*نمایشهای نهمین جشنواره سراسری تئاتر فجر بهترین‌های دو جشنواره فیلم و تئاتر فجر - از دیدگاه "هجرت"، نگاهی گذرا به وضعیت سینما و تئاتر در قبل و بعد از انقلاب اسلامی (سینما و تئاتر، دیروز و امروز)
هجرت، شماره ۵، ۱۳/۱۲/۶۹.

رویدادهای تئاتری

* اجرای سب

نویسنده و کارگردان : مجید میرزایی
بازیگران : غلامرضا امیری ، عارف برهمین ،
محمدصادق تحسینی ، مهشید درخال ، محمدرضا
زکی زاده ، نسرين زارع ، حبیب صابر ، مجید
میرزایی .
تئاتر شهر ، سالن شماره ۲ ، ۶/۳۰ بعد از ظهر .

* تراژدی اسفندیار

نویسنده : علی چراغی
کارگردان : حسین فرخی
کار : گروه تئاتر اندیشه
بازیگران : سید بابا ، عبدالحسین بقال لاله ،
عباس بیژنی ، حمیرا حسینی ریاضی ، حسین
رجایی دوست ، غلامحسین رهبر ، مصطفی سرایی
شهریار شمسی ، حسین شیخی ، غلامرضا عباسی ،
مجتبی کاظمی ، علی وطن دوست ، سیدجعفر
کشیری ، احمد مومنی ، عباس میرقائد ، اسماعیل
هراسلی ، کوروش نریمانی .
تالار وحدت ، ۵/۳۰ بعد از ظهر .

* ماه پیشرونی

نویسنده : میترا بیات
کارگردان : جواد خالومی
بازیگران : پیمان فاضلی ، منوچهر عسگری راد ،
آزینار خمنش ، عباس غفاری ، شهریار نویندانی ،
سارابنی صدر ، ابوالفضل سلک ، علی عظیمی ،
فریدفرج حمزوی ، شکوفه مفرنژاد ، لیلا احمدی
نژاد ، طیبه ابراهیمی ، نوین برزگردانی ،
مهدی پرهیزکار .
تئاتر شهر ، سالن شماره ۲ ، ۵ بعد از ظهر .

* اجرای باغ وحش

نویسنده : ادوارد آلبی
کارگردان : احمد طاهونچی
بازیگران : حسینعلی بینوایی ، احمد ماهونچی .
تئاتر شهر ، سالن قشایی ، ۵ بعد از ظهر .

* زیباترین گلهای قالی

نویسنده و کارگردان : امیر دژاکام
کار : گروه تئاتر اندیشه
بازیگران : هوشنگ هیپاوند ، اردلان شجاع کاوه
علیرضا حنیفی ، ماهدخت اردلان ، سعیدذهنی ،
الیزا اورامی ، داراب نیا ، سپیده نظری پور ،
نسرین مؤدهی نیا ، فاطمه جعفری ، رویا
بحیرایی ، جلیل فتوحی ، رستم ایران نژاد ،
حجت شرقی پور ، بهزاد جاودان فرد ، سیف زاده
فهیمة آزاده ، آرش ایرانپور ، محمد غرید ، فرزین
چنگی ، شیرین شهیدی .

* هفت خوان

نویسنده و کارگردان : آتیلا پسیانی
بازیگران : قاسم زارع ، حسن زارعی ، حسین
عاطفی ، رضا فیاضی ، مهدی میامی ، فاطمه
نقوی ، علی نوتاش ، ستاره پسیانی .
تئاتر شهر ، سالن چهارسو ، ۵ بعد از ظهر .
کاری از گروه تئاتر بازی

* کبودان و اسفندیار

نویسنده : آرمان امید
طراح : کیانوش امیری
کارگردان : سهراب سلیمی
بازیگران : هرمز هدایت ، حمید مظفری ، حمید
لیقوانی .
تئاتر شهر ، سالن چهارسو ، ۶/۳۰ بعد از ظهر .

تئاتر شهرستان

* بابل

" شاهکار بار بار خانم
بر اساس نمایشنامه " رقیه خانم میمون زائید "
نوشته : ابراهیم مکی
کارگردان : علی محمدی حاجی
بازیگران : عباس ابوالحسنی ، علی محمدی -
حاجی ، رضاچرم زاده ، محمدرضا ذبیح الله زاده
پیش رو راستگو ، محمدرشید ، قاسمیان ، جام جمی ،
لطفی ، علیجان پور ، موری کلاگستر ،
زین العابدینی .

* مهاباد

" تلنگر سلیم "
نویسنده : سیدمجید زارعکار
کارگردان : سیدمسعود سیدقادر مکی
بازیگران : بابائیان ، پیروی اسلام ، پیره بابی ،
جعفرنژاد ، حمزه زاده ، نقده ، مکی ، تنهایی .

* سرخس

" سالهای تلخ "
نویسنده و کارگردان : عباس ایرانمهر
بازیگران : موسویان ، هراتی ، موسوی کلات ،
حاج حسینی ، قاسمی ، زارعی ، قربانسی ،
ابراهیمی ، یزدانی ، ایران مهر ، چوپان زاده ،
یوسف زاده .

* زابل

" صبح طلوع میکند "
نویسنده : ابراهیم مکی ، کارگردان : کیهان روک
بازیگران : کیهان روحانی ، هادی بومی ، مجید
رضاآرمین ، حمیدرضا حسینی زاده .

* کرج

نمایش عروسکی " آی بچه ها کیمک "
نویسنده : رضا مرادی
کارگردان : لاشعلی توده فلاح
بازی دهندگان عروسک : نرگس مختاری ، -
مرضیه غارسیان ، لیلا جوری ، مهناز اسماعیل -
زاد ، شیرین پلنگ خو ، مریم محمدی بهرامی ،
یاسمن قلی پور ، مریم سیف الهی .
ساخت عروسکها : اکرم ارژنگی ، آهنگساز :
عباس بهادری ، حسین بهادری .

* اراک

" غبار غم "
نویسنده و کارگردان : امیر نجفی
بازیگران : فرشید میمنائی ، علیرضا احمدی ، امیر
نجفی ، علی صادقی ، رضا خادقلی ، مجید زلفی .

* لنگرود

" جنجال در استودیو "
بازیگران : محمد حسینی ، صالح فرید ، مسعود
مقدم ، حسین فلاح خیر ، صادق عابدینی ، نادر
دل آمیز ، محمد مرادی ، فریدون آرش .

■ بروجرد

به امید دیدار

نویسنده و کارگردان: محسن سراجی، بازیگر: احمدزالی

■ اردبیل

نمایش «حکایت اول - روایت دوم»

نویسنده: عظیم اسدی

کارگردان: شفیع خلیل زاده

بازیگران: فرهاد قائمیان، رضا عباسقلی زاده، عظیم اسدی، سید رفی محمودی، جعفر خدائی، روانبخش نایب پاشائی.

□□□

نمایش «ابریتم بهاء» (براساس داستانی از اسرارالتوحید و مثنوی)

نویسنده و کارگردان: حاج روح الله حبیب زاده

بازیگران: نادر مهدیلو، سید رفی محمودی، غلام قللی پور عظیم اسلامی، سیمزازی، پوردنیا، تیموری.

□□□

نمایش «بازار پول»

نویسنده و کارگردان: علیرضا فخرزاده
بازیگران: گل محمدی، علانی، فخرزاده، شاه حیدری، محمدی، کاظمی، جاهدی، پیرآقاجانی.

■ شاهرود

نمایش «مأمور»

نویسنده: محمد احمدی

کارگردان: سید حسین بیطرف

بازیگران: مهدی بانی، مرتضی آقا حسینی، حمزه محمدی، محمد رضا بهره‌ور، محمد حسن نجاری، محمد رضا شاهینی، رضا فلاح.

■ میناب

دوچهره از یک کارفرما

نویسنده: لوئی والدیس

کارگردان: داریوش امیدوار

بازیگران: رضائزاد، سبحانی، کورش زارعی، حسن رونده

■ فیروز کوه

نمایش شریک

نویسنده: نورالدین آزاد،

کارگردان: سید امین موسوی.

بازیگران: مرتضی رستمی، محمد یزدانی، ماندگار فخرآور، حمید رضاغفاری.

نمایش دوچرخه

نویسنده و کارگردان: ابوطالب ملاجعفری

بازیگران: مرتضی رستمی، محمد تقی بهبودی.

نمایش طلوع ماه

نویسنده: لیدی گریگوری

کارگردان: سید امین موسوی

بازیگران: کمال ملاجعفری، بهمن یزدانی، ماندگار فخرآور، محمد یزدانی حمیدرضا غفاری

□□□

■ ملقز

پدر و پسر

نویسنده: ابراهیم مکی

کارگردان: حامد کریمی

بازیگران: مصطفی یاسینی، عبدالله فیض نژاد، غلامعلی نقوی، ممد نوری، کمال رسولزاده.

□□□

■ کرمان

— مرگ پبله‌ور، اثر آرتور میلر

مترجم: امین مؤید، اقتباس: رضا حسینی، کارگردان: رضا قدس، بازیگران: مسعود فوقانی، زهرا ضیغمی، سید مصیب جعفری، محسن دهقان، جواد نارنجی.

— در پوست شیر، اثر شون اوکیسی

مترجم: اسماعیل خوئی، کارگردان: یدالله آقاعباسی

□□□

■ سمنان

جزس: نوشته و کار رحیم موسوی

کور و افلیج نوشته دارما سنلپاتیراجا،

کارگردان: خسرو به آئین

بازیگران: احمد مرادی، مهرداد طوسی، محمد علی طاهریان، رضا نجم الدین، عباس وثوق، رضا دل آرام، حسین آقایی، حسن جواهری، مصطفی مزینانی، محمد صادقی.

□□□

بازیگران: علی اصغر مقصودی، محمود نزهتی، مجید گله‌داری، مجید نبی‌پور، آریتا مهاجری، علیرضا طالبی زاده، فرخنده قدس، محمد حسین محقق، فرشته وزیری نسب، یدالله آقاعباسی، محمد حسن محقق.

— نمایش عروسکی روباه و گرگ دم‌بریده
نویسنده: الیاس اکبری، کارگردان: سعید ایرانمنش

بازیگران: حمیدرضا جمهری، سعید ایرانمنش، مصطفی زرنگی‌پور، مجتبی کیمیایی، علی کوهستانی، مهدی شجاعی.

□□□

■ «شهرشادی»

نویسنده و کارگردان: مازیار بازاریان

بازیگران: محمد علی ضیاء سیستانی، رضا درویشی، قاسم امیری، رضا پور امیرقلی سعید اصطهباناتی، تعدادی بازیگر خردسال.

□□□

■ ملایر

نمایش «حسنک کجایی» کار گروه هنری تندیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ملایر به مدت یک هفته در محل سالن دبیرستان شریعتی این شهرستان به روی صحنه رفت

نویسنده: احمد خمسه لوئی، کارگردان: مجید نصیری.

بازیگران: روستایی، زندگی، حسنی نژاد، نصیری، شاملو، محمدی، زفیععی، جوکار، ملکی، عارفی، بیات، اسدی، شیدی، زنگنه، عروجی، شیرازی، خزائی، امینی، خورشیدی.

■ اندیمشک

گروه تئاتر انجمن نمایش اندیمشک وابسته به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در جشنواره سراسری کارگران ایران که در شیراز برگزار گردید، با نمایش «نیسو» نوشته بهمن عیوق و کارگردانی محسن پوشایی شرکت نمود که توانست عنوان زیر را کسب کند:

— دیپلم افتخار و جایزه دوم متن

— دیپلم افتخار و جایزه بازیگری سوم

— تقدیر کتبی از کارگردانی به خاطر استفاده نسبتاً صحیح از فرم مناسب در بیان مفاهیم.



خود را افتتاح نمود. باشگاه ایرانیان دبی در ایام دهه فجر سال گذشته جهت ارائه خدمات فرهنگی و ورزشی به ایرانیان مقیم امارات - متحده عربی و دیگر علاقمندان افتتاح شد و مدت زمان کوتاه فعالیت وسیعی در عرصه هنر و ورزش داشته است.

■ اطلاعیه

کانون تئاتر بانوان جهت کلاسهای تک-درس در رشته های بازیگری، طراحی لباس، نقاشی و ساخت عروسک، بازیهای نمایشی کودکان، کریم، و... هنرجو می پذیرد.

خواهران علاقمند جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند در تهران باتلفن ۶۴۰۹۲۷۳ تماس حاصل نموده و یا به محل کانون واقع در خیابان ولی عصر تقاطع امام خمینی (تالار محراب) - مراجعه نمایند.

مهلت ثبت نام از اول تا آخر اسفندماه است.

■ پی‌اوه

چهارمین یادواره تئاتر فجر پی‌اوه و اورامانات با اجرای برنامه های نمایشی (اجتماعی سیاسی کمدی، ۰۰۰) توسط گروه های تئاتر پی‌اوه اورامانات و شهرستانهای باختران در سالن سینما فجر پی‌اوه از ۱۲ الی ۲۲ بهمن ماه برگزار گردید.

■ باشگاه فرهنگی ورزشی ایرانیان دبی با اجرای نمایش ایرانی " کاکاسیاه " به کارگردانی سعید خاکسار در آذرماه، سالن نمایش

■ قم

۱ پایان روز دوم
نویسنده و کارگردان: محمد احمدی
بازیگران: محمد احمدی، محمد خیری، علی صفایی، علی سبحانی، علی بیطرفان، منصور پارسائی، امیر زینلی، کاظم نظری، محسن فرس، فلاح، ناصر کریمی، علیرضا جعفری، عباس واحدی، حسین رادپور، صالحی.

■ نجف آباد

" راز درخت مقدس "
نویسنده: داود کیانیان، کارگردان: حسن محمودی
بازیگران: فیروز فیروزی، محمد کارشناس، مرتضی نادای پور، سید مهدی کاظمی، سعید کمالی، مسیح فاضل، حمید عبدالهی، احسان قاهری، مهدی حاج امینی، سلمان طالبی، حمید کاظمی پور، علی علیخانی، علیرضا مینی، ۰۰ نمایش " آنانکه می دانند و آنانکه نمی دانند " توسط هنرجویان کلاس آموزش تئاتر انجمن - نمایش نجف آباد پس از چندین ماه تمرین ضمن آموزشهای تئوری مربی و کارگردان نمایش عباس اسماعیلی به مدت ۲۰ شب در این شهرستان اجرا گردید.

■ رامهرمز

" لاله برون "
نویسنده و کار: یوسف مداحیان
بازیگران: مهرناز محمدیان، پروین طلاوردی، آناهیتا عبدلی، رضوان زمانی، سهیلا عبدلی، جلوه کلانتر هرمزی، شهره رئیس، زهرا مرادی.

■ تنکابن

" مظلوم "
نویسنده و کارگردان: محمد رضا شیروانی
بازیگران: سهیل محمدی، رضاقلی توانا، سیوش اکبری صفت، عبدالغنی غفاریان، محمطفی سلیمانی نژاد.

آخرین خبرها از جشنواره تئاتر دانشجویان

ششمین جشنواره تئاتر دانشجویان کشور از تاریخ ۱۱ لغایت ۱۷ اسفندماه ۶۹ توسط بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی کاشان در این شهرستان برگزار خواهد شد.

در این جشنواره دوازده نمایش زیر به صحنه خواهند آمد:

" مات "

نویسنده: فرشاد فرشته حکمت

کار: هوشنگ هیپاوند

از مرکز تئاتر تجربی دانشکده هنرهای زیبا

بازیگران: محمد رضا خسروی، لیلیا پرویزی،

مهرداد دنظری، شامین میمنی نژاد.

مات درگیری انسان است با وجدان خود

مات سرگذشت خلبانی است که باید تا

لحظاتی دیگر سایه مرگ را بیفشاند، ای کاش

که فرار نبود تا کسی مات بشود. اوباخود

می جنگد و پیش می رود اما به کجا؟

" یشکی دوشکی "

نویسنده: اصغر اکبرزاده

سرگذشت دختران قالی باف و ظلمهایی که بر آنان رفته است " یشکی دوشکی " با گل واژه های شیرین کرمانی روایت می شود.

■ شناسنامه

نویسنده: عبدالحی شمسی

از جهاد دانشگاهی صنعتی شریف

مردی که شناسنامه خود را گم کرده است، مردی که خود را نمی شناسد اما بدنبال چند برگ کاغذ می گردد.

■ خانه غزلخوان

نویسنده و کار: نادر برهانی

از جهاد دانشگاهی مجتمع هنر

بازم غروب شد و کلاغها صداشون رو بلند

کردند، امروز تمام شد و مثل هر غروب ماکنار
پسجریه ایم.

انتظار پدرومادری پیر برای فرزندشان
که در اسارت به سرمی برد، تنهایی و سردی
مرغی که نمی خواند، عروسی که رادیو
گوش می کند و زنگ دری که بمدادرمی آید.

" ایستگاه "

نوشته مهشیدتهرانی
کارگروه تئاتر خواران جهاد دانشگاهی دانشگاه
اصفهان

در ایستگاه متروکی پیرزنی زندگی می کند
زنی به دلیل برف شدید و ماندن قطار
در برف به مسافر خانه پیرزن پناه می برد،
زمان می گذرد پیرزن حرف می زند بافتنی
می بافت و زن سکوت می کند باز هم حرف و حرف
اکنون زن خواب است و زمان سالها گذشته
است، پیرزن از دری خارج می شود و زن -
بافتنی می بافت و حرف می زند و از دری دیگر
زنی وارد می شود و باز این دور تکرار از سر
گرفته می شود، ناامید کننده و تاریک.

" خاکستان "

نوشته وکار: سعیدذهنی
از مرکز تئاتر تجربی دانشگاه هنرهای زیبا
بازیگران: الهه گل پری، قاسم آیسالان،
سیروس کهوری نژاد، رامین سلیمانپور، آناهیتا
اقبال نژاد.

کودکی مریخی در آغوش مادر خود با مرک و -
زندگی در گیر است و مادر برایش می خواند
تو با من رازی می گویی، من از هم رازی گویم
مادر از فرط خستگی به خواب می رود،
کودک را مرک ربوده است و مادر از بی اوبه
پای جان روان باز گذر ها و مهلکه ها
می گذرد از کوه و دریا و شب و آسمان، خاک
و هر کدام راتحفه ای می دهد، و آنگاه
شقایقش را می یابد و می داند که او حیاتی
دیگر را آغاز کرده است

" تابداستاره ها "

نوشته: حسین محمدی
کار جهاد دانشگاهی اهواز

محسن جوان جانبازی است که معلولیت
او از ناحیه پامی باشد و یاناراحتی های
روانی خود باعث ایجاد مشکلاتی برای خود
و خانواده و دوستانش شده است، محسن
از همه کناره می گیرد و روحیه پر خاشگتری
پیدا کرده است، علی دوست همزم او سعی

می کند که او را دلسرداری دهد و متوجه وجدان
نا راحت اومی شود و می کوشد و از باری دهد.

" کوچه های بن بست "

نوشته: رضا جوان
کار جهاد دانشگاهی علم و صنعت

" جوان پیکر " مردیست که از زندگی
خسته است و همه چیز برایش تکراری شده
است اومی رود با این تکرار ها برای خود
سرنوشت تازه ای را رقم ببرد، جوان
پیکر از قرار روزنامه نگاری است که در نظام
کاغذ بازی بایگانی شده است.

" باگل کویر "

نوشته: مهدی حجوانی
کارگردان: حسین نورانی
بازیگران: روفیا تیرگری، رویانورانی، فردوس
حاجیان، رضانورانی.

باگل کویر، از عملیات مرادمی گوید و در چنین
موقعیتی کنکاش می کند درون انسانهایی
که در آن واقعه به نحوی حضور داشته اند.
سه چریک که یکی زخمی است در مقابل زنی
مهربان و آرام به نام ایران قرار گرفته اند.

" ملح زئوس "

نوشته وکار: اسماعیل شفیعی
بازیگران: فریبرزیدهدنی، بهزاد بهروزنمینی
علی رضارفعی، اصغر خسروآبادی، علی خسروی
خدیجه اسدخانی، محمدرستگاری، افشین
راضی، حامد مهدوی، حسین یکتا.

کار مرکز تئاتر تجربی دانشکده هنرهای زیبا

نمایش نگرشی است جدید " پرومته
در زنجیر " پرومته در بنیاد است و " زئوس "
قصه ماشینی کردن انسانیت و آدمیان
را دارد، اما نهایتاً " هرمنس " که از باران -
زئوس می باشد، نقشه وی را افشا می کند،
" پرومته آزاد و زئوس در بند می شود ".

" شکوفه سنگی "

نوشته: مجید سرسنگی
کار: غلامرضا حامدی
از جهاد دانشگاهی دانشگاه هنر تهران
بازیگر: نادر برهانی

آدمی بی نام و نشان در گوشه ای که به هیچ
کجای عالم نمی ماند و همه عالم است از
تنهایی خویش می گوید و ...

" زیباترین گل های قالی "

نوشته وکار: امیر دژاکام
بازیگران: هوشنگ هیباند، علی رضاحیفی،
سیروس کهوری، سعیدذهنی، ساغر دارب، نیا،
الیزا اورامی، سپیده نظری، نسرین مؤدهی نیا،
ماه دخت اردلان، فاطمه جعفری، بهمنزاد
جوانفرد، محمد فرید، جلیل فتوحی، آرش -
سیف نژاد و اردلان شجاع کاوه
کار مرکز هنرهای نمایشی با همکاری مرکز تئاتر
تجربی دانشجویان

دختر و پسری قالیباف از قالیبافخانه
فرار می کنند و پسوی شهر می روند، اما آیا
این شهر همان شهر خورشید است؟ همان
شهری که گلها یکدیگر می پیچند تا
کسی نتواند به آنها آسیب برساند.

نمایش های ذکر شده از جمع ۶۱ متن ارسالی به
ستاد جشنواره انتخاب گردیده است. نمایشها
در دو سال: تالار فرهنگدکاشان - کانون
جوانه های کاشان در دو سانس اجرا می شوند.
جلسات سخنرانی و نقد و بررسی نمایشهای
اجرا شده نیز در سالن باشگاه مخمل ابریشم
کاشان برگزار خواهد گردید.

روزی پنجمشنبه ۱۶/۱۲/۶۹ میزگردی تحت
عنوان بررسی تئاتر دانشجویی با حضور
ماحینظران و هنرمندان از ساعت ۸/۳۰ الی
۱۲/۳۰ صبح برگزار خواهد شد.
از برنامه های جنبی دیگر جشنواره نمایشگاه
و فروشگاه کتاب خواهد بود که در محل اجراها
تشکیل می شود.

ستاد جشنواره علاوه بر چاپ یادنامه
جشنواره در ۷۴ صفحه همه روز خیرنامه های شامل
اخبار جشنواره، مصاحبه ها، نقد کارهای انجام
شده منتشر می کند.

از دیگر اقدامات ستاد جشنواره چاپ و انتشار
نمایشنامه " آن قوم به حج رفته " نوشته:
محسن خسروی به مناسبت ششمین جشنواره
تئاتر دانشجویان کشور می باشد.

- علاوه بر این از سوی ستاد جشنواره بروشوری
برای کلیه کارها تهیه شده است.

لازم به توضیح است که مراسم افتتاحیه در روز
شنبه ۱۱ اسفندماه مصداق بانیمه شعبان و تولد
حضرت امام زمان (عج) و مراسم اختتامیه
در روز جمعه ۱۷ اسفندماه رأس ساعت ۵ بعد از
ظهر در تالار فرهنگ برگزار می گردد. ●

معرفی مدارس تئاتری

جهان - ۱

مدرسه ملی نمایش هند

تادولکار "جانشین هیئت رئیسه انجمن می‌باشد.

از طرفی آقای آلمورول از طرف یونسکو، به مدت یکسال مأمور خدمت در هندوستان شد تا اداره امور انستیتوی تئاتر آسیا را به عهده گیرد. سپس دکتر "ان آر روی" مدت یکسال ریاست افتخاری انستیتو را عهده‌دار گردید. در جولای سال ۱۹۶۲ "شری آلکازی" که در شهر رادا تعلیم و تربیت یافته بود و عضوی برجسته در امور تئاتر به‌شمار می‌رفت، مدیریت مدرسه را به‌عهده گرفت و آنچنان که شایسته مدرسه بود آنرا به مراتب بالا و پیشرفته‌ای رساند، و میراث غنی هنری از خود برجای گذاشت و مدرسه را از جهات اعتبار ملی و بین‌المللی به مدارج بالایی رسانید. متعاقب بازنشسته شدن "شری الکازی" در ۱۹۷۷ آقای شری جانداس گریپتا عضو برجسته آکادمی به‌عنوان جانشین وی برای مدتی کوتاه برگزیده شد.

اعضاء: اولین گروه معلمین از مدرسه ملی نمایش شامل؛ دانشجویان، محققین و هنرمندانی می‌شد که سالیان دراز در رشته تئاتر کار کرده بودند، از جمله؛ تیم ساتوسن "باهمراهی ال اس چین. شیلاباتیا، پاتچانان پاتاک "دان تاکار. گاوردان پانچال. ج.ان داسگوپتا. ایندوگوش. کوکیلا مواونی وت ال شارمارشانتا گاندی و

اهداف اصلی این انجمن به‌قرار زیر است:

۱ - اعمال مدیریت مدرسه ملی نمایش و انستیتوی تئاتر آسیا، با توجه به اهداف آکادمی "سانگت ناتاک" ایجاد مدرسه ملی نمایش جهت نگهداری و ادامه توسعه آن به منظور مطالعه و تعلیم در زمینه‌های نمایش به انضمام فعالیت‌هایی در زمینه رادیو و تلویزیون و نمایشنامه‌نویسی.

۲ - توسعه طرح‌های مناسب جهت تدریس و ایجاد یک استاندارد نمونه برای آموزش تئاتر هندوستان.

۳ - بالا بردن سطح کیفیت تئاترهای هنری، به‌منظور پیشبرد نمایش و توجه به افراد تحت آموزش این هنر و نیز تربیت معلمین جهت تأمین نیازهای آتی کشور و گسترش آن در هندوستان و خارج از کشور.

۴ - ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفظ و نگهداری سنت‌های ملی، تئاتر و تعلیم و تربیت. این انجمن از ۱۱ عضو و به همراهی مدیریت آکادمی که به‌عنوان ریاست آکادمی نیز اطلاق می‌شود، تشکیل شده است. او در کنار انجمن و مشاور هیئت رئیسه آکادمی در مسایل مربوطه به آکادمی است. بعلاوه کمیته امور مالی از ۵ نفر تشکیل شده، که در رأس آنها مشاور امور مالی است که به‌عنوان ریاست امور مالی مدرسه، مسایل مالی را به‌عهده دارد.

در حال حاضر "دکتر ل ام سینگاوی" ریاست هیئت رئیسه انجمن و "شری وجای

مدرسه ملی نمایش و انستیتوی تئاتر آسیا، با هدف گسترش فعالیتهای جنبش تئاتر معاصر و ارتباط آن با سنت‌های قدیمی که ریشه در هنرهای نمایشی هندوستان داشت، به‌وجود آمد. امروزه مدرسه نامبرده در سطح جهانی تئاتر پیشرفته‌ای را ارائه داده و جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مدرسه هنرهای نمایشی به جوانان پرجنب و جوش و با استعداد بطور عملی و تئوری تدریس می‌شود.

تأسیس انستیتوی آموزش هنر تئاتر از آنجا ناشی شد که بنا به توصیه آکادمی "سانگت ناتاک" در ۱۹۵۶ یک سمینار نمایشی و به ابتکار "شری ساجین سنگریپتا" تشکیل شد. وی از نمایشنامه‌نویسان برجسته بنگال و اعضای آکادمی "سانگت ناتاک" بود. متعاقب آن در سال ۱۹۵۸ انستیتوی تئاتر آسیا با هدف مالی از طرف مؤسسه فرهنگی یونسکو به‌وجود آمد و در سال ۱۹۵۹ نام جدید مدرسه ملی هنر و نمایش و انستیتوی تئاتر آسیا که زیر نظر وزارت تحقیقات علوم و امور فرهنگی اداره می‌گردید به آن نهاده شد. مدرسه یادشده سرانجام با استقلال کامل به ثبت رسیده و شروع به کار نمود.

وضعیت سازماندهی

مدرسه ملی نمایش توسط انجمن نمایش که از ۱۴ عضو تشکیل شده اداره می‌شود.

دوماه پاتراوآلومن " از انستیتوی تئاتر آسیا در سال ۱۹۶۱ جهت تدریس به آکادمی ملحق شدند.

خلاصه رئوس مطالب :

در زمینه آموزش، مدرسه، آموزش علاقمندان را بعهده گرفته و شروع به اعطاء دیپلم در رشته هنر و نمایش برای دانشجویان خود که در طول سه سال آموزش هایشان را با موفقیت به پایان رسانیده می نمایند. تا سال ۱۹۷۸ مدرسه دارای سه شعبه یا بخش بود در زمینه های : ۱ - رهبری ۲ - عوامل صحنه ۳ - ایفای نقش.

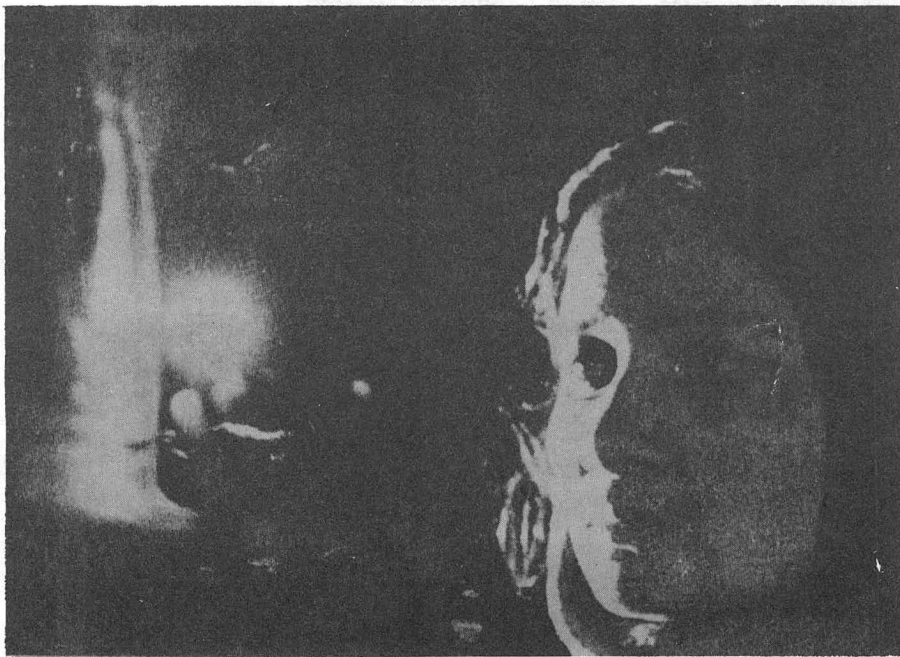
دوران تحصیل با توجه اهداف آکادمی به بخش های زیر تقسیم می شود:

۱ - ادبیات نمایشی : هنر و نمایش های سنتی و نهایتاً مطالعه و بررسی و تحقیق کلاسیک و هنرهای معاصر هندوستان، کشورهای غربی و آسیا، رئوس اصلی این بخش می باشند.

۲ - تکنیک تئاتر : طراحی صحنه - نورپردازی، تکنیک معماری تئاتر، لباس، طریقه ساخت، درودگری، ابزار کار، ماسک و ساختن مدل.

۳ - ایفای نقش : صدا و فن بیان، ایفای نقش، بدیهه گویی، حرکت در سبکهای

بود، در این مستعمره سالن بزرگی به عنوان تالار کنفرانس اختصاص داشت. این تالار دارای یک صحنه با ارتفاع ۲ فوت و پهنای ۲۵ فوت و به عمق ۱۵ فوت بود. نصف دیگر تالار جهت استفاده تماشاگران اختصاص یافته بود. فضای تالار نمایش شامل باغهای بزرگ " تالکوتورا " نیز می شد که اختصاص به ارائه بازی و تئاترهایی چون تئاترهای آندهایوگ، توغلق و سلطان رافیا داشت. استودیوی بزرگ تئاتر نیز برای ارائه نمایشهای تجربی و تحقیقاتی و " شاکونتالا " و نیز محوطه بزرگی جهت ارائه تئاتر در فضای باز در شهر " رادیندار " باوان اختصاص یافت و



فضای نمایش : انستیتو تئاتر آسیا کار خود را در سالن بزرگی در محوطه نمایشگاه در جاده " ماترا " آغاز کرد، پس از آن بود که نام مدرسه ملی هنر و نمایش و انستیتوی تئاتر آسیا بخود گرفت. این انستیتو سپس به یک ساختمان خصوصی در نظام الدین غربی انتقال یافت، و در سال ۱۹۷۵ انستیتو به " باهاوالپور " انتقال یافت.

مختلف، موزیک یوگا، آکروبات و تقلیدها.

تالار کنفرانس (نمایش) : صحنه نمایش مدرسه زمانی به وجود آمد که اولین محصول هنری آن در سال ۱۹۶۲ در یک فضای باز به معرض نمایش گذاشته شد. در این مدرسه، هم در فضای باز و هم سرپشته نمایش ها اجرا می شدند. فضای مذکور محوطه نمایشگاه نظام الدین و مستعمره " کایلاش "

بعداً مدرسه ملی هنر و نمایش جهت ارائه بازی و نمایش " خانه باوالپور " اختصاص یافت.

کتابخانه : علاوه بر اینها مقادیر زیادی مجلات بین المللی در زمینه های تئاتر نیز در کتابخانه یافت می شود که این کتابخانه را در نوع خود کشور هندوستان بیمانند کرده است.

سیاحت‌ها و ارائه نمایشها :

توسط مدرسه ملی نمایش و انستیتوی تئاتر آسیا نمایشهایی در شهرهای پانه، بمبئی، انکالوره، حیدرآباد، کلکته، پانتا، گانگتوک، سیلگوری، ماتورا، بوپال، جی‌پور، و چاندی نگاری، ارائه نموده است. به دنبال همین مقاصد در به منظور ارتباط بیشتر نماینده مدرسه در سال ۱۹۷۸ از پنال دیدن کرده است.

تولیدات نمایش : مدرسه ملی نمایش در ردیف آثار "بکت" و نمایشنامه‌های مدرنی مانند، کارناده، راکیش، تندولگاروبادال، سارکار و غیره ارائه و همچنین اقدام به اجرای نمایشنامه سنتی نیز نموده است.

کارگردان‌هایی از محافل نمایشی بین‌المللی از طرف مدرسه ملی نمایش دعوت شده بودند تا نمایشنامه‌هایی را کارگردانی نمایند مانند "کارل وبر" فریتیچ بنویچ "و ماوزتاهوهه نمایشنامه‌هایی را کارگردانی کردند. آقای برین کوران طراح برجسته انگلیسی کارگردانی فنی نمایشنامه الکازی را به عهده داشت و آن نمایشنامه معروف مرگ دانتون بود. لئون اگوستا کارشناس معروف تئاتر از کشور اندونزی اخیراً همگام با دانشجویان مدرسه ملی نمایش، یک پروسه تئاتری را آغاز کرده است.

در میان نمایشنامه‌هایی که از طرف مدرسه ملی نمایش ارائه شد می‌توان به نمایشنامه‌های : آنتیگون "اشد کائک دین" "لارون کراژهانس" آندایوگ "جاسمائردان. سوتوجن میجای، اتللو، پدر، رازبانا، ادیپوس، ری‌کاکاتیا، اپرای سه‌پنی اشاره نمود.

نمایش اشد کائک دین توسط الکازه اجرا گردید. در یک تئاتر روباز برای اولین بار دو نمایشنامه "سوتوجون میجای" و "توتلق" نمایشنامه‌هایی بودند که به زبان محلی و برای اولین بار اجرا می‌شدند که موجی از هیجان را برانگیختند و تحولی در هنر و نمایش را موجب گردیدند. پس از آن توسط آقای شانتاگاندی نمایشنامه یاسماودان اجرا شد که نقطه تحول در هنر تئاتر هندوستان به‌شمار

می‌آید.

نشریات مدرسه ملی نمایش : از طرف مدرسه ملی نشریه شش ماهه‌ای چاپ و منتشر می‌شود به علاوه یک پاورقی خبری که شامل اطلاعات مفیدی است از فعالیتهای گسترده و مختلف مدرسه و دانشجویان.

گسترش برنامه‌ها : (کارگاه‌های تئاتر).

از زمانی که مدرسه ملی نمایش موجبات تحسین همه را برانگیخت قادر شده است فعالیتهای خود را در جهت ارائه نمایش‌ها و تئاترها چند برابر نماید. بطوری که از طرف مسئولین مدرسه تدابیری اتخاذ گشته

تا کارگاه‌های تئاتر جهت آموزش ۱۰ هفته‌ای در نقاط مختلف کشور دایر گردد و در حال حاضر سه کارگاه تئاتر به منظور ارائه خدمت تکمیل شده است. یکی در شهر ماتورای که بانی آن بانز کاول دومل است. دیگری در شهر گاهاتی توسط ژان کاشال که در آن دانشجویان از شهرهای آسام، تریپورا، ناگلاسه و مانپور جهت فراگیری هنر تئاتر به این کارگاه می‌آیند. کارگاه سوم توسط ام ک راینا در شهر والتار و چهارمین کارگاه در حال گشایش در شهر سریناگار خواهد بود.

هدف اصلی از ایجاد این کارگاه‌های

تئاتر در بعضی از شهرهای هندوستان دادن امکانات به علاقمندان و دانشجویان است تا



ام شاه، بالراژ باندیت، سوشما کومارسینگ، پراتیپاماتکاری، راتان تیام، با ارانه نمایشنامه، ترجمه هایشان و بالاخره هماهنگی با زبان هندی و ماراٹی و مانپوری، ادبیات نمایشی هندوستان را پویا و متحول ساختند.

گروههای تئاتر:

سوراندراکاشیک اولین دانشجوی مدرسه ملی نمایش بود که نه تنها اولین گروه تئاتر خود را بکار انداخت، بلکه اولین تئاتر رو باز (فضای باز) رانیز تأسیس نمود. از سال ۱۹۶۵ شری کاشیک بانی تئاتر حرفه‌ای شد که در طول سال در شهر مروت فعالیت داشت. در سایر دهکده‌ها و شهرها نیز گروههای تئاتری توسط دانشجویان مدرسه ملی نمایش که در سال ۱۹۶۲ فارغ التحصیل شده بودند براه افتاد. این گروههای تئاتر شامل بی‌وی کارانت، بی‌ام شاه، ژان کاشال، ویوش مادوکار، ام دی کوتیوان، سارژ و سار، ورام کاپور. در این میان دیشانتار کسی که بیش از یک دهه در اوج شهرت و افتخار بود کار خود را با او پیپورام شیپوری آغاز کرد.

جایزه آکادمی (فرهنگستان):

در سال ۱۹۶۲ شری الکازی بهترین جایزه را برای ارانه بازی خود به دست آورد. بعدها روش او توسط آکادمی پیگیری شد و در سال ۱۹۷۶ شری بی‌وی کارانت جایزه آکادمی را برای ارانه خدمات شایسته در هنر تئاتر خصوصاً کارگردانی تئاتر به دست آورد.

برنامه‌های آتی مدرسه:

تحت گسترش برنامه‌های یاد شده مدرسه ملی نمایش هدف‌هایی را به قرار ذیل در نظر دارد: گنجینه‌هایی برای کودکان، ۲- بسیج واحدها ۳- بخش فیلمهای مستند ۱۶ میلیمتری.



پذیرفتند. پس از آن تعداد اعضاء به ۸ تن رسید و در سال ۱۹۷۶ یک کادر کاملاً برجسته ۱۶ نفری بازیگران این مدرسه ر تشکیل می‌دادند که مورد تأیید بخش فرهنگی دولت نیز بودند. گنجینه هنری مدرسه ملی نمایش هر سال بین ۴ - ۶ اجرا را اکثراً در شهر دهلی به معرض نمایش می‌گذاشت و به دیگر شهرهای هندوستان نیز سفر می‌کرد. بسیاری از برجستگان هنری و کارگردانی مدرسه ملی نمایش با این گنجینه هنری همکاری کرده‌اند بطوری که سالیانه دو فستیوال برگزار می‌شود و در طول برگزاری همزمان بیش از یک تئاتر بر روی صحنه می‌آید.

نمایشنامه‌نویسی و مراکز تجربی و تحقیقاتی:

بسیاری از فارغ التحصیلان مدرسه چون ب

استعدادهای خود را نشان داده و با تکنیک‌های مدرن تئاتر آشنا شوند.

تئاتر کودکان: در سال ۱۹۷۸ مدرسه ملی نمایش بخشی را جهت آموزش تئاتر برای کودکان اختصاص داد. بطوری که در سال ۱۹۷۹ حدود ۷۰ کودک وارد آموزش این رشته شدند بعلاوه طرحی در دست اجرا است تارشته‌ای جهت تئاتر کودکان در سال ۸۱ - ۱۹۸۰ در نشستی که معلمان مدرسه ملی نمایش خواهند داشت اضافه نمایند.

موفقیتهای مدرسه ملی نمایش: در پی فعالیتهای انستیتو تعدادی از کادر آموزش مدرسه ملی نمایش دارای درجات عالی و موفقیتهای مناسب در رادیو، تئاتر و دانشکده‌ها می‌باشند، بسیاری نیز بطور کاملاً غیروابسته دارای مشاغل بسیار خوب در تلویزیون و رشته فیلم دارا می‌باشند. در واقع می‌توان گفت که مدرسه ملی نمایش زائیده افکار پیش کسوتان خود چون شری ژ - ی ماتور می‌باشد که در سال ۱۹۶۴ جمعاً ۴ نفر عضویت مدرسه را

سمینار تئاتر امریکای لاتین

اروگوئه : مونته ویدئو

در مجله نمایش شماره قبل اولین قسمت سمینار تئاتر امریکای لاتین که در شهر مونته ویدئو پایتخت اروگوئه برگزار گردید از نظر خوانندگان گذشت و اینک دومین قسمت این مطلب را با هم می‌خوانیم :

منصور خلیج

وبه همت انستیتو بین المللی تئاتر ITI وابسته به سازمان جهانی یونسکو برنامه ریزی شده بود . طبق برنامه اعلان شده و در فنایبی بسیار صمیمی سمینار روز دوشنبه ۲۶ نوامبر (برابر ۱۵ آذرماه ۶۹) راس ساعت ۱۰ صبح در سالن الیانس فرانسه، مکانی همچون انجمن فرهنگی ایران و فرانسه، کار خود را با سخنران آقای آندره کاستیلو Andres Castillo دبیر سمینار و مسئول سازمان یونسکو در کشور اروگوئه آغاز کرد . ایشان ضمن خیر مقدم به شرکت کنندگان در این نمایش و بر شمردن خط مشی سمینار که همانا تبادل نظرات و دستاوردهای تئاتریست، آرزو کردند که بتوانند در معرفی تئاتر این قاره قدم‌های موثری بردارند . آنگاه یکی از بازیگران قدیمی تئاتر اروگوئه به عنوان نماینده جامعه تئاتری این کشور ضمن قدردانی از انستیتو بین المللی تئاتر با خطرات اختصاص دادن سمینار به تئاتر امریکای لاتین، ارتباط هر چه بیشتر و گسترده تر هنرمندان را خواستار گردید . آنگاه مدعوین به ساختمان مرکزی تئاتر اروگوئه راهنمایی شدند تا ضمن صرف قهوه و شیرینی بیشتر با هم آشنا شوند .

بعد از ظهر سمینار کار خود را با سخنرانی خانم بیتکیز رایزک Beatriz Rizk از کشور کلمبیا دنبال کرد، سخنان خانم رایزک پیرامون راههای تفاهم تئاتر، سینما و تلویزیون بود همراه با نمایش نمونه هایی که در کشور کلمبیا تجربه گردیده و توسط ویدئو پخش گردید .

در دومین روز خانم ماکالی ماکاریسیا Magaly Muguercia نویسنده و منتقد کوبایی پیرامون دستاوردهای جدید کارگردانی در کشورش سخن گفت .

عرضه می‌دارد . طی چند سال اخیر فقط ۶ جایزه نوبل در ادبیات را این قاره به خود اختصاص داده . که این امر در جای خود بسیار جایز اهمیت است . ویانگاه کنیم به تعداد ترجمه رمانهای گابریل گارسیا مارکز^۵، خورخه لوئیس بورخس^۶، اکتاویو پاز^۷ کارلوس فونتس^۸ و ... از سوی دیگر تئاتر امریکای لاتین را نباید از دیدگاه یابا توجه به ارزشهای تئاتر اروپا مورد توجه قرار داد این تئاتر باید در متن خود به عنوان بخشی از وضعیت امریکای لاتین بررسی شود .

ماریوس وراکاس یوسا^۹ رمان نویس پرو، که از نمایشنامه نویسان برجسته امریکای لاتین هم بشمار می‌رود نظری ابراز داشته که شنیدنی است . او می‌گوید : " تئاتر در امریکای لاتین از این تا آن محدوده جغرافیایی، تفاوت های چشمگیری دارد . در برخی کشورها واقع گرائی سوسیالیستی وجه شاخص است . در برخی دیگر می‌کوشند تئاتری واقعگرا را ممتکی بر سنت های نمایشی، بویژه آئینی داشته باشند و در معدود کشورهایی نیز تجربیات گوناگون می‌شود که می‌توان به راه یابی تعبیرشان کرد . من شخصا به تئاتری که بتواند در جهت شناخت دگرگونی و مفاهیم درست آن تماشاگر را برای هدایت و دارم . نمایشی که وجه سیاسی مشخصی در آن غالب است، کار بردی علمی ندارد و خیلی زود فراموش می‌شود و افزون بر این راه را بر باروری استعداد های تازه و تجربیات نمی‌بندد . تئاتر مثل هر هنر دیگری باید چراها را مطرح کند و به تماشاگر مجال دهد تا به آن چراها بیاورد و به راه حل های اصولی و اساسی برسد ."

اما باز گردیم به سمینار که تحت عنوان " تاریخچه، گذشته و آینده تئاتر امریکای لاتین

قسمت دوم

در امریکای لاتین این اصطلاح برای همه آشناست، "ملت که نمایش ندارد با حقیقت بیگانه است" و مفهوم این سخن راهنمایی به درستی در می‌یابی که به عین حضور آنرا حس نمائی . اما این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بطور کلی مشخصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تئاتر در کشورهای امریکای لاتین چندان متفاوت است که در مجالی اندک نمی‌توان به همه آنها پرداخت و فراز و فرودهای آن را در سه چهاردهه اخیر نمی‌توان جدا از تحولات تئاتر معاصر جهان بررسی کرد .

قابل ذکر آنکه هریک از کشورهای این قاره در تلاش هستند تا به یک هویت ملی در تئاتر و اساساً هنر خود دست یابند . چیزی که در ریزهای نخست دیدار عمیقاً ذهنم را بخود جلب کرد این نکته بود که علیرغم آشنائی خوانندگان فارسی زبان با ادبیات و هنر امریکای لاتین بخصوص در زمینه رمان که امروزه باشتابانی ریز افزون به سوی پویائی و بالندگی هر چه بیشتر طی طریق می‌کند . صحنه های تئاتر کشورمان اجراهایی از نمایشنامه نویسان این قاره را چنان که باید و شاید بر نتابانده است و جز چند اثر انگشت شمار همچون شب جنایتکاران اثر خوزه تراپانا^۱ (کوبا)، کشتارگاه اثر کارلوس خوزه ریس^۲ (کلمبیا) روشنائی تیره اثر آلوارومن دزلیل^۳ (السالوادور) و همین اواخر مدال درجه یک شجاعت اثر ایزی دورا - آگیره^۴ (بانوی شیلیائی) و یکی دوازده دیگر ... که غالباً سالهای زیادی از تاریخ نگارش آنها سپری گردیده است و این در حالی است که امریکای لاتین سرزمینی است متحول و پویا که همپای زمان در حرکت و جوش است و هر سالی که سپری می‌شود اثری به گنجینه ادبیات جهان

برنامه ریزی جهت تبادل هرچه بیشتر
اجراهای دهنه و تلویزیون .

تبادل و همکاری کارگردانان در سایر کشورهای
امریکای لاتین جهت دستیابی به تجربیات
تازه نکاتی بونکه سمینار در دستور کار خود قرار
داده بود .

در بعد از ظهر دومین روز آقای کارلوس پودیلو
Carlos Podillo بازیگر
و کارگردان پرودر باره منابع الهام در امریکای
لاتین به ایراد سخن پرداخت . سپس آقای
یونکاتا چیلوم Uenca Tachellum
منشی فرهنگی یونسکو پیرامون تفاهم فرهنگها
سخن گفت .

صبح سومین روز طبق برنامه پیش بینی شده
گروه میهمانان سمینار را به دیدار برخی از مراکز

دیدنی شهر مونتئ ویدئو بردند . موزه ملی
اروگوئه ، بنای زیبای پارلمان ، خانه نمایش
اروگوئه ، کلیسای قدیمی شهر و جزیره بسیار
زیبایی در منتهی علیه شهر که آثار نخستین
مقاومت های مردم اروگوئه را در برابر بیگانگان
در خود حفظ نموده و اکنون بصورت برج و موزه ای
بسیار دیدنی همه ساله مورد بازدید میلیونها
مسافر خارجی قرار می گیرد . بعد از ظهر سمینار
کار خود را با سخنان آقای آندره کاستیلو
Andres Castillo دبیر سمینار
پیرامون نمایشنامه نویسی در اروگوئه تا سال
۱۹۹۰ ادامه داد .

سپس سزار هریرا Cesar Herrera
کارگردان و مدیر یکی از تئاترهای مونتئ ویدئو
پیرامون معاصر بودن در صحنه تئاتر سخنانی

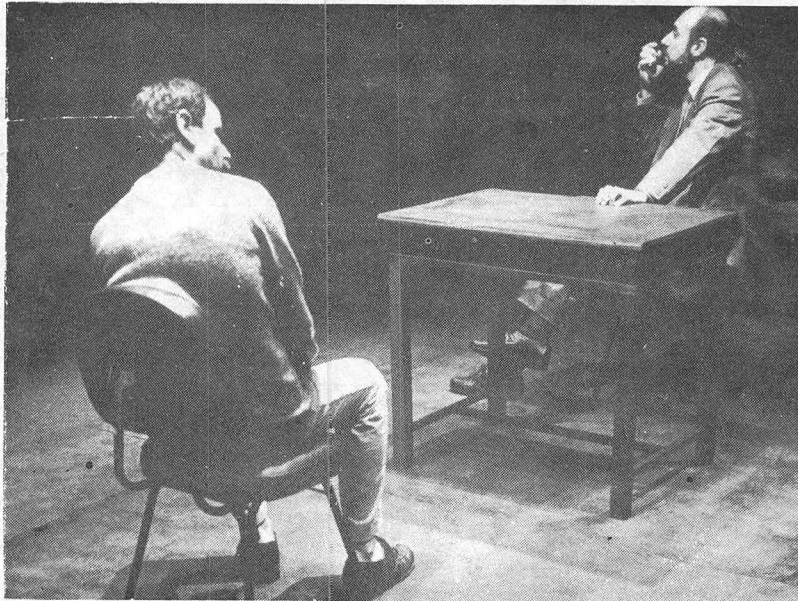
ایراند نمود به سئوالات چند تن از حضار پاسخ
گفت .

در چهارمین روز سمینار ، جورج هاچر
Jorge Hacker کارگردان آرژانتینی
درباره موقعیت تئاتر در آرژانتین و سپس میزا
ریدوندا Mesa Redonda منتقد
ساترا و گوئه درباره آداب تئاتر
(Adaptation) (برگردانهای
تئاتری) در تئاتر اروگوئه و چگونگی تحول
آن سخن گفت .

عدم اطلاع دقیق از پایان سمینار سبب گردید
که نتوانیم در مراسم اختتامیه حضور یابیم ،
بلیط برگشت به اروپا از پیش خریداری شده
بود و امکان تعویض آن عملاً میسر نگردید از این
رو در آخرین روز توقف از دوستانی که همیمان
پذیرایمان شده بودند ضمن تقدیم چند نمونه



يك صحنه از اجرای نمایش مسخ .



یك اجرای تئاتری درمونه ویدئو.

اگر از عشق سخنی به میان آمده به آن صورتی که یونانیان "آگاهیه" یا عشق به همنوعش نامیده اند تجلی کرده است و همین جاست که هنر آمریکای لاتین به ژرف ترین دیدگاه خود دست یافته است و این است اصالت راستین هنر آمریکای لاتین، زنده نگاه داشتن رویای جامعه ای دادگر-تروانسانی تروتاکید بر عواطف و روابطی که از عواطف و روابط صرفاً خصوصی و فردی بسیار وسیع تر است ● ۱۵

- 1- Jose Triana
- 2- Carlos Jose Reyes
- 3- Alvaro Menen
- 4- Isidora Aguirre
- 5- Gabriel Garcia Marquez
- 6- Jorge Luis Borges
- 7- Octavio paz
- 8- Carlos Fuentes
- 9- Mario Vargas Llosa

۱۰- نگاه کنیده مجله دنیای سخن شماره ۱۲ -

شهریورماه ۱۳۶۶

۱۱- فرانسیس کافکا Franz Kafka

نویسنده چک اسلواکی (۱۹۲۴-۱۸۸۳م)

12- Gregor Samsa

۱۳- مسخ اثر فرانسیس کافکا ترجمه فرزانه طاهری

تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم ۱۳۶۸

۱۴ و ۱۵- فرهنگ نودر آمریکای لاتین (جامعه و هنرمند) اثر جین فرانکو Jane Franco

ترجمه مهین دانشور، تهران، انتشارات امیر-

کبیر ۱۳۶۱

بلندکرد، شکم قهوه ای گنبدی شکل خود را دید که به قسمت های محدب و سختی تقسیم می شد و چیزی نمانده بود که تمامی رواندازش بلغزد و از رویش پس برود. پاهای متعدّدش که در قیاس با ضخامت باقی بدنش از فرط لاغری رقت انگیز بودند بی اختیار جلو چشمانش بیخ و تاب می خوردند و با خود گفت: که چه بر سرم آمده است؟ خواب نمی دید. ۱۲. آقای سزار Cesar کارگردان این نمایشنامه در برخورد با اشرار خیال پردازانه کنایی و بی نرحم کافکا که بشدت تکان دهنده است، با آگاهی موفق به ارائه اجرایی بیادماندنی و قابل تحسین می شود بخصوص در صحنه هایی که جرعه خاطرات انسانی در ذهن گرگور ساسا بیدار می شود. صحنه نمایش که به شیوه اکسپرسیونیستی آرایش یافته بود از تاثیر بسیار در خوری بهره مند گردیده بود.

در خاتمه سخنم را با نقل قولی از جین فرانکو که بواقع بیان گر کلیت محتوایی فرهنگ و هنر آمریکای لاتین است به پایان می رسانم: "با نگاهی واپس به فرهنگ آمریکای لاتین تفاوت های قابل ملاحظه آن را با فرهنگ های دیگر درمی یابیم، تفاوت اساسی تنها در مناظر زیبا و زنده های رنگ رنگ نیست که چشم می آید، تفاوت مهم تری در میان است، تفاوتی که بر مبنای تصورات مادر باره هنر تاثیر می کند در حالیکه بسیاری از آثار هنری مغرب زمین به تجارب فردی و مناسبات میان زن و مرد اکتفا دارند، غالب آثار برجسته ادبی و حتی برخی از پرده های نقاشی آمریکای لاتین به پدیده ها و آرمان های اجتماعی توجه بیشتری نشان داده

از ملاحظات نمایش، بروشورها و بولتن های تئاتری قدر دانی و خدا حافظی کردیم.

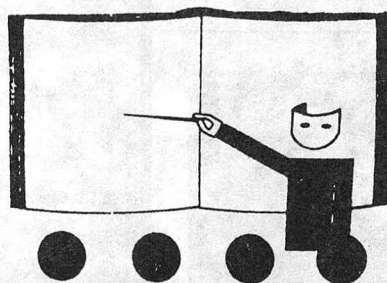
در حاشیه برگزاری سمینار سالن های تئاتر مونه ویدئو روال کاری خود را داشت. ما تنها موفق به دیدار دو نمایش شدیم که هر دو از مدت ها پیش اجرایشان آغاز شده بود.

نخستین اثر نمایشی بود که تحت عنوان "روش زندگی" که توسط یک گروه جوان اروگوئه، درسالنی که شباهت زیادی به تالار مولوی تهران داشت بر صحنه بود. نمایش از سالن انتظار و گفتگوی دوبار بگر با تماشاچیان آغاز می شد و سپس به داخل سالن کشیده می شد.

"روش زندگی" در کل به طرح گوشه هایی از مسئله فرهنگ های بومی و مورد تهاجم واقع شدن این فرهنگها توسط بیگانگان و صورت مقاومت آن در آمریکای لاتین رابه نمایش می گذاشت. در تمام مدت نمایش که دو ساعت و ده دقیقه بطول انجامید بازیگران همگی در صحنه ای بدون دکور و وسائل (تنها یک جاز که موسیقی، ریتم و افکت های نمایش را همراهی می کرد) حضور داشتند و علیرغم جوان بودنشان از بازی هایی روان و یکدست برخوردار بودند. اثر دیگر تحت عنوان "متامورفوزیس" (Metamorphosis) بر اساس رمان

و یادداشت های فرانسیس کافکا^{۱۱} نویسنده چک تنظیم یافته بود و داستان آن همان ماجرای آسایی است که "یک روز صبح گرگور ساسا از خوابی آشفته بیدار شد و فهمید که در تخت خوابش به حشره ای عظیم بدل شده است. پریشانت سخت وزره مانندش خوابیده بود و سرش را کمی

معرفی نشریات تئاتری جهان



ایتالیا

ARCHEVIO DEL TEATRO
ITALIANO

از سال ۱۹۶۸ به صورت نامنظم و باقیمت های
مختلف منتشر می شود

سردبیر: Giovanni Macchia
شماره بین المللی نشریه:

ISSN 0066-6661
آدرس: Edizioni IL Polifilo
Via Borgonuovo 2120121
Milan, Italy

ایتالیا

ARIEL
از سال ۱۹۸۶ به شماره در سال منتشر می شود
حق اشتراك سالیانه ۴۰/۰۰۰ لیر

سردبیر: Alfredo Barbina

آدرس: Istituto di studi
Pirandellia
Pirandelliani
Bulzoni Editore
Via dei Liburni n. 14,
00185 Rome, Italy

ایتالیا

ATTI DELLO PSICODRAMMA

از سال ۱۹۷۵ به صورت سالانه منتشر می شود.

حق اشتراك ۳۵۰۰۰ لیر برای دو سال
با همکاری موسسه تحقیقات پسیکودرام رم.
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

سردبیر: Ottavio Rosati

آدرس: Astrolabio- Vbaldini
Via Lungara 3
00165 Rome
Italy

دانمارك

ARTE NYT

از سال ۱۹۵۸، سه شماره در سال منتشر می شود.
حق اشتراك سالیانه: ۳۵ کرون

شماره بین المللی نشریه:
ISSN 0901- 9901
تیراژ: ۴۵۰۰۰ نسخه

آدرس: Hvidkildevej 64,
2400 Copenhagen NV
Denmark

آمریکا

ASTAN THEATRE JOURNAL

از سال ۱۹۸۴، سالی یک شماره منتشر می شود.
برای افراد: ۱۰ دلار
برای موسسات: ۲۰ دلار

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شماره بین المللی نشریه:

ISSN 0742- 5457

سردبیر: James R. Brandon

آدرس:

University of Hawaii Press
2840 Kolowalu St.,
Honolulu, HI 96822
USA

□ قابل توجه تمامی همکاران و همراهان

□ قلمی

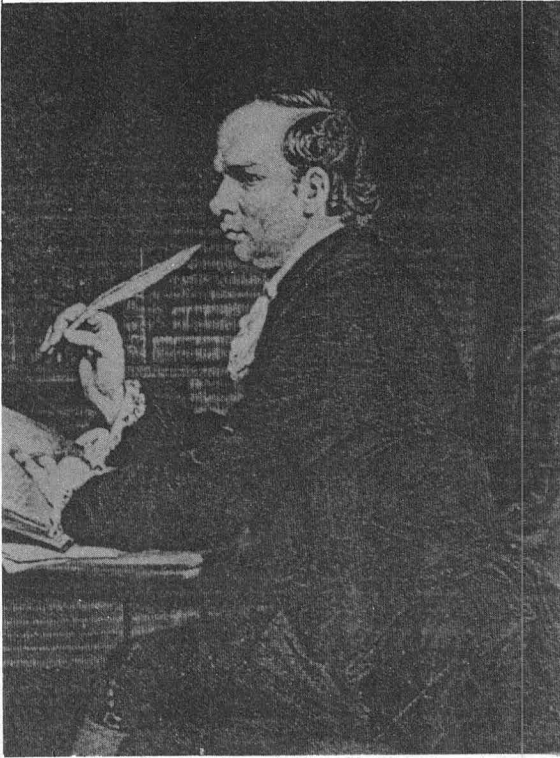
از آنجائی که سعی مجله نمایش، بر انعکاس
اندیشه ها، نگرش و نظرات شما، نقل و طرح آثار، نقدها،
تحقیقات، ترجمه ها و دیگر نوشته های دریافتی دوستان
است؛ یادآوری نکات ذیل جهت رعایت امانت مطلب و
سهولت کار، ضرور می نماید:

- مطالب خود را با خط خوش و خوانا بنویسید، تایپ
مطلب - در صورت امکان - موجب امتنان است.
- فاصله خطوط زیاد باشد.
- یک روی صفحه نوشته شود.
- املاى لاتین اسامی و اصطلاحات خاص آورده شود.
- و یا در صورت لزوم با حروف فونتیک، آوا نویسی
شود.
- منبع و مأخذ مطالب، اشارات، نقل قول ها، و تصاویر
حتماً ذکر شده و معرفی شوند.
- در صورت امکان تصاویر و طرح های الحاقی ارسال
شود.

اطلاعیه

مجله نمایش جهت معرفی کتب و رسالات
«نمایشی» و «در باره نمایش» اعلام آمادگی می نماید.
لذا ناشران محترمی که تمایل به معرفی آثار چاپ
شده یا در دست چاپ خود دارند؛ می توانند با ارسال
سه نسخه از کتاب مورد نظر به دفتر مجله، اقدام به این
امر نمایند.

اولیور گلداسمیت «۱۷۷۴ — ۱۷۲۸ م»



منصور خلیج

و سقم این امر به دست نیامده است.

گلد اسمیت پس از آنکه در لندن سکنی گزید «مدتها در مجله گراب استریت»^۵ که امروز «میلتون استریت» خوانده می شود و بیشتر نویسندگان کم مایه و بسا پرمایه در ازاء مبالغی ناچیز برای ناشران کار می کردند، سرگرم بود^۶ و بانوشتن مطالبی در ژمینه نقد، رسالات مختلف و حتی تاریخ طبیعی روزگار میگذراند.

بالاخره پس از سالها نوشتن نخستین اثری که باعث شهرتش شد و به گونه ای جدی او را مطرح ساخت، کتابی بود در باره «کاوشی در آموزش، پرورش و ادب»^۷ در اروپا که به سال ۱۸۵۹ به چاپ رسید و توجه صاحب نظران را بخود جلب کرد. در سال ۱۷۶۱ گلداسمیت با ساموئل جانسون^۹ که از نویسندگان با نفوذ لندن بود آشنا شد. این آشنائی به دوستی دیرپائی انجامید. هنگامیکه آثار دیگری از گلداسمیت همچون شهروندان دنیا^{۱۱} ۱۷۶۲ و نامه های چینی^{۱۱} شهرت او را مستحکم نمود به اصرار ساموئل جانسون، گلداسمیت به عضویت انجمن

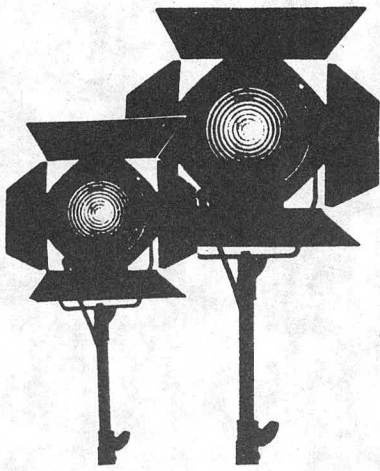
اولیور گلد اسمیت نمایشنامه نویس، شاعر، رمان نویس و نویسنده مقالات در دهم نوامبر ۱۸۲۸ یا ۱۸۳۰ در اردناگو واقع در ایالت روس نامن^۲ در ایرلند دیده به جهان گشود. او پنجمین فرزند از یک خانواده کشاورز متوسط الحال بود که در اصل تباری انگلیسی داشتند. شرایط خانوادگی و استعدادی که خود وی از آن بهره داشت او را قادر ساخت تا تحصیلات مطلوبی را طی کند. نخستین ادوار تحصیل او در دوبلین سپری شد. در سال ۱۷۴۵ وارد کالج ترینیتی^۳ در دوبلین شد و در سال ۱۷۵۰ با درجه ممتاز ترینیتی کالج را ترک کرد و به ادینبرو رفت و به تحصیل رشته طب پرداخت، آنگاه قریب شش سال از عمرش را در سفر به شهرهای اروپا و سیر و تفحص سپری کرد و بالاخره در لندن مستقر شد. برخی از محققین در باره اینکه گلداسمیت دوره دکترایش را تمام و کمال به پایان رسانیده باشد تردید دارند، گروهی براین عقیده اند که ایامی که او در خارج از انگلستان بوده به کسب درجه دکترای نیز نائل آمده است. لیکن تاکنون مدرکی دال بر صحت

تئاتر کلوب^{۱۲} در آمد (۱۷۶۴) و طی سالهای بعد او یکی از بانفوذترین اعضای این انجمن بود. دیگر اعضای این انجمن عبارت بودند از دیوید گاریک^{۱۳}، سرجوشوا رینولدز^{۱۴}، ادموند ورک^{۱۵}، و ادوارد کیبون^{۱۶}. در سال ۱۷۶۶ گلداسمیت رمانی نگاشت تحت عنوان «کشیش و یکفیلد»^{۱۷} که با استقبال چشمگیر از سوی قشر کتابخوان روبرو گردید. اما در عرصه نمایشنامه نویسی طبع آزمائی گلداسمیت با نمایشنامه کمدی «مرد خوش خلق»^{۱۸} در سال ۱۷۶۸ آغاز گردید، این نمایشنامه علیرغم انتظاری که گلداسمیت داشت با اقبالی مواجه نگشت.

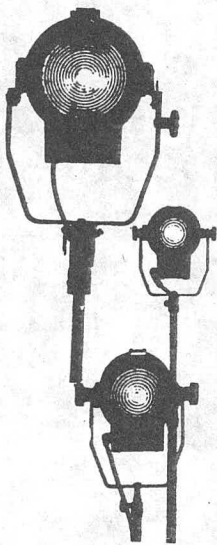
دومین نمایشنامه گلداسمیت پنجسال بعد یعنی به سال ۱۷۷۳ تحت عنوان «ممکن میکند تا سار شود»^{۱۹}، یا اشتباهات یک شب با موفقیت به صحنه رفت و از همان اجراهای نخست تا به امروز همواره به عنوان نمایش مطرح مورد توجه قرار گرفته است.

این آثار همراه با مقالاتی که او در باره نمایش کمدی نگاشت برای گلداسمیت

نور و صدا



عرضه کننده و سازنده
پروژکتور تئاتر و عکاسی
لامپ های صنعتی
دیمرهای الکترونیکی
مخصوص تئاتر



خیابان لاله زارنو - نرسیده به انقلاب

پلاک ۵۶ و ۶۲ - روحانی پور

تلفن - نمایشگاه ۳۸۵۸۵۱۰

فروشگاه ۳۸۵۲۴۱۵

و تئاتر در این شهر برگزار میشود.

۷ - سیر در ادبیات غرب، صفحه ۱۰۷.

۲۳ و ۲۱ - جی. بی. پرستلی

سیری در ادبیات غرب، تهران

شرکت سهامی کتابهای جیبی، ترجمه ابراهیم

یونسی ۱۳۵۲.

۲۲ - ریچارد برینزلی شرایدن

نمایشنامه نویس ایرلندی

(۱۸۱۶ - ۱۷۵۱ م)

1- World Drama Mc Graw-Hill. Encyclopedia. vol 4.

1- Encyclopedia of world Drama - Mc Graw-Hill volume 2.

1- Ardnagow

2- Roscommon

3- Trinity College, Dublin.

Edinburgh

5- Grub Street

6- Milton Street

8- An Enquiry into the present

State of polite Learning in Europe

9- Samuel Johnson (M 1700-1784)

10- The Citizen of the world

11- Chinese Letters

12- The Club

12- The Club

13- David Garrick

14- Sir Joshua Reynolds

15- Edmund Burke

16- Edward Gibbon

17- The Vicar of Wakefield

18- The Good-Natured Man

۲ - سیری در ادبیات غرب - جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی تهران انتشارات

20- The Grumbler

J.B. Priestley

-Richard Brinsley Sheridan

24- Temple Church

موفقتی در خور به همراه آورد و او را بسیار مشهور ساخت، گلداسمیت پیش از مرگی که زود بسراغش آمد موفق به نوشتن نمایشنامه دیگری با نام گرامبلز^{۲۰} (۱۷۷۳) گردید.

گلداسمیت در طول حیات ادبی خود و به مدد انسان دوستی بی پیرایه و گرم و نیز سعی و کوششی که صرف کرد تا متقدین و نویسندگان و نیز افکار عمومی را متوجه مسائل اجتماعی عصر خود نماید، و با نمایشنامه هایش که هر یک در جای خود افق های تازه ای برای نمایشنامه نویسان و هنرمندان گشودند مورد

توجه است و صاحب نظران بخاطر اشعار، مقالات، شیوه داستان نویسی و نگاه او به نمایش کمدی همواره او را تحسین کرده اند. در عرصه تئاتر نمایشنامه هایش همواره مدخلی بوده است برای شناخت سنت نمایشنامه نویسی دراماتیک در انگلستان بنحوی که جی بی پرستلی^{۲۱} در این باره چنین اظهار میدارد: «دو ایرلندی یعنی اولیور گلداسمیت و ریچارد برینزلی شرایدن^{۲۲} با نمایشنامه هائیکه تا به امروز بر صحنه تئاتر مانده اند کمدی را نجات دادند»^{۲۳}

گلداسمیت در سال ۱۷۷۲ نیسختی بیمار شد و دیگر سلامت خود را تا پایان عمر باز نیافت و بالاخره در چهارم آوریل ۱۷۷۴ در حالیکه بیش از ۴۶ سال از عمرش نگذشته بود در گذشت. جسدش را در کلیسای تمپل^{۲۴} لندن بخاک سپردند.

ترجمه و تألیف: منصور خلیج بهار ۶۹

منابع

۲ - سیری در ادبیات غرب - جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی تهران انتشارات

جیبی ۱۳۵۲

پانویس

۴ - یا ادینبورگ، پایتخت اسکاتلند، این شهر در سال ۱۴۳۷ مرکز حکومت اعلام گردید. دارای بناها و آثار تاریخی و موزه ها و کتابخانه های جالب و دانشگاهی قدیمی است که در سال ۱۵۸۲ تأسیس گشت. سالهاست که فستیوال موسیقی



(second place).

A diploma of honor, two Bahare Azadi coins, a complete series of Namayesh Publications books and one year subscription of Namayesh, Film and Photograph magazines to "Massoud Morad Salimi" from Tehran (second place)

A diploma of honor, a Bahare Azadi coin, a complete series of Namayesh Publications books and one year subscription of Namayesh, Film and Photograph magazines to "Majid Khamseh" from Tehran (third place).

Those who took the 4th thru 10th places were also awarded by the jury with a diploma of honor, a complete series of Namayesh Publications books and one year subscription of Namayesh magazine,



Interview with Alain Crombecque the head of Avignon Festival:

At the invitation of Namayesh magazine's editor-in-chief, the head of Avignon Festival of France and his accompanying delegation who were in the Islamic Republic of Iran to see Iranian plays, came to the office of Namayesh magazine and held talks with the editor-in-chief and a number of Namayesh magazine journalists.

At the meeting, the head of Avignon Festival talked about theatre in Iran, particularly Tazieh, and the world theatre.

halls and answering their questions. Clad in uniforms and bearing special cards, these cultural and artistic guides were present at all theatre halls of Tehran.



Japanese Puppets on display at Vahdat Hall

Concurrent with the ninth Fair National Theatre Festival and with the cooperation of the Center of Dramatic Arts and the information and cultural center of the Japanese embassy in Tehran, an exhibition of Japanese puppets was inaugurated at Vahdat Hall.

At the opening ceremony, the ambassador of Japan Mr. "Saito" and the head of the Center of Dramatic Arts, Mr. "Ali Montazeri" gave speeches, after which the exhibition of Japanese puppet was inaugurated by the ambassador of Japan and Culture and Islamic Guidance ministry's artistic deputy Eng. "Khoshrou".

Namayesh magazine holds theatre photography contest:



For the first time in Iran, a theatre photography contest was held by Namayesh magazine. 130 out of 700 shots sent by 32 Tehrani and 31 city photographers were selected by the contest jury. The photos were put on display at Vahdat Hall from Feb. 13 coinciding with the ninth Fair national theatre festival.

The contest jury selected no photographs as the winner but offered its second and other awards as follows:

A diploma of honor, two Bahare Azadi coins, a complete series of Namayesh Publications books and one year subscription of Namayesh, Film and Photograph magazines to "Amir Khademulhosseini" from Birjand city

NAMAYESH

(Theatre)

Monthly Review

Feb.-Mar. 1991

A Journal of: Namayesh Society-The Center
of Dramatic Arts-Ministry of Culture and
Islamic Guidance

Editor-in-Chief: Ali Fathollahzadeh

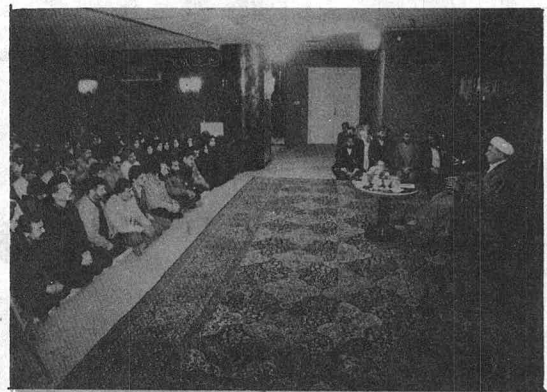
Address: Namayesh Magazine

Vahdat Hall

Arfa Street

Hafez Ave.

Tehran-Islamic Republic of Iran



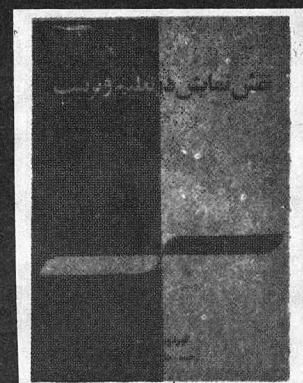
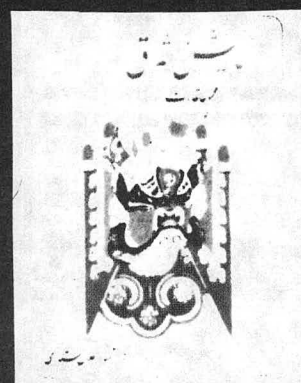
Theatre artists of the country met with the President.

Theatre artists and authorities participating in the ninth Fair National Theatre Festival met with the President. Hojjatoleslam Valmoslemin Hashemi Rafsanjani. At the meeting, Mr. Hashemi Rafsanjani stressed the support of the country's officials for the artistic community, saying: "With his divine nature, the artist should breathe in this clean atmosphere and be committed. Doubtlessly in such a situation art and the artist would be purposeful, valuable and respectable". The artistic deputy of Culture and Islamic Guidance Ministry, Engineer "Khoshrou" and the head of the Center of Dramatic Arts, Mr. "Ali Montazeri" were present at the meeting.

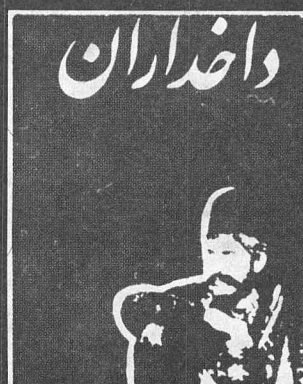
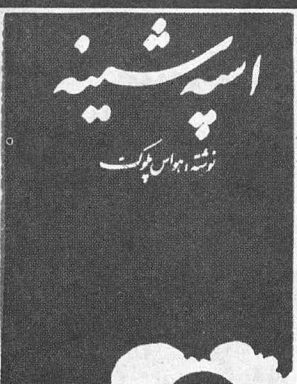
Cultural and artistic guide:

A new and praiseworthy step was taken at the ninth Fair National Theatre Festival. with the efforts of the 9th FNTF organizers, some students of the School of Arts were given the special responsibility of guiding the audience inside theatre

انتشارات نمایش منتشر کرده است:



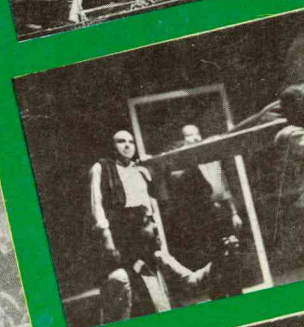
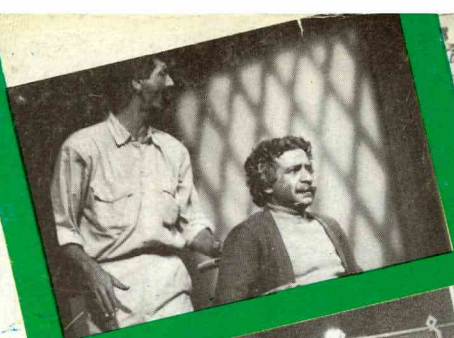
انتشارات نمایش منتشر کرده است:





نهمین جشنواره

TEHRAN - 13-19 Feb 1991



مصاحبه اختصاصی
بارئیس فستیوال آوینیون

گزارش نمایشگاه
عروسکهای ژاپنی
«اولیور گلداسمیت»

مرکز تئاتر تجربی دانشجویان

دانشکده هنرهای زیبا
در ششمین جشنواره تئاتر دانشجویان کشور

کاشان ۱۱ الی ۱۷ اسفند

خاکستان

نویسنده و کارگردان

سعید ذهنی



صلح زئوس

نویسنده و کارگردان

اسماعیل شفیعی



مات

نویسنده فرهاد فرشته حکمت

کارگردان هوشنگ میهاوند



زیباترین گل‌های قالی

نویسنده و کارگردان

امیر ذاکام

